



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

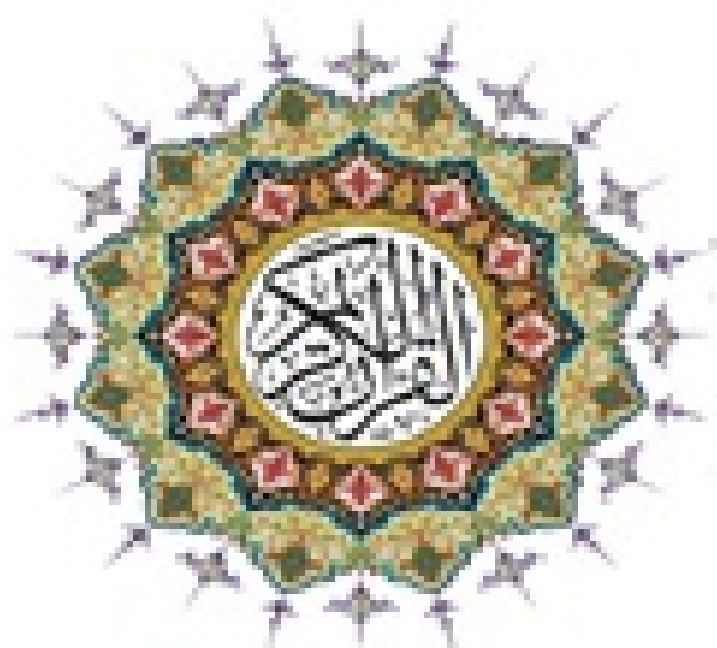
.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۵۹

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 59

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۵۲	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۵۹
۵۲	مشخصات کتاب
۵۲	۱- سرمایه
۵۲	۱- اهمیت سرمایه
۵۲	۲- تباهی سرمایه خود
۵۳	۳- تباهی سرمایه عمر
۵۴	۴- سرمایه اخروی انسان
۵۵	۵- سرمایه انسان
۵۸	۶- سرمایه بخیل
۵۸	۷- سرمایه عمر
۵۹	۸- ناپایداری سرمایه گذاری مادی
۶۱	۲- سرمستی
۶۱	۱- آثار سرمستی
۶۳	۲- آثار سرمستی اقوام پیشین
۶۳	۳- آثار سرمستی قوم ثمود
۶۵	۴- آثار سرمستی قوم لوط
۶۵	۵- آثار سرمستی کافران
۶۶	۶- آثار سرمستی مشرکان
۶۷	۷- آثار سرمستی مشرکان صدراسلام
۶۷	۸- اجتناب از سرمستی
۶۷	۹- راه رفتن با سرمستی
۶۹	۱۰- زمینه سرمستی
۶۹	۱۱- ساجدان و سرمستی

۶۹	۱۲- سرمستی اصحاب شمال
۷۱	۱۳- سرمستی در رفاه
۷۱	۱۴- سرمستی قوم ثمود
۷۱	۱۵- سرمستی قوم لوط
۷۲	۱۶- سرمستی کافران
۷۳	۱۷- سرمستی گناهکاران
۷۳	۱۸- عابدان و سرمستی
۷۳	۱۹- عوامل رفع سرمستی
۷۳	۲۰- موانع سرمستی
۷۵	۲۱- مؤمنان و سرمستی
۷۵	۲۲- ناپسندی سرمستی
۷۵	۲۳- عبرت ناپذیری سرمستان
۷۵	۲۴- محرومیت سرمستان
۷۷	۳- سرنوشت
۷۷	۱- آثار مطالعه سرنوشت اقوام پیشین
۷۷	۲- انبیا و سرنوشت انسانها
۷۷	۳- انذار از سرنوشت اخروی
۷۷	۴- اهمیت سرنوشت اقوام پیشین
۷۹	۵- اهمیت سرنوشت فرزند
۷۹	۶- برادران یوسف و سرنوشت یوسف(ع)
۷۹	۷- تحقیق در سرنوشت اقوام پیشین
۷۹	۸- تذکر سرنوشت پیشینیان
۸۱	۹- تعیین سرنوشت در قیامت
۸۱	۱۰- تفکر در سرنوشت
۸۱	۱۱- تقدیر سرنوشت انسان
۸۱	۱۲- حاکم سرنوشت

- ۱۳- ذکر سرنوشت کافران ۸۳
- ۱۴- ذکر سرنوشت مؤمنان ۸۳
- ۱۵- سرنوشت اقوام پیشین ۸۳
- ۱۶- سرنوشت امت ها ۸۵
- ۱۷- سرنوشت انسان ۸۵
- ۱۸- سرنوشت انسان ها ۹۱
- ۱۹- سرنوشت اهل بصیرت ۹۱
- ۲۰- سرنوشت اهل کتاب ۹۳
- ۲۱- سرنوشت بنی نضیر ۹۳
- ۲۲- سرنوشت جاهلان ۹۳
- ۲۳- سرنوشت خانواده ظالمان ۹۴
- ۲۴- سرنوشت خانواده گمراهان ۹۵
- ۲۵- سرنوشت شوم سنگدلان ۹۵
- ۲۶- سرنوشت شوم کافران ۹۵
- ۲۷- سرنوشت شوم مشرکان ۹۵
- ۲۸- سرنوشت ظالمان ۹۶
- ۲۹- سرنوشت علما ۹۷
- ۳۰- سرنوشت عیسی (ع) ۹۷
- ۳۱- سرنوشت غزوه بدر ۹۷
- ۳۲- سرنوشت فاقدان بصیرت ۹۸
- ۳۳- سرنوشت فرزندان ۹۹
- ۳۴- سرنوشت قوم تبع ۹۹
- ۳۵- سرنوشت کافران ۹۹
- ۳۶- سرنوشت کوردلان ۱۰۳
- ۳۷- سرنوشت گمراهان ۱۰۳
- ۳۸- سرنوشت گناهکاران ۱۰۴

- ۳۹- سرنوشت ماهی قصه موسی(ع) ----- ۱۰۵
- ۴۰- سرنوشت متقین ----- ۱۰۵
- ۴۱- سرنوشت مجادله گران در آیات خدا ----- ۱۰۵
- ۴۲- سرنوشت محسنان ----- ۱۰۶
- ۴۳- سرنوشت مشرکان ----- ۱۰۷
- ۴۴- سرنوشت مکذبان آیات خدا ----- ۱۰۷
- ۴۵- سرنوشت منافقان ----- ۱۰۷
- ۴۶- سرنوشت موجودات ----- ۱۰۹
- ۴۷- سرنوشت مؤمنان ----- ۱۰۹
- ۴۸- سرنوشت یهود ----- ۱۱۲
- ۴۹- عبرت از سرنوشت اقوام پیشین ----- ۱۱۳
- ۵۰- عبرت از سرنوشت امت ها ----- ۱۱۳
- ۵۱- عبرت از سرنوشت پیشینیان ----- ۱۱۳
- ۵۲- عبرت از سرنوشت ظالمان ----- ۱۱۵
- ۵۳- عبرت از سرنوشت گناهکاران ----- ۱۱۵
- ۵۴- عبرت از سرنوشت مکذبان انبیا ----- ۱۱۵
- ۵۵- عوامل تعیین سرنوشت ----- ۱۱۵
- ۵۶- عوامل مؤثر در سرنوشت ----- ۱۱۶
- ۵۷- عوامل مؤثر در سرنوشت ----- ۱۱۷
- ۵۸- عوامل مؤثر در سرنوشت آیندگان ----- ۱۳۹
- ۵۹- عوامل مؤثر در سرنوشت اخروی ----- ۱۴۰
- ۶۰- عوامل مؤثر در سرنوشت اقوام ----- ۱۴۷
- ۶۱- عوامل مؤثر در سرنوشت امت ها ----- ۱۴۸
- ۶۲- عوامل مؤثر در سرنوشت انبیا ----- ۱۴۹
- ۶۳- عوامل مؤثر در سرنوشت انسان ----- ۱۴۹
- ۶۴- عوامل مؤثر در سرنوشت انسان ها ----- ۱۴۹

۱۵۱	۶۵- عوامل مؤثر در سرنوشت جنیان
۱۵۱	۶۶- عوامل مؤثر در سرنوشت مشرکان صدراسلام
۱۵۱	۶۷- عوامل مؤثر در سرنوشت مؤمنان صدراسلام
۱۵۱	۶۸- غفلت از سرنوشت اقوام پیشین
۱۵۳	۶۹- قانونمندی سرنوشت امت ها
۱۵۳	۷۰- محمد(صلی الله علیه و آله) و سرنوشت اقوام پیشین
۱۵۳	۷۱- مطالعه در سرنوشت ظالمان
۱۵۳	۷۲- مطالعه سرنوشت اقوام پیشین
۱۵۵	۷۳- مطالعه سرنوشت ظالمان
۱۵۵	۷۴- منشأ تعیین سرنوشت اخروی
۱۵۶	۷۵- منشأ سرنوشت اخروی
۱۵۷	۷۶- منشأ سرنوشت اقوام
۱۵۷	۷۷- منشأ سرنوشت انسان
۱۵۷	۷۸- منشأ سرنوشت جنیان
۱۵۸	۷۹- منشأ سرنوشت جوامع
۱۵۹	۸۰- نقش سرنوشت انسان
۱۵۹	۸۱- نگرانی از سرنوشت اخروی
۱۵۹	۸۲- نگرانی از سرنوشت بنیامین
۱۶۰	۸۳- وقت تعیین سرنوشت
۱۶۲	۴- سرور
۱۶۲	۱- آثار افراط در سرور
۱۶۲	۲- آثار سرور
۱۶۴	۳- آثار سرور اخروی اصحاب یمین
۱۶۴	۴- آثار سرور بیجا
۱۶۴	۵- اجتناب از افراط در سرور
۱۶۵	۶- ارزش سرور اخروی

- ۷- ارزش سرور دنیوی ۱۶۶
- ۸- اظهار سرور از شرح صدر ۱۶۶
- ۹- اعتدال در سرور ۱۶۶
- ۱۰- افراط در سرور ۱۶۸
- ۱۱- انسان هنگام سرور ۱۶۸
- ۱۲- اهمیت سرور ۱۶۸
- ۱۳- بشارت سرور ۱۶۹
- ۱۴- جاودانگی سرور بهشتیان ۱۷۰
- ۱۵- جایگاه سرور ۱۷۰
- ۱۶- زمینه سرور ۱۷۰
- ۱۷- زمینه سرور اخروی ۱۷۰
- ۱۸- زمینه سرور اخروی محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۷۲
- ۱۹- زمینه سرور انسان ها ۱۷۲
- ۲۰- زمینه سرور مریم(س) ۱۷۲
- ۲۱- سرزنش افراط در سرور ۱۷۳
- ۲۲- سرزنش سرور برای امکانات مادی ۱۷۴
- ۲۳- سرور اخروی ابرار ۱۷۴
- ۲۴- سرور اخروی اصحاب یمین ۱۷۵
- ۲۵- سرور اخروی پیروان ادیان ۱۷۶
- ۲۶- سرور اخروی خنده رویان ۱۷۶
- ۲۷- سرور اخروی زیبارویان ۱۷۶
- ۲۸- سرور اخروی صالحان ۱۷۸
- ۲۹- سرور اخروی متقین ۱۷۸
- ۳۰- سرور اخروی متنعمان ۱۸۰
- ۳۱- سرور اخروی محسنان ۱۸۰
- ۳۲- سرور اخروی مؤمنان ۱۸۰

- ۳۳- سرور اخروی مهتدین ۱۸۲
- ۳۴- سرور از استماع قرآن ۱۸۲
- ۳۵- سرور از رفاه ۱۸۲
- ۳۶- سرور از مخالفت با دین ۱۸۴
- ۳۷- سرور از مخالفت با محمد(صلی الله علیه و آله) ۱۸۴
- ۳۸- سرور از وفور نعمت ۱۸۴
- ۳۹- سرور انسان ها ۱۸۴
- ۴۰- سرور برادران یوسف ۱۸۵
- ۴۱- سرور برای امکانات مادی ۱۸۶
- ۴۲- سرور بهشتیان ۱۸۶
- ۴۳- سرور جایز ۱۸۸
- ۴۴- سرور حزب گرایان ۱۸۸
- ۴۵- سرور خوشنامی ۱۸۸
- ۴۶- سرور در بهشت ۱۸۸
- ۴۷- سرور در رفاه ۱۹۰
- ۴۸- سرور دنیوی جهنمیان ۱۹۰
- ۴۹- سرور ساقی کاروان یابنده یوسف ۱۹۰
- ۵۰- سرور سلیمان(ع) ۱۹۰
- ۵۱- سرور صایران ۱۹۰
- ۵۲- سرور ظالمان ۱۹۲
- ۵۳- سرور غافلان ۱۹۲
- ۵۴- سرور قوم لوط ۱۹۲
- ۵۵- سرور کافران ۱۹۲
- ۵۶- سرور متخلفان از غزوه تبوک ۱۹۴
- ۵۷- سرور محسنان ۱۹۴
- ۵۸- سرور مردان بهشتی ۱۹۴

- ۵۹- سرور مستبدان ۱۹۶
- ۶۰- سرور مسلمانان ۱۹۶
- ۶۱- سرور مشرکان ۱۹۶
- ۶۲- سرور منافقان ۱۹۶
- ۶۳- سرور منافقان صدر اسلام ۱۹۸
- ۶۴- سرور موحدان ۱۹۸
- ۶۵- سرور مؤمنان ۱۹۸
- ۶۶- سرور مؤمنان صدراسلام ۱۹۸
- ۶۷- سرور ناپسند ۲۰۰
- ۶۸- سرور همسران بهشتی ۲۰۰
- ۶۹- شکر هنگام سرور ۲۰۲
- ۷۰- صابران و سرور ۲۰۲
- ۷۱- عوامل تعدیل سرور دنیوی ۲۰۲
- ۷۲- عوامل سرور ۲۰۲
- ۷۳- عوامل سرور آسیه ۲۰۸
- ۷۴- عوامل سرور اخروی ۲۰۹
- ۷۵- عوامل سرور اصحاب یمین ۲۱۰
- ۷۶- عوامل سرور بهشتیان ۲۱۰
- ۷۷- عوامل سرور در قیامت ۲۱۲
- ۷۸- عوامل سرور ساره ۲۱۲
- ۷۹- عوامل سرور فرعون ۲۱۳
- ۸۰- عوامل سرور قارون ۲۱۴
- ۸۱- عوامل سرور کافران ۲۱۴
- ۸۲- عوامل سرور کشاورزان ۲۱۴
- ۸۳- عوامل سرور مادر ۲۱۵
- ۸۴- عوامل سرور مادر موسی(ع) ۲۱۶

- ۲۱۶-----۸۵- عوامل سرور مسیحیان
- ۲۱۶-----۸۶- عوامل سرور مشرکان
- ۲۱۸-----۸۷- عوامل سرور مشرکان جاهلیت
- ۲۱۸-----۸۸- عوامل سرور مشرکان مکه
- ۲۱۸-----۸۹- عوامل سرور مؤمنان
- ۲۱۸-----۹۰- عوامل سرور مؤمنان صدر اسلام
- ۲۲۰-----۹۱- عوامل سرور والدین
- ۲۲۰-----۹۲- عوامل سرور یهود
- ۲۲۰-----۹۳- کمی سرور دنیوی
- ۲۲۰-----۹۴- کمی سرور گناهکاران
- ۲۲۲-----۹۵- کمی سرور منافقان
- ۲۲۲-----۹۶- متخلفان از جهاد و سرور
- ۲۲۲-----۹۷- محرومیت از سرور اخروی
- ۲۲۳-----۹۸- منشأ سرور
- ۲۲۴-----۹۹- ناپایداری سرور دنیوی
- ۲۲۴-----۱۰۰- ناپایداری سرور دنیوی کافران
- ۲۲۴-----۱۰۱- نعمت سرور
- ۲۲۶-----۵- سرگرمی
- ۲۲۶-----۱- اشتغال به سرگرمی
- ۲۲۶-----۲- دین سازی با سرگرمی
- ۲۲۶-----۳- سرگرمی با آفرینش
- ۲۲۸-----۴- سرگرمی با موجودات
- ۲۲۸-----۵- سرگرمی به دنیا
- ۲۲۸-----۶- سرگرمی بهشتیان
- ۲۳۰-----۷- سرگرمی دنیوی
- ۲۳۰-----۸- سرگرمی کافران

- ۹- سرگرمی کافران صدراسلام ۲۳۰
- ۱۰- سرگرمی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ۲۳۱
- ۶- سست ایمانان ۲۳۳
- ۱- آثار اذیت سست ایمانان ۲۳۳
- ۲- آثار عجز سست ایمانان ۲۳۳
- ۳- ادعای سست ایمانان ۲۳۳
- ۴- اضطراب سست ایمانان ۲۳۳
- ۵- بینش سست ایمانان ۲۳۴
- ۶- ذلت سست ایمانان ۲۳۴
- ۷- زمینه تشخیص سست ایمانان ۲۳۶
- ۸- سختی مرگ سست ایمانان ۲۳۶
- ۹- سست ایمانان در جهاد ۲۳۶
- ۱۰- سست ایمانان صدراسلام ۲۳۶
- ۱۱- عجز سست ایمانان ۲۳۸
- ۱۲- محرومیت سست ایمانان ۲۳۸
- ۱۳- مشکلات زندگی سست ایمانان ۲۳۸
- ۱۴- نفرین بر سست ایمانان ۲۳۸
- ۱۵- هشدار به سست ایمانان ۲۴۰
- ۷- سستی ۲۴۱
- ۱- آثار سستی در تبلیغ ۲۴۱
- ۲- آثار سستی در تکلیف ۲۴۱
- ۳- آثار سستی در جنگ ۲۴۱
- ۴- آثار سستی در جهاد ۲۴۱
- ۵- آثار سستی در نماز ۲۴۲
- ۶- آثار سستی مسلمانان صدر اسلام ۲۴۲
- ۷- اجتناب از سستی ۲۴۴

- ۲۴۴ ----- ۸- ترک سستی در تبلیغ -----
- ۲۴۴ ----- ۹- ترک سستی در جهاد -----
- ۲۴۵ ----- ۱۰- حرمت سستی در نماز -----
- ۲۴۶ ----- ۱۱- زمینه سازی سستی در دینداری -----
- ۲۴۶ ----- ۱۲- زمینه سستی -----
- ۲۴۶ ----- ۱۳- زمینه سستی در ایمان -----
- ۲۴۷ ----- ۱۴- زمینه سستی در حقوق والدین -----
- ۲۴۸ ----- ۱۵- زمینه سستی در عمل -----
- ۲۴۸ ----- ۱۶- زمینه سستی روابط عاطفی مؤمنان -----
- ۲۴۸ ----- ۱۷- زمینه سستی عقیده -----
- ۲۵۰ ----- ۱۸- سرزنش سستی در جهاد -----
- ۲۵۰ ----- ۱۹- سرزنش سستی در حق طلبی -----
- ۲۵۰ ----- ۲۰- سرزنش سستی در نماز -----
- ۲۵۰ ----- ۲۱- سستی آسمان -----
- ۲۵۱ ----- ۲۲- سستی استحکامات بشری -----
- ۲۵۲ ----- ۲۳- سستی استخوان زکریا(ع) -----
- ۲۵۲ ----- ۲۴- سستی اصحاب الجنه -----
- ۲۵۲ ----- ۲۵- سستی خانه عنکبوت -----
- ۲۵۴ ----- ۲۶- سستی خانه های قوم عاد -----
- ۲۵۴ ----- ۲۷- سستی در پیری -----
- ۲۵۴ ----- ۲۸- سستی در تسبیح خدا -----
- ۲۵۵ ----- ۲۹- سستی در تکلیف -----
- ۲۵۶ ----- ۳۰- سستی در حمد خدا -----
- ۲۵۶ ----- ۳۱- سستی در دین -----
- ۲۵۶ ----- ۳۲- سستی در عمل به تکلیف -----
- ۲۵۷ ----- ۳۳- سستی در مسلمانان صدر اسلام -----

- ۲۵۸ ----- ۳۴- سستی در نماز
- ۲۵۹ ----- ۳۵- سستی در مؤمنان
- ۲۶۰ ----- ۳۶- سستی زمین در قیامت
- ۲۶۰ ----- ۳۷- سستی شرک
- ۲۶۰ ----- ۳۸- سستی عوامل دشمنی
- ۲۶۱ ----- ۳۹- سستی کفر
- ۲۶۲ ----- ۴۰- سستی مکر کافران
- ۲۶۲ ----- ۴۱- سستی منافقان
- ۲۶۲ ----- ۴۲- عوامل سستی ایمان
- ۲۶۳ ----- ۴۳- عوامل سستی در جنگ
- ۲۶۴ ----- ۴۴- عوامل سستی در جهاد
- ۲۶۶ ----- ۴۵- عوامل سستی در عقیده
- ۲۶۶ ----- ۴۶- عوامل سستی در نماز
- ۲۶۷ ----- ۴۷- عوامل سستی عقیده
- ۲۶۸ ----- ۴۸- کیفر سستی در نماز
- ۲۶۸ ----- ۴۹- گناه سستی در نماز
- ۲۶۸ ----- ۵۰- ممنوعیت سستی در انفاق
- ۲۶۸ ----- ۵۱- موانع سستی
- ۲۷۰ ----- ۵۲- موانع سستی در عبادت
- ۲۷۰ ----- ۵۳- موجبات سستی در جنگ
- ۲۷۰ ----- ۵۴- نهی از سستی در اجرای حدود
- ۲۷۰ ----- ۵۵- نهی از سستی در مبارزه
- ۲۷۳ ----- ۸- سطحی نگری
- ۲۷۳ ----- ۱- آثار اجتناب از سطحی نگری
- ۲۷۳ ----- ۲- آثار سطحی نگری
- ۲۷۷ ----- ۳- آثار سطحی نگری کافران

- ۴- آثار سطحی نگری منافقان ۲۷۹
- ۵- سرزنش سطحی نگری ۲۷۹
- ۶- سطحی نگری انسان ۲۸۰
- ۷- سطحی نگری بادیه نشینان صدر اسلام ۲۸۱
- ۸- سطحی نگری به زندگی دنیوی ۲۸۱
- ۹- سطحی نگری حق ناپذیران ۲۸۳
- ۱۰- سطحی نگری فرعون ۲۸۳
- ۱۱- سطحی نگری فرعونیان ۲۸۳
- ۱۲- سطحی نگری قوم ابراهیم ۲۸۵
- ۱۳- سطحی نگری کافران ۲۸۵
- ۱۴- سطحی نگری مردم صدر اسلام ۲۸۷
- ۱۵- سطحی نگری مستکبران ۲۸۷
- ۱۶- سطحی نگری مشرکان ۲۸۷
- ۱۷- سطحی نگری مشرکان صدر اسلام ۲۸۹
- ۱۸- سطحی نگری منافقان ۲۸۹
- ۱۹- نشانه های سطحی نگری ۲۸۹
- ۲۰- نهی از سطحی نگری ۲۹۱
- ۲۱- آثار سطحی نگرانی ۲۹۱
- ۹- سعادت ۲۹۲
- ۱- سعادت ۲۹۲
- ۲- آثار اطمینان به سعادت اخروی ۲۹۲
- ۳- آثار سعادت ۲۹۴
- ۴- آثار سعادت دنیوی ۲۹۴
- ۵- آرزوی سعادت انسانها ۲۹۴
- ۶- اجتناب از موانع سعادت ۲۹۴
- ۷- ادعای سعادت اخروی ۲۹۵

- ۸- ارزش سعادت اخروی ۲۹۶
- ۹- ارزش سعادت خواهی ۲۹۶
- ۱۰- امیدواری به سعادت ۲۹۶
- ۱۱- انتخاب سعادت ۲۹۷
- ۱۲- اهمیت درخواست سعادت ۲۹۸
- ۱۳- اهمیت سعادت اخروی ۲۹۸
- ۱۴- اهمیت سعادت خانواده ۲۹۸
- ۱۵- اهمیت سعادت خویشاوندان ۲۹۸
- ۱۶- اهمیت سعادت طلبی ۳۰۰
- ۱۷- بشارت سعادت مؤمنان ۳۰۰
- ۱۸- تبیین سعادت ۳۰۰
- ۱۹- تذکر سعادت متقین ۳۰۰
- ۲۰- تلاش برای سعادت اخروی ۳۰۱
- ۲۱- توفیق سعادت اخروی ۳۰۲
- ۲۲- حتمیت سعادت اخروی مهتدین ۳۰۲
- ۲۳- حقیقت سعادت ۳۰۲
- ۲۴- درخواست سعادت اخروی ۳۰۳
- ۲۵- دشمنان سعادت انسان ۳۰۴
- ۲۶- دعوت به سعادت اخروی ۳۰۴
- ۲۷- دعوت به سعادت دنیوی ۳۰۴
- ۲۸- راههای سعادت ۳۰۶
- ۲۹- رهبری و سعادت مردم ۳۰۶
- ۳۰- زمینه سعادت ۳۰۶
- ۳۱- زمینه سعادت اخروی ۳۱۰
- ۳۲- زمینه سعادت انسان ۳۱۴
- ۳۳- زمینه سعادت دنیوی ۳۱۵

- ۳۱۶ سرزنش اطمینان به سعادت ۳۴
- ۳۱۷ سعادت ابراهیم(ع) ۳۵
- ۳۱۸ سعادت اجابت کنندگان خدا ۳۶
- ۳۱۸ سعادت اخروی ۳۷
- ۳۲۰ سعادت اخروی انسان ۳۸
- ۳۲۰ سعادت اخروی انفاقگران ۳۹
- ۳۲۱ سعادت اخروی صالحان ۴۰
- ۳۲۲ سعادت اخروی متقین ۴۱
- ۳۲۳ سعادت اخروی موحدان ۴۲
- ۳۲۴ سعادت اخروی مؤمنان ۴۳
- ۳۲۶ سعادت اخروی مهتدین ۴۴
- ۳۲۶ سعادت اخروی ولای عتق ۴۵
- ۳۲۶ سعادت اصحاب یمین ۴۶
- ۳۲۶ سعادت پاکان ۴۷
- ۳۲۸ سعادت جامعه دینی ۴۸
- ۳۲۸ سعادت خداترسان ۴۹
- ۳۲۸ سعادت خواهی رهبری ۵۰
- ۳۲۹ سعادت در بهشت ۵۱
- ۳۳۰ سعادت در قیامت ۵۲
- ۳۳۰ سعادت دنیوی ۵۳
- ۳۳۲ سعادت دنیوی انسان ۵۴
- ۳۳۲ سعادت دنیوی مؤمنان ۵۵
- ۳۳۲ سعادت روز ها ۵۶
- ۳۳۴ سعادت شهیدان ۵۷
- ۳۳۴ سعادت طلبی انسان ۵۸
- ۳۳۴ سعادت طلبی اولیاء الله ۵۹

- ۳۳۵ ۶۰- سعادت طلبی بندگان خدا
- ۳۳۶ ۶۱- سعادت طلبی قوم ثمود
- ۳۳۶ ۶۲- سعادت طلبی متقین
- ۳۳۶ ۶۳- سعادت طلبی مؤمنان
- ۳۳۸ ۶۴- سعادت عبرت پذیران
- ۳۳۸ ۶۵- سعادت فرزند
- ۳۳۸ ۶۶- سعادت متقین
- ۳۳۹ ۶۷- سعادت مجاهدان
- ۳۴۰ ۶۸- سعادت محسنان
- ۳۴۰ ۶۹- سعادت مسلمانان
- ۳۴۰ ۷۰- سعادت مسیحیان
- ۳۴۲ ۷۱- سعادت مؤمنان
- ۳۴۴ ۷۲- سعادت مهاجران
- ۳۴۴ ۷۳- شرایط سعادت
- ۳۴۴ ۷۴- شرایط سعادت اخروی
- ۳۴۶ ۷۵- شرایط سعادت بنی اسرائیل
- ۳۴۶ ۷۶- شرایط سعادت دنیوی
- ۳۴۶ ۷۷- شرایط سعادت گناهکاران
- ۳۴۷ ۷۸- عوامل سعادت
- ۳۷۴ ۷۹- عوامل سعادت اخروی
- ۳۸۴ ۸۰- عوامل سعادت اخروی مهاجران
- ۳۸۴ ۸۱- عوامل سعادت خانواده
- ۳۸۶ ۸۲- عوامل سعادت دنیوی
- ۳۸۷ ۸۳- عوامل سعادت دنیوی مهاجران
- ۳۸۸ ۸۴- عوامل سعادت عابدان
- ۳۸۸ ۸۵- عوامل سعادت فرزند

- ۳۸۸ ----- ۸۶- عوامل سعادت مؤمنان -
- ۳۹۰ ----- ۸۷- عوامل محرومیت از سعادت -
- ۳۹۰ ----- ۸۸- عوامل محرومیت از سعادت اخروی -
- ۳۹۰ ----- ۸۹- عوامل مؤثر در سعادت -
- ۳۹۰ ----- ۹۰- عوامل مؤثر در سعادت اخروی -
- ۳۹۱ ----- ۹۱- عوامل مؤثر در سعادت امت ها -
- ۳۹۲ ----- ۹۲- عوامل مؤثر در سعادت فرزند -
- ۳۹۲ ----- ۹۳- قانونمندی سعادت -
- ۳۹۲ ----- ۹۴- قانونمندی سعادت انسان ها -
- ۳۹۳ ----- ۹۵- گرایش به سعادت -
- ۳۹۴ ----- ۹۶- محرومان از سعادت -
- ۳۹۴ ----- ۹۷- محرومان از سعادت اخروی -
- ۳۹۴ ----- ۹۸- محرومیت از سعادت -
- ۳۹۶ ----- ۹۹- مدعیان سعادت اخروی -
- ۳۹۶ ----- ۱۰۰- ملاک سعادت -
- ۳۹۸ ----- ۱۰۱- ملاکهای سعادت -
- ۳۹۸ ----- ۱۰۲- منشأ سعادت -
- ۴۰۰ ----- ۱۰۳- منشأ سعادت اخروی -
- ۴۰۰ ----- ۱۰۴- منشأ سعادت عیسی(ع) -
- ۴۰۱ ----- ۱۰۵- موارد سعادت -
- ۴۰۲ ----- ۱۰۶- موانع سعادت -
- ۴۰۴ ----- ۱۰۷- موانع سعادت اخروی -
- ۴۰۴ ----- ۱۰۸- موانع سعادت اخروی قارون -
- ۴۰۵ ----- ۱۰۹- موانع سعادت اصحاب کهف -
- ۴۰۶ ----- ۱۱۰- نشانه های سعادت -
- ۴۰۶ ----- ۱۱۱- نشانه های سعادت اخروی -

- ۴۰۷ ----- ۱۱۲- نشانه های سعادت بهشتیان
- ۴۰۸ ----- ۱۱۳- نشانه های محرومیت از سعادت
- ۴۰۸ ----- ۱۱۴- یأس یهود از سعادت اخروی
- ۴۰۸ ----- ۱۱۵- سعادت اخروی
- ۴۰۸ ----- ۱۱۶- ادعای سعادت اخروی
- ۴۱۰ ----- ۱۱۷- ارزش سعادت اخروی
- ۴۱۰ ----- ۱۱۸- اهمیت سعادت اخروی
- ۴۱۰ ----- ۱۱۹- تلاش برای سعادت اخروی
- ۴۱۰ ----- ۱۲۰- توفیق سعادت اخروی
- ۴۱۲ ----- ۱۲۱- حتمیت سعادت اخروی مهندین
- ۴۱۲ ----- ۱۲۲- درخواست سعادت اخروی
- ۴۱۲ ----- ۱۲۳- دعوت به سعادت اخروی
- ۴۱۴ ----- ۱۲۴- زمینه سعادت اخروی
- ۴۱۸ ----- ۱۲۵- سعادت اخروی
- ۴۲۰ ----- ۱۲۶- سعادت اخروی انسان
- ۴۲۰ ----- ۱۲۷- سعادت اخروی انفاقگران
- ۴۲۲ ----- ۱۲۸- سعادت اخروی صالحان
- ۴۲۲ ----- ۱۲۹- سعادت اخروی متقین
- ۴۲۴ ----- ۱۳۰- سعادت اخروی موحدان
- ۴۲۴ ----- ۱۳۱- سعادت اخروی مؤمنان
- ۴۲۶ ----- ۱۳۲- سعادت اخروی مهندین
- ۴۲۶ ----- ۱۳۳- سعادت اخروی ولای عتق
- ۴۲۶ ----- ۱۳۴- شرایط سعادت اخروی
- ۴۲۸ ----- ۱۳۵- عوامل سعادت اخروی
- ۴۳۸ ----- ۱۳۶- عوامل سعادت اخروی مهاجران
- ۴۳۸ ----- ۱۳۷- عوامل محرومیت از سعادت اخروی

۴۳۸	۱۳۸- عوامل مؤثر در سعادت اخروی
۴۳۸	۱۳۹- محرومان از سعادت اخروی
۴۳۸	۱۴۰- مدعیان سعادت اخروی
۴۴۰	۱۴۱- منشأ سعادت اخروی
۴۴۰	۱۴۲- موانع سعادت اخروی
۴۴۲	۱۴۳- موانع سعادت اخروی قارون
۴۴۲	۱۴۴- نشانه های سعادت اخروی
۴۴۲	۱۴۵- یأس یهود از سعادت اخروی
۴۴۴	۱۴۶- اهمیت سعادت طلبی
۴۴۴	۱۴۷- سعادت طلبی انسان
۴۴۴	۱۴۸- سعادت طلبی اولیاء الله
۴۴۵	۱۴۹- سعادت طلبی بندگان خدا
۴۴۶	۱۵۰- سعادت طلبی قوم ثمود
۴۴۶	۱۵۱- سعادت طلبی متقین
۴۴۶	۱۵۲- سعادت طلبی مؤمنان
۴۴۸	۱۵۳- {سعادت‌مندان}
۴۵۰	۱۵۴- پاداش اخروی سعادت‌مندان
۴۵۰	۱۵۵- حسابرسی اخروی سعادت‌مندان
۴۵۱	۱۵۶- سعادت‌مندان در بهشت
۴۵۲	۱۵۷- سعادت‌مندان در قیامت
۴۵۳	۱۵۸- فضایل سعادت‌مندان
۴۵۴	۱۵۹- کمی سعادت‌مندان امت های پیشین
۴۵۴	۱۶۰- نامه عمل سعادت‌مندان
۴۵۵	۱۰- سعیر
۴۵۵	۱- سعیر
۴۵۵	۲- جایگاه سعیر

- ۴۵۵ ۳- سعیر
- ۴۵۹ ۱۱- سعی صفا و مروه
- ۴۵۹ ۱- سعی صفا و مروه
- ۴۶۱ ۲- سعی صفا و مروه در صدر اسلام
- ۴۶۲ ۳- عبادیت سعی صفا و مروه
- ۴۶۳ ۴- فلسفه سعی صفا و مروه
- ۴۶۴ ۱۲- سفاهت
- ۴۶۴ ۱- آثار سفاهت
- ۴۶۴ ۲- انبیا و سفاهت
- ۴۶۶ ۳- تبرئه از سفاهت
- ۴۶۶ ۴- تهمت سفاهت
- ۴۶۶ ۵- تهمت سفاهت به مؤمنان
- ۴۶۸ ۶- سفاهت جن
- ۴۶۸ ۷- سفاهت جنیان مشرک
- ۴۶۸ ۸- سفاهت شرابخوار
- ۴۶۸ ۹- سفاهت کافران
- ۴۷۰ ۱۰- سفاهت مشرکان
- ۴۷۰ ۱۱- سفاهت مشرکان دوران جاهلیت
- ۴۷۰ ۱۲- سفاهت مکذبان محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۴۷۰ ۱۳- سفاهت منافقان
- ۴۷۲ ۱۴- سفاهت هواپرستان
- ۴۷۲ ۱۵- علمای یهود و سفاهت
- ۴۷۲ ۱۶- عوامل سفاهت
- ۴۷۳ ۱۷- عوامل سفاهت جن
- ۴۷۴ ۱۸- قوم عاد و سفاهت
- ۴۷۴ ۱۹- مؤمنان و سفاهت

- ۴۷۴ ۲۰- نشانه های سفاهت
- ۴۷۶ ۲۱- نشانه های سفاهت کافران
- ۴۷۶ ۲۲- یوسف(ع) و عوامل سفاهت
- ۴۷۷ ۱۳- سفر
- ۴۷۷ ۱- سفر با ارزش
- ۴۷۷ ۲- سفر با کشتی بادبانی
- ۴۷۷ ۳- سفر های ترسناک
- ۴۷۸ ۴- مدت سفر ملائکه حامل تدبیر
- ۴۷۸ ۵- نماز در سفر
- ۴۷۸ ۶- وصیت در سفر
- ۴۸۰ ۱۴- سفیه
- ۴۸۰ ۱- سفیه
- ۴۸۰ ۲- احکام سفیه
- ۴۸۲ ۳- انفاق به سفیه
- ۴۸۳ ۴- تأمین سفیه
- ۴۸۴ ۵- حقوق سفیه
- ۴۸۴ ۶- کفالت بر سفیه
- ۴۸۴ ۷- کفالت سفیه
- ۴۸۵ ۸- کفیل سفیه
- ۴۸۶ ۹- مال سفیه
- ۴۸۶ ۱۰- محجوریت سفیه
- ۴۸۸ ۱۱- معاشرت با سفیه
- ۴۸۸ ۱۲- {سفیهان}
- ۴۹۰ ۱۳- سفیهان و تغییر قبله
- ۴۹۱ ۱۵- سقاییت
- ۴۹۱ ۱- اهمیت سقاییت

- ۴۹۱ ۲- سقايت حاجيان در جاهليت
- ۴۹۱ ۳- فضيلت سقايت حاجيان
- ۴۹۳ ۴- قياس سقايت حاجيان با جهاد
- ۴۹۴ ۱۶- سكوت
- ۴۹۴ ۱- آثار سكوت
- ۴۹۴ ۲- روزه سكوت
- ۴۹۶ ۳- روزه سكوت در اديان
- ۴۹۶ ۴- روزه سكوت در يهوديت
- ۴۹۶ ۵- روزه سكوت زكريا(ع)
- ۴۹۸ ۶- روزه سكوت مريم(س)
- ۴۹۹ ۷- سكوت اخروي مكذبان قيامت
- ۵۰۰ ۸- سكوت بني اسرائيل
- ۵۰۰ ۹- سكوت در برابر گناه
- ۵۰۰ ۱۰- سكوت در تلاوت قرآن
- ۵۰۲ ۱۱- سكوت در باره ذات خدا
- ۵۰۲ ۱۲- سكوت علما
- ۵۰۲ ۱۳- سكوت علمای اهل كتاب
- ۵۰۲ ۱۴- سكوت علمای مسيحيت
- ۵۰۴ ۱۵- سكوت علمای يهود
- ۵۰۴ ۱۶- سكوت هنگام دريافت وحی
- ۵۰۶ ۱۷- سگ
- ۵۰۶ ۱- احترام سگ اصحاب كهف
- ۵۰۶ ۲- احكام سگ
- ۵۰۶ ۳- بلعم باعورا و سگ
- ۵۰۸ ۴- تاريخ نگهداری سگ
- ۵۰۸ ۵- تشبيه به سگ

- ۵۰۸ ۶- تعلیم سگ
- ۵۱۰ ۷- سگ اصحاب کهف
- ۵۱۰ ۸- سگ تشنه
- ۵۱۱ ۹- سگ شکاری
- ۵۱۲ ۱۰- سلامت سگ اصحاب کهف
- ۵۱۲ ۱۱- صید سگ شکاری
- ۵۱۶ ۱۲- فضیلت سگ اصحاب کهف
- ۵۱۶ ۱۳- مکذبان آیات خدا و سگ
- ۵۱۷ ۱۴- نگهداری سگ
- ۵۱۸ ۱۸- سلاح
- ۵۱۸ ۱- اهمیت تولید سلاح
- ۵۱۸ ۲- اهمیت تولید سلاح های دفاعی
- ۵۱۸ ۳- تولید سلاح
- ۵۱۸ ۴- خلع سلاح دشمنان
- ۵۲۰ ۵- ملاک تولید سلاح
- ۵۲۰ ۶- نعمت سلاح
- ۵۲۱ ۱۹- سلام
- ۵۲۱ ۱- آثار سلام
- ۵۲۱ ۲- آداب جواب سلام
- ۵۲۲ ۳- آداب سلام
- ۵۲۲ ۴- آرزوی سلام خدا
- ۵۲۲ ۵- ابراهیم(ع) و سلام ملائکه
- ۵۲۳ ۶- احکام سلام
- ۵۲۴ ۷- ارزش سلام
- ۵۲۵ ۸- ارزش سلام بر انبیا
- ۵۲۶ ۹- ارزش سلام بر پندگان خدا

- ۱۰- الفاظ سلام ----- ۵۲۷
- ۱۱- اهمیت جواب سلام ----- ۵۲۸
- ۱۲- اهمیت سلام ----- ۵۲۸
- ۱۳- برکت سلام ----- ۵۳۰
- ۱۴- برکت سلام خدا ----- ۵۳۰
- ۱۵- پاداش سلام ----- ۵۳۰
- ۱۶- تحیت با سلام ----- ۵۳۱
- ۱۷- تشریح سلام ----- ۵۳۲
- ۱۸- جواب سلام ----- ۵۳۲
- ۱۹- جواب سلام ابراهیم(ع) ----- ۵۳۳
- ۲۰- جواب سلام ملائکه ----- ۵۳۴
- ۲۱- حقیقت سلام ----- ۵۳۴
- ۲۲- خیریت سلام خدا ----- ۵۳۴
- ۲۳- سبقت در سلام ----- ۵۳۶
- ۲۴- سلام ----- ۵۳۶
- ۲۵- سلام اخروی بر متقین ----- ۵۳۶
- ۲۶- سلام اخروی بر مؤمنان ----- ۵۳۶
- ۲۷- سلام اصحاب اعراف ----- ۵۳۸
- ۲۸- سلام اصحاب یمین ----- ۵۳۸
- ۲۹- سلام بر ابراهیم(ع) ----- ۵۳۸
- ۳۰- سلام بر الیاس(ع) ----- ۵۴۰
- ۳۱- سلام بر انبیا ----- ۵۴۰
- ۳۲- سلام بر بندگان خدا ----- ۵۴۲
- ۳۳- سلام بر بهشتیان ----- ۵۴۲
- ۳۴- سلام بر متقین ----- ۵۴۵
- ۳۵- سلام بر محمد(صلی الله علیه و آله) ----- ۵۴۶

- ۵۴۶ ۳۶- سلام بر موسی(ع)
- ۵۴۷ ۳۷- سلام بر مؤمنان
- ۵۴۸ ۳۸- سلام بر نوح(ع)
- ۵۵۰ ۳۹- سلام بر هارون(ع)
- ۵۵۰ ۴۰- سلام بر یحیی(ع)
- ۵۵۰ ۴۱- سلام بندگان خدا
- ۵۵۱ ۴۲- سلام به ابراهیم(ع)
- ۵۵۲ ۴۳- سلام به بهشتیان
- ۵۵۲ ۴۴- سلام به متقین
- ۵۵۳ ۴۵- سلام به متقین در بهشت
- ۵۵۴ ۴۶- سلام بهشتیان
- ۵۵۴ ۴۷- سلام خدا
- ۵۵۸ ۴۸- سلام در صدر اسلام
- ۵۵۸ ۴۹- سلام روح (اسم خاص) بر محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۵۵۸ ۵۰- سلام محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۵۶۰ ۵۱- سلام ملائکه
- ۵۶۳ ۵۲- سلام ملائکه بر محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۵۶۴ ۵۳- سلام موسی(ع)
- ۵۶۴ ۵۴- سلام مؤمنان
- ۵۶۴ ۵۵- سلام مؤمنان در قیامت
- ۵۶۴ ۵۶- سلام مهمانان ابراهیم(ع)
- ۵۶۶ ۵۷- سلام نگهبانان بهشت
- ۵۶۶ ۵۸- سلام هارون(ع)
- ۵۶۶ ۵۹- سلام هنگام ورود به خانه
- ۵۶۷ ۶۰- سلام هنگام ورود به خانه دیگران
- ۵۶۸ ۶۱- فضیلت پیشگامی در سلام

۵۶۸	۶۲- کیفیت سلام محمد(صلی الله علیه و آله)
۵۶۸	۶۳- وجوب جواب سلام
۵۷۰	۶۴- ویژگیهای جواب سلام ابراهیم(ع)
۵۷۰	۶۵- ویژگیهای سلام
۵۷۰	۶۶- ویژگیهای سلام خدا
۵۷۱	۲۰- سلامت
۵۷۱	۱- آثار سلامت اقتصادی
۵۷۱	۲- آثار سلامت روح
۵۷۱	۳- آثار سلامت عقل محمد(صلی الله علیه و آله)
۵۷۳	۴- آثار سلامت فکر
۵۷۳	۵- اهمیت سلامت اخلاق جنسی
۵۷۳	۶- اهمیت سلامت اقتصادی
۵۷۴	۷- اهمیت سلامت جامعه
۵۷۵	۸- اهمیت سلامت روابط اجتماعی
۵۷۵	۹- دلایل سلامت عقل محمد(صلی الله علیه و آله)
۵۷۵	۱۰- زمینه سلامت جامعه
۵۷۷	۱۱- زمینه سلامت روابط اجتماعی
۵۷۷	۱۲- زمینه سلامت قلب
۵۷۷	۱۳- سلامت اقتصاد جامعه
۵۷۷	۱۴- سلامت بدن اصحاب کهف
۵۷۹	۱۵- سلامت روانی رهبری
۵۷۹	۱۶- سلامت سگ اصحاب کهف
۵۷۹	۱۷- سلامت عقل مؤمنان
۵۷۹	۱۸- سلامت فکری رهبری
۵۸۱	۱۹- سلامت متقین در بهشت
۵۸۱	۲۰- عوامل سلامت جامعه

۵۸۱	۲۱- عوامل سلامت زندگی
۵۸۲	۲۲- عوامل مؤثر در سلامت جامعه
۵۸۳	۲۳- منشأ سلامت اجتماعی
۵۸۴	۲۱- سلامتی
۵۸۴	۱- آثار سلامتی قلب
۵۸۴	۲- اهمیت سلامتی
۵۸۶	۳- اهمیت سلامتی فرزند
۵۸۶	۴- اهمیت سلامتی قلب
۵۸۸	۵- برادران یوسف و سلامتی یوسف(ع)
۵۸۸	۶- بشارت سلامتی
۵۸۹	۷- حتمیت سلامتی عیسی(ع)
۵۹۰	۸- روش سلامتی
۵۹۰	۹- زمینه سلامتی
۵۹۰	۱۰- زمینه سلامتی فرعون
۵۹۰	۱۱- سلامتی آب جاری
۵۹۲	۱۲- سلامتی اخروی متقین
۵۹۲	۱۳- سلامتی اخروی محمد(صلی الله علیه و آله)
۵۹۲	۱۴- سلامتی اخروی مؤمنان
۵۹۲	۱۵- سلامتی اصحاب کهف
۵۹۴	۱۶- سلامتی برادران یوسف
۵۹۴	۱۷- سلامتی بهشتیان
۵۹۶	۱۸- سلامتی پیروان نوح(ع)
۵۹۶	۱۹- سلامتی در بهشت
۵۹۶	۲۰- سلامتی در تکلیف
۵۹۷	۲۱- سلامتی دنیویعیسی(ع)
۵۹۸	۲۲- سلامتی روانی خانواده

- ۵۹۸ ----- ۲۳- سلامتی شب قدر
- ۵۹۹ ----- ۲۴- سلامتی عقل برگزیدگان بهترین سخن
- ۶۰۰ ----- ۲۵- سلامتی قلب ابراهیم(ع)
- ۶۰۰ ----- ۲۶- سلامتی قلب پیروان انبیا
- ۶۰۲ ----- ۲۷- سلامتی مریم(س)
- ۶۰۲ ----- ۲۸- سلامتی نوح(ع)
- ۶۰۲ ----- ۲۹- سلامتی هنگام قیامت
- ۶۰۳ ----- ۳۰- سلامتی هنگام مرگ
- ۶۰۴ ----- ۳۱- سلامتی هنگام ولادت
- ۶۰۴ ----- ۳۲- علاقه به سلامتی
- ۶۰۶ ----- ۳۳- عوامل سلامتی
- ۶۰۶ ----- ۳۴- عوامل سلامتی اخروی
- ۶۰۶ ----- ۳۵- عوامل سلامتی خانواده
- ۶۰۶ ----- ۳۶- عوامل مؤثر در سلامتی
- ۶۰۸ ----- ۳۷- عوامل مؤثر در سلامتی خانواده
- ۶۰۸ ----- ۳۸- مسؤول سلامتی فرزند
- ۶۰۸ ----- ۳۹- منشأ سلامتی
- ۶۱۰ ----- ۴۰- منشأ سلامتی عیسی(ع)
- ۶۱۰ ----- ۴۱- منشأ سلامتی نوزاد
- ۶۱۲ ----- ۴۲- نشانه های سلامتی
- ۶۱۲ ----- ۴۳- نشانه های سلامتی ادراک
- ۶۱۲ ----- ۴۴- نشانه های سلامتی قلب
- ۶۱۳ ----- ۴۵- نعمت سلامتی
- ۶۱۴ ----- ۴۶- نقش سلامتی
- ۶۱۴ ----- ۴۷- نیاز به سلامتی
- ۶۱۵ ----- ۴۸- یعقوب(ع) و سلامتی فرزندان

- ۶۱۷-.....سلطه طلبی ۲۲-
- ۶۱۷-.....آثار اجتناب از سلطه طلبی ۱-
- ۶۱۷-.....آثار سلطه طلبی ۲-
- ۶۱۹-.....آثار سلطه طلبی اشراف فرعون ۳-
- ۶۱۹-.....آثار سلطه طلبی فرعون ۴-
- ۶۱۹-.....اجتناب از سلطه طلبی ۵-
- ۶۲۱-.....سلطه طلبی اشراف فرعون ۶-
- ۶۲۱-.....سلطه طلبی فرعون ۷-
- ۶۲۱-.....سلطه طلبی کافران ۸-
- ۶۲۱-.....یحیی(ع) و سلطه طلبی ۹-
- ۶۲۳-.....امکانات مادی سلطه طلبان ۱۰-
- ۶۲۳-.....حتمیت هلاکت سلطه طلبان ۱۱-
- ۶۲۳-.....قدرت سلطه طلبان ۱۲-
- ۶۲۴-.....سلوک ۲۳-
- ۶۲۴-.....آثار سلوک سبیل الله ۱-
- ۶۲۴-.....آثار سلوک صراط مستقیم ۲-
- ۶۲۴-.....تشویق به سلوک سبیل الله ۳-
- ۶۲۴-.....راههای سلوک ۴-
- ۶۲۶-.....روش سلوک ۵-
- ۶۲۶-.....زمینه سلوک صراط مستقیم ۶-
- ۶۲۸-.....سلوک در صراط مستقیم ۷-
- ۶۲۸-.....سلوک صراط مستقیم ۸-
- ۶۲۸-.....صبر در سلوک راه خدا ۹-
- ۶۲۸-.....فرصت سلوک سبیل الله ۱۰-
- ۶۳۰-.....مراحل سیر و سلوک ۱۱-
- ۶۳۰-.....مشکلات سلوک راه خدا ۱۲-

- ۱۳- منشأ سلوک صراط مستقیم ۶۳۰
- ۱۴- منشأ سهولت سلوک صراط مستقیم ۶۳۰
- ۱۵- موانع سلوک سبیل الله ۶۳۲
- ۱۶- نعمت سلوک سبیل الله ۶۳۲
- ۲۴- سلوی ۶۳۳
- ۱- استفاده ز نعمت سلوی ۶۳۳
- ۲- بنی اسرائیل و خوردنی سلوی ۶۳۳
- ۳- خوردنی سلوی ۶۳۵
- ۴- زمینه نعمت سلوی ۶۳۵
- ۵- نزول سلوی بر بنی اسرائیل ۶۳۵
- ۶- نزول نعمت سلوی ۶۳۷
- ۷- نعمت سلوی ۶۳۸
- ۲۵- سلیمان(ع) ۶۴۰
- ۱- آبادانی در دوران سلیمان(ع) ۶۴۰
- ۲- آثار امتحان سلیمان(ع) ۶۴۰
- ۳- آثار تدبیر سلیمان(ع) ۶۴۰
- ۴- آثار سان دیدن سلیمان(ع) ۶۴۰
- ۵- آثار علم سلیمان(ع) ۶۴۲
- ۶- آثار قدرت سلیمان(ع) ۶۴۲
- ۷- آثار موضعگیری سلیمان(ع) ۶۴۳
- ۸- آمادگی نظامی سپاه سلیمان(ع) ۶۴۴
- ۹- آورنده نامه سلیمان(ع) ۶۴۴
- ۱۰- ابزار تبلیغ سلیمان(ع) ۶۴۴
- ۱۱- ابزار کتابت در دوران سلیمان(ع) ۶۴۴
- ۱۲- اتقان قضاوت سلیمان(ع) ۶۴۶
- ۱۳- اتکای سلیمان(ع) ۶۴۶

- ۶۴۶ ۱۴- اجابت دعای سلیمان (ع)
- ۶۴۸ ۱۵- اختیارات سلیمان (ع)
- ۶۴۸ ۱۶- اخلاص سلیمان (ع)
- ۶۵۰ ۱۷- ارث سلیمان (ع)
- ۶۵۰ ۱۸- اسبهای سلیمان (ع)
- ۶۵۱ ۱۹- استغفار سلیمان (ع)
- ۶۵۲ ۲۰- اشراف قوم سبأ و سلیمان (ع)
- ۶۵۲ ۲۱- اعلام شکرگزاری سلیمان (ع)
- ۶۵۲ ۲۲- افکندن مرده بر تخت سلیمان (ع)
- ۶۵۲ ۲۳- اقرار سلیمان (ع)
- ۶۵۴ ۲۴- الهام به سلیمان (ع)
- ۶۵۴ ۲۵- امتحان سلیمان (ع)
- ۶۵۵ ۲۶- امکانات سلیمان (ع)
- ۶۵۵ ۲۷- امکانات مادی سلیمان (ع)
- ۶۵۶ ۲۸- اوامر سلیمان (ع)
- ۶۵۸ ۲۹- اوامر ملکه مورچگان قصه سلیمان (ع)
- ۶۵۸ ۳۰- اهداف سلیمان (ع)
- ۶۵۸ ۳۱- اهمیت سان دیدن سلیمان (ع)
- ۶۶۰ ۳۲- اهمیت غواصی در دوران سلیمان (ع)
- ۶۶۰ ۳۳- اهمیت نامه سلیمان (ع)
- ۶۶۰ ۳۴- ایمان به سلیمان (ع)
- ۶۶۱ ۳۵- بازدید سلیمان (ع)
- ۶۶۲ ۳۶- بخشندگی سلیمان (ع)
- ۶۶۲ ۳۷- بسمله نامه سلیمان (ع)
- ۶۶۲ ۳۸- بی اعتنایی سلیمان (ع)
- ۶۶۴ ۳۹- بی نظیری حکومت سلیمان (ع)

- ۴۰- بینش سلیمان(ع) ۶۶۴
- ۴۱- پدر سلیمان(ع) ۶۶۶
- ۴۲- پرسش از درباریان سلیمان(ع) ۶۶۶
- ۴۳- پرسش سلیمان(ع) ۶۶۶
- ۴۴- پرندگان سلیمان(ع) ۶۶۸
- ۴۵- پشیمانی سلیمان(ع) ۶۶۸
- ۴۶- پیروزی سلیمان(ع) ۶۶۸
- ۴۷- پیشگامی سلیمان(ع) ۶۶۸
- ۴۸- تبسم سلیمان(ع) ۶۷۰
- ۴۹- تجهیزات نظامی سلیمان(ع) ۶۷۰
- ۵۰- تخت سلیمان(ع) ۶۷۰
- ۵۱- تدبیر سلیمان(ع) ۶۷۰
- ۵۲- تسخیر باد برای سلیمان(ع) ۶۷۱
- ۵۳- تسخیر جن برای سلیمان(ع) ۶۷۳
- ۵۴- تسخیر شیاطین برای سلیمان(ع) ۶۷۵
- ۵۵- تعالیم نامه سلیمان(ع) ۶۷۶
- ۵۶- تعلیم سپاه سلیمان(ع) ۶۷۶
- ۵۷- تقرب سلیمان(ع) ۶۷۶
- ۵۸- تقوای سلیمان(ع) ۶۷۸
- ۵۹- تکلم ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع) ۶۷۸
- ۶۰- تکلیف سلیمان(ع) ۶۷۸
- ۶۱- تلاش سلیمان(ع) ۶۷۸
- ۶۲- تنزیه سلیمان(ع) ۶۸۰
- ۶۳- توبه سلیمان(ع) ۶۸۰
- ۶۴- توحید سلیمان(ع) ۶۸۰
- ۶۵- توصیه های سلیمان(ع) ۶۸۰

- ۶۶- تهدید جنیان سلیمان(ع) ۶۸۲
- ۶۷- تهدیدهای سلیمان(ع) ۶۸۲
- ۶۸- تهمت جادوگری به سلیمان(ع) ۶۸۲
- ۶۹- جادو در دوران سلیمان(ع) ۶۸۴
- ۷۰- جن در حکومت سلیمان(ع) ۶۸۴
- ۷۱- جنگ با سلیمان(ع) ۶۸۶
- ۷۲- جنیان سلیمان(ع) ۶۸۶
- ۷۳- جنیان سلیمان(ع) و ذلت ۶۸۶
- ۷۴- جنیان سلیمان(ع) و سختی ۶۸۸
- ۷۵- جنیان سلیمان(ع) و علم غیب ۶۸۸
- ۷۶- حرکت سپاه سلیمان(ع) ۶۸۸
- ۷۷- حساسی از سلیمان(ع) ۶۸۸
- ۷۸- حسن فرجام سلیمان(ع) ۶۹۰
- ۷۹- حق طلبی سلیمان(ع) ۶۹۰
- ۸۰- حکومت سلیمان(ع) ۶۹۰
- ۸۱- حمد سلیمان(ع) ۶۹۲
- ۸۲- خط در دوران سلیمان(ع) ۶۹۲
- ۸۳- خواسته های سلیمان(ع) ۶۹۲
- ۸۴- خویشنداری سلیمان(ع) ۶۹۴
- ۸۵- درباریان سلیمان(ع) ۶۹۴
- ۸۶- درباریان سلیمان(ع) و لوح محفوظ ۶۹۵
- ۸۷- دشمنان سلیمان(ع) ۶۹۶
- ۸۸- دشمنی یهود با سلیمان(ع) ۶۹۶
- ۸۹- دعای سلیمان(ع) ۶۹۶
- ۹۰- دعوت های سلیمان(ع) ۶۹۸
- ۹۱- دلایل حقانیت سلیمان(ع) ۶۹۸

- ۹۲- دلایل نبوت سلیمان(ع) ۷۰۰
- ۹۳- دیگهای سلیمان(ع) ۷۰۰
- ۹۴- ذکر سان دیدن سلیمان(ع) ۷۰۰
- ۹۵- ذکر قصه سلیمان(ع) ۷۰۱
- ۹۶- ذلت جنیان سلیمان(ع) ۷۰۲
- ۹۷- ذوب مس در دوران سلیمان(ع) ۷۰۲
- ۹۸- رحمت سلیمان(ع) ۷۰۲
- ۹۹- رنجهای جنیان سلیمان(ع) ۷۰۲
- ۱۰۰- روش برخورد سلیمان(ع) ۷۰۴
- ۱۰۱- روش تبلیغ سلیمان(ع) ۷۰۵
- ۱۰۲- زمینه توبه سلیمان(ع) ۷۰۶
- ۱۰۳- زمینه غفلت سلیمان(ع) ۷۰۶
- ۱۰۴- زمینه قدرت سلیمان(ع) ۷۰۶
- ۱۰۵- زهد سلیمان(ع) ۷۰۸
- ۱۰۶- زیان کشتزار قصه سلیمان(ع) ۷۰۸
- ۱۰۷- ساختمان سازی در دوران سلیمان(ع) ۷۰۹
- ۱۰۸- سان دیدن سلیمان(ع) ۷۱۰
- ۱۰۹- سپاه سلیمان(ع) ۷۱۱
- ۱۱۰- سپاه سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان ۷۱۲
- ۱۱۱- سرزمین سبأ در دوران سلیمان(ع) ۷۱۳
- ۱۱۲- سرزمین مورچگان قصه سلیمان(ع) ۷۱۴
- ۱۱۳- سرزنش سلیمان(ع) ۷۱۴
- ۱۱۴- سرزنشهای سلیمان(ع) ۷۱۴
- ۱۱۵- سرور سلیمان(ع) ۷۱۶
- ۱۱۶- سلطنت سلیمان(ع) ۷۱۶
- ۱۱۷- سلیمان(ع) از صالحان ۷۱۶

- ۱۱۸- سلیمان(ع) از محسنان ۷۱۷
- ۱۱۹- سلیمان(ع) در سرزمین مورچگان ۷۱۸
- ۱۲۰- سلیمان(ع) و اشراف قوم سبأ ۷۱۸
- ۱۲۱- سلیمان(ع) و تملق ۷۱۸
- ۱۲۲- سلیمان(ع) و جادو ۷۱۹
- ۱۲۳- سلیمان(ع) و کفر ۷۲۰
- ۱۲۴- سلیمان(ع) و ملکه سبأ ۷۲۰
- ۱۲۵- سلیمان(ع) و هدهد ۷۲۰
- ۱۲۶- شخصیت سلیمان(ع) ۷۲۲
- ۱۲۷- شرک ستیزی سلیمان(ع) ۷۲۲
- ۱۲۸- شکرگزاری سلیمان(ع) ۷۲۲
- ۱۲۹- شگفتی سلیمان(ع) ۷۲۴
- ۱۳۰- شیاطین و سلیمان(ع) ۷۲۴
- ۱۳۱- شیشه های کاخ سلیمان(ع) ۷۲۶
- ۱۳۲- صنعت در دوران سلیمان(ع) ۷۲۶
- ۱۳۳- ظروف سلیمان(ع) ۷۲۶
- ۱۳۴- عبرت از قصه سلیمان(ع) ۷۲۷
- ۱۳۵- عبودیت سلیمان(ع) ۷۲۸
- ۱۳۶- عدالت سلیمان(ع) ۷۲۸
- ۱۳۷- عصای سلیمان(ع) ۷۲۸
- ۱۳۸- عظمت سپاه سلیمان(ع) ۷۳۰
- ۱۳۹- عظمت کاخ سلیمان(ع) ۷۳۰
- ۱۴۰- عظمت نامه سلیمان(ع) ۷۳۰
- ۱۴۱- عقیده سلیمان(ع) ۷۳۰
- ۱۴۲- علائق سلیمان(ع) ۷۳۲
- ۱۴۳- علم جنیان سلیمان(ع) ۷۳۲

- ۱۴۴- علم سلیمان(ع) ۷۳۲
- ۱۴۵- علم سلیمان(ع) به تسلیم ملکه سبأ ۷۳۴
- ۱۴۶- علم لدنی سلیمان(ع) ۷۳۴
- ۱۴۷- علمای دربار سلیمان(ع) ۷۳۴
- ۱۴۸- عمل به تکلیف سلیمان(ع) ۷۳۵
- ۱۴۹- عمل خیر سلیمان(ع) ۷۳۶
- ۱۵۰- عمل صالح سلیمان(ع) ۷۳۶
- ۱۵۱- عوامل مؤثر در موضعگیری سلیمان(ع) ۷۳۶
- ۱۵۲- غفلت سلیمان(ع) ۷۳۶
- ۱۵۳- غواصی در دوران سلیمان(ع) ۷۳۸
- ۱۵۴- فضایل سلیمان(ع) ۷۳۸
- ۱۵۵- فلسفه پرسش سلیمان(ع) ۷۴۴
- ۱۵۶- فلسفه قدرت نمایی سلیمان(ع) ۷۴۴
- ۱۵۷- فلسفه نامه نگاری سلیمان(ع) ۷۴۴
- ۱۵۸- فواید قصه سلیمان(ع) ۷۴۴
- ۱۵۹- قاطعیت سلیمان(ع) ۷۴۶
- ۱۶۰- قدرت سپاه سلیمان(ع) ۷۴۶
- ۱۶۱- قدرت سلیمان(ع) ۷۴۶
- ۱۶۲- قدرت نظامی سلیمان(ع) ۷۴۸
- ۱۶۳- قصه سلیمان(ع) ۷۴۸
- ۱۶۴- قضاوت سلیمان(ع) ۷۷۸
- ۱۶۵- کاخ بلورین سلیمان(ع) ۷۸۰
- ۱۶۶- کاخهای سلیمان(ع) ۷۸۲
- ۱۶۷- کاغذ در دوران سلیمان(ع) ۷۸۲
- ۱۶۸- کشتزار قصه سلیمان(ع) ۷۸۲
- ۱۶۹- کفرستیزی سلیمان(ع) ۷۸۳

- ۱۷۰- کیفیر عصیان از سلیمان(ع) ۷۸۴
- ۱۷۱- لشکرکشی سلیمان(ع) ۷۸۴
- ۱۷۲- مبانی قضاوت سلیمان(ع) ۷۸۵
- ۱۷۳- مجسمه های سلیمان(ع) ۷۸۶
- ۱۷۴- محدوده حکومت سلیمان(ع) ۷۸۶
- ۱۷۵- محدوده علم سلیمان(ع) ۷۸۸
- ۱۷۶- مدت سان دیدن سلیمان(ع) ۷۸۸
- ۱۷۷- مرگ سلیمان(ع) ۷۸۹
- ۱۷۸- مسجدهای سلیمان(ع) ۷۹۰
- ۱۷۹- مشاوره درباره نامه سلیمان(ع) ۷۹۰
- ۱۸۰- مشورت سلیمان(ع) با داود(ع) ۷۹۲
- ۱۸۱- مصونیت از پایمالی سپاه سلیمان(ع) ۷۹۲
- ۱۸۲- مصونیت از پایمالی سلیمان(ع) ۷۹۲
- ۱۸۳- معجزه سلیمان(ع) ۷۹۳
- ۱۸۴- مقام قضاوت سلیمان(ع) ۷۹۴
- ۱۸۵- مقامات سلیمان(ع) ۷۹۵
- ۱۸۶- مقامات معنوی سلیمان(ع) ۷۹۷
- ۱۸۷- ملکه سبأ در کاخ سلیمان(ع) ۷۹۸
- ۱۸۸- ملکه سبأ و سلیمان(ع) ۷۹۹
- ۱۸۹- ملکه سبأ و نامه سلیمان(ع) ۸۰۰
- ۱۹۰- مناظره داود(ع) با سلیمان(ع) ۸۰۰
- ۱۹۱- منت بر سلیمان(ع) ۸۰۰
- ۱۹۲- منشأ تسخیر باد برای سلیمان(ع) ۸۰۲
- ۱۹۳- منشأ تسخیر جن برای سلیمان(ع) ۸۰۲
- ۱۹۴- منشأ حکومت سلیمان(ع) ۸۰۳
- ۱۹۵- منشأ علم سلیمان(ع) ۸۰۴

- ۱۹۶- منشأ فضایل سلیمان(ع) ----- ۸۰۴
- ۱۹۷- منشأ قدرت حکومت سلیمان(ع) ----- ۸۰۶
- ۱۹۸- منشأ قدرت سلیمان(ع) ----- ۸۰۶
- ۱۹۹- منشأ قضاوت سلیمان(ع) ----- ۸۰۶
- ۲۰۰- موانع ایمان به سلیمان(ع) ----- ۸۰۷
- ۲۰۱- موریانه و عصای سلیمان(ع) ----- ۸۰۸
- ۲۰۲- موقعیت شناسی سلیمان(ع) ----- ۸۰۸
- ۲۰۳- ناخشنودی سلیمان(ع) ----- ۸۰۸
- ۲۰۴- نارضایتی جنیان سلیمان(ع) ----- ۸۰۸
- ۲۰۵- ناظر قضاوت سلیمان(ع) ----- ۸۱۰
- ۲۰۶- نامه رسانی در دوران سلیمان(ع) ----- ۸۱۰
- ۲۰۷- نامه سلیمان(ع) ----- ۸۱۰
- ۲۰۸- نبوت سلیمان(ع) ----- ۸۱۲
- ۲۰۹- نشانه های اقتدار حکومت سلیمان(ع) ----- ۸۱۳
- ۲۱۰- نشانه های عبودیت سلیمان(ع) ----- ۸۱۴
- ۲۱۱- نظارت سلیمان(ع) ----- ۸۱۴
- ۲۱۲- نظام کیفری سلیمان(ع) ----- ۸۱۴
- ۲۱۳- نظم سپاه سلیمان(ع) ----- ۸۱۵
- ۲۱۴- نعمتهای سلیمان(ع) ----- ۸۱۶
- ۲۱۵- نعمتهای والدین سلیمان(ع) ----- ۸۱۸
- ۲۱۶- نقش امکانات مادی سلیمان(ع) ----- ۸۱۸
- ۲۱۷- نقش سلیمان(ع) ----- ۸۱۹
- ۲۱۸- نقش قدرت سلیمان(ع) ----- ۸۲۰
- ۲۱۹- نیاکان سلیمان(ع) ----- ۸۲۰
- ۲۲۰- وسعت حکومت سلیمان(ع) ----- ۸۲۰
- ۲۲۱- وفور نعمتهای سلیمان(ع) ----- ۸۲۲

- ۸۲۲ ۲۲۲- ویژگیهای حکومت سلیمان(ع)
- ۸۲۴ ۲۲۳- ویژگیهای سپاه سلیمان(ع)
- ۸۲۴ ۲۲۴- ویژگیهای فرماندهی سلیمان(ع)
- ۸۲۶ ۲۲۵- ویژگیهای قضاوت سلیمان(ع)
- ۸۲۶ ۲۲۶- ویژگیهای کاخ سلیمان(ع)
- ۸۲۶ ۲۲۷- ویژگیهای مدیریت سلیمان(ع)
- ۸۲۷ ۲۲۸- ویژگیهای مرگ سلیمان(ع)
- ۸۲۸ ۲۲۹- هدایت سلیمان(ع)
- ۸۲۸ ۲۳۰- هدایتگری سلیمان(ع)
- ۸۲۹ ۲۳۱- هدهد و سلیمان(ع)
- ۸۳۰ ۲۳۲- هدیه به سلیمان(ع)
- ۸۳۲ ۲۳۳- هشدار ملکه مورچگان قصه سلیمان(ع)
- ۸۳۲ ۲۳۴- هنر در دوران سلیمان(ع)
- ۸۳۲ ۲۳۵- یهود دوران سلیمان(ع)
- ۸۳۲ ۲۳۶- یهود و سلیمان(ع)
- ۸۳۳ ۲۶- سنت
- ۸۳۳ ۱- آثار سنت گزایی
- ۸۳۳ ۲- آثار سنت گزایی قوم عاد
- ۸۳۵ ۳- آثار سنت های باطل
- ۸۳۵ ۴- ارزش سنت
- ۸۳۵ ۵- اطاعت از سنت
- ۸۳۷ ۶- اعراض از سنت
- ۸۳۷ ۷- تبیین سنت استدراج
- ۸۳۷ ۸- تبیین سنت مهلت
- ۸۳۸ ۹- تعلیم سنت
- ۸۳۹ ۱۰- حجیت سنت

- ۱۱- سنت آمرزش - ۸۳۹
- ۱۲- سنت اتمام حجت - ۸۳۹
- ۱۳- سنت استدراج - ۸۴۱
- ۱۴- سنت اضلال - ۸۴۳
- ۱۵- سنت امتحان - ۸۴۳
- ۱۶- سنت امداد - ۸۴۷
- ۱۷- سنت امداد به مظلوم - ۸۵۰
- ۱۸- سنت امهال - ۸۵۱
- ۱۹- سنت انتقام - ۸۵۱
- ۲۰- سنت انذار - ۸۵۱
- ۲۱- سنت بقای حق - ۸۵۱
- ۲۲- سنت بقای نسل - ۸۵۳
- ۲۳- سنت پاداش - ۸۵۳
- ۲۴- سنت پیروزی مؤمنان - ۸۵۵
- ۲۵- سنت خدا - ۸۵۵
- ۲۶- سنت شکست دشمنان - ۸۵۸
- ۲۷- سنت عذاب - ۸۵۹
- ۲۸- سنت عذاب استیصال - ۸۵۹
- ۲۹- سنت فرزندخواندگی در صدراسلام - ۸۵۹
- ۳۰- سنت کیفر - ۸۶۱
- ۳۱- سنت کیفر ظالمان - ۸۶۲
- ۳۲- سنت کیفر کافران - ۸۶۳
- ۳۳- سنت کیفر گناهکاران - ۸۶۳
- ۳۴- سنت کیفر مکاران - ۸۶۵
- ۳۵- سنت گرایبی قوم عاد - ۸۶۵
- ۳۶- سنت گرایبی مشرکان - ۸۶۵

- ۳۷- سنت گرایي مشركان صدراسلام ۸۶۶
- ۳۸- سنت مهلت ۸۶۷
- ۳۹- سنت نابودي باطل ۸۷۳
- ۴۰- سنت نجات بخشي ۸۷۳
- ۴۱- سنت هاي حسنه ۸۷۵
- ۴۲- سنت هاي صدر اسلام ۸۷۵
- ۴۳- سنت هدايت ۸۷۵
- ۴۴- سنت هلاكت حق ناپذيران ۸۷۷
- ۴۵- سهولت فهم سنت ۸۷۷
- ۴۶- عمل به سنت ۸۷۷
- ۴۷- عوامل سنت استدراج ۸۷۹
- ۴۸- عوامل سنت گرايي مشركان ۸۷۹
- ۴۹- غفلت از سنت استدراج ۸۷۹
- ۵۰- مبارزه با سنت گرايي ۸۷۹
- ۵۱- محافظت از سنت ۸۸۱
- ۵۲- ملاك سنت ۸۸۱
- ۵۳- منشأ سنت گرايي ۸۸۱
- ۵۴- نقش سنت ۸۸۱
- ۵۵- وضوح سنت ۸۸۵
- ۵۶- هدايتگري سنت ۸۸۶
- ۵۷- آثار سنت گرايي ۸۸۷
- ۵۸- آثار سنت گرايي قوم عاد ۸۸۹
- ۵۹- سنت گرايي قوم عاد ۸۸۹
- ۶۰- سنت گرايي مشركان ۸۸۹
- ۶۱- سنت گرايي مشركان صدراسلام ۸۹۰
- ۶۲- عوامل سنت گرايي مشركان ۸۹۱

- ۶۳- مبارزه با سنت گرایي ۸۹۱
- ۶۴- منشأ سنت گرایي ۸۹۱
- ۶۵- {سنت مهلت} ۸۹۳
- ۶۶- تبیین سنت مهلت ۸۹۳
- ۶۷- سنت مهلت ۸۹۳
- ۶۸- سنت های حسنه ۹۰۰
- ۶۹- سنت های صدر اسلام ۹۰۱
- ۷۰- آثار سنت های باطل ۹۰۱
- ۷۱- {سنت های خدا} ۹۰۱
- ۷۲- تبیین سنت استدراج ۹۰۱
- ۷۳- تبیین سنت مهلت ۹۰۳
- ۷۴- سنت آمرزش ۹۰۳
- ۷۵- سنت اتمام حجت ۹۰۳
- ۷۶- سنت استدراج ۹۰۳
- ۷۷- سنت اضلال ۹۰۷
- ۷۸- سنت امتحان ۹۰۷
- ۷۹- سنت امداد ۹۱۰
- ۸۰- سنت امداد به مظلوم ۹۱۳
- ۸۱- سنت امهال ۹۱۴
- ۸۲- سنت انتقام ۹۱۵
- ۸۳- سنت انذار ۹۱۵
- ۸۴- سنت بقای حق ۹۱۵
- ۸۵- سنت بقای نسل ۹۱۵
- ۸۶- سنت پاداش ۹۱۷
- ۸۷- سنت پیروزی مؤمنان ۹۱۹
- ۸۸- سنت شکست دشمنان ۹۱۹

- ۸۹- سنت عذاب ۹۱۹
- ۹۰- سنت عذاب استیصال ۹۱۹
- ۹۱- سنت کیفر ۹۲۱
- ۹۲- سنت کیفر ظالمان ۹۲۳
- ۹۳- سنت کیفر کافران ۹۲۳
- ۹۴- سنت کیفر گناهکاران ۹۲۳
- ۹۵- سنت کیفر مکاران ۹۲۵
- ۹۶- سنت مهلت ۹۲۵
- ۹۷- سنت نابودی باطل ۹۳۱
- ۹۸- سنت نجات بخشی ۹۳۱
- ۹۹- سنت هدایت ۹۳۳
- ۱۰۰- سنت هلاکت حق ناپذیران ۹۳۵
- ۱۰۱- عوامل سنت استدراج ۹۳۵
- ۱۰۲- غفلت از سنت استدراج ۹۳۵
- ۲۷- سند ۹۳۶
- ۱- اهمیت سند ۹۳۶
- ۲- تنظیم سند ۹۳۶
- ۳- سند در بدهی ۹۴۰
- ۴- سند معترض به عبدالله بن ام مکتوم ۹۴۱
- ۵- سند وعده های خدا ۹۴۲
- ۶- شرایط سند ۹۴۲
- ۲۸- سنگسار ۹۴۳
- ۱- تاریخ سنگسار ۹۴۳
- ۲- تهدید به سنگسار ۹۴۵
- ۳- زمینه سنگسار موسی(ع) ۹۴۵
- ۴- سنگسار ابراهیم(ع) ۹۴۵

- ۵- سنگسار در اهل انطاکیه - ۹۴۶
- ۶- سنگسار در دوران ابراهیم(ع) - ۹۴۷
- ۷- سنگسار در دوران اصحاب کهف - ۹۴۷
- ۸- سنگسار در دوران فرعون - ۹۴۷
- ۹- سنگسار در دوران نوح(ع) - ۹۴۹
- ۱۰- سنگسار زناکار محصنه - ۹۴۹
- ۱۱- سنگسار مخالفان فرعونیان - ۹۴۹
- ۱۲- سنگسار نوح(ع) - ۹۴۹
- ۱۳- شعیب(ع) و سنگسار شدن - ۹۵۱
- ۱۴- موانع سنگسار شعیب(ع) - ۹۵۱
- ۲۹- سنگ - ۹۵۲
- ۱- استسقای موسی(ع) از سنگ - ۹۵۲
- ۲- بارش باران سنگ - ۹۵۲
- ۳- بارش سنگ بر سرزمین قوم لوط - ۹۵۴
- ۴- بارش سنگ بر ظالمان - ۹۵۴
- ۵- بارش سنگ بر قوم لوط - ۹۵۴
- ۶- تاریخ سنگ تراشی - ۹۵۶
- ۷- تبدیل بدن به سنگ - ۹۵۶
- ۸- تهدید به بارش سنگ - ۹۵۶
- ۹- جوشش آب از سنگ - ۹۵۸
- ۱۰- سقوط سنگ از آسمان - ۹۵۹
- ۱۱- سقوط سنگ ها - ۹۶۰
- ۱۲- سقوط شهاب سنگ ها - ۹۶۰
- ۱۳- سنگ تراشی قوم ثمود - ۹۶۰
- ۱۴- سنگ های نازل از بهشت - ۹۶۱
- ۱۵- شکافتن سنگ - ۹۶۲

- ۹۶۲ - ۱۶- نقش شهاب سنگ ها
- ۹۶۲ - ۱۷- تاریخ سنگ تراشی
- ۹۶۴ - ۱۸- سنگ تراشی قوم ثمود
- ۹۶۴ - ۱۹- درخواست سنگباران
- ۹۶۴ - ۲۰- سرنوشت شوم سنگدلان
- ۹۶۵ - ۲۱- غفلت سنگدلان
- ۹۶۶ - ۲۲- گمراهی سنگدلان
- ۹۶۶ - ۲۳- محرومیت سنگدلان
- ۹۶۷ - ۳۰- سوء استفاده
- ۹۶۷ - ۱- آثار سوء استفاده از جادو
- ۹۶۷ - ۲- زمینه سوء استفاده
- ۹۶۷ - ۳- زمینه سوء استفاده دیگران
- ۹۶۹ - ۴- سوء استفاده از ارزش ها
- ۹۷۱ - ۵- سوء استفاده از تقیه
- ۹۷۱ - ۶- سوء استفاده از تکلیف
- ۹۷۱ - ۷- سوء استفاده از جادو
- ۹۷۱ - ۸- سوء استفاده از دین
- ۹۷۷ - ۹- سوء استفاده از رحمت خدا
- ۹۷۷ - ۱۰- سوء استفاده از ضعف مردم
- ۹۷۷ - ۱۱- سوء استفاده از عقیده قوم نوح
- ۹۷۷ - ۱۲- سوء استفاده از علم
- ۹۷۸ - ۱۳- سوء استفاده از علما
- ۹۷۹ - ۱۴- سوء استفاده از علوم غریبه
- ۹۷۹ - ۱۵- سوء استفاده از عهد با خدا
- ۹۷۹ - ۱۶- سوء استفاده از قرآن
- ۹۸۱ - ۱۷- سوء استفاده از کمبود ها

- ۱۸- سوء استفاده از مقدسات ۹۸۱
- ۱۹- سوء استفاده از موقعیت ۹۸۳
- ۲۰- سوء استفاده از مهربانی محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۸۳
- ۲۱- سوء استفاده از هنر ۹۸۳
- ۲۲- سوء استفاده اشراف فرعون ۹۸۵
- ۲۳- سوء استفاده اغواگران ۹۸۵
- ۲۴- سوء استفاده ثروتمندان قوم نوح ۹۸۵
- ۲۵- سوء استفاده دشمنان ۹۸۶
- ۲۶- سوء استفاده شیطان ۹۸۷
- ۲۷- سوء استفاده علمای یهود ۹۸۷
- ۲۸- سوء استفاده فرعون ۹۸۷
- ۲۹- سوء استفاده قدرتمندان قوم نوح ۹۸۷
- ۳۰- سوء استفاده منافقان ۹۸۹
- ۳۱- مراد از سوء الحساب ۹۹۱
- ۳۲- آثار سوء پیشینه ۹۹۲
- ۳۳- سوء پیشینه قوم لوط ۹۹۳
- ۳۴- سوء پیشینه قوم نوح ۹۹۴
- ۳۵- عفو از سوء پیشینه ۹۹۵
- ۳۶- آثار سوء ظن ۹۹۵
- ۳۷- اجتناب از سوء ظن ۹۹۶
- ۳۸- توبه از سوء ظن ۹۹۷
- ۳۹- سوء ظن به همسر محمد(صلی الله علیه و آله) ۹۹۷
- ۴۰- سوء ظن قوم نوح ۹۹۷
- ۴۱- سوء ظن منافقان ۹۹۹
- ۴۲- گناه سوء ظن ۹۹۹
- ۴۳- موانع سوء ظن ۹۹۹

- ۴۴- نهی از سوء ظن ۱۰۰۰
- ۳۱- سوارکاری ۱۰۰۱
- ۱- آداب سوارکاری ۱۰۰۱
- ۲- سوارکاری حرام در جاهلیت ۱۰۰۱
- ۳۲- سود ۱۰۰۲
- ۱- اهمیت تشخیص سود ۱۰۰۲
- ۲- سود تجارت ۱۰۰۲
- ۳- عالم به سود ۱۰۰۲
- ۴- منشأ سود ۱۰۰۳
- ۵- {سود و زیان} ۱۰۰۵
- ۶- آثار سودجویی ۱۰۰۵
- ۷- سودجویی انسان ۱۰۰۶
- ۸- سودجویی جادوگران فرعون ۱۰۰۷
- ۹- سودجویی در مسلمانان ۱۰۰۷
- ۱۰- سودجویی منافقان ۱۰۰۷
- درباره مرکز ۱۰۰۹

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 59

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- سرمایه

1- اهمیت سرمایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 11

11 - ثروت باید برای رشد اقتصادی جامعه به کار گرفته شود.

اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

از اینکه خداوند مال را برای برپایی جامعه قرار داده و به همین جهت پرداخت آن را به سفیهان منع کرده، معلوم می شود که ثروتها باید در جهت رشد اقتصادی، که قوام جامعه به آن بستگی دارد، به کار گرفته شود.

2- تباهی سرمایه خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 20 - 11، 10

10 - ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ناشی از تباه کردن جانهایشان است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

11 - آنان که سرمایه جان به خسارت از کف داده اند، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را انکار می کنند.

الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

3- تباهی سرمایه عمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 17، 18، 19

17 - آنان که سرمایه جان را به خسارت از کف داده اند، منکر قیامت هستند.

ليجمعنكم إلى يوم القيمة .. الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

متعلق «لا يؤمنون»، با توجه به جمله «ليجمعنكم إلى يوم القيامة» قیامت می تواند باشد.

18 - تباه کردن سرمایه وجودی خود زیانکاری و زمینه انکار معارف دین است.

ليجمعنكم إلى يوم القيمة .. الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

ص: 1

19 - کافران به معاد و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسلا... کتب علی نفسه الرحمه... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 14

14 - زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله... یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 53 - 9

9 - منکران قرآن با بی اعتنایی به معارف آن، تباه کننده سرمایه عمر خویش هستند.

قد خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 178 - 5,7

5 - گمراه شدگان به دست خدا، زیانکار و تباه کننده سرمایه عمر خویشند.

من یضلل فأولئک هم الخسرون

7 - تکذیب آیات الهی موجب زیان و ضایع کردن سرمایه عمر است.

من یضلل فأولئک هم الخسرون

از مصادیق مورد نظر برای گمراهان، به قرینه آیه قبل، تکذیب کنندگان آیات الهی هستند.

4- سرمایه اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 1

1 - قلب سلیم ، تنها سرمایه ثمربخش برای انسان در قیامت

یوم لا ینفع . . . إلا من أتى الله بقلب سلیم

5- سرمایه انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 86 - 1

1 - سرای آخرت و نعمت های آن ، سرمایه انسان ها در قبال ایمان و عمل به کتاب های آسمانی است .

أولئك الذين اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

ص: 2

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 22 - 6

6 - عمل نیک ، سرمایه و مددکار دنیوی و آخروی انسان

حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 116 - 7

7 - اموال و فرزندان (پشتوانه مالی و نیروی انسانی) ، مهمترین سرمایه مادی بشر

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم

با وجود اینکه هیچ چیز توان کفایت از خدا را ندارد، نام بردن از مال و اولاد، دلالت بر ویژگی و اهمیت خاص آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 177 - 3

3 - ایمان به خداوند ، سرمایه سعادت بخش انسان

انّ الذین اشتروا الکفر بالایمان . . . لهم عذاب الیم

زیرا می فرماید برخی کفر را به بهای ایمان خریدند و از دست دادن این بها، موجب گرفتاری به عذاب است. لذا ایمان، سرمایه ای فرض شده که از دست دادن آن موجب عذاب دردناکی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 23، 25، 4، 5

4 - داده های الهی (امکانات مادی و معنوی) به انسان ها ، فضل خداوند و از ملک اوست .

و لا یحسبنّ الذّین ینخلون بما اتيهم اللّٰه من فضله

5 - توجّه به از جانب خدا بودن دارایی ها ، آسان کننده انفاق و بخشش و بیانگر زشتی و شناعة بخلورزی

و لا یحسبنّ الذّین ینخلون بما اتيهم اللّٰه من فضله

تذکر خداوند به اینکه داراییهای شما، فضلی از جانب اوست (بما آتیهم الله من فضله)، برای این هدف است که انفاق را بر آدمی آسان کند و زشتی بخل را بر او آشکار سازد.

23 - دارایی های انسان از آن خداست و به او باز خواهد گشت .

بما آتیهم الله من فضله .. و لله میراث السموات و الارض

25 - توجه به خارج شدن تمام دارایی ها از دست انسان ، مایه شناخت زشتی بخل و ترک انفاق

و لا یحسبن الذین ینخلون .. و لله میراث السموات و الارض

جمله «و لله میراث السموات ..» ، بیانگر این نکته است که اموال از دست شما خارج و به خدا باز خواهد گشت. بنابراین چرا انفاق نمی کنید و خود را از ثواب و پاداش انفاق محروم می سازید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 103 - 5

5- أعمال آدمی ، در سرای دنیا ، دست مایه و سرمایه اصلی او است .

الأخسرین أعمالاً

ص: 3

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 104 - 5

5- سعی و تلاش آدمی در دنیا ، سرمایه اصلی او است .

الأخسرین أعمالاً . الذین ضلّ سعیمهم فی الحیوه الدنیا

6- سرمایه بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 180 - 12،13

12 - دارایی های بخیلان در قیامت ، به صورت طوقی به گردنشان آویخته خواهد شد .

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

13 - آویخته شدن دارایی های بخیلان در قیامت بر گردن آنان ، تبلور شرّ و زیان بخلورزی ایشان

بل هو شرّ لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمه

جمله «سیطوقون ما بخلوا ...» ، تفسیر کلمه «شرّ» است: یعنی به دوش کشی تمام داراییها در قیامت شرّی است که دامنگیر بخیلان خواهد شد. برداشت فوق بر این اساس است که معنای ظاهری «سیطوقون ...» مراد باشد.

7- سرمایه عمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 178 - 6

6 - هدایت یافتگان عمر خویش را تباه نکرده و از آن بهره مند بوده اند .

من یهد الله فهو المهتدی

از جمله «فأولئك هم الخسرون» - که درباره گمراهان بیان شد - می توان فهمید که جمله ای مانند «و أولئك هم الرابحون برای هدایت یافتگان در تقدیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 10

10 - از کف دادن سرمایه های وجودی ، بزرگ ترین زیان آدمی در زندگی است .

إِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسَرُوْا اَنْفُسَهُمْ

8- ناپایداری سرمایه گذاری مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 42 - 7

ص: 4

7- سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های مادی، در معرض فنا و نابودی است.

و أُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يَقْلِبُ كَفَّيْهِ عَلَيَّ مَا أَنْفَقَ فِيهَا

چنان‌چه داستان دو باغ، تمثیل و سمبلیک باشد، در این صورت، مرد ثروت‌مند مغرور، سمبل کسانی است که صرفاً با اغراض مادی و هدف دانستن دنیا و متاع‌های آن، به تلاش پرداخته، ولی در نهایت، بر زحمت و رنج خود تأسف می‌خورند؛ چرا که در فرجام کار، تمامی آن را بر باد رفته می‌یابند.

سرمایه‌گذاری

ص: 5

2- سرمستی

1- آثار سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 9

9- سرمستی و غفلت ، مانع پذیرفتن نصیحت و خیراندیشی ناصحان

لعمرك إنهم لفي سكرتهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 73 - 5

5- سرمستی و غفلت ، از عوامل گرفتار شدن اقوام به عذاب الهی

إنهم لفي سكرتهم يعمهون . فأخذتهم الصيحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 6

6 - سرمستی و غرور ناشی از نعمت و رفاه فراوان ، از عوامل هلاکت جوامع بشری است .

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 81 - 10

10 - طغیان ، سرمستی ، فسادانگیزی ، فخرفروشی و خودنمایی ، از عوامل هلاکت و نابودی

إن قرون... فبغی... لاتقرح... و لاتبغ الفساد... فخرج علی قومہ فی زینتہ...

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند پس از برشمردن تعدادی از اوصاف ناپسند قارون، مسأله نابودی وی را مطرح فرمود.

این نکته می رساند که اوصاف یاد شده در نابودی وی مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذبوا بالکتب . . . ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغير الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه «ذلکم» تکذیب کافران باشد.

ص: 6

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 76 - 7

7 - تکبر ، غرور و سرمستی ، عامل جای گرفتن دائمی در دوزخ

جهنم خلدین فیها فبئس مثوی المتکبرین

توصیف کافران دوزخی به «متکبران»، بیانگر این حقیقت است که آنچه موجب دوزخی شدن آنان می شود، وجود صفت تکبر، غرور و سرمستی آنان در زندگی دنیایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 2,3

2 - گذراندن زندگی دنیا همراه با بی پروایی ، سرمست شدن به ثروت و مکننت و بی رحمی و آدم کشی ، در پی دارنده قطعی عذاب هولناک دوزخ

فی سموم و حمیم .. إنهم كانوا قبل ذلک مترفین

3 - سرمستی ، خوش گذرانی و فرورفتن در ناز و نعمت ، از عوامل مهم دوزخی شدن « اصحاب شمال »

و أصحاب الشمال .. إنهم كانوا قبل ذلک مترفین

2- آثار سرمستی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 3

3 - سرمستی و غرور ، عامل هلاکت جوامع پیشین

و کم أهلکنا من قریه بطرت معیشتها

«بَطْر» (مصدر «بَطْرت») به غرور و طغیان - که آدمی بر اثر فراوانی نعمت دچار آن شود - گفته می شود. بنابراین «بَطْرت معیشتها»؛ یعنی، «طغت فی معیشتها» (در زندگی اش طغیان کرد). گفتنی است که عبارت «بَطْرت معیشتها» وصف و مفید تعلیل است؛ یعنی، جوامع گذشته بدان جهت به هلاکت رسیدند که گرفتار سرمستی و غرور بودند.

3- آثار سرمستی قوم ثمود

3- سرمستی، رفاه زدگی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسحّرين

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

ص: 7

4- آثار سرمستی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 72 - 6

6- سرمستی ، تحیّر و بصیرت نداشتن قوم لوط ، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود .

و اتقوا الله و لاتخزون . . . لعمرك إنهم لفی سكرتهم یعمهون

«سکره» به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و «عمه» به معنای تردد ناشی از تحیر در امور است. بنابراین مقصود از جمله «لفی سكرتهم یعمهون» سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 73 - 4

4- سرمستی و غفلت ، از عوامل گرفتار شدن قوم لوط به عذاب الهی

إنهم لفی سكرتهم یعمهون . فأخذتهم الصیحه

5- آثار سرمستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 75 - 1

1 - شادمانی ناحق و سرمستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغير الحقّ و بما کنتم تمرحون

«با» در «بما کنتم» برای سببیت است. «فرح» (مصدر «تفرحون») به معنای سرور و شادمانی است و «مرح» (مصدر «تمرحون») به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سرمستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه «ذلکم» عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 8 - 6

6 - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا ، در پی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

وَاتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ... يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسَرَ

«عسر» (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

6- آثار سرمستی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 75 - 1

ص: 8

1 - شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذلكم بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحقّ و بما كنتم تمرحون

«با» در «بما كنتم» برای سببیت است. «فرح» (مصدر «تفرحون») به معنای سرور و شادمانی است و «مرح» (مصدر «تمرحون») به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سر مستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه «ذلكم» عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

7- آثار سرمستی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 58 - 5

5- غرور و سرمستی ، ریشه بهانه جویی های مشرکان عصر بعثت

و کم أهلكنا من قرية بطرت معيشتها

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین - که درباره بهانه جویی های مشرکان مکه است - برداشت یاد شده استفاده می شود.

8- اجتناب از سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 18 - 5,6

5- لقمان به پسرش سفارش کرد که از سرمستی کردن در زمین ، پرهیز کند .

و لاتمش في الأرض مرحًا

6- انسان ، نباید حرکت خویش را براساس خوشی و سرمستی سامان دهد .

و لاتمش في الأرض مرحًا

بنابراین احتمال که «مرح» مفعولٌ له برای فعل «تمش» باشد، معنای یاد شده را می رساند.

9- راه رفتن با سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 18 - 4,14

4- باید از راه رفتن به صورت سرمست و شادمانه افراطی ، پرهیز کرد .

و لاتمش فی الأرض مرحاً

«مرح» در لغت به معنای «شدت خوش حالی» است و نصب آن، به خاطر حال بودن اش است.

14- « عن أبي جعفر (ع) في قوله « و لاتمش فی الأرض مرحاً » أي بالعظمه ;

از امام باقر(ع) درباره آیه «و لاتمش فی الأرض مرحاً» روایت شده که: یعنی، با جلال و جبروت در زمین راه نرو».

ص: 9

10- زمینه سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 14

14 - برخورداری از مال و ثروت فراوان ، زمینه ساز غرور و سرمستی است .

و ءاتینه من الکنوز . . . إذ قال له قومه لاتفرح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 9

9 - غفلت از سرچشمه اصلی نعمت ها (خداوند) امری ناشایست و زمینه ساز غرور و سرمستی است .

و إنا إذا أذقنا الإنسان منا رحمه فرح بها

با توجه به تکرار ضمیر «نا»، می توان استفاده کرد که خداوند غفلت و فراموشی از مبدأ اصلی نعمت ها را، مورد سرزنش قرار داده است.

11- ساجدان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5 - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، میرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون . فاسجدوا لله واعبدوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

12- سرمستی اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 45 - 3، 1

1 - اصحاب شمال ، مجموعه ای از انسان های بی پروا ، متنعمان سرمست و جباران (انسان های بی رحم و آدم کش)

إنهم كانوا قبل ذلک مترفین

«مترف» (مفرد «مترفین») در معانی زیر به کار می رود: الف) انسان یله و رهایی که بدون هیچ مانعی هرچه دلش بخواهد انجام می دهد (بی پروا); ب) کسی که تنعم و رفاه او را سرمست کرده باشد; ج) جبار و ستمگر (قاموس المحيط).

3- سرمستی، خوش گذرانی و فرورفتن در ناز و نعمت، از عوامل مهم دوزخی شدن « اصحاب شمال »

و أصحاب الشمال .. . إنهم كانوا قبل ذلك مترفين

ص: 10

13- سرمستی در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 7

7- ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصلت ناشایست و همگن

وإن مسّه الشّرّ فيئوس قنوط . و لئن أذقته رحمه متّا من بعد ضراء مسّته ليقولنّ ه

14- سرمستی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 149 - 3

3- سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تتحتون من الجبال بیوتاً فرهین

«فارهین» می تواند از مصدر «فره» (نشاط و سرخوشی) مشتق شده باشد. گفتنی است که «فارهین» بنابراین احتمال، صفت برای «بیوتاً» و به تقدیر «فارهین فیها» است؛ یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

15- سرمستی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 72 - 1,3

1- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و روشن بینی بودند .

لعمرك إنهم لفی سكرتهم یعمهون

برداشت فوق بنابراین مبناست که مخاطب جمله «لعمرك» - به قرینه آیات 49 و 51 پیش از شروع داستان ابراهیم(ع) و لوط(ع) (تبیء عبادی . . . و تبئهم ...) - پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) باشد.

3- سوگند خداوند به جان لوط (ع) بر اینکه قوم او مردمی سرمست و متحیرند .

لعمرك إنهم لفی سكرتهم یعمهون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله «لعمرك . . .» ادامه سخنان ملائکه خطاب به حضرت لوط(ع) باشد.

16- سرمستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 61 - 1

1 - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

ص: 11

وَأَنْتُمْ سَمْدُونَ

«سَمْدُونَ» در معانی «سهو» (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر از روی خودبزرگ بینی و غرور به کار می رود.

17- سرمستی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 202 - 3

3 - فرارسیدن عذاب الهی بر مجرمان ، در حال سرمستی و غفلت آنان

فِيأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

18- عابدان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 5

5 - اهل سجده و عبادت به درگاه خداوند ، میرا از سرمستی ، غرور و لهو

و تَضْحَكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ . وَأَنْتُمْ سَمْدُونَ . فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا

از این که در آیات پایانی سوره، سرمستی و لغوگرایی، قطب مخالف سجده و عبادت معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

19- عوامل رفع سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 203 - 2

2 - کیفر دردناک الهی ، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فِيأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ . فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ

20- موانع سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- توجه به انذار های الهی و واقعیت قیامت ، مایه نگرانی انسان و پرهیز از سرخوشی ها

أفمن هذا الحديث تعجبون . و تضحكون و لاتبكون

لحن توبیخی آیه شریفه، می رساند که توجه به حقانیت معاد و مفاهیم وحی، مقتضی این است که آدمی، بر فرجام خویش

ص: 12

گریان و اندوهناک باشد؛ نه سرمست و خندان.

21- مؤمنان و سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 60 - 3

3 - مؤمنان راستین ، دور از سرمستی ، و گریان و اندوهناک در برابر انذار های الهی

و تضحکون و لاتبکون

از توبیخ کافران به خاطر سرمستی و سرخوشی، استفاده می شود که مؤمنان - بر خلاف ایشان - از خوف انذارهای الهی، گریان و از سرمستی ها به دوراند.

22- ناپسندی سرمستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 50 - 7

7 - ناامیدی و منفی بافی مفرط در سختی ها و سرخوشی مستانه در آسایش ، دو خصیلت ناشایست و همگن

وإن مسّه الشّرّ فیئوس فنوط . و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضراء مسّته لیقولنّ ه

سرستان

23- عبرت ناپذیری سرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 37 - 7

7 - نشانه های عبرت آموز الهی بر پهنه زمین ، بی تأثیر در مردمان غافل و سرمست *

ءایه للذین یخافون العذاب الالیم

اختصاص یافتن «آیه» به «للذین یخافون..»، بیانگر این حقیقت است که اگر مایه های ابتدایی معرفت، در درون فرد وجود نداشته باشد و او در غفلت و سرخوشی فرو رفته باشد، از آیات الهی ره به مقصد و مقصود نخواهد برد.

24- محرومیت سرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 16

16 - انسان های مغرور و سرمست ، محروم از لطف و محبت خداوند

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

ص: 13

3- سرنوشت

1- آثار مطالعه سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 44 - 3

3- سیر در سرزمین ها و مطالعه در سرگذشت پیشینیان ، مایه عبرت و درس آموز است .

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

2- انبیا و سرنوشت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 36 - 4

4- وحی و اخبار خداوند ، طریق آگاهی پیامبران به امور غیبی و سرنوشت انسانها

أوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک إلا من قد ءامن

3- انذار از سرنوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 39 - 12

12- لزوم انذار و بیدارساختن مردم از غفلت درباره سرنوشت اخروی خویش

وأنذرهم . . . و هم فی غفله

4- اهمیت سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 3 - 2

2- خداوند ، بیانگر سرگذشت پیشینیان برای پیامبر (صلی الله علیه و آله)

نحن نقصّ علیک أحسن القصص

«قصّ» (مصدر نقص) به معنای بیان کردن و بازگو کردن است. «قصّص» به معنای بیان کردن و نیز به معنای داستان و چیزی است که بازگو می شود.

5- اهمیت سرنوشت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 12

12- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان ، امری مهم و ارزشمند است .

و إذ قال إبراهيم ربّ .. اجنبنی و بنیّ ان نعبد الأصنام

6- برادران یوسف و سرنوشت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 15 - 4

4- برادران یوسف تا قبل از بردن او به صحرا ، نسبت به سرنوشت او به نظر قطعی نرسیده بودند . *

فلما ذهبوا به و أجمعوا

«اجماع» (مصدر أجمعوا) به معنای اتفاق نظر و عقیده و نیز به معنای تصمیم گرفتن و مهیّای انجام کاری شدن است. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

7- تحقیق در سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 92 - 10

10 - خداوند ، مردم را به تحقیق در سرگذشت عبرت انگیز اقوام و ملل پیشین ترغیب می کند .

لتكون لمن خلفك آية و إن كثيراً من الناس عن آيتنا لغفلون

8- تذکر سرنوشت پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 5

5 - توجه دادن مردم به نعمت های الهی و سرنوشت پیشینیان ، از روش های تبلیغی صالح (ع) برای گرایش دادن آنان به پرستش خدای یگانه

واذکروا إذ جعلکم خلفاء .. فاذکروا لاء اللّٰه

ص: 15

9- تعیین سرنوشت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 39 - 6

6- قیامت ، روز فیصله امور و تعیین سرنوشت قطعی انسان

إذ قضی الأمر

ممکن است مقصود از «الأمر» حکم قطعی و تعیین بهشتی و یا دوزخی بودن مردم باشد در این صورت «قضی الأمر» ناظر به صدور احکام قطعی و گذشتن از آن مرحله است.

10- تفکر در سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 176 - 19

19 - واداشتن آدمی به تفکر در فرجام و سرنوشت خویش ، از اهداف داستان های قرآن است .

فأقصص القصص لعلمهم یتفکرون

11- تقدیر سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 44 - 6

6 - انسان در تحقق سرنوشت خویش مؤثر است ؛ هر چند از سوی خداوند مقدر شده باشد .

إذ یریکمهم إذالتقیتم .. لیقضی الله أمرا کان مفعولا

تمهیداتی از قبیل رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کم جلوه دادن هر یک از دو سپاه در نظر دیگری و مانند آنها، که به منظور ترغیب طرفین به رویارویی است، نشان می دهد که تحقق جنگ بدر از اختیار طرفین خارج نبوده و امکان تخلف داشته است. جمله «ولو اریکم کثیرا ...» در آیه قبل نیز این معنا را تأیید می کند. و اگر آن امر مقدر، یعنی تحقق جنگ بدر، از اختیار طرفین جنگ خارج بود، نیازی به این تمهیدات ترغیب کننده نداشت.

12- حاکم سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 30 - 3

3 - لحظه مرگ ، لحظه بروز ناتوانی کامل انسان و حاکمیت تام خداوند بر سرنوشت او

إلى ربك يومئذ المساق

از آن جایی که قیامت روز حساب و مجازات است، سوق دادن انسان به درگاه خداوند در آن روز، می تواند نشانگر این حقیقت

ص: 16

باشد که سرنوشت انسان‌ها (بهشتی یا جهنمی شدن آنان)، در آن تعیین خواهد شد.

13- ذکر سرنوشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 9

9- توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان ، وادار کننده انسان به استقامت و پایداری بر توحید و پرستش خدا

فاستقم كما أمرت

برداشت فوق ، بر این اساس است که جمله «فاستقم . . .» بر داستان اقوام گذشته - که در آیات پیشین از آن سخن رفته است - تفریع شده باشد.

14- ذکر سرنوشت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 112 - 9

9- توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان ، وادار کننده انسان به استقامت و پایداری بر توحید و پرستش خدا

فاستقم كما أمرت

برداشت فوق ، بر این اساس است که جمله «فاستقم . . .» بر داستان اقوام گذشته - که در آیات پیشین از آن سخن رفته است - تفریع شده باشد.

15- سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 98 - 1

1 - سرگذشت اقوام تکذیب کننده پیشین ، شاهد صدق این ادعاست که محکومان به عذاب استیصال ، توفیق ایمان آوردن را تا لحظه وقوع عذاب از دست خواهند داد .

إن الذين حقت عليهم كلمت ربك لا يؤمنون . . . فلولا كانت قرية ءامنت فنفعها إيمانها

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل ، جمله «فلولا كانت قرية ءامنت» ، می تواند جواب برای شرط مقدر باشد و تقدیر آن چنین می شود: «إن

كنت في شك من هذا فلولا كانت . . .»؛ یعنی، اگر در این مطلب (کسانی که از سوی خداوند محکوم به عذاب استیصال شوند تا لحظه وقوع عذاب، ایمان نخواهند آورد) تردید دارید، پس بگویید: چرا و به چه دلیل، اقوام تکذیب کننده پیشین تا لحظه وقوع عذاب ایمان نیاوردند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 17

1- سرنوشت قوم «تبع» و اقوام قبل از آن، پیامدار عبرت و هشدار برای مشرکان مکه

أهم خير أم قوم تبع و الذين من قبلهم

16- سرنوشت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 33 - 9

9 - توبه و استغفار دارای اهمیتی ویژه در نزد خداوند و دارای تأثیری بسزا در سرنوشت امتهما

و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون

17- سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 50 - 9

9 - عملکرد انسان دارای نقشی بسزا در چگونگی تدبیر امور او از سوی خداوند

يسومونكم سوء العذاب... و في ذلكم بلاء من ربكم عظيم. و اذ فرقنا بكم البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 18

18 - انسان و انتخاب او دارای نقشی بسزا در تحقق مقدرات الهی است .

و ابتغوا ما كتب الله لكم

فرمان الهی به انسانها، مبنی بر اینکه در پی دست یافتن به مقدرات الهی باشند (و ابتغوا ما كتب الله لكم) گویای این است که: تحقق برخی از آنچه که خداوند برای انسان مقدر کرده، مشروط به انتخاب و عملکرد او نیز هست؛ یعنی، انسان در تحقق آنها نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 16

16 - اعمال و رفتار آدمی سازنده حقیقت و ماهیت اوست .

ولکن البر من اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 223 - 7

7 - تأثیر نحوه روابط زناشویی ، در سرنوشت نیک یا بد انسان

فاتوا حرثکم انی شئتم و قدّموا لانفسکم

به نظر می رسد جمله «وقدّموا لانفسکم» به منزله تقییدی باشد برای اختیار و آزادی آدمی در آمیزش ؛ یعنی زندگی

ص: 18

زناشویی در سرنوشت آدمی مؤثر است؛ پس آن روشی را برگزینید که فرجامی نیک داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 112 - 13

13 - تأثیر گرایش های اعتقادی و رفتاری انسان ها ، در سرنوشت آنان

ضربت علیهم الذلّه .. ذلک بانّهم کانوا یکفرون ... ذلک بما عصوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 18

18 - سرنوشت اخروی انسان در گرو موضعگیری فکری و عملی وی در دنیا

فاما الذین ءامنوا .. و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 16 - 4

4 - انسان ، زمینه ساز هدایت (سرنوشت) خویش

یهدی .. من اتبع رضونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 12

12 - انسان خود تعیین کننده سرنوشت و فرجام خویش

قدمت لهم انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 30 - 3

3 - گمراهی، سرنوشت گروهی از انسانهاست.

و فریقا حق علیهم الضلله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 14

14 - عملکرد انسان ها در تعیین سرنوشت آنان به دست خدا دارای ارزشی بسزاست .

و تمت كلمت ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

نکته فوق با توجه به بیان سبب یاری خدا، یعنی «بما صبروا»، برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 176 - 10

10 - انسان در عین حاکمیت مشیت خدا بر وی ، در تعیین سرنوشت خویش دخیل است .

و لو شئنا لرفعنه بها و لکنه أخلد إلى الأرض

ص: 19

جمله «و لو شئنا ..» می رساند که سرنوشت انسان با مشیت الهی رقم می خورد. جمله «و لکنه ...» تعلیل برای مفهوم جمله قبل است و دلالت می کند که مشیت الهی در تعیین سرنوشت انسان، منوط به عملکرد خود آدمی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 70 - 19

19 - اختیار انسان و نقش خود وی در رقم زدن سرنوشت خویش

فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 83 - 11

11 - نقش اساسی برخی مواضع و عملکرد های نخستین انسان ، در عملکرد و مواضع آینده وی

لن تخرجوا معي .. إنكم رضيتم بالقعود أول مره

تصریح به «أول مره» نقش داشتن عملکرد نخستین را در حرکتهای آینده انسان می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 27 - 10

10 - سرنوشت خوب و بد انسان در آخرت ، بستگی به عملکرد او دارد .

و الذين كسبوا السيئات .. أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 6

6- خداوند در پی تحوّل و تغییر در گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، وضعیّت و سرنوشت آنان را تغییر می دهد .

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 13 - 6

6- « عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر و أبي عبدالله (عليهما السلام) عن قوله : « و كلّ إنسان ألزمنه طائره في عنقه » قال : قدره الذی قدر علیه ;

محمد بن مسلم از امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - درباره سخن خدا «و كلّ إنسان ألزمنه طائره في عنقه» روایت کرده است که فرمودند: کسی که می بایستی سرنوشت انسان را مقدر کند، تقدیر کرده است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 59 - 8

8 - انسان ، خود تعیین کننده سرنوشت خویش است .

قد جاء تک ءایتی فکذّبت بها و استکبرت و کنت من الکفرین

ص: 20

18- سرنوشت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 39 - 9

9- سنت خداوند بر تعیین سرنوشت انسان ها در پرتو عملکرد خودشان ، با وجود قدرت او بر تعیین قطعی همه امور

إلا تتفروا يعذبكم . . . ولا تضروه شيئاً والله على كل شيء قدير

خداوند، از یک سو مؤمنان را به جهاد بر می انگیزد و از سوی دیگری نیازی خود را از عملکرد آنان اظهار می کند و این نشان دهنده سنت او بر نقش دادن به انسان در تعیین سرنوشت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 6

6- معاد (رستاخیز) سرنوشت حتمی تمامی انسانهاست .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 8 - 4

4- سرنوشت انسان (سعادت و شقاوت اخروی) در گرو اعمال و کردار اوست .

أولئك مأويهم النار بما كانوا يكسبون

19- سرنوشت اهل بصیرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 8 - 8

8- انسان واقع بین ، خودشناس و بصیر ، با انسان فاقد بصیرت و واقع نگری ، از نظر سرنوشت و ارزشیابی برابر نیست .

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً

«همزه» در «أفمن زين له ..» استفهام انکاری و «من»، مبتدا است و خبر آن - به قرینه مقام «فإن الله يضل من يشاء» - جمله ای مقدر مانند «کمن لیس كذلك» یا «کمن هداه» می باشد؛ یعنی، آیا کسی که اعمالش برای وی زینت داده شود، مانند کسی است که چنین نیست

و راه هدایت را پیموده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

ص: 21

20- سرنوشت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 112 - 1,9

1 - ذلّتِ همیشگی اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

ضربت عليهم الذّله أين ما تقفوا

9 - درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب (یهود) ، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت عليهم المسكنه

21- سرنوشت بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 3 - 1

1 - تبعید یهود بنی نضیر از مدینه ، سرنوشتی تعیین شده از سوی خداوند برای آنان

و لولا أن كتب الله عليهم الجلاء لعدّ بهم في الدنيا

22- سرنوشت جاهلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 12

12 - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون

23- سرنوشت خانواده ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - شوري - 42 - 45 - 14

14 - تأثير منفي و زيانبار گمراهان و ستمكاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهليهم

ص: 22

24- سرنوشت خانواده گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 14

14 - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا انفسهم و اهلیهم

25- سرنوشت شوم سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 12

12 - سنگدلان غافل از خدا ، دچار سرنوشتی دردآور

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله

واژه «ویل» برای تفتیح و تحسّر است و در جایی به کار می رود که حادثه دردآوری پیش آمده و یا در شرف وقوع باشد.

26- سرنوشت شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 57 - 6

6 - فرجام و سرنوشت کافران ، فرجام و سرنوشتی بد و ناخوشایند

الذین كفروا .. مأویهم النار و لبس المصیر

27- سرنوشت شوم مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 6 - 16

16 - مشرکان ، دارای سرنوشتی سخت و ناگوار

وویل للمشرکین

28- سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 14

ص: 23

14 - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهليهم

29- سرنوشت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 12

12 - اهل دانش و معرفت با جاهلان و نادانان ، از نظر شخصیت و سرنوشت یکسان نیستند .

قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون

30- سرنوشت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 9

9- عیسی (ع) به برخی از حوادث آینده خویش آگاه بود .

والسلم علیّ . . . یوم أموت

31- سرنوشت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 42 - 10

10 - وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

ولكن ليقضى الله أمرا كان مفعولا

32- سرنوشت فاقدان بصيرت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 8 - 8

ص: 24

8- انسان واقع بین ، خودشناس و بصیر ، با انسان فاقد بصیرت و واقع نگری ، از نظر سرنوشت و ارزشیابی برابر نیست .

أفمن زين له سوء عمله فرءاه حسناً

«همزه» در «أفمن زين له ..» استفهام انکاری و «من»، مبتدا است و خبر آن - به قرینه مقام «فإن الله يضل من يشاء» - جمله ای مقدر مانند «کمن ليس كذلك» یا «کمن هده» می باشد؛ یعنی، آیا کسی که اعمالش برای وی زینت داده شود، مانند کسی است که چنین نیست و راه هدایت را پیموده است؟

33- سرنوشت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 9 - 2

2- مسؤولیت اولیا ، نسبت به سرنوشت فرزندان خویش

ولبخش الذين لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافاً

نگرانی از آینده فرزندان و احساس مسؤولیت نسبت به آنان حالتی طبیعی برای انسان است که خداوند آن را تأیید کرده و مبنای حکم خویش به لزوم رعایت تقوا (فليتقوا الله) قرار داده است.

34- سرنوشت قوم تبع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 37 - 4، 1

1- سرنوشت قوم «تبع» و اقوام قبل از آن ، پیامدار عبرت و هشدار برای مشرکان مکه

أهم خير أم قوم تبع و الذين من قبلهم

4- آگاهی اهل مکه ، از سرگذشت هلاکت بار قوم تبع

أهم خير أم قوم تبع

از این که قرآن، قبلاً سخنی از قوم «تبع» به میان نیاورده و در این جا به ذکر نام آن برای عبرت آموزی مشرکان مکه اکتفا کرده است، مطلب بالا قابل استفاده است.

35- سرنوشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 108 - 2

2 - آیات روشننگرِ سرنوشت دو طایفه مؤمنان و کافران ، همراه حق و به دور از شائبه بطلان و انحراف

یوم تسوّد . . . تلک ایات الله تتلوه علیک بالحق

بنابراینکه «بالحق»، قید باشد برای آیات و «باء»، به معنای مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 25

5- مالکیت مطلق خداوند بر هستی، دلیل نداشتن حق تصمیمگیری رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، در مورد سرنوشت کفار

لیس لك من الامر شیء او یتوب علیهم... و لله ما فی السموات و ما فی الارض

10 - مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الذین کفروا... لیس لك من الامر شیء... و لله ما فی السموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 3

3 - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 21 - 2

2 - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران، از نظر شخصیت و سرنوشت.

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 1

1 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن، از نظر شخصیت و سرنوشت

أمن هو قنت ءاناء الیل ساجداً و قائماً

«من» در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: «أمن هو قانت ءاناء الیل... کمن هو عاص أو کافر؛ آیا کسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است». بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسية قلوبهم

«من» در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن - به قرینه جمله بعدی (فويل للقسية قلوبهم. ..) - جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: «أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه». بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فويل للقسية قلوبهم من ذكر الله .. أفمن يتقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمة

«من» در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: «أفمن

یت تحقی بوجهه سوء العذاب. .. کمن آمن منه». بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 10

10 - وجود اختلاف های اساسی ، میان دو انسان مؤمن و کافر از نظر سرنوشت

ضرب الله مثلاً رجلاً .. و رجلاً سلماً لرجل هل یستویان مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 58 - 9

9 - اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرطت .. و إن كنت لمن السخرین ... لو أن لی کره ف

36- سرنوشت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 19 - 1

1 - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یتوی الأعمی و البصیر

واژه «أعمی» و «بصیر» در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

37- سرنوشت گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 14

14 - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهلیهم

38- سرنوشت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 58 - 9

9- اعتراف کافران و گناه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس يحسرتي على ما فرطت . . . وإن كنت لمن السخرين ... لو أن لي كره ف

ص: 27

39- سرنوشت ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 63 - 4,5,6

4- همسفر موسی از بازگویی سرگذشت ماهی ، برای موسی (ع) ، در مدت استراحت شان در مجمع البحرین ، غفلت کرد .

قال أريت إذ أوبنا إلى الصخره فإني نسيت الحوت

«صخره» به معنای «تخته سنگ بزرگ» است. «أوبنا إلى الصخره» یعنی: «برای استراحت، در کنار آن صخره، جای گرفته بودیم.».

5- همسفر موسی ، در پی درخواست تهیه چاشت از جانب موسی (ع) ، ماجرای رفتن ماهی به دریا را به یاد آورد .

ءاتنا غداءنا .. قال أريت ... فإني نسيت الحوت

6- خدمت کار موسی ، غفلت خود را از یادآوری ماجرای ماهی به موسی (ع) ، ناشی از نفوذ شیطان در خود دانست .

و ما أنسنیه إلاّ الشیطن أن أذکره

40- سرنوشت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 5

5 - تقوایبشگان ، از محسنان و دارای یک سرنوشت اند .

إنّ المتّقین فی ظلل و عیون .. هنیئاً بما كنتم تعملون . إنّا كذلك نجزي المحسنی

41- سرنوشت مجادله گران در آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 69 - 1,2

1 - توصیه خداوند به نگرستن و تأمل کردن در سرنوشت کسانی که درباره آیات الهی به جدال و ستیزه جویی برمی خیزند .

ألم تر إلى الذین یجدلون فی ءایة اللّٰه أنّی یصرفون

2 - سرنوشت شوم مجادله گران و ستیزه جویان با آیات الهی ، درس آموز و عبرت انگیز است .

ألم تر إلى الذين يجدلون في آيات الله أنى يصرفون

42- سرنوشت محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 44 - 5

5 - تقوایشگان ، از محسنان و دارای یک سرنوشت اند .

ص: 28

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ وَعَيْونَ . . . هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ . إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

43- سرنوشت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 24 - 7

7 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هم اکنون شاهد سرنوشت ذلتبار مشرکان در قیامت*

انظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

فعل «انظر» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. توجه به گزینش این مخاطب ویژه، این احتمال را که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در دنیا نیز با چشم ملکوتی خود شاهد صحنه های قیامت هستند، تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 5

5 - منافقان و مشرکان ، دارای موضع واحد در قبال امانت الهی بودند و در نتیجه ، دارای سرنوشت یگانه اند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ لِلَّهِ الْمُنْفِقِينَ وَالْمُنْفِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ

44- سرنوشت مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 4

4 - همه مردم، حتی افترا زندگان بر خدا و تکذیب کنندگان آیات او، تا فرا رسیدن مرگشان به بهره مقدر خویش در دنیا خواهند رسید.

فَمَنْ أَظْلَمُ . . . أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكُتُبِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا

«الكتاب» مصدر و به معنای اسم مفعول است، یعنی مکتوب و مقدر. «من» برای ابتدای غایت است. یعنی آنچه از مقدرات الهی سهم کافران است، به آنان خواهد رسید.

45- سرنوشت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 73 - 5

5 - منافقان و مشرکان ، دارای موضع واحد در قبال امانت الهی بودند و در نتیجه ، دارای سرنوشت یگانه اند .

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَلْفَيْنَا ظَهْرَهُنَّ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لِيَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مُبْتَلِي الْغَافِلِينَ . . . لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ

ص: 29

46- سرنوشت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 4 - 7

7 - معاد (رستاخیز) سرنوشت قطعی تمامی پدیده های جهان آفرینش

إنه یبدؤا الخلق ثم یعیده

47- سرنوشت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 108 - 2

2 - آیات روشننگر سرنوشت دو طایفه مؤمنان و کافران ، همراه حق و به دور از شائبه بطلان و انحراف

یوم تسوّد . . . تلک آیات اللّٰه تتلوها علیک بالحق

بنابراینکه «بالحق»، قید باشد برای آیات و «باء»، به معنای مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 129 - 10

10 - مالکیّت و حاکمیّت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الذّین کفروا . . . لیس لک من الامر شیء . . . ولّٰه ما فی السّموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 89 - 18

18 - تنها خداوند آگاه به سرنوشت مؤمنان در پایداری آنان بر توحید و یا بازگشتشان به کفر و شرک است .

و ما یكون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّٰه ربنا وسع ربنا کل شیء علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 20 - 3

3- برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 21 - 2

2- برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 1

ص: 30

1 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَمَّنْ هُوَ قَنْتَ ءَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا

«من» در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ ءَانَاءَ اللَّيْلِ... کمن هو عاص أو کافر؛ آیاکسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است». بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 10

10 - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ

«من» در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن - به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم ..) - جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ... کمن قسا قلبه». بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 24 - 3

3 - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خدا ترس و کافر خدا گریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ . . . أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سِوَاءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

«من» در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: «أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سِوَاءَ الْعَذَابِ . . . کمن آمن منه». بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 10

10 - وجود اختلاف های اساسی ، میان دو انسان مؤمن و کافر از نظر سرنوشت

ضرب الله مثلاً رجلاً . . . ورجلاً مسلماً لرجل هل يستويان مثلاً

48- سرنوشت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 112 - 1,9

1- ذلّتِ همیشگی اهل کتاب (یهود)، سرنوشت محتوم آنان

ضُربت علیهم الذّله این ما ثقفوا

9- درماندگی و ناتوانی شدید اهل کتاب (یهود)، سرنوشت محتوم آنان

و ضربت علیهم المسکنه

ص: 31

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 167 - 1

1 - خداوند برای یهودیان متمرّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند ، قرار گیرند .

و إذ تأذن ربك ليعثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

«تأذن» یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). «بعث» (مصدر «لبيعثن») به معنای فرستادن است و چون به «علی» متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. «سوم» (مصدر «یسومون») به معنای تحمیل کردن است.

49- عبرت از سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 92 - 10، 8

8 - سرگذشت اقوام پیشین ، از آیات و نشانه های خداوند و مایه های عبرت مردم

لتكون لمن خلفك آية و إن كثيراً من الناس عن آيتنا لغفلون

10 - خداوند ، مردم را به تحقیق در سرگذشت عبرت انگیز اقوام و ملل پیشین ترغیب می کند .

لتكون لمن خلفك آية و إن كثيراً من الناس عن آيتنا لغفلون

50- عبرت از سرنوشت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 111 - 1

1- داستان پیامبران و امت های ایشان حاوی پند و مایه عبرت است .

لقد كان في قصصهم عبره

«قصص» به معنای داستان است. ضمیر در «قصصهم» به «رسل» و نیز امتهای ایشان - که از «من نشاء» و «القوم المجرمین» در آیه قبل استفاده می شود - برمی گردد.

51- عبرت از سرنوشت پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - مطالعه سرنوشت پیشینیان ، تأثیری بسزا در پندگیری انسان دارد .

إذ جعلكم خلفاء من بعد عاد

ص: 32

52- عبرت از سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 23

23 - سرنوشت شوم ستمگران در قیامت ، هشدار برای متجاوزان به حقوق مردم است .

ألا إنَّ الظالمين في عذابٍ مقِيمٍ

کلمه «ألا» - که برای هشدار است - رساننده مطلب بالا می باشد.

53- عبرت از سرنوشت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 69 - 1

1 - عبرت گرفتن از سرنوشت مجرمان گذشته تاریخ ، هشدار خداوند به منکران معاد

وقال الذين كفروا.. إن هذا إلا أسطير الأولين . قل سيروا في الأرض فانظروا ك

54- عبرت از سرنوشت مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 25 - 6

6 - سرنوشت شوم و هلاکت بار تکذیب کنندگان پیامبران در گذشته ، عبرت آموز برای دیگران

كذب الذين من قبلهم فأتيهم العذاب من حيث لا يشعرون

55- عوامل تعیین سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 80 - 12

12 - انسان خود تعیین کننده سرنوشت و فرجام خویش

قدمت لهم انفسهم

56- عوامل موثر در سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 94 - 5

5- نقش سعی و تلاش خود انسان در دستیابی به پاداش الهی و سرنوشت خویش

فمن يعمل... فلا کفران لسه

ص: 33

57- عوامل مؤثر در سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 50 - 9

9- عملکرد انسان دارای نقشی بسزا در چگونگی تدبیر امور او از سوی خداوند

یسومونکم سوء العذاب . . . و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم. و اذ فرقنا بکم البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 5

5- اعمال و رفتار آدمیان ، تعیین کننده فرجام آنان در سرای آخرت است .

بما قدمت ایدیههم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 18

18- انسان و انتخاب او دارای نقشی بسزا در تحقق مقدرات الهی است .

و ابتغوا ما کتب الله لکم

فرمان الهی به انسانها، مبنی بر اینکه در پی دست یافتن به مقدرات الهی باشند (و ابتغوا ما کتب الله لکم) گویای این است که: تحقق

برخی از آنچه که خداوند برای انسان مقدر کرده، مشروط به انتخاب و عملکرد او نیز هست؛ یعنی، انسان در تحقق آنها نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 189 - 16

16- اعمال و رفتار آدمی سازنده حقیقت و ماهیت اوست .

و لکن البر من اتقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 129 - 10

10 - انسانها خود رقم زننده سرنوشت خویش هستند.

و کذلک نولی . . . بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 14

14 - عملکرد انسان ها در تعیین سرنوشت آنان به دست خدا دارای ارزشی بسزاست .

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

نکته فوق با توجه به بیان سبب یاری خدا، یعنی «بما صبروا»، برداشت شده است.

ص: 34

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 33 - 9

9 - توبه و استغفار دارای اهمیتی ویژه در نزد خداوند و دارای تأثیری بسزا در سرنوشت امتها

و ما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 44 - 6

6 - انسان در تحقق سرنوشت خویش مؤثر است؛ هر چند از سوی خداوند مقدر شده باشد.

إذ يريكموهم إذالتقيتم... ليقضى الله أمرا كان مفعولا

تمهیداتی از قبیل رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، کم جلوه دادن هر یک از دو سپاه در نظر دیگری و مانند آنها، که به منظور ترغیب طرفین به رویارویی است، نشان می دهد که تحقق جنگ بدر از اختیار طرفین خارج نبوده و امکان تخلف داشته است. جمله «و لو أريكهم كثيرا...» در آیه قبل نیز این معنا را تأیید می کند. و اگر آن امر مقدر، یعنی تحقق جنگ بدر، از اختیار طرفین جنگ خارج بود، نیازی به این تمهیدات ترغیب کننده نداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 39 - 9

9 - سنت خداوند بر تعیین سرنوشت انسان ها در پرتو عملکرد خودشان، با وجود قدرت او بر تعیین قطعی همه امور

إلا تتفروا يعذبكم... و لا تضروه شيئاً و الله على كل شيء قدير

خداوند، از یک سو مؤمنان را به جهاد بر می انگیزد و از سوی دیگر بی نیازی خود را از عملکرد آنان اظهار می کند و این نشان دهنده سنت او بر نقش دادن به انسان در تعیین سرنوشت خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 70 - 19

19 - اختیار انسان و نقش خود وی در رقم زدن سرنوشت خویش

فما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 83 - 11

11 - نقش اساسی برخی مواضع و عملکرد های نخستین انسان ، در عملکرد و مواضع آینده وی

لن تخرجوا معی . . . إنکم رضیتم بالتعود أول مرّه

تصریح به «أول مرّه» نقش داشتن عملکرد نخستین را در حرکتهای آینده انسان می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 8 - 4

4 - سرنوشت انسان (سعادت و شقاوت اخروی) در گرو اعمال و کردار اوست .

أولئک ماویهم النار بما كانوا یکسبون

ص: 35

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 27 - 10

10 - سرنوشت خوب و بد انسان در آخرت ، بستگی به عملکرد او دارد .

و الذین کسبوا السيئات .. أولئک أصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 30 - 2

2 - فرجام نیک و بد هر کس در عرصه محشر ، در گرو اعمال اوست .

و یوم نحشرهم جميعاً .. هنالک تبلوا کل نفس ما أسلفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 44 - 5

5 - انسان موجودی آزاد ، مختار و تعیین کننده سرنوشت خویش است .

و لکن الناس أنفسمهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 95 - 7

7 - نقش انسان در تعیین سرنوشت خویش

و لا تکنون من الذین کذبوا .. فتکنون من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 34 - 5,8,9

5- نقش دعا در رقم خوردن سرنوشت آدمی

إلا تصرف عنی کیدهنّ .. فاستجاب له ربه فصرف عنه کیدهنّ

8- نقش خداوند در سلوک و رفتار انسان و سرنوشت او

إلا تصرف .. . فصرف عنه كيدهنّ

9- خواست خود آدمی ، در رقم خوردن سرنوشت او از ناحیه خداوند ، نقشی بسزا دارد .

قال رب السجن أحب .. . فصرف عنه كيدهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 11 - 10، 8، 6

6- خداوند در پی تحوّل و تغییر در گرایش ها و رفتار های جوامع بشری ، وضعیّت و سرنوشت آنان را تغییر می دهد .

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

8- انسان دارای نقشی بسزا در وضعیّت اجتماعی و معیشتی و سرنوشت خویش

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

10- جوامع بشری در رقم زدن سرنوشت خویش نه مستقل از اراده خداوندند و نه مجبور از ناحیه او

ص: 36

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

جمله «إن الله لا يغير ما بقوم» تغییر دهنده و از میان برنده را خدا می داند و عبارت «حتى يغيروا ما بأنفسهم» انسانها را در رقم زدن سرنوشت خویش دخیل می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 44 - 7

7- عقیده و عمل انسان ، نقشی تعیین کننده در سرنوشت او دارد .

إلا من اتبعك من الغاوین . و إن جهنم لموعدهم أجمعین . لها سبعة أبواب لكل باب من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 60 - 4

4- انسان ، در برابر محیط اجتماعی و عوامل تأثیرگذار ، مجبور نیست و در تعیین سرنوشت خویش مختار است .

إلا امرأته قدرنا إنها لمن الغبرین

خداوند، همسر لوط(ع) را به خاطر اینکه همشین قوم بدکار لوط بود، عذاب کرد. این می رساند که همسر لوط(ع) در همنشینی و یا ترک آن آزاد بود و می توانست خود را از آلوده شدن نجات دهد و گرنه عذاب وی غیر معقول و به دور از اقتضای حکمت خداوند حکیم بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 33 - 12

12- عقیده و عمل ، دارای نقشی تعیین کننده در سرنوشت انسان

هل ينظرون إلا أن تأتيهم الملائكة أو يأتي أمر ربك كذلك فعل الذين من قبلهم و ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 34 - 11

11- عمل انسان ها ، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت آنان

فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

از آن جایی که آیه، گرفتار شدن به عذاب را معلول عمل سوء و نیز استهزای انبیا معرفی کرده است، به دست می آید که عملکرد خود انسانها در رقم زدن سرنوشت آنها مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 15

15- عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سرنوشت اوست .

فانظروا كيف كان عقبه المكذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 5

5- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

ص: 37

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 5

5- زمان ولادت ، مرگ و رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

والسلم علیّ . . . یوم أُبعث حیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 63 - 5

5- تقوا ، خصیصه ای ارزشمند و سرنوشت ساز

تلك الجنة . . . من كان تقياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 52 - 4

4 - سرنوشت هر ملتی با عقاید و کردار خود آنان رقم می خورد ; نه با افکار و اعمال نیاکانشان .

قال فما بال القرون الأولى . قال علمها عند ربی

پاسخ موسی و هارون(ع) این بود که اقوام پیشین، آنچه انجام داده اند، نزد خداوند محفوظ است و خود می داند با آنان چه کند، فرجام آنها هر چه باشد، تأثیری در سرنوشت تو ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 18 - 13

13 - رفتار و کردار خود انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

ءأنتم أضللتم . . . أم هم ضلّوا السبیل . . . و لكن متّعتهم و ءآباءهم حتّی نسوا الذک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 23 - 3

3- سرنوشت هر کسی به روز رستاخیز، درگرو اعمال او خواهد بود.

وقدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 28 - 2

2- دوستی با افراد ناباب، دارای تأثیر سوء بر عقیده و رفتار انسان و مؤثر در سرنوشت او

یویلتی لیتتی لم اتخذ فلانًا خلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 29 - 5

5- دوستی با افراد ناباب، دارای تأثیر سوء در رفتار و عقیده انسان و مؤثر در سرنوشت او

ص: 38

یلبیتی لم أتخذ فلانًا خلیلاً. لقد أضلّنی عن الذکر بعد إذ جاءنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 12، 19، 11

11 - تأثیر مثبت و سازنده دعای همسران در حق یکدیگر و در سرنوشت و سعادتشان

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

دعای عباد الرحمان در حق همسران و فرزندانشان، حاکی از تأثیر مثبت دعا در سرنوشت همسر و فرزند است؛ زیرا اگر دعا مؤثر نبود، خداوند به آن توصیه نمی فرمود.

12 - تأثیر مثبت و سازنده دعای پدر و مادر، در حق فرزندان خود و در سرنوشت و سعادت آنان

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین

19 - نقش مثبت و سازنده صلاح و نیکی همسر و فرزندان، در سرنوشت و سعادت انسان

ربّنا هب لنا من أزوجنا و ذرّیّتنا قرّه أعین و اجعلنا للمتّقین إمامًا

دعا برای همسر و فرزندان و مقدم داشتن آنان بر خود به هنگام دعا کردن، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 170 - 3

3 - دعا و التجا به درگاه خدا، دارای تأثیر در سرنوشت انسان

ربّ نجّنی . . . فنجّینه و أهله أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 9 - 4

4 - انسان ها، در ساختن سرنوشت شان، نقش تعیین کننده دارند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لندخلنّهم فی الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 23 - 7

7 - انسان ها ، در ساختن فرجام شان ، نقش تعیین کننده دارند .

يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ ... أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 37 - 7

7 - خود انسان ها ، در تعیین سرنوشتشان نقش آفرین اند .

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 38 - 7

7 - انسان ها ، در سرنوشت و فرجام خود نقش آفرین اند .

ص: 39

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذْتَهُمِ الرَّجْفَةَ . . . وَعَادًا وَثُمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسْكَنِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 40 - 5

5 - خود انسان ها در سرنوشت شان ، نقش تعیین کننده دارند .

فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 55 - 7

7 - انسان ها ، در سرنوشت اخروی ، خود نقش اساسی دارند .

ذوقوا ما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 27

27 - تصمیم و عمل انسان ها ، نقش تعیین کننده ای در سرنوشت آنان دارد .

أَوَّلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ . . . وَلَكِنْ كَانُوا أَنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 36 - 11

11 - گناهان ، در سرنوشت انسان ها ، تأثیر سوء دارند .

وإن تصبهم سيئة بما قَدَّمْت أيدبهم

بی شک، مراد از «ما قَدَّمْت» به قرینه مقام، رفتار خوب و پسندیده نیست و بلکه گناهان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 42 - 11

11 - عقیده و عمل انسان ، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت او است .

از دعوت به سیر و مطالعه در آثار گذشتگان، به دست می آید که انسان، با سیر و مطالعه، می تواند آینده خود را رقم بزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 22 - 5

5 - انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سرنوشت خویش است .

و من یسلم وجهه إلى الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 11

11 - انسان ، دارای نقشی اساسی در سرنوشت و فرجام خویش است .

و من كفر فلا يحزنك كفره... ثم نضطرهم إلى عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - سجده - 32 - 14 - 7

7- انسان ، در خوبی و یا بدی وضعیت اخروی خویش ، نقش اساسی دارد .

فذوقوا بما نسيتم... و ذوقوا... بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 29 - 9

9- انسان ها ، در تعیین سرنوشت خود و سعادت اخروی شان ، نقش دارند .

إن كنتن تردن الله ورسوله ودار الآخرة فإن الله أعد للمحسنات... أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 66 - 10

10 - انسان ها خود ، در سرنوشت اخروی شان ، نقش تعیین کننده دارند .

يوم تقلب وجوههم في النار يقولون يلبتنا أظعنا الله وأظعنا الرسولا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - احزاب - 33 - 67 - 5

5 - انسان ها خود ، در سرنوشت اخروی شان ، نقش اساسی دارند .

يوم تقلب وجوههم في النار... وقالوا ربنا إنا أظعنا سادتنا وكبراءنا فأضلّون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 45 - 5

5 - انسان ، موجودی مختار بوده و رفتار او تعیین کننده سرنوشت او است .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که «با» در «بماکسبوا» برای سببیت است؛ یعنی، اگر خدا آنان را به سبب رفتارشان مؤاخذه کند. ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 18 - 2

2 - مردم انطاکیه ، به تأثیر سوء وجود برخی از افراد در سرنوشت انسان ها اعتقاد داشتند .

قالوا إنا تطیرنا بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 102 - 25

25 - صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

ص: 41

فبشّرنه بغلم حلیم . . . ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 113 - 8,9

8 - تأثیر نسب و پیوند خویشاوندی در سرنوشت فرزندان و در هدایت و گمراهی آنان ، امری مطلق ، قطعی و جبری نیست .

و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

دو گروه شدن نسل ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) گویای این حقیقت است که تأثیر نسب و خویشاوندی، در سرنوشت انسان و در هدایت و گمراهی فرزندان، مطلق و جبری نیست؛ بلکه فرزندان از هر خانواده ای ممکن است خوب و یا بد باشند.

9 - بدی و ناهلی فرزندان ، تأثیری در سرنوشت پدران و مادران نداشته و از شخصیت و شرافت آنان نمی کاهد .

و برکنا علیه و علی إسحق و من ذرّیتهما محسن و ظالم لنفسه مبین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که برخی از فرزندان ابراهیم و اسحاق (علیهما السلام) افرادی کافر و ناهل شدند؛ ولی در عین حال این دو پیامبر از الطاف و برکات الهی به طور کامل برخوردار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 135 - 6

6 - مجموعه عقاید و رفتار خود انسان ، تعیین کننده سرنوشت او است .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عبورًا فی الغبرین

از این که همسر لوط از عذاب الهی نجات نیافت، می توان حقیقت یادشده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 158 - 7

7 - نسبت ها ، نزدیکی ها و پیوند های خویشاوندی ، هیچ تأثیری در سرنوشت بندگان و مجازات آنان ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - عمل (نیک کرداری و تبه کاری) ، عنصر تعیین کننده سرنوشت بشر

و عملوا الصلحت کالمفسدین .. المتّقین کالفجّار

تصریح به عمل صالح و نیز عنوان «مفسدین»، «متّقین» و «فجّار»، گویای این حقیقت است که آنچه سرنوشت بشر را رقم می زند، عمل صالح، فسادگری، تقوایبشگی و تبه کاری است؛ که همگی از سنخ عمل می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 51 - 4

4 - سرنوشت انسان ، در گرو چگونگی رفتار خود او است .

فأصابهم سیّئات ما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 42

16 - زمر - 39 - 56 - 9

9- انسان ، مسؤول و سازنده سرنوشت خویش است .

يحسرتى على ما فرطت . . . و إن كنت لمن السخرين

حرف «علی» در جمله «علی ما فرطت» به معنای لام تعلیل است و معنای جمله چنین می باشد: وای به حال من به خاطر کوتاهی کردم. . . بنابراین همان گونه که از ظاهر آیه به دست می آید، انسان تفریط خود در حق خدا و تمسخر کردن تعالیم قرآن را، سبب بدبختی و ندامت خود می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 58 - 9

9- اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس يحسرتى على ما فرطت . . . و إن كنت لمن السخرين ... لو أن لی کره ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 59 - 8

8- انسان ، خود تعیین کننده سرنوشت خویش است .

قد جاءتك آيتي فكذبتها واستكبرت و كنت من الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 13

13- عمل ، رقم زننده سرنوشت اخروی انسان

نتبوا من الجته حيث نشاء فنعم أجر العاملين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 21 - 13

13- سرنوشت انسان ، در گرو رفتار و کردار خود او است .

فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 17 - 12

12 - انسان ، دارای اختیار و آزادی در انتخاب هدایت و گمراهی و تعیین سرنوشت خویش

فاستحبوا العمى... فأخذتهم... بما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 3

3 - معاشران و همدمان ، دارای نقشی اساسی در عقیده ، عمل و سرنوشت انسان

وقیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما بین أیدیهم و ما خلفهم و حقّ علیهم القول

ص: 43

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 8 - 4

4 - انسان در انتخاب دین و تعیین سرنوشت خویش ، دارای اختیار است .

فريق في الجنة و فريق في السعير . و لو شاء الله ... يدخل من يشاء ... و الظلمون

از این که خداوند نخواستهم همگان به اجبار آیین واحدی داشته باشند، می توان استفاده کرد که انتخاب آیین و سرنوشت، به اختیار انسان واگذار شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 14

14 - تأثیر منفی و زیانبار گمراهان و ستمکاران ، بر سرنوشت خود و خانواده خویش

خسروا أنفسهم و أهلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 11

11 - اراده الهی ، حاکم بر سرنوشت و مقدرات انسان

قل فمن يملك . . . إن أراد بكم ضرًّا أو أراد بكم نفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 4

4 - خواست و اراده خود انسان ، تعیین کننده سرنوشت او است .

يغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء

ضمیر فاعلی مستتر در «یشاء» در یک احتمال به «من» بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 4

4- تأثیر ویرانگر و مخرب گناهان کبیره، در فرجام و سرنوشت انسان
و یجزی الذین أحسنوا بالحسنى . الذین یجتنبون کبیر الإثم و الفوحش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 24 - 1

1 - اعمال و رفتار انسان ها، تعیین کننده سرنوشت آنان است .

جزاء بما کانوا یعملون

تصریح به این که مقام بلند پیشتازان، پاداش اعمال خود آنان است، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 4 - 5

5 - حکم الهی و تعیین سرنوشت ملت ها، براساس عملکرد خود آنان

ص: 44

هو الذی أخرج الذین کفروا .. ذلک بأنهم شاقوا اللّٰه ورسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 38 - 1

1 - سرنوشت خوب و بد و سعادت و نگون بختی انسان ها ، در گرو چگونگی رفتار و کردار خود آنان است .

کلّ نفس بما کسبت رهینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 7، 1

1 - انسان ها ، مرحله های گوناگونی پیش رو دارند که یکی پس از دیگری بر همه شؤون آنان ، اثر خواهد گذاشت .

لترکبنّ طبقاً عن طبق

«طبق» در موردی به کار می رود که چیزی مسطح بر مثل خود، قرار داده شود و آن را بپوشاند و به حالت نیز «طبق» گفته می شود (مقایس)؛ زیرا انطباق آن بر صاحب حالت، مانند انطباق دو چیز بر یکدیگر است (التحریر). تعبیر «لترکبنّ» (حتماً سوار خواهید شد)، کنایه از این است که آن حالت ها همچون مرکب، انسان را به سمت و سوی مناسب خود خواهند برد.

7 - مراحل آینده انسان ، مراحل سرنوشت ساز و هر یک برتر و مهم تر از مرحله قبل و سزاوار آمادگی بیشتر است .

لترکبنّ طبقاً عن طبق

خبر از پیدایش حالت های پیاپی و تأکید آن با سوگندهای مکرر، هشدار است به انسان ها که برای آن چاره اندیشی کنند.

58- عوامل مؤثر در سرنوشت آیندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 28 - 10

10 - تأثیر عملکرد پدران ، در سرنوشت نسل های آینده آنان

و إذ قال إبرهیم .. و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

ذکر باقی ماندن توحید در نسل ابراهیم(ع) - پس از بیان اعلام شجاعانه برائت از شرک و روی آوردن آن حضرت به توحید - می تواند اشاره به نقش پدران در سرنوشت نسل های بعد داشته باشد.

59- عوامل مؤثر در سرنوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 93 - 5

5- اعمال و رفتار انسان ، معیار بازپرسی و محاسبه و تعیین کننده سرنوشت او در قیامت

لنسلّتهم .. عمّا كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 45

8- عمل انسان ، تعیین کننده سرنوشت وی در قیامت است .

یوم . . . تجدل عن نفسها و توفی کلّ نفس ما عملت

9- دفاع انسان از کرده های خویش در قیامت ، هیچ تأثیری در سرنوشت او ندارد .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها و توفی کلّ نفس ما عملت

خداوند، عمل انسان را میزان تعیین کیفر و پاداش و مؤثر در سرنوشت او دانسته است (و توفی کلّ نفس ما عملت) و این قرینه است بر این که دفاع آدمی از خویشتن، با توجیه عملکرد خود، بی ثمر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 63 - 7

7- کردار انسان ، تعیین کننده سرنوشت اخروی او است .

تلك الجنة . . . من كان تقياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 102 - 1

1 - سنگینی کفه ترازوی اعمال خود انسان ، تنها عامل مؤثر در سرنوشت وی در قیامت

فمن ثقلت موزینه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 103 - 3

3- نقش اساسی ایمان و عملکرد انسان ، در رقم خوردن سرنوشت ابدی اش

فمن ثقلت موزینه فأولئك هم المفلحون . و من خفت موزینه فأولئك الذين خسروا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 65 - 5

5- پاسخ مثبت یا منفی آدمیان به دعوت پیامبران ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

و یوم ینادیهم فیقول ماذا أجبتم المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 58 - 8

8- عمل و عقیده انسان ، در سرنوشت اخروی ، نقش بسیار مهم و مؤثری دارد .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوتنهم من الجنة غرفاً .. خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 21

21- اعمال دنیوی انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت اخروی آنها است .

ثمّ الی مرجعکم فأنبئکم بما کنتم تعملون

ص: 46

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 18 - 6

6 - روابط فامیلی و عاطفی ، هیچ تأثیری در سرنوشت انسان در روز رستاخیز ندارد .

وإن تدع مثقلة إلى حملها لا يحمل منه شيء ولو كان ذاقربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 37 - 5

5 - رفتار انسان ها در دنیا ، تعیین کننده سرنوشت آنان در آخرت است .

ربنا أخرجنا بعمل صلحاً غير الذي كُتِبَ لنا نعمل أولم نَعْمَرَكُم ما يتذكّر فيه من تذكّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 12 - 11

11 - رفتار و آثار برجای مانده از انسان در دنیا ، تعیین کننده سرنوشت اخروی او است .

إنّا نحن نحى الموتى ونكتب ما قدّموا .. أحصينه فى إمام مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 55 - 4

4 - رفتار و کردار انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت اخروی آنان است .

ولا تجزون إلا ما كنتم تعملون . إنّ أصحاب الجنة اليوم فى شغل فكّهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 135 - 5

5 - انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّينه وأهله أجمعين . إلا عبوراً فى الغبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نقش اختیار و انتخاب انسان ، در بدفرجامی و دوزخی شدن خود

إلا من هو صال الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 24 - 12

12 - سرنوشت حیات اخروی انسان ، به دست خود او است .

وقيل للظلمين ذوقوا ما كنتم تكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 47

16 - زمر - 39 - 48 - 6

6 - سرنوشت انسان در قیامت ، در گرو نوع تلاش و چگونگی رفتار او در دنیا است .

و بدا لهم سيئات ما كسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 25

25 - موضع گیری انسان ها در برابر وحی ، تعیین کننده سرنوشت آنان در قیامت

كذلك أوحينا .. فريق في الجنة وفريق في السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 22 - 6

6 - عملکرد انسان ها ، تعیین کننده سرنوشت آنان در آخرت

تري الظلمين مشفقين مما كسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 46 - 4

4 - اتکا بر قدرت های غیر الهی ، نافرجام و بی ثمر در سرنوشت اخروی انسان است .

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله

آیه شریفه هشدار به کسانی است که ولایت غیر الهی را پذیرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 76 - 5

5 - انسان ، خود تعیین کننده سرنوشت اخروی خویش است .

و ما ظلمنهم ولكن كانوا هم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 41 - 2

2- سرنوشت انسان در قیامت ، تنها در گرو عملکرد خود او است .

یوم لایغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 10 - 11

11 - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان (همچون پیامبران الهی) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 43 - 6

ص: 48

6- سرنوشت اخروی بشر، در گرو رفتار و کردار دنیوی او است .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلِّ .. هَنِئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 26 - 3

3- سرنوشت انسان در آخرت، براساس کردار او در دنیا است .

جزاء وفاقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - طارق - 86 - 9 - 2

2- تأثیر نیت ها و حالات درونی انسان، بر سرنوشت او در قیامت

يوم تبلى السرائر

اختبار و آزمودن سریره ها، دلالت بر تأثیر نیک و بد آنها در کیفر و پاداش اعمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 7 - 3

3- سرنوشت هر کس در آخرت، وابسته به کردار او در دنیا است .

فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - زلزله - 99 - 8 - 3

3- سرنوشت هر کس در آخرت، وابسته به کردار او در دنیا است .

و من يعمل مثقال ذره شراً يره

60- عوامل مؤثر در سرنوشت اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- رشد اقتصادی و نیروی انسانی و توازن و همپایی آن دو، دارای نقش تعیین کننده در سرنوشت ملتها

و آمددنگم بأمول و بنین

در کنار هم یاد شدن «مال» و «فرزند» نشانگر آن است که قرین بودن این دو با یکدیگر، در غلبه ملتها بر دشمنان خویش نقش آفرین است.

61- عوامل مؤثر در سرنوشت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 49

5- نقش مهم رهبران و پیشوایان در سرنوشت امتها

یوم ندعوا کلاً أناس یاممهم

تشخیص یافتن پیشوایان در میان مجموعه های بشری برای پاسخ گویی و ارزشیابی اعمال امتها، می تواند بیانگر معنای فوق باشد.

62- عوامل مؤثر در سرنوشت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 134 - 13

13 - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ و سرنوشت امت ها

ولو آتأ اهلکنهم

63- عوامل مؤثر در سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 7

7- انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لایفقهون بها . . . و لهم ءاذان لایسمعون بها

جمله «لایفقهون بها» و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 7 - 6

6- رفتار انسان ها، تعیین کننده سرنوشت اخروی آنان است .

ثم لتتبنون بما عملتم

64- عوامل مؤثر در سرنوشت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 109 - 12

12 - گفتار ها ، دارای نقشی بسیار مؤثر در سرنوشت انسان و کسب رضایت و یا سخط خداوند

لاتنفع الشفعه .. ورضی له قولاً

ص: 50

65- عوامل مؤثر در سرنوشت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 7

7 - انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یا رهایی از آن)

لهم قلوب لا یفقهون بها . . . و لهم اذان لا یسمعون بها

جمله «لا یفقهون بها» و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

66- عوامل مؤثر در سرنوشت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 4 - 8

8 - شکست و پیروزی روم، امری سرنوشت ساز برای مؤمنان و مشرکان عصر بعثت بوده است.

و یومئذ یفرح المؤمنون

بیان شکست رومیان مسیحی در برابر ایرانیان و نیز پیشگویی شکست ایرانیان از رومیان و سرور و فرح مؤمنان از پیروزی رومیان، حکایت از این می کند که چنین تحولاتی برای گروه های یاد شده، مهم و سرنوشت ساز بوده است.

67- عوامل مؤثر در سرنوشت مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 4 - 8

8 - شکست و پیروزی روم، امری سرنوشت ساز برای مؤمنان و مشرکان عصر بعثت بوده است.

و یومئذ یفرح المؤمنون

بیان شکست رومیان مسیحی در برابر ایرانیان و نیز پیشگویی شکست ایرانیان از رومیان و سرور و فرح مؤمنان از پیروزی رومیان، حکایت از این می کند که چنین تحولاتی برای گروه های یاد شده، مهم و سرنوشت ساز بوده است.

68- غفلت از سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 92 - 9

9 - همواره مردم بسیاری از آیات و نشانه های خداوند و سرگذشت پندآموز اقوام پیشین ، در غفلت هستند .

لتكون لمن خلفك آية و إن كثيراً من الناس عن آيتنا لغفلون

ص: 51

69- قانونمندی سرنوشت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 129 - 2

2- سرنوشت امت های کفرپیشه و هلاکت و بقای آنان ، دارای سنت ها و قوانین معین و زمان های مشخص

کم أهلكنا قبلهم .. و لولا كلمة سبقت من ربك لكان لزاماً

به قرینه آیه قبل که در باره هلاکت جوامع کفرپیشه است، مفاد «لولا- کلمه..» این است که خداوند، زمان عذاب کافران و نیز دیگر معیارهای آن را مشخص ساخته و آنها را از پیش تعیین کرده است.

70- محمد(صلی الله علیه و آله) و سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 100 - 2

2- خداوند ، گوشه هایی از سرگذشت اقوام به هلاکت رسیده و آبادی های تخریب شده با عذاب را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) گزارش می کرد .

ذلک من أنباء القرى نقصه علیک

71- مطالعه در سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 39 - 13

13 - مطالعه در سرگذشت بیدادگران تاریخ و فرجام شوم آنان ، امری ضروری و مایه عبرت است .

فانظر کیف کان عقبه الظلمین

72- مطالعه سرنوشت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 89 - 10

10- لزوم دقت در سرنوشت پیشینیان و دریافت علل هلاکت آنان ، به منظور درس آموزی و عبرت گیری

مثل ما أصاب قوم نوح . . . و ما قوم لوط منكم ببعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 109 - 12

12- لزوم مطالعه تاریخ پیشینیان و عبرت آموزی از فرجام آنان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

ص: 52

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 31 - 5

5 - لزوم مطالعه و کنکاش در سرنوشت اقوام عذاب شده و به هلاکت رسیده تاریخ

ألم یروا کم أهلكنا قبلهم من القرون أنهم إلیهم لایرجعون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد تشویق مردم به مطالعه و دقت در سرنوشت اقوام عذاب شده پیشین و عبرت گرفتن و درس آموختن از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 82 - 1

1 - تشویق جهان گردی و سیر در زمین از سوی خدا ، به منظور تفکر و نظاره کردن در سرگذشت پیشینیان و آثار به جای مانده از تمدن و قدرت آنان

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

73- مطالعه سرنوشت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 46 - 3

3 - مطالعه در سرگذشت جوامع بی دادگر و کفرپیشه تاریخ و مشاهده شهر ها و سرزمین های ویران شده آنها (شهرهایی که با عذاب قهر الهی زیرو رو شدند) بستری مناسب برای عبرت گرفتن و زمینه ای کارساز برای بیداری دل ها

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون . . . و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

74- منشأ تعیین سرنوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 12 - 1

1 - سرنوشت انسان در قیامت و تعیین جایگاه وی (بهشت یا دوزخ) ، تنها در اختیار خداوند است .

إلی ربّک یومئذ المستقرّ

کلمه «مستقرّ» می تواند مصدر میمی باشد؛ یعنی، «استقرار الإنسان يوم القيامة ينتهي إلى حكم ربّك و مشيئته» و نیز می تواند به معنای مکان استقرار باشد؛ یعنی، تعیین قرارگاه انسان (بهشت یا جهنم) تنها به حکم و فرمان خدا بازمی گردد. گفتنی است تقدیم «إلى ربّك» (خبر) بر «مستقر» (مبتدا) افاده حصر می کند.

75- منشأ سر نوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 40 - 11

ص: 53

11 - سرنوشت اخروی هر کس ، به دست خود او رقم می خورد .

یوم ينظر المرء ما قَدّمت يده

76- منشأ سرنوشت اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 5

5 - تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع ، به دست خداوند است .

فعل رَبَّك

77- منشأ سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 3

3 - خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 3

3 - مشیت خداوند ، تعیین کننده سرنوشت نهایی انسان

یغفر لمن یشاء و یعدّب من یشاء

فاعل «یشاء» همان فاعل «یغفر» و «یعدّب» است و ضمیر فاعل به خداوند بازمی گردد.

78- منشأ سرنوشت جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 3

3 - خداوند رقم زننده سرنوشت و تعیین کننده فرجام انسان ها و جنیان

ولقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن والإنس

79- منشأ سرنوشت جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 6 - 5

ص: 54

5- تحولات تاریخ بشر و سرنوشت اقوام و جوامع ، به دست خداوند است .

فعل ربّک

80- نقش سرنوشت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 7 - 7

7- سرگذشت انسانها ، شکل دهنده ماهیت و حقیقت آنهاست .

لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

نیابردن کلمه «قصه» در جمله «لقد کان فی یوسف . . .» - با اینکه مراد از آن «فی قصه یوسف ...» است - می تواند اشاره به این معنا باشد که سرگذشت انسانها ، شکل دهنده ماهیت آنان است ؛ یعنی ، انسان همان سرگذشت اوست.

81- نگرانی از سرنوشت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 111 - 2

2- همه انسان ها نسبت به سرنوشت خویش در قیامت ، نگرانند .

یوم تأتی کلّ نفس تجدل عن نفسها

مجادله و دفاع کردن هر کسی از خویشتن، دلیل نگرانی افراد در روز قیامت است.

82- نگرانی از سرنوشت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 4

4- احتمال گرفتاری بنیامین به سرنوشت یوسف (ع) ، مایه نگرانی یعقوب (ع) از همراه سازی او با فرزندان خویش

إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

یعقوب(ع) با نام نبردن از یوسف(ع) و یاد کردن از او با عنوان برادر بنیامین ، اشاره ای لطیف به این معنا دارد که اخوت آن دو با یکدیگر مرا نگران همسانی سرنوشتشان (فراق و جدایی از پدر) کرده است.

83- وقت تعیین سرنوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 4 - 6

6- شب قدر ، شب سرنوشت

ص: 55

فیهما یفرق کلّ أمر حکیم

با این که در معنای آیه شریفه، احتمال های مختلفی رخ می نماید؛ اما پیام مشترک همه آنها مطلب یاد شده است. به علاوه که ارتباط این آیه با وصف «مبارکه» در آیه قبل، مؤید آن است.

ص: 56

1- آثار افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 75 - 3، 1

1 - شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بغيرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

«با» در «بما كنتم» برای سببیت است. «فرح» (مصدر «تفرحون») به معنای سرور و شادمانی است و «مرح» (مصدر «تمرحون») به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سر مستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه «ذلكم» عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

3 - افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ .. ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بغيرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه «ذلكم» تکذیب کافران باشد.

2- آثار سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 6

6- سرور آفرینی گیاهان در روح انسان ، زمینه اندیشیدن وی به پدیدآورنده آن

أفلم ينظروا .. و أنبتنا فيها من كل زوج بهيج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 43 - 3

3- شادی و حزن ، دو رکن اصلی در مسیر تربیت انسان *

و أنّ إلى ربك المنتهى . و أنّه هو أضحك و أبكى

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر «رب» و اسناد دادن شادی ها و غم های انسان به خداوند، بدان معنا باشد که انسان در شادی

وغم، می تواند مسیر تربیت الهی را بیمایند.

ص: 57

3- آثار سرور اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 2

2- وضع و حال خوش اصحاب الیمین در سرای آخرت ، مایه شادمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

فسلم لک من أصحاب الیمین

برداشت یاد شده بر این احتمال است که خطاب «سلام لک»، متوجه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

4- آثار سرور بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 4

4- جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دل بستگی به خانواده و خاندان است .

إِنَّهٗ كَانَ فِیْ أَهْلِهِ مَسْرُورًا . إِنَّهٗ ظَنَّ أَنْ لَنْ یَّحُورَ

حرف «إِنَّ» در «إِنَّهٗ ظَنَّ» ، برای بیان علت سُروری است که در «كَانَ فِیْ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» بیان شده است.

5- اجتناب از افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 37 - 2, 1

1- خداوند ، فراخوان مردمان به پرهیز از راه رفتن مغرورانه و برخاسته از خوشی و سرمستی فراوان

و لَاتَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا

«مرح» به معنی شدت خوشحالی و بیش از اندازه است (مفردات راغب و لسان العرب).

2- پرهیز از هرگونه تکبر و خوشی و سرمستی افراطی ، امری لازم و واجب است .

و لَاتَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحًا

برداشت یاد شده، بر این اساس است که مراد از «لاتمش» احتمال دارد رفتار باشد که شامل همه حالت های انسان می شود و نه راه رفتن

6- ارزش سرور اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 4

4 - شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است .

ص: 58

و ینقلب إلی أهله مسرورًا .. إنه کان فی أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است؛ تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

7- ارزش سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 4

4 - شادمانی از حضور بین خانواده و دودمان خویش در آخرت ، غیر قابل قیاس با دل خوشی به حضور بین آنان در دنیا است .

و ینقلب إلی أهله مسرورًا .. إنه کان فی أهله مسرورًا

آیه شریفه حضور فرح بخش بین خویشاوندان در آخرت را به عنوان پاداش یاد کرده و شادکامی بین خاندان در دنیا را ناپایدار و بی اثر در رفع مشکلات قیامت معرفی کرده است؛ تا تفاوت دو حالت نمودار گردد.

8- اظهار سرور از شرح صدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 1 - 3

3 - شرح صدر و تحمّل سختی ها ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

و أمّا بنعمه ربّک فحدّث . بسم الله الرحمن الرحیم . ألم نشرح لک صدرک

به گفته بسیاری از فقهای امامیه، این سوره، دنباله سوره قبل و متحد با آن است. بر این اساس مفاد آیه شریفه، اعتراف به یکی از نعمت هایی است که آخرین آیه سوره قبل، به بازگو کردن آنها توصیه داشت. در این دیدگاه، جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» ارتباط را قطع نمی کند؛ بلکه برخی از فقها، ترک آن را در نماز مجاز می دانند.

9- اعتدال در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 75 - 2

2 - سرور و شادمانی به حق و به دور از افراط و سر مستی ، امری مقبول و مجاز

ذلكم بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحقّ

برداشت یاد شده از قید «بغير الحقّ» برای فرح و سرور مذموم، به دست می آید.

ص: 59

10- افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 10 - 6

6- حالات روحی و روانی انسان (ناامیدی ، شادمانی مفرط ، تکبر و ...) حتی با کمترین سختی و رفاه تغییر پذیر است .

و لئن أذقنا الإنسن . . . إته لیئوس کفور. و لئن أذقته نعماء . . . إته لفرح فخور

11- انسان هنگام سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 16

16 - انسان ، گرفتار تناقض در مواجهه با خوشی ها و ناخوشی ها

إذا أذقنا الإنسن منّا رحمه فرح بها و إن تصبهم سیئه . . . فإنّ الإنسن کفور

از مضمون آیه شریفه چنین استفاده می شود که انسان، در حال رفاه و آسایش یادی از خدا نمی کند؛ گویی منشأ آن نعمت ها کسی غیر خداوند است؛ ولی زمانی که ناگواری به او رو می آورد، خدا را متهم کرده و ناسپاسی می کند.

12- اهمیت سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 6

6 - برجای ماندن خاطره ای سرور انگیز در جامعه مسیحیت از انگیزه های عیسی (ع) برای درخواست مائده آسمانی

أنزل علینا مائده من السماء تكون لنا عیداً لاؤلنا وء اخرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 3

3 - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأی ءالاء ربک تتماری

در صورتی که تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

13- بشارت سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 10

10- فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقوایندگان ، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند .

الْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّوْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

ص: 60

بی ارزشی سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 47 - 4

4- ناچیز و بی ارزش بودن ثروت ها و خوشی های دنیا ، در مقابل رهایی از عذاب قیامت

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . . . لا فتنوا به من سوء العذاب یوم القیمه

14- جاودانگی سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 5

5- روزگار خوش بهشت ، روزگاری جاودان

ادخلوها بسلم ذلک یوم الخلود

15- جایگاه سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 10 - 7

7- « دل » کانون عواطف و احساسات آدمی و مرکز بیم ، اندوه ، امید و شادمانی وی

و أصبح فؤاد أم موسى فرغاً

16- زمینه سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 6 - 1

1- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز ، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

17- زمینه سرور اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 1

1 - پاداش الهی به اصحاب الیمین در جهان آخرت ، چنان چشمگیر است که هر شنونده ای را سخت شادمان می کند .

فسلم لک من أصحاب الیمین

ص: 61

در عبارت «سلام لک» چند احتمال وجود دارد: یکی از آنها این است که «سلام» معادل سلامت و تنکیر آن برای تقخیم باشد. «لام» در «لک» نیز برای اختصاص و خطاب «لک» به فرد معینی نباشد.

18- زمینه سرور اخروی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 2

2- وضع و حال خوش اصحاب الیمین در سرای آخرت ، مایه شادمانی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

فسلم لک من أصحاب الیمین

برداشت یاد شده بر این احتمال است که خطاب «سلام لک»، متوجه شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد.

19- زمینه سرور انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 8

8 - انسان ، گرفتار سرخوشی به هنگام برخورداری از کمترین رفاه و نعمت های دنیوی

و إنا إذا أذقنا الإنسن منا رحمة فرح بها

«إذاقه» (مصدر «أذقنا») به معنای چشانندن است. این تعبیر در موردی به کار می رود که بهره کمی از چیزی گرفته شود.

20- زمینه سرور مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 3

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها ... فکلی و اشربی و قرّی عیناً

«عیناً» تمیز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرّی» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قرّ» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرّی عیناً»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشم از اشک سوزان به دور باشد) و در هر

صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قوی عیناً» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

21- سرزنش افراط در سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 62

4- تکبر ، فخر فروشی و شادمانی مفرط بر اثر رسیدن به رفاه و آسایش ، رذایلی ناپسند و نکوهیده

و لئن أذقنه نعماء بعد ضراء مسته .. . إینه لفرح فخور

آیه بعد (إلا الذین .. .) گویای این است که هدف قرآن از بیان خصلتهای یاد شده برای انسان (یؤوس ، کفور و ...) مجرد اخبار از چنین صفاتی برای او نیست؛ بلکه در مقام مذمت و نکوهش از انسانی است که چنین حالاتی را داراست.

22- سرزنش سرور برای امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 23 - 2

2 - انسان ، در برابر برخورداری ها و بهره مندی ها ، نباید شادمانی کند .

و لا تفرحوا بما آتیکم

23- سرور اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 11 - 3, 2

2 - ابرار ، دارای رخساری شاداب و قلبی پرسرور در قیامت

و لقیهم نضره و سرورًا

«نضره» به معنای حسن و زیبایی است و چون ابرار در مقابل کافرانی قرار دارند که چهره آنان بر اثر مشکلات قیامت عبوس و در هم کشیده است؛ مقصود از «نضره» تابناکی چهره ابرار از نعمت های الهی خواهد بود؛ چنان که در آیه 22 سوره قبل (قیامت) چنین آمده است: «وجوه یومئذ ناضره».

3 - مصونیت ابرار از شرور و گزند های قیامت و شادابی رخسار و سرور دل آنان ، به دلیل ایمان آنان به قیامت و خوف آنان از آن روز است .

إنا نخاف من ربنا یومًا .. . فوقیهم الله شرّ ذلک الیوم

«فا» در «فوقاهم» برای تفریح این آیه بر آیه قبل است؛ یعنی، مصونیت ابرار از شرور قیامت، به این دلیل است که آنان، از احوال آن روز در هراس بودند؛ روزی که چهره های کافران عبوس و دل های آنان محزون است.

24- سرور اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 31 - 3

3 - اصحاب الیمین ، شاد و سرخوش در کنار چشمه های همواره ریزان بهشت

و ماء مسکوب

عبارت «و ماء مسکوب» به تقدیر «هم فی ماء مسکوب» است؛ یعنی، ایشان در کنار آب های همیشه ریزان به سر می برند.

ص: 63

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 3

3 - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . . . وَ يَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا

25- سرور اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 7

7 - سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف عليهم و لاهم يحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین «لاخوف...» مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

26- سرور اخروی خنده رویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 2

2 - کسانی که در خشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

مستبشره

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشیر و استبشیر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

27- سرور اخروی زیبارویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 2

2 - کسانی که در خشان چهره و خنده لب در صحنه قیامت حضور یافته اند ، غرق سرور بوده و چهره ای شکفته خواهند داشت .

«إستبشار»؛ یعنی، شادمان بودن (لسان العرب). «بشر و استبشر» به یک معنا است. در این موارد فایده باب استفعال، مبالغه

افزون تر است. راغب می گوید: بشارت دادن، به معنای ابلاغ خبری است که بشره و پوست صورت را شکفته سازد.

28- سرور اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 2

2 - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

«حبر» در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و «فی روضه یحبرون» یعنی در باغی شادمانند.

29- سرور اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 70 - 8,9

8 - پرهیزگاران با چهره ای سرشار از شادی و سرور ، وارد بهشت می شوند .

ادخلوا الجنة انتم و ازوجکم تحبرون

«حبر» (مصدر «تحبرون») به معنای شادمان شدن و سروری است که اثر آن در چهره نمایان گردد.

9 - راه یابی تقوایبندگان به بهشت ، همراه با همسران دنیایی خود ، مایه شادمانی عمیق آنان

ادخلوا الجنة انتم و ازوجکم تحبرون

بنابراین که شادمانی بهشتیان به واسطه آن باشد که در بهشت نیز با همسرشان همدم خواهند بود؛ برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 1

1 - رهنمون شدن متقین در قیامت ، به سوی بهشت همراه با تکریم و درود و شادمانی

و أزلفت الجنة للمتقين .. ادخلوها بسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - شادمانی تقوایبشگان در بهشت ، از عطایای پروردگار به آنان

فکھین بماء اتیهم ربهم

«فاکه» (از مصدر «فکاهه») به معنای شادمان است.

ص: 65

30- سرور اخروی متنعمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 9 - 1

1 - بهره مندان از ناز و نعمت آخرت ، از تلاش های خویش در دنیا ، به وجد آمده و نسبت به آن احساس رضایت خواهند کرد .

لسعیها راضیه

31- سرور اخروی محسانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 26 - 5

5 - نیکوکاران در سرای آخرت همواره شادمان ، بانشاط ، گرمی و عزیز خواهند بود .

لذین أحسنوا .. ولا یرهق وجوههم قتر و لا ذله

«رهق» به معنای پوشاندن و «قتر» به معنای دود سیاه و «ذله» - مقابل «عزت» - به معنای خفت و خواری است ؛ یعنی ، بر چهره نیکوکاران غبار غم و اندوه خواری نخواهد نشست و این کنایه است از اینکه ، آنان همواره شاد و همه جا ارجمند خواهند بود .

32- سرور اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 2

2 - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

«حبر» در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و «فی روضه یحبرون» یعنی در باغی شادمانند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 5 - 7

7 - زنان و مردان مؤمن ، برخوردار از حیات جاودان و پرنشاط در باغ های بهشت

ليدخل المؤمنین و المؤمنات جنّات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - قيامه - 75 - 22 - 1

1 - مؤمنان ، دارای چهره هاي شاداب و زيبا در عرصه قيامت

و جوه يومئذ ناضره

«ناضره» در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحيط). «ناضره» مؤنث «ناضر» به معنای زيبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن - به قرينه مقام - شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قيامت است.

ص: 66

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 4

4 - ایمان و دوری از گناه ، مایه بشاش و خندان بودن چهره مؤمنان در قیامت

و جوه ... ضاحکه مستبشره

به قرینه آخرین آیه این سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة)، مراد از «وجوه» در این آیات، چهره های کسانی است که کافر نبوده و از فسق و فجور پاک و منزّه اند.

33- سرور اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 6

6 - پیروی کنندگان از رهنمود ها و هدایت های الهی ، هیچ ترس و اندوهی در قیامت نخواهند داشت .

فمن تبع هدای فلاحوف علیهم و لاهم یحزنون

کلمه «خوف» (ترس و نگرانی) نکره است و چون پس از حرف نفی واقع شده، معنای شمول را می رساند؛ یعنی: هیچ خوف و ترسی بر آنان نیست. همچنین فعل، آن گاه که منفی شود، دلالت بر نبود همه مصداقها دارد. بنابراین «ولاهم یحزنون» یعنی هیچ حزن و اندوهی ندارند.

34- سرور از استماع قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 124 - 9

9 - احساس شادمانی و نشاط روحی پس از شنیدن آیات قرآن ، نشانه تکامل و ازدیاد ایمان

فزادتهم ایمناً و هم یستبشرون

35- سرور از رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 7

7 - خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا

ص: 67

36- سرور از مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 3

3 - خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

37- سرور از مخالفت با محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 3

3 - خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

38- سرور از وفور نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 7

7 - خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدرج

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا

39- سرور انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 10، 5

5 - انسان ها ، به محض مشاهده باد های نوید بخش باران ، بدون توجه به خدایی بودن آنها ، خوش حال می شوند ، ولی در برخورد با باد

های مخرب ، ناسپاس می گردند !

فإذا أصاب به من يشاء من عباده . . . يستبشرون . . . ولئن أرسلنا ريحًا . . . يكفرون

«یکفرون» به قرینه این که سخن از نعمت و قطع شدن آن است، کفر و ناسپاسی است.

10 - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب .. إذا هم يستبشرون ... ولئن أرسلنا ريحًا ... من بعده يكفرون

40- سرور برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 68

3- فرزندان یعقوب با مشاهده بهای بازگردانده شده، شادمان شدند و آن را به یعقوب گزارش کردند.

قالوا یاأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا

«ما» در «ما نبغی» استفهامیه و مفعول برای نبغی است. «بغی» به معنای خواستن و طلب کردن می باشد. جمله «ما نبغی»؛ یعنی، [بیش از این] چه می خواهیم؟

41- سرور برای امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 23 - 8

8 - غمگین شدن در ناملایمات و شادمانی کردن در برخورداری ها، نشانه بی اعتقادی به تقدیر الهی است.

لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتفرحوا بما آتیکم

«أسی» (مصدر «تأسوا») به معنای اندوهگین شدن و «فرح» (مصدر «لاتفرحوا») به معنای شادمانی کردن است. بنابراین «لاتأسوا»؛ یعنی، غمگین نشوید و «لاتفرحوا»؛ یعنی، شادمانی نکنید؛ زیرا آنچه به شما می رسد - چه خوب و چه بد - قبلاً تعیین شده است.

42- سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 55 - 2، 1

1 - بهشتیان، در ناز و نعمت و خوشی و شادمانی وصف ناپذیر غوطهور خواهند بود.

إن أصحاب الجنة الیوم فی شغل

«شغل» به معنای شأن و کار اصلی است که انسان را از دیگر کارها بازداشته و به خود مشغول کرده است. گفتنی است که تنکیر آن می تواند برای تعظیم باشد؛ یعنی، مشغله ای که کنه و عمق آن ناشناخته و وصف ناپذیر است.

2 - بهشتیان، در فضایی سرشار از سرور و شادمانی به سر برده و به شوخی و صحبت لذت بخش باهم خواهند پرداخت.

إن أصحاب الجنة الیوم فی شغل فکھون

«فکھون» از «فکاهه» گرفته شده که به معنای سخن با اهل انس و گفتگوی مسرت آمیز است. گفتنی است در برداشت یاد شده،

«فاكهون» خبر دوم برای «إنّ» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 50 - 1

1 - برخی از بهشتیان ، در بزم عیش خود روبه بعضی دیگر کرده و به پرسوجو خواهند پرداخت .

فی جنّات النعیم . علی سرر متقبلین... و عندهم قصرات الطرف عین... فأقبل بعضهم عل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 3

ص: 69

3 - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إِنَّ الْمُتَّقِينَ .. فَكِهِينَ بِمَا ءَاتِيهِم رَّبُّهُم

43- سرور جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 75 - 2

2- سرور و شادمانی به حق و به دور از افراط و سر مستی ، امری مقبول و مجاز

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ

برداشت یاد شده از قید «بغیرالحق» برای فرح و سرور مذموم، به دست می آید.

44- سرور حزب گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 32 - 10

10 - هر حزب و دسته ای ، تنها به آنچه خود باور دارد ، دل خوش و مسرور است .

كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

45- سرور خوشنامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شرح - 94 - 4 - 5

5 - خوش نامی ، نعمتی الهی و سزاوار بازگو کردن و اظهار خرسندی است .

وَإِنَّمَا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ .. وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

46- سرور در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 2

2 - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحیرون

«حیر» در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و «فی روضه یحیرون» یعنی در باغی شادمانند.

ص: 70

47- سرور در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 10

10 - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب .. إذا هم يستبشرون ... ولئن أرسلنا ريحًا ... من بعده يكفرون

48- سرور دنیوی جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 1

1 - جهنمیان ، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند ، روزگاری در کنار خویشاوندان خود ، دنیایی شاد و زندگی خرّمی داشتند .

يدعوا ثبورًا .. إنّه كان في أهله مسرورًا

49- سرور ساقی کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 19 - 4

4- آب آور کاروان ، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد .

قال يبشري هذا غلم

50- سرور سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 4

4 - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسم ضاحكًا من قولها وقال ربّ أوزعني أن أشكر

51- سرور صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 8

8 - فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

ص: 71

52- سرور ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 7

7 - کامیابی خودکامگان و بیدادگران ، محدود به زندگی زودگذر دنیوی است .

إذا هم ییغون فی الأرض بغير الحق . . . متع الحیوه الدنیا

53- سرور غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 9، 7

7 - خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

9 - عذاب ناگهانی غافلان از خداوند و هشدارهای او، در اوج شادمانی و رفاه و آسایش

فلما نسوا ما ذکروا به . . . أخذنهم بغته

54- سرور قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 67 - 1

1- قوم لوط ، پس از اطلاع از ورود مهمانان به خانه لوط (ع) شادی کنان به سراغ آنان شتافتند .

و جاء أهل المدینه یستبشرون

55- سرور کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 104 - 9

9- انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها ، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیمهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنع

جمله حالیه «و هم یحسبون . . .» بیان علّت «أخسرین» بودن کافران است؛ زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش بر نیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 72

1 - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

«فکِه» (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

56- سرور متخلفان از غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 2

2 - خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

57- سرور محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 37 - 12

12 - محسنان (نیکوکاران) ، دارای آینده ای درخشان و سرشار از شادی و شادکامی

كذلك سخر لكم... وبشر المحسنين

58- سرور مردان بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت وگویی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إن أصحاب الجنة اليوم في شغل فكهون . هم وأزوجهم في ظلل على الأرائك متكئون

جمله «هم و أزواجهم...» استتفان بیانی برای آیه پیشین (إن أصحاب الجنة...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به

شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «آریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

ص: 73

59- سرور مستبدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 7

7 - کامیابی خودکامگان و بیدادگران ، محدود به زندگی زودگذر دنیوی است .

إذا هم ییغون فی الأرض بغير الحق . . . متع الحیوه الدنیا

60- سرور مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 19

19- علم ، مقدمه هدایت و هدایت ، زمینه ساز جلب رحمت الهی و رحمت ، موجب بشارت و سرور مسلمانان حقیقی است .

ونزلنا علیک الکتب تبیناً لكلّ شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که ترتیب در آیه ، ترتیب رتبی باشد؛ یعنی ، هر یک از آنها مقدمه دیگری باشد.

61- سرور مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 32 - 9

9- گروه های مختلف مشرکان ، به روش و آیین مخصوص خویش ، شادکام و مسرور بودند .

كلّ حزب بما لدیهم فرحون

مراد از «كلّ حزب» به قرینه «فرّقوا» و «شیعاً» ممکن است همان مشرکان باشند.

62- سرور منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 50 - 4

4 - مباحثات و اظهار شادمانی منافقان به رأی صائب خویش مبنی بر ترک جهاد ، در صورت مواجه شدن مسلمانان با شکست و مشکلات

جنگ

وإن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل ویتولوا و هم فرحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 87 - 1

1 - رضا و شادمانی منافقان از نرفتن به جهاد و ماندن در کنار ناتوانان و خانه نشینان

رضوا بأن یكونوا مع الخوالم

ص: 74

63- سرور منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 81 - 2

2 - خوشحالی و احساس موفقیت منافقان از شرکت نکردن در جنگ تبوک

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

64- سرور موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 30 - 8

8 - فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تتنزل علیهم الملكة ألا تخافوا ولا تحزنوا

65- سرور مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 14

14 - مؤمنان راستین و مبرا از پندار های شرک آمیز ، دارای آینده ای سعادت مند و سرشار از خوشبختی و شادکامی

و بشر المختبین

66- سرور مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 4 - 5,6

5 - قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . . . و یومئذ یفرح المؤمنون

6 - پیروزی رومیان بر ایرانیان ، عامل سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 5 - 2

2- برخورداری رومیان از امداد های الهی در نبرد پیروزمند خویش با ایرانیان ، مایه سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله

ص: 75

«بصر الله» می تواند متعلق به «یفرح» در آیه قبل باشد؛ یعنی، مؤمنان به سبب این که پیروزی رومیان به امدادهای خداوند است، شادمان می شوند.

67- سرور ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 36 - 9

9- دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا، به هنگام برخورداری از آنها، و مأیوس شدن از رحمت خدا، با از دست دادن امکانات، ناپسند و مذموم است.

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سيئه . . . إذا هم يقنطون

آیه، درصدد تویب و سرزنش چنین روحیه ای است و «إذا» که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 37 - 5

5- شادی و یأس بی جهت، به هنگام برخورداری و تنگنا، با توجه به خدادادی بودن امکانات، بی معنا است.

و إذا أذقنا الناس رحمه فرحوا بها . . . و إن تصبهم سيئه . . . إذا هم يقنطون . أول

استفهام در «أولم یروا» انکاری است؛ یعنی: «آنان، غفلت کردند و ندیدند.» بنابراین، استفاده می شود که توجه به عامل اصلی بودن گشایش و تنگی اقتصادی، انسان را از حالت شادمانی و یأس بیجا، دور می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 60 - 4

4- زندگی آکنده از خنده و سرخوشی و به دور از اندوه معنوی، مورد نکوهش الهی است.

و تضحکون و لاتبکون

68- سرور همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ

جمله «هم و أزواجهم..» استتفای بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

ص: 76

69- شکر هنگام سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 48 - 19

19 - لزوم شکر و سپاس خداوند ، در خوشی ها و ناملایمات زندگی

وإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

70- صابران و سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 11 - 3

3- صابران دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخر فروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ . إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

71- عوامل تعدیل سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 82 - 7

7 - توجه به شدت حرارت آتش دوزخ ، عامل خشنودی اندک انسان و گریه طولانی وی در دنیا و بیم او بر فرجام خویش

قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا .. فليضحكوا قليلاً و ليبكوا كثيراً

72- عوامل سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 69 - 5

5 - گاوی که دارای رنگ زرد خالص باشد ، مایه جلب نظر بینندگان شده و مایه مسرت آنان خواهد شد . *

إنها بقره صفراء فاقع لونها تسر النظرين

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «تسر الناظرین» قید توضیحی باشد نه احترازی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 24

24 - ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن الله اشترى من المؤمنين .. فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 77

3- انسان ، پس از گذر از محنت ها و دستیابی به موهبت های دنیوی ، به شادمانی بسیار ، تکبر و فخرفروشی مبتلا خواهد شد .

و لئن أذقنه نعماء بعد ضراء مسته .. إنّه لفرح فخور

جمله «إنه لفرح فخور» جمله مستأنفه است و بیانگر بازتاب معنایی است که از «لیقولنّ ..» استفاده می شود؛ یعنی ، انسان می پندارد که مشکلات بر او روی نخواهد آورد؛ در نتیجه بی اندازه شادمان می شود و فخرفروشی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 19

19- علم ، مقدمه هدایت و هدایت ، زمینه ساز جلب رحمت الهی و رحمت ، موجب بشارت و سرور مسلمانان حقیقی است .

و نزلنا علیک الکتب تبیناً لكلّ شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

برداشت فوق ، مبتنی بر این نکته است که ترتیب در آیه ، ترتیب رتبی باشد؛ یعنی ، هر یک از آنها مقدمه دیگری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 4

4- فرزنددار شدن ، مایه روشنایی چشم و قرار دل مادر است .

وقرّی عیناً

جمله «قرّی عیناً» می تواند مستقل از جملات قبل باشد؛ در این صورت - به قرینه سیاق - با اصل پیدایش فرزند ، مرتبط خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 5, 3, 2

2 - همسران شایسته ، مایه سرور و روشنی چشمان یکدیگر

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من أزوجنا .. قرّه أعین

3 - فرزندان صالح ، مایه سرور و روشنی چشمان پدران و مادران

و الذین یقولون ربّنا هب لنا من .. ذرّیتنا قرّه أعین

5- همسر و فرزند، مایه سرور و روشنی چشمان انسان است .

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا وذریتنا قره أعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 36 - 9، 1

1 - انسان ها، به هنگام برخورداری از اندک رحمتی، شادمان، به هنگام مواجهه با کمی ناگواری، مأیوس و ناامید می شوند .

و إذا أذقنا الناس رحمه .. یقنطون

«قنوط» در لغت، به معنای «یأس از خیر» است (مفردات راغب). «ذوق» به معنای «چشیدن و خوردن بسیار کم» استعمال می شود. کاربرد «أذقنا» به جای هر واژه دیگر، می تواند به منظور یاد شده باشد. لازم به ذکر است که تنوین «رحمه» و «سیئه» تنکیر و برای قِلت است.

ص: 78

9 - دل خوش شدن به مظاهر مادی دنیا، به هنگام برخورداری از آنها، و مأیوس شدن از رحمت خدا، با از دست دادن امکانات، ناپسند و مذموم است.

و إذا أذقتنا الناس رحمه فرحوا بها و إن تصبهم سيئه . . . إذا هم يقنطون

آیه، درصدد توییح و سرزنش چنین روحیه ای است و «إذا» که فجاییه است، می تواند مؤید این نکته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 48 - 15

15 - بارش باران موجب شادمانی برخورداران از آن می شود.

فإذا أصاب به من يشاء من عباده إذا هم يستبشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 49 - 2

2 - بارش باران پس از مدت ها انتظار و مأیوس شدن انسان ها از آن، خوشحالی فوق العاده ای در پی دارد. *

إذا هم يستبشرون . و إن كانوا ... لمبلسين

احتمال دارد تکرار «من قبل» به منظور بیان طولانی بودن نباریدن باران و ناامیدی عمیق مردم باشد. در این صورت، کیفیت خوشحالی، تابع مقدار ناامیدی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 51 - 5

5 - انسان ها، به محض مشاهده باد های نوید بخش باران، بدون توجه به خدایی بودن آنها، خوش حال می شوند، ولی در برخورد با باد های مخرب، ناسپاس می گردند!

فإذا أصاب به من يشاء من عباده . . . يستبشرون ... و لئن أرسلنا ريحًا ... يكفرون

«يكفرون» به قرینه این که سخن از نعمت و قطع شدن آن است، کفر و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 21 - 1

1 - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

ولا الظلّ ولا الحرور

«ظلّ» به معنای سایه و «حرور» به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 59 - 3

3 - حیات جاودانه از خواسته ها و آرزو های انسان ها و دستیابی به آن ، مایه سرور و شادمانی آنان

أفما نحن بميتين . إلا موتتنا الأولى و ما نحن بمعذبين

شگفتی از نمردن و جاودانه زیستن و اظهار سرور و خوشحالی کردن از دستیابی به حیات جاودانه، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن بهشتیان دستیابی به حیات ابدی را فوز بزرگ می شمرند (إنّ هذا لهو الفوز

ص: 79

العظیم)؛ مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 23 - 13

13 - یاد خدا، آرام بخش جان ها و سرور قلب ها است .

ثمّ تلین جلودهم وقلوبهم إلى ذکر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 7 - 4,7

4- رویش گیاهان بهجت آفرین در زمین، به تدبیر الهی و آیتی خداوندی است .

و أنبتنا فیها من کلّ زوج بهیج

7- هدایت گری مظاهر هستی به سوی خداوند، آمیخته با زیبایی و سرور آفرینی

بنینها وزینّ-ها . . . من کلّ زوج بهیج

خداوند در این آیه ها، نمودهای علم، قدرت و نشانه های وجود خویش را گاه به زینت و زیبایی توصیف کرده و گاه به بهجت و سرور آفرینی. این می نمایاند که کار هدایت، باید با جاذبه و شور و شوق انجام گیرد؛ نه تحمیل و خشونت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 28 - 11

11 - داشتن فرزند دانا و دانشمند، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و شادمانی

و بشروه بغلم علیم

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که واژه «بشارت» در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد.

73- عوامل سرور آسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 9 - 8

8- از دیدگاه آسیه ، نگه داری موسی (ع) پرکننده خلاً بی فرزندی ، مایه روشنی دیدگان و ارمغان آور سرور و شادمانی برای وی و فرعون بود .

وقالت .. قرت عین لی و لک ... عسی أن ینفعنا أو نتخذہ ولدًا

74- عوامل سرور اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 22 - 2

2- آخرت طلبی و دل نبستن به دنیا ، موجب سرور و تابناکی چهره ها در قیامت

وجوه یومئذ ناضره

ص: 80

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، بیانگر جایگاه اخروی کسانی است که در قطب مخالف دل‌بستگان به دنیا قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 11 - 4،5

4 - ایمان به قیامت و خوف از احوال آن روز ، موجب مصونیت از شرور روز قیامت و خزّمی رخسار و شادمانی دل

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا .. فَوْقِيهِمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكِ الْيَوْمِ وَلَقِيَهُمْ نَصْرُهُ وَسُرُورًا

5 - وفای به نذر ، ایثار و انفاق خالصانه به نیازمندان و بیم از روز قیامت ، موجب مصونیت از سختی های قیامت و شادمانی در آخرت است .

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا .. إِنَّمَا نَطَعْمُكُمْ لَوْجَهُ اللَّهِ ... فَوْقِيهِمُ اللَّهُ ... وَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه ناظر به مجموع آیات مربوط به ابرار و ویژگی های آنان باشد.

75- عوامل سرور اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 9 - 1

1 - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ينقلب إلى أهله مسرورًا

76- عوامل سرور بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 58 - 2

2 - بهشتیان ، در اوج سرور و شادمانی از نمردن و جاودانه بودن شان در حیات اخروی

أفما نحن بميتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 59 - 2

2- سرور و شادمانی بهشتیان ، از نمردن و جاودانه زیستن و نیز رهایی از عذاب الهی در آخرت

إلّا موتنا الأولى و ما نحن بمعذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 18 - 7

7- بهشتیان ، سرور و شادمان از لطف پروردگار خویش ، به خاطر رهایی از دوزخ

فكهن بما آتاهم ربهم و وقیهم ربهم عذاب الجحیم

ص: 81

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 23 - 2

2- سرخوشی بهشتیان در مجالس انس ، با ریودن جام های شراب از دست یکدیگر

یتنزعون فیها كأسًا

77- عوامل سرور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 55 - 3

3- بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

ولا تجزون إلا ما كنتم تعملون . إن أصحاب الجنة اليوم فی شغل فكهنون

از ارتباط میان این آیه - که سخن از بهشت و نعمت های آن است - و آیه پیش - که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 39 - 3

3- پاکی ، تذکر پذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزکّی . أو یدّکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

78- عوامل سرور ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 71 - 5, 4

4- همسر ابراهیم ، در پی اطلاع از مأموریت فرشتگان (هلاک سازی قوم لوط) شادان و خندان شد .

إنّا أرسلنا إلی قوم لوط . وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق از تفریح جمله «ضحکت» به وسیله حرف «فاء» بر «إنّا أرسلنا ..» در آیه قبل استفاده شده است؛ یعنی، آنچه مایه شادمانی همسر ابراهیم شد، این بود که دریافت قوم بزهکار لوط بر عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

5- احساس امنیت ساره پس از ترس و وحشت از فرشتگان ، مایه شادی و خرسندی وی گردید .

قالوا لاتخف إنا أرسلنا إلى قوم لوط. وامرأته قائمه فضحكت

برداشت فوق، بر این اساس است که جمله «فضحكت» تفریح بر «لاتخف إنا أرسلنا إلى قوم لوط» باشد.

79- عوامل سرور فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 9 - 8

ص: 82

8- از دیدگاه آسیه، نگه داری موسی (ع) پرکننده خلأ بی فرزندی، مایه روشنی دیدگان و ارمغان آور سرور و شادمانی برای وی و فرعون بود.

وقالت... قرّت عين لي و لك... عسى أن ينفعنا أو نتخذة ولدًا

80- عوامل سرور قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 76 - 9

9- شادمانی مغرورانه قارون به خاطر ثروت افسانه ای خویش

وأتينه من الكنوز... إذ قال له قومه لا تفرح

81- عوامل سرور کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 31 - 2

2- کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش، از پوزخندها و اشاره های طعنه آمیز خود، غرق شادمانی می شوند.

يضحكون... يتغامزون. و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

در این برداشت، «فکّه» به معنای «مرد خوش دل و خندان» دانسته شده است. تکرار «انقلبوا» در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

82- عوامل سرور کشاورزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 20 - 13

13- بارش باران و سرسبز شدن مزارع، برانگیزاننده شگفتی کشاورزان و مایه سرور و شادمانی آنان

كمثل غيث أعجب الكفار نباته

«اعجاب» (مصدر «أعجب») به معنای به شگفتی واداشتن است و «کافر» (مفرد «کفار») در این جا به معنای کشاورز می باشد.

83- عوامل سرور مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 8

ص: 83

8 - حضور کودک در کنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنه إلى أمّه کی تقرّ عينها و لاتحزن

84- عوامل سرور مادر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 7

7- شادی کردن مادر موسی و زدایش غم از دل وی ، از هدف های خداوند در بازگرداندن موسی (ع) به دامان وی

فرددنه إلى أمّه کی تقرّ عينها و لاتحزن

کلمه «کی» به اصطلاح، «تعلیلیه» و بیانگر هدف الهی در بازگرداندن موسی به دامان مادرش می باشد. در این آیه به دو هدف اشاره شده است: الف) شاد شدن مادر موسی و زدودن غم و اندوه ناشی از فراق فرزند. ب) عمل کردن خدا به وعده خود و یقین پیدا کردن مادر موسی به حقانیت وعده های الهی. برداشت یاد شده بیان مضمون هدف نخست است.

85- عوامل سرور مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 36 - 4

4- نزول قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مایه سرور و شادمانی گروهی از یهود و نصارا بود .

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون بما أنزل إلیک

جمله «و من الأحزاب ...» (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از «الذین ... یفرحون» همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

86- عوامل سرور مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 36 - 6

6 - مشرکان ، با برخورداری از امکانات اندک ، شادمان شده و با اندک گرفتاری ، ناامید می شوند .

و إذا أذقتنا الناس رحمة فرحوا بها و إن تصبهم سیئه. .. یقنطون

ممکن است به قرینه آیات پیش - که درباره مشرکان است - «ال» در «الناس» عهد و مراد از «الناس» مشرکان باشد. لازم به ذکر است که تنوین «سیئه» تکبیر و برای قَلَّت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 45 - 5

5 - انبساط خاطر و شادمانی مشرکان به هنگام یاد شدن نام معبودهایی جز خداوند (معبود های ادعایی آنان)

و إذا ذكر الذين من دونه إذا هم يستبشرون

ص: 84

87- عوامل سرور مشرکان جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 17 - 2

2 - پسر مایه سرور و مباحات و دختر موجب ننگ و عار ، در میان عرب جاهلی

و أصفیکم بالبئین . و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً ظلّ وجهه مسوداً و هو

88- عوامل سرور مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 14 - 10

10- مشرکان مکه ، سرخوش از بیرون راندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سرزمین خویش

قریتک الّتی أخرجتک . . . زین له سوء عمله

مورد «سوء عمله» در آیه شریفه، همان اخراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سرزمین مکه است.

89- عوامل سرور مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 15 - 2

2- مرگ و ذلت مشرکان متجاوز ، فرونشانی شعله های خشم در سینه های مؤمنان صدر اسلام

قتلوهم یعذبهم الله . . . و یدهب غیظ قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 58 - 2

2 - تنها نعمتی که بر خورداری از آن ، باید مایه خوشحالی و شادمانی مؤمنان باشد ، قرآن است .

قد جاءتکم موعظه من ربکم . . . قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا

90- عوامل سرور مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 124 - 10

10 - افزایش ایمان مؤمنان و بروز شادمانی در چهره آنان ، با نزول و شنیدن آیه های قرآن

فأما الذين آمنوا فزادتهم إيماناً وهم يستبشرون

ص: 85

91- عوامل سرور والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 9 - 5

5- فرزند، مایه روشنی چشم والدین و سرور و شادمانی آنان

وقالت امرأت فرعون قرت عین لی و لک

92- عوامل سرور یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 36 - 4

4- نزول قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) مایه سرور و شادمانی گروهی از یهود و نصارا بود.

والذین ءاتینهم الکتب یفرحون بما أنزل إلیک

جمله «و من الأحزاب ..» (برخی از یهود و نصارا بخشی از قرآن را نمی پذیرند) حکایت از آن دارد که مراد از «الذین ... یفرحون» همه یهود و نصارا نیستند. از این رو در برداشت سرور و شادمانی به گروهی از آنان نسبت داده شد.

93- کمی سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 82 - 5

5 - خوشی های دنیا در مقایسه با رنج های اخروی برای گناهکاران بسی ناچیز است .

فلیضحکوا قليلا و لیسکوا کثیراً

94- کمی سرور گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 82 - 5

5 - خوشی های دنیا در مقایسه با رنج های اخروی برای گناهکاران بسی ناچیز است .

فليضحكوا قليلا وليبكوا كثيراً

ص: 86

95- کمی سرور منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 82 - 1, 2

1 - خوشحالی و خنده منافقان متخلف از جهاد ، اندک و زودگذر در مقایسه با عذاب ها و گریه های اخروی آنان

فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً

برداشت فوق بر این اساس است که جمله «فلیضحکوا» در مورد دنیا و «ولیبکوا» در مورد آخرت باشد.

2 - شادی اندک و رنج طولانی منافقان در دنیا ، بازتاب عملکرد آنان و کیفر الهی برای ایشان

فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً جزاء بما کانوا یکسبون

برداشت فوق بدین احتمال است که خنده و گریه در «فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً» هر دو مربوط به دنیا باشد.

96- متخلفان از جهاد و سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 82 - 4

4 - متخلفان از جهاد ، نباید از تخلف خویش مسرور گردند ؛ بلکه باید از پیامد ناگوار ترک این فریضه ، محزون و غمزده باشند .

فرح المخلفون .. فلیضحکوا قليلا و لیبکوا کثیراً

97- محرومیت از سرور اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 2

2 - دوزخیان در آخرت ، از حضور شادمانه نزد خویشاوندان خود محروم خواهند بود .

إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

مقایسه دو تعبیر «ینقلب إلی أهله» (در آیات پیشین) و «کان فی أهله»، گویای این است که گرفتاران دوزخ، از لذت همنشینی با خویشاوندان خود بهره ای نمی برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 5

5- زیبایی ، طراوت و نشاط آفرینی گیاهان برای انسان ، امری مهم و براساس تقدیر و برنامه الهی

فأنتنا به حدائق ذات بهجه

تذکر خداوند به بهجت آفرینی بوستان ها برای آدمیان، نشانگر اهمیت آن و تدبیر و تقدیر الهی است.

ص: 87

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 43 - 1

1 - اراده الهی ، حاکم بر حالات شادی و غم انسان

و أنّه هو أضحک و أبکی

99- ناپایداری سرور دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 4,5

4 - دنیا و شادی های آن ، جاودانه نیست و دگرگون خواهد شد .

إنّہ کان فی أهله مسرورًا . إنّہ ظنّ أن لن یحور . بلی

5 - خداوند ، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إنّ ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در «ربّه» و «به»، به منکر معاد بر می گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

100- ناپایداری سرور دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 3

3 - شادی های دنیایی کافران ، شایسته دل بستگی نبوده و پایدار نخواهد ماند .

إنّہ کان فی أهله مسرورًا

101- نعمت سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 3

3- غم، شادی، مرگ، حیات و نیازمندی و غنا، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیء الاء ربک تتماری

در صورتی که تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

ص: 88

5- سرگرمی

1- اشتغال به سرگرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 98 - 1

1 - جوامع تکذیب کننده رسولان الهی همواره در خطر گرفتار شدن به عذاب الهی ، بویژه به هنگام اشتغال به سرگرمی ها و بازیچه های روزانه

أو أمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا ضحى وهم يلعبون

2- دین سازی با سرگرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 25، 1

1 - برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

وذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

25 - کسانی که بازی و سرگرمی دنیا را دین خود قرار داده اند، کافرند.

وذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا .. بما كانوا یكفرون

بنابراین که «اتخذوا دینهم لعبا»، به معنای «اتخذوا اللعب دینا» باشد.

3- سرگرمی با آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 17 - 3، 4

3- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش ، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست .

لو أردنا أن نتخذ لهواً لاتخذنه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «من لدنا»، معنای «من جهه قدرتنا» را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این

نظرند). و یا این که «من لدننا» ظرف مختص - در قبال «من لدن غیرنا» باشد. براین اساس پیام آیه چنین می

ص: 89

شود: «اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها؛ پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است». گفتنی است آمدن «لدنًا» - که برای ابتدای غایت است - به جای «عندنا» - که برای صرف حضور است - مؤید برداشت یاد شده است.

4- اگر خداوند - بفرض محال - به منظور سرگرمی خود جهانی می آفرید ، جهان طبیعت ، شایسته این منظور نبود ؛ بلکه جهانی برتر از آن را انتخاب می کرد .

لو أردنا أن نتخذ لهوًا لاتخذنه من لدنا إن كنا فعلین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که «من لدنًا» به معنای «مما عندنا» باشد و یا معنای «مما یلیق بحضرتنا. ..» را افاده کند؛ یعنی، بر فرض انتخاب سرگرمی، از عوالم و موجوداتی که پیش خودمان است و مقرب تر به ما و برتر از جهان طبیعت است (از قبیل مجردات و ...) برمی گزیدیم.

4- سرگرمی با موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 17 - 2

2- مخلوقات ، هرگز اسباب سرگرمی و لعب و لهو آفریدگار خویش نیستند .

لو أردنا أن نتخذ لهوًا لاتخذنه من لدنا إن كنا فعلین

5- سرگرمی به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 26 - 8

8 - هلاکت امت های کافر پیشین ، در حال غفلت و سرگرمی آنان به دنیا ، بوده است .

أهلکنا . . . یمشون فی مسکنهم

احتمال دارد که جمله «یمشون. ..» حال برای مفعول «أهلکنا» باشد.

6- سرگرمی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 56 - 1

1 - مردان بهشتی با همسرانشان - در حالی که به شوخی و گفت و گوی لذت بخش مشغولند - زیر سایه ها نشسته و بر تخت های مزین و مجلل (چون حجله عروس) تکیه خواهند زد .

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكَّهُونَ . هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِنُونَ

جمله «هم و أزواجهم ..» استتفافی بیانی برای آیه پیشین (إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ...) است و موقعیت مکانی و جایگاه اهل بهشت را - که به شوخی و صحبت لذت بخش مشغولند - بیان می کند. «أریکه» (مفرد «أرائک») نیز به معنای تخت مزین در حجله عروس است.

ص: 90

7- سرگرمی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 70 - 5، 2، 1

1 - برخی مردم بازی و سرگرمیهای دنیا را به عنوان دین خود برگزیده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

2 - گروهی از مردم نابخردانه دین خدا را بازیچه و سرگرمی برای خود قرار داده اند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

مراد از «دینهم» می تواند آیین الهی باشد که برای آنان نازل گشته، ولی آنان به جای تمسک آن را بازیچه خویش قرار داده اند.

5 - مغالطه گرایان و خوض کنندگان در اسلام و قرآن و استهزاکنندگان آن، دین خدا را بازیچه و سرگرمی خود قرار داده اند.

الذین یخوضون فی ءایتنا . . . یخوضوا فی حدیث غیره ... و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا

مراد از «الذین . . .»، به قرینه آیات پیشین، همان خوض کنندگان در آیات هستند.

8- سرگرمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 99 - 2

2 - فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه، از مکرها و برنامه های پنهانی خداوند با آنان

أن یأتیهم بأسنا بیئا . . . ضحی و هم یلعبون. أفأمنوا مکر الله

9- سرگرمی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 3 - 9

9- کافران هدایت ناپذیر صدر اسلام، سرگرم آرزوهای واهی بودند.

ذرهم . . . ویلههم الأمل

10- سرگرمی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6

ص: 91

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا وأهلونا

ص: 92

6- سست ایمانان

1- آثار اذیت سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 10 - 3

3- برخی از مدعیان ایمان، به قدری ایمان شان سطحی و سست است که با فتنه و آزارِ مردمان، از دین، دست می کشند.

و من الناس من يقول ءامناً بالله فإذا أؤذى فى الله جعل فتنه الناس كعذاب الله

2- آثار عجز سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 13

13- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان، از توجیه آیات جهاد، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محكمه و .. ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط «سوره محكمه» با «ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت»، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف - که به گونه ای قابل توجیه است - با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

3- ادعای سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 10 - 9

9- عناصر سست ایمان عافیت طلب، با مشاهده پیروزی مؤمنان، مدعی همراهی دیرینه با مؤمنان اند.

ولئن جاء نصر من ربك ليقولنّ إنا كنا معكم

4- اضطراب سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- انسان منافق و سست ایمان، ناتوان از پنهان داشتن همیشگی تزلزل درونی خویش

ينظرون إلیک نظر المغشّٰ علیہ من الموت

از این که انسان بیمار دل سست ایمان، از آیات جهاد به وحشت می افتد و این نگرانی در سیمایش ظاهر می شود، مطلب بالا به دست می آید.

5- بینش سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 9

9- جهاد، به معنای مرگ و نابودی، در بینش منافقان و انسان های سست ایمان

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض ینظرون إلیک نظرالمغشّٰ علیہ من الموت

تعبیر «المغشّٰ علیہ من الموت» و کاربرد این تشبیه، می تواند بر این اساس باشد که انسان سست ایمان با فرمان جهاد، مرگ خویش را به چشم می بیند؛ چنان که محضّر نیز چنین است؛ در حالی که جهاد زمینه شهادت است و نه نابودی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 22 - 6

6- جهاد، در نگاه بیمار دلان سست ایمان، عامل فساد، فتنه و برادرکشی *

الذین فی قلوبهم مرض . . . إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض

برداشت بالا بدان احتمال است که مجموع آیه، پاسخی به بهانه جویی ها و دستاویزهای منافقان و عناصر سست ایمان باشد؛ زیرا از این پاسخ، استفاده می شود که بیمار دلان برای توجیه فرار خویش از جهاد، آن را مایه فساد و برادرکشی می شمردند؛ ولی خداوند به ایشان یادآور شده که مفسد و برادرکش واقعی شماست که به دنیا چسبیده و برای حفظ دنیایتان هر کاری خواهید کرد.

6- ذلت سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 13

13- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان، از توجیه آیات جهاد، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سورة محكمة و... ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت

از ارتباط «سوره محكمه» با «ينظرون إليك نظر المغشى عليه من الموت»، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف - که به گونه ای قابل توجیه است - با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

ص: 94

7- زمینه تشخیص سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 10

10- آیات جهاد و تکالیف دشوار دین ، زمینه ساز شناسایی منافقان و سست ایمان ها

فإذا أنزلت سوره محكمه و ذكر فيها القتال رأيت الذين في قلوبهم مرض ينظرون إليك نظر

8- سختی مرگ سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 1

1- سست ایمان های همدل با کفران ، دارای وضعیتی بس دشوار به هنگام جان کندن

فكيف إذا توفتهم الملكة

9- سست ایمانان در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 47 - 4

4- شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا و لأوضعوا خلكم ببيغونكم الفتنه

جمله «ببيغونكم الفتنه» حال برای ضمیر فاعل «أوضعوا» است؛ یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

10- سست ایمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 11 - 1

1- وجود برخی از عناصر مذذب و هرهری مذهب در جمع مسلمانان صدراسلام

و من الناس من يعبد الله على حرف فإن أصابه خير اطمأن به وإن أصابته فتنة انقلب

«حرف» به معنای طرف و کنار است. «علی حرف» متعلق به عامل مقدر و حال از ضمیر مستتر در «یعبد» است. یعنی، «و من الناس من یعبد الله حال کونه علی طرف من الدین». آیه فوق، خبر از عناصری از اهل شرک می دهد که همراه با اضطراب، تشویش، دودلی و تردید وارد جبهه توحید و یکتاپرستی (اسلام) می شدند. آنان مانند کسی هستند که در کنار معرکه چشم به راه می نشیند؛ اگر دید جنگجویان دارند پیروز می شوند، وارد معرکه می شوند؛ اما اگر احساس کرد که آنها شکست می خورند، فرار می کند. عناصر فوق نیز اگر به مال و منالی دست می یافتند، شادمان می شدند و پا بر جا می ماندند؛ اما اگر اتفاقاً مواجه با ناملایمات و سختی ها می شدند، از جبهه توحیدی روی بر می تافتند و به آیین سابقشان (شرک) باز می گشتند.

ص: 95

11- عجز سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 11

11- انسان منافق و سست ایمان ، ناتوان از پنهان داشتن همیشگی تزلزل درونی خویش

ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از این که انسان بیمار دل سست ایمان، از آیات جهاد به وحشت می افتد و این نگرانی در سیمایش ظاهر می شود، مطلب بالا به دست می آید.

12- محرومیت سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 20 - 7

7 - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که «قوم یوقنون» نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

13- مشکلات زندگی سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 13

13- ناتوانی منافقان و افراد سست ایمان ، از توجیه آیات جهاد ، تنگ کننده عرصه حیات بر آنان *

فإذا أنزلت سوره محكمه و .. ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت

از ارتباط «سوره محكمه» با «ینظرون إلیک نظر المغشیّ علیه من الموت»، می توان استفاده کرد که انسان های سست ایمان یا منافق، در سایر تکالیف - که به گونه ای قابل توجیه است - با ترفندی، خویش را آسوده می کنند؛ اما در مورد جهاد چون آیاتش محکم، قاطع و توجیه ناپذیر است، خود را در بن بست دیده و شدیداً نگران می شوند.

14- نفرین بر سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 20 - 14

14- منافقان و افراد سست ایمان بیزار از جهاد ، مورد نفرین الهی و سزاوار مرگ

ص: 96

«أولى لهم» ممکن است در مقام انشا و نفرین باشد.

15- هشدار به سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 10 - 18

18 - خداوند ، به مؤمنان عافیت طلب و دارندگان ایمان سطحی ، هشدار داده است .

و من الناس من يقول ءامنا بالله فإذا أؤذى فى الله جعل فتنه الناس كعذاب الله .

ص: 97

1- آثار سستی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 87 - 4

4 - کوتاهی در ابلاغ رسالت الهی و عقب نشینی از آرمان های دینی ، موجب تقویت جبهه کفر و نوعی پشتیبانی از مواضع کفرپیشگان است .

فلاتکوننّ ظهیراً للكفرین . و لایصدنک عن آیت الله

توصیه خداوند به دست برداشتن از ابلاغ آیات الهی، پس از هشدار از هرگونه پشتیبانی از کافران، می تواند به این حقیقت اشاره داشته باشد که ترک ابلاغ رسالت الهی، نوعی تقویت و پشتیبانی از آنان به شمار می رود.

2- آثار سستی در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 63 - 10

10- پیامبران ، در صورت مسامحه در امر رسالت و ترک ابلاغ توحید ، گنه کارند .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

3- آثار سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 46 - 5

5 - سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوّت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

4- آثار سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- ترک جهاد و سستی در امر پیکار با دشمن ، زمینه ساز نابودی جامعه و جایگزین شدن جامعه دیگری به جای آن

إلا تنفروا يعذبكم عذاباً أليماً و يستبدل قوماً غيركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 35 - 3

3- سستی در جهاد و نبرد با دشمن ، در پی دارنده سازشی خفت بار *

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

تقدم «لاتهنوا» بر «تدعوا إلى السلم» بیانگر این حقیقت است که سستی، پیش زمینه سازش است؛ سازشی که امت های برتر (و أنتم الأعلون) را به ذلت می کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 5 - 20

20- ضعف و سستی برخی از مسلمانان صدر اسلام در جنگ و جهاد ، موجب آزار دیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردید .

يأيها الذين ءامنوا لم تقولون .. لم تؤذونني و قد تعلمون أنّي رسول الله إليكم

سخن در آیات پیشین، درباره کسانی است که شعار جهاد می دهند ولی از شرکت در صفوف مجاهدان سر باز می زنند و یا بر فرض شرکت، ضعف و سستی نشان می دهند. به نظر می رسد مطرح ساختن موضوع آزارهای یهود به موسی(ع)، برای بیان این نکته باشد که ضعف و سستی در جهاد و تخلف از فرمان های پیامبر(صلی الله علیه و آله) در جهاد، موجبات آزار رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را فراهم کرده و همان عواقبی را در پی خواهد داشت که برای قوم موسی در پی داشت.

5- آثار سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 9 - 5

5- اهمیت ندادن به نماز و عدم مراقبت بر انجام به موقع آن ، نشانه ضعف ایمان

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم على صلواتهم يحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 34 - 4

4 - سهل انگاری در نماز ، نشانه ضعف ایمان

الذین هم علی صلاتهم دائمون . . . و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

6- آثار سستی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 5 - 20

ص: 99

20 - ضعف و سستی برخی از مسلمانان صدر اسلام در جنگ و جهاد ، موجب آزار دیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردید .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ .. لِمَ تُوذَوْنَ و قد تعلمون أنّي رسول الله إليكم

سخن در آیات پیشین، درباره کسانی است که شعار جهاد می دهند ولی از شرکت در صفوف مجاهدان سر باز می زنند و یا بر فرض شرکت، ضعف و سستی نشان می دهند. به نظر می رسد مطرح ساختن موضوع آزارهای یهود به موسی(ع)، برای بیان این نکته باشد که ضعف و سستی در جهاد و تخلف از فرمان های پیامبر(صلی الله علیه و آله) در جهاد، موجبات آزار رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را فراهم کرده و همان عواقبی را در پی خواهد داشت که برای قوم موسی در پی داشت.

7- اجتناب از سستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 104 - 4، 1

1 - مجاهدان نباید در رویارویی و تعقیب دشمنان ، سستی نشان دهند .

و لاتهنوا فی ابتغاء القوم

4 - سختی ها و رنج های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب سستی در پیکار با آنان شود .

و لاتهنوا .. ان تكونوا تألمون فانهم يألمون كما تألمون

8- ترک سستی در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 43 - 6

6 - لزوم برخوردی استوار و به دور از هرگونه ضعف و سستی ، در مقام تبلیغ معارف دینی

فاستمسك بالذی أوحی إليك

9- ترک سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 4 - 9

9 - لزوم پرهیز از ضعف و سستی ، در میدان مبارزه و جهاد

يقتلون في سبيله صفًّا كما كانوا بنين مرصوص

10- حرمت سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 59 - 4

ص: 100

4- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه . . فسوف یلقون غیباً

چنان که گفته شد معنای «یلقون غیباً» - به قرینه «یدخلون الجنة» (در آیه بعد) - «یلقون جزاء غیبهم» است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

11- زمینه سازی سستی در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 6

6- حرمت فراهم آوردن زمینه بی اعتقادی مردم نسبت به دین و ارزش های دینی

و لاتتخذوا ایمنکم دخلاً بینکم فتزلّ قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که نهی از «حنث قسم» از آن جهت صورت گرفته که سبب سست شدن عقیده دیگران می شود و در ذیل آیه شریفه، این عمل «صد عن سبیل الله» و دارای «عذاب عظیم» شناخته شده است.

12- زمینه سستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 13

13 - خداوند به دلیل آگاهی بر عوامل اطمینان بخش قلب ها و علمش به زمینه های سستی آفرین ، مشرکان بدر را در رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) اندک نمایان ساخت .

و لکن الله سلم إنه علیم بذات الصدور

13- زمینه سستی در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 9

9- سست کردن ایمان مردم با سوء استفاده از مقدسات دین ، « صد عن سبیل الله » است .

و لاتتخذوا ایمنکم دخلاً . . و تذوقوا السوء بما صدّدتم عن سبیل الله

از اینکه خداوند از حنث سوگند و فریب کاری، به سد راه خدا تعبیر کرد (بما صددتم عن سبیل الله)، استفاده می شود که سست کردن ایمان مردم با حنث سوگند و فریب کاری، مصداق بارز سد راه خداست.

14- زمینه سستی در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 101

3- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

ووصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین - علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان - نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

15- زمینه سستی در عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 21

21 - ضعف انسان در مرحله عمل ، ناشی از ضعف شناخت وی نسبت به خداوند

قل فمّن یملک لکم من اللّٰه شیئًا إنّ أراد بکم ضرًّا أو أراد بکم نفعًا

اعراب متخلف، در مرحله عمل، گرفتار گناه شدند؛ ولی خداوند آنان را به نکته ای معرفی، در زمینه شناخت حاکمیت مطلق اراده خویش تذکر داده است و این می نمایاند که مشکل اصلی، عدم معرفت بوده است.

16- زمینه سستی روابط عاطفی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 13

13- انعطاف پذیری در برابر کافران و منکران دین ، سست کننده بنیان رحمت و مودت میان مؤمنان

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

این برداشت، وجه دیگر برداشت قبل است.

17- زمینه سستی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 9

9- تلاش برخی از اهل کتاب ، در ایجاد تزلزل اعتقادی در بین مسلمانان

بنابراین که مراد از «الذین...» اهل کتاب و مقصود از «فی اللّٰه» دین خدا (اسلام) باشد، به دست می آید که برخی از اهل کتاب با ایجاد شبهه در باور مسلمانان، سعی در متزلزل ساختن اعتقاد آنان داشتند.

18- سرزنش سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 4 - 8

8 - کسانی که شعار جهاد سر می دهند ولی در عرصه پیکار یا شرکت نمی کنند و یا در صورت شرکت کردن از خود سستی نشان می دهند و استقامت نمی کنند ، مورد خشم شدید خداوند هستند .

لَمْ تَقُولُوا .. كَبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ ... إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ ... كَأَنَّهُمْ بَنِينَ مَوْصُوعِينَ

آیات پیشین - که در مقام سرزنش مدعیان بدون عمل بود - تمهیدی برای بیان موضوع جهاد است؛ چرا که صحنه جنگ، محل لغزش قدم ها و آشکار شدن مدعیان از مؤمنان حقیقی است.

19- سرزنش سستی در حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 8

8 - سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَان سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

20- سرزنش سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 54 - 9

9 - مذمت خداوند از کسالت در نماز و انفاق بدون میل و رغبت

لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالَى وَلَا يَنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَرْهُونَ

21- سستی آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 16 - 2

2 - آسمان پس از شکافته شدن در آستانه برپایی قیامت ، سست و ناستوار خواهد شد .

«وہمی» (مادہ «واہیہ») به چیزی گفته می شود که رسته اش سست شده باشد.

22- سستی استحکامات بشری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 103

13- محكم ترين دژهاى ساخته بشر، در برابر اراده و قدرت الهى، ناپايدارند.

فاذا جاء وعد ربى جعله دكاء

23- سستی استخوان زكريا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 4 - 1,4

1- زكريا به هنگام پيرى مفرط و سستى استخوان ها و سفيدى موهاى سرش از خداوند خواهان فرزند شد.

قال رب ائنى وهن العظم منى واشتعل الرأس شيباً

«عظم» به معنای استخوان است. «وهن العظم منى»؛ يعنى، استخوان هايم سست شد کلمه «شيباً» تمیيز و به معنای سفيدى مو است و «اشتعل»، يعنى آتش گرفتن (لسان العرب). بنايراین جمله «اشتعل» از ماده «شعل» سفيدى دم و پيشانى اسب) مشتق باشد؛ در این صورت جمله «اشتعل...»، يعنى «موى سر سپيد شد».

4- استخوان زكرياى پيغمبر در اثر پيرى، سست شده بود.

ئنى وهن العظم منى

24- سستی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

19 - قلم - 68 - 22 - 2

2- پديدار شدن سستى و کوتاهى در میان برخى از باغداران يمنى، در عمل به سوگند خویش

أن اغدوا على حرثكم إن كنتم صرمين

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شرط «إن كنتم صرمين» برای تعليق حقيقى نیست؛ زیرا آنان از پيش بر انجام آن سوگند یاد کرده بودند؛ بلکه به منظور بیان پديدار شدن سستى و کوتاهى در وفا به سوگند خویش است.

25- سستی خانه عنكبوت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - دوست گیرندگان غیر خدا ، همانند عنكبوت اند که خانه ای بس سست و بی بنیاد ، برای خود ساخته است .

مثل الذين اتخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتاً

2 - انتخاب کنندگان ولیّ و کارسازی غیر از خدا ، همانند عنكبوت اند که برای خود خانه ای بی بنیاد ، بنا کرده است .

مثل الذين اتخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتاً

6 - خانه عنكبوت ، بی بنیاد و سست ترین خانه ها است .

وإنّ أوهن البيوت لبیت العنكبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 42 - 3

3 - تشریح بی بنیادی شرک - همانند بی بنیادی خانه عنكبوت - برخاسته از علم خداوند است .

مثل الذين اتخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت اتخذت بيتاً .. إن الله

26- سستی خانه های قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 8 - 3

3 - ساختمان های مرتفع و مستحکم قوم عاد ، سست و بی مقاومت در برابر عذاب الهی

کیف فعل ربک .. التی لم یخلق مثلها فی البلد

27- سستی در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 68 - 3

3 - انسان ، در جلوگیری از تحلیل و سستی قوای خویش به هنگام پیری ، ناتوان است .

و من نعمّره ننگسه فی الخلق

28- سستی در تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 11

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور مغفرت خواهی و درخواست عفو خداوند ، از کوتاهی در تسبیح و حمد او و تقاضای توجّه و

عنایت مجدد او به آن حضرت

و استغفره

استغفاری که در این سوره به آن امر شده است - به قرینه تعلیق بر نصرت و فتح و عطف بر تسبیح و حمد - استغفار ویژه ای است. این استغفار، در ارتباط با حمد و تسبیح، به معنای درخواست عفو از کاستی های آن و در ارتباط با «توّاباً»، به معنای درخواست رجوع مجدد

و مکرر خداوند و تقاضای عنایت های تازه به تازه او است.

29- سستی در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 105

16 - کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم ألا ساء ما یزرون

بنابراین که «ما در «ما فرطنا» موصوله و مرجع برای ضمیر «فیها» باشد.

30- سستی در حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 11

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور مغفرت خواهی و درخواست عفو خداوند، از کوتاهی در تسبیح و حمد او و تقاضای توجّه و

عنایت مجدد او به آن حضرت

و استغفره

استغفاری که در این سوره به آن امر شده است - به قرینه تعلیق بر نصرت و فتح و عطف بر تسبیح و حمد - استغفار ویژه ای است. این

استغفار، در ارتباط با حمد و تسبیح، به معنای درخواست عفو از کاستی های آن و در ارتباط با «توّاباً»، به معنای درخواست رجوع مجدد

و مکرر خداوند و تقاضای عنایت های تازه به تازه او است.

31- سستی در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 16

16 - کوتاهی و تفریط در امور دینی و مسؤولیتها، گناه و باری شوم بر دوش انسان است.

قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم ألا ساء ما یزرون

بنابراین که «ما در «ما فرطنا» موصوله و مرجع برای ضمیر «فیها» باشد.

32- سستی در عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 120 - 16

16 - تعلل در انجام وظایف دینی ، با توجه به مأجور بودن کمترین تلاش و رنج انسان در راه خدا ، شایسته نیست .

ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ و... في سبيل الله... إلا كتب لهم به عمل صالح

33- سستی در مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 106

7 - توبه - 9 - 16 - 7

7 - وجود برخی افراد سست ایمان و مرتبط با بیگانگان ، در میان مسلمانان صدر اسلام

و لم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين وليجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 4

4 - بروز نوعی سستی میان گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، برای رفتن به جنگ تبوک

يأيها الذين ءامنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا .. أثاقلتم إلى الأرض

این بخش از آیات، چنانکه برخی از مفسران گفته اند، مربوط به جنگ تبوک است.

34- سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 142 - 9,10

9 - سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن ، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى

«کسالی» جمع «کسلان» است ؛ و کسلان به کسی گفته می شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل، کاری را انجام دهد. قیام به

سوی نماز که مفاد جمله «قاموا إلى الصلوة» است، شامل مقدمات نماز نیز می شود.

10 - ضرورت برپایی نماز ، با میل و نشاط و پرهیز از کسالت و خمودی در انجام آن

و إذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 54 - 5

5 - کسالت و کاهلی در نماز ، از نشانه های نفاق و عدم ایمان واقعی به خدا و رسول اوست .

كفروا بالله و برسوله و لا يأتون الصلوة إلا و هم كسالى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 5 - 7

7 - « عن أبي أسامة زيد الشَّحَّام قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله « الذين هم عن صلاتهم ساهون » قال : هو الترك لها و التواني عنها ;

زيد شحَّام گوید: از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند «الذين هم عن صلاتهم ساهون» سؤال کردم، فرمود: [مراد از] آن ترک نماز و کوتاهی و سستی در انجام دادن آن است».

35- سستی در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 107

5- سستی اهل ایمان در پیکار با دشمنان دین ، موجب از میان رفتن ابهت و قوت جامعه اسلامی

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

36- سستی زمین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 21 - 2

2- زمین ، هنگام برپایی قیامت ، به شدت کوبیده و سست و نرم خواهد شد .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

«دک»؛ یعنی، منهدم ساختن کوه و دیوار و مانند آن (لسان العرب). تکرار دو مصدر «دگّا دگّا» بر کثرت آن دلالت دارد؛ یعنی، کوبیدن های مکرر، یکی پس از دیگری تحقق خواهد یافت.

37- سستی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 43 - 8

8 - تمثیل بی بنیادی شرک به خانه عنکبوت ناشی از علم و برهان است .

مثل الذین اتّخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتّخذت بیئًا . .. و تلک الأم

38- سستی عوامل دشمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 63 - 10

10 - عوامل دشمنی زا ، ناپایدار در مقابل اراده خداوند بر ایجاد محبت و دوستی میان انسانها

و لکن الله ألفت بینهم إنه عزیز

جمله «لو أنفقت . . .» اشاره به این دارد که عوامل دشمنی زا در میان قبایل عرب بسیار شدید بوده است. و جمله استدراکیه «و لکن الله ...» اشاره به این دارد که آن عوامل در برابر اراده خدا نمی توانست اثری داشته باشد. یعنی اگر چه آنان دارای دشمنیهای دیرپای بودند و

امكان الفت بين آنها نبود، ولي خداوند چنين خواست كه آنان با يكديگر الفت يابند.

39- سستی كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 18،19

ص: 108

18 - سُستی و تزلزلِ مبانیِ اعتقادی و رفتاریِ اهلِ کفر

فمن یکفربالطَّاغوت و یؤمن باللَّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

چون ایمان به خداوند، توصیف به تمسک به عروه الوثقی شده است، به قرینه مقابله فهمیده می شود که پیوند کافران با عقاید و رهبران خویش دارای بنیادی سُست و گسستی است.

19 - سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفربالطَّاغوت و یؤمن باللَّه فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

40- سستی مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 18 - 4

4 - سنت الهی بر سست کردن حيله کافران است .

ذلکم و أن اللّٰه موهن کید الکفرین

«أن اللّٰه . . . » خبر برای مبتدایی محذوف است ؛ یعنی «و الأمر أن اللّٰه ...».

41- سستی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 88 - 4

4 - سستی و تخلف منافقان از جهاد ، در روحیه محکم و مصمم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان راستین تأثیری نداشت .

رضوا . . . لكن الرسول ... جهدوا

42- عوامل سستی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 4

4- سوء استفاده از سوگند و ارزش های دینی ، از عوامل سست شدن عقیده و ایمان دیگران است .

و لاتتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم فتزّل قدم بعد ثبوتها

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از «قدم» ایمان و عقیده مردمی باشد که به دین گرایش یافته اند و با دیدن سوء استفاده برخی از دین، قدمهایشان سست گردد و از ایمان روی گردان شوند.

43- عوامل سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 109

20 - ترس از هیبت سپاه دشمن ، از عوامل ایجاد تردید و سستی اراده در پیکار *

قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 8

8 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صورتی که کافران بدر را در رؤیای خویش لشکری بزرگ می دید ، مسلمانان در تصمیم بر نبرد سست شده و بر سر آن اختلاف می کردند .

ولو أريكم كثيرا لفشلتم ولتنزعتم في الأمر

«فی الأمر» متعلق به «لتنزعتم» و نیز «فشلتم» است و «ال» در آن عهدیه و اشاره به جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 8 - 1

1 - وجود ناخرسندی میان مسلمانان صدر اسلام ، نسبت به لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و تردید و دودلی آنان در پیکار با مشرکان پیمان شکن

کیف و إن يظهروا عليكم

کلمه «کیف» - که برای استفهام انکاری است - مفید برداشت فوق است.

44- عوامل سستی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 6

6 - دلخوشی به زندگی دنیوی و ترجیح دادن آن بر حیات اخروی ، عامل سستی و روی گردانی از جهاد در راه خدا

ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله أثقلتم إلى الأرض أرضيتم بالحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - ظاهر نگری و سست اندیشی ، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیوی و بی توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و جهدوا بأمولکم و أنفسکم فی سبیل اللّٰه ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 13 - 13

13 - خانه و زندگی ، از جمله نگرانی انسان است و وابستگی به آنها ، باعث تزلزل در جهاد می شود .

يقولون انّ بیوتنا عوره و ما هی بعوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 110

2- کم شرکت کردن منافقان در جبهه جهاد مسلمانان، به خاطر بخل آنان به مسلمانان بود.

لَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ .. أَشْحَهُ عَلَيْكُمْ

«أشْحَهُ» جمع «شحیح» است. «شح» - ریشه اشْحَه - در لغت، به معنای «بخل حریصانه» است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که «أشْحَهُ» حال برای ضمیر فاعلی فعل «یأتون» در آیه پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 36 - 4

4- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فَلَا تَهْنُوا .. إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

45- عوامل سستی در عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 94 - 4

4- سوء استفاده از سوگند و ارزش های دینی، از عوامل سست شدن عقیده و ایمان دیگران است.

و لَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَالًا بَيْنَكُمْ فَتَزُلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از «قدم» ایمان و عقیده مردمی باشد که به دین گرایش یافته اند و با دیدن سوء استفاده برخی از دین، قدمهایشان سست گردد و از ایمان روی گردان شوند.

46- عوامل سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 5 - 3

3- باور نداشتن کیفر و پاداش الهی، مایه سبک شمردن نماز

أرءيت الذي يكذب بالدين . . . الذين هم عن صلاتهم ساهون

47- عوامل سستی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 16 - 4

4 - باور های ناسازگار با فطرت آدمی ، متزلزل و ناپایدار است .

من بعد ما استجیب له حجّتهم داخصه عند ربّهم

ص: 111

«دحض» (مصدر «داحضه») به معنای لغزیدن و متزلزل بودن است و «داحضه» کنایه از بطلان و ناپایداری می باشد.

48- کیفر سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 4 - 5

5 - « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) الصلاة عماد الدين . . . من ترك أوقاتها يدخل الويل والويل واد في جهنم كما قال الله تعالى . . . « فويل للمصلين . الذين هم عن صلاتهم ساهون . . . » ;

رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمود: نماز ستون دین است . . هر کس وقت های نماز را [اعتنا نکرده و نماز را در آنها] ترک کند، داخل ویل می گردد و «ویل» درّه ای است در جهنم. همان طوری که خداوند تعالی فرموده: فویل للمصلین . الذین هم عن صلاتهم ساهون».

49- گناه سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 59 - 4

4- ضایع کردن نماز و سهل انگاری در آن ، حرام و از گناهان بزرگ است .

أضاعوا الصلوه . . فسوف یلقون غیاً

چنان که گفته شد معنای «یلقون غیاً» - به قرینه «یدخلون الجنة» (در آیه بعد) - «یلقون جزاء غیهم» است؛ که وعده عذاب به شمار می آید. وعده عذاب نیز نوعاً در برابر گناهان بزرگ است.

50- ممنوعیت سستی در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 4

4- کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به خاطر لغزش های گذشته آنان ، ممنوع است .

ولا یأتل أولوا الفضل منکم والسعه أن یؤتوا أولى القربى و المسکین و المهجرى

51- موانع سستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - امید مجاهدان به پاداش و نصرت الهی ، زمینه تقویت روحیه و سستی نکردن آنان در رویارویی با دشمنان دین

ولاتهنوا... و ترجون من الله ما لا يرجون

ص: 112

52- موانع سستی در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 9

9- تأثیر دستیابی به مقام قرب الهی، در خستگی نیافتن از عبادت و پرستش خداوند و تکبر نورزیدن

و من عنده لایستکبرون عن عبادته و لایستحسرون

از این که خداوند فرمود «آنها که پیش ما هستند و مقرب اند، از عبادت خسته نمی شوند و تکبر نمیورزند»، به دست می آید که دستیابی به قرب الهی، در خستگی ناپذیری و تکبر نورزیدن تأثیر دارد.

53- موجبات سستی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 46 - 4

4- نزاع و اختلاف اهل ایمان موجب سست شدن آنان در پیکار با دشمنان دین

و لاتنزعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم

54- نهی از سستی در اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 2 - 7

7- تأثیر پذیری از احساسات و عواطف در حدود و کیفرهای الهی و تساهل در اجرای دقیق آن، مورد نهی صریح خداوند

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین الله

55- نهی از سستی در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 7

7 - خداوند، موسی و هارون (ع) را از ترک استقامت در برابر فشارهای فرعون و اطرافیانش و در پیش گرفتن راهی جز آن، بر حذر داشت.

فاستقيما ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

17 - محمد - 47 - 35 - 1

ص: 113

1- نهی الهی از سستی در مبارزه با دشمن و تن دادن به سازش

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم

ص: 114

8- سطحی نگری

1- آثار اجتناب از سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 28 - 7

7 - شناخت ربوبیت خدا در هستی ، نیازمند تعقل و پرهیز از غفلت و سطحی نگری

قال ربّ المشرق و المغرب .. إن كنتم تعقلون

2- آثار سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 162 - 9

9 - جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لكن الرسخون فى العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إلیك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه «لکن» استدراک از جمله «فلا یؤمنون الا قليلا» (155) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله «لکن...» می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 26 - 8

8- محدودیت شناخت انسان به ظواهر امور ، دلیل قابل اعتماد نبودن آرای وی در قبال رأی خداوند است .

اللّه أعلم .. له غیب السموت و الأرض

خداوند، برای پایان بخشیدن به بحث ها و رد و ایرادهای بشری در زمینه مسائلی که خود، به صراحت، نظر خویش را بیان داشته، به این نکته اشاره کرده است که علم اش، قابل مقایسه با علم بشر نیست؛ زیرا، او مالک غیب است و بشر گرفتار ظاهر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 4

4 - سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض وإلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون... قا

ص: 115

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 28 - 8

8 - انکار ربوبیت یگانه خدا ، نشان سطحی نگری و فقدان اندیشه صحیح

ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 49 - 3

3 - اعتقاد سطحی و تقلیدی به خدا ، بی تأثیر در صلاح و سازندگی انسان

یفسدون فی الأرض . . قالوا تقاسموا باللّٰه

گروه های مزبور از یک سو به خدا سوگند می خورند و از سوی دیگر برای کشتن پیامبر خدا همدست می شوند و این نشانگر سطحی بودن ایمان آنان و بی ثمر بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 3,7

3 - سطحی نگری و ظاهربینی نسبت به زندگی دنیا ، در غفلت از آخرت ، نقش دارد .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا و هم عن الآخره هم غفلون

مرجع ضمیر «هم» واژه «الناس» با وصف سطحی نگری درباره دنیا است. آوردن وصفی دیگر (غفلت از آخرت) پس از صفت سطحی نگری، با تکرار ضمیر «هم» می تواند اشعاری به حقیقت یاد شده باشد.

7 - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سیغلبون . . . یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

نکته یاد شده بر این اساس است که «ال» در «الناس» عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نگرش سطحی به حیات دنیا، عامل بیهوده پنداری آن است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا . . . أولم یتفکروا ... ما خلق الله السموت و ا

در آیه قبل، سخن از سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که «چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقانیت آفرینش آن پی ببرند؟»، چنین توییخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 7

7- بعید شمردن تجدید حیات مردگان، ناشی از سطحی نگری انسان به هستی و خالق آن است .

أولم یروا أن الله خلق . . . بقدر علی أن یحیی الموتی

تعبیر «أولم یروا. . .» بیانگر نوعی سرزنش است؛ یعنی، منکران معاد، بدون تأمل و اندیشه در نظام هستی، به انکار آن پرداخته

ص: 116

اند؛ در حالی که اگر به دقت می‌نگریستند، قدرت خداوند را بر حیات مردگان به وضوح درمی‌یافتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 16، 17

16 - تخلف از دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ناباوری نسبت به وحی، ناشی از سطحی‌نگری است.

كذلكم قال الله من قبل فسيقولون بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون إلا قليلاً

با توجه به ارتباط صدر و ذیل آیه، مطلب بالا استفاده می‌شود.

17 - سطحی‌نگری و عدم درک عمیق واقعیت‌ها، زمینه‌ساز ناهنجاری کردار و نادرستی مواضع انسان

فسيقولون بل تحسدوننا بل كانوا لا يفقهون إلا قليلاً

خداوند، پس از این که انحراف‌ها و کاستی‌های عمیق اعراب متخلف از حدیبیه را یادآور شده، در یک نتیجه‌گیری و تحلیل کلی، آنان را فاقد درک عمیق معرفی کرده است و راز رفتار نادرست آنان را برملا می‌سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 21 - 3

3 - روحیه ناباوری و سطحی‌نگری، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

آیت للموقنین .. أفلا تبصرون

تصریح به «موقنین» و توییح کافران با عبارت «أفلا تبصرون»، می‌رساند که مشکل اصلی آنان - که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی‌بینند و یا پیام آن را درک نمی‌کنند - سست‌اندیشی، ناباوری و سطحی‌نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 11 - 12

12 - ظاهرنگری و سست‌اندیشی، مایه دلخوشی انسان به مظاهر زندگی دنیایی و بی‌توجهی به جهاد و مصالح نهفته در آن

و تجهدون فی سبیل .. ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون

3- آثار سطحی‌نگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 7

7 - استهزا و ریشخند کردن مسأله معاد از سوی کافران ، معلول سطحی نگری آنان به مظاهر با ارزش حیات

أنبؤا ما كانوا به يستهزءون . أولم يروا إلى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 9 - 1

1 - آگاهی اندک و سطحی کافران از قرآن ، دستمایه آنان برای تمسخر آیات الهی

و إذا علم من آیتنا شیءاً اتَّخَذَهَا هُزُوًا

کلمه «شیئاً»، اندک و ناچیز بودن اطلاعات کافران را افاده می کند.

ص: 117

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 44 - 2

2 - سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان است .

وإن يروا كسفاً من السماء ساقطاً يقولوا سحاب مرکوم

از این که کافران، با وجود مشاهده نشانه های عینی عذاب، آن را پدیده ای طبیعی و بی خطر می انگارند؛ استفاده می شود که حتی نمایاندن نمودهای اعجازی، مایه عبرت آنان نخواهد بود.

4- آثار سطحی نگری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 13 - 6

6 - هراس از مردم و خدا ترسی منافقان ، معلول سطحی نگری و سبک مغزی آنان است .

لأنتم أشدّ رهبة في صدورهم من الله ذلك بأنهم قوم لا يفقهون

5- سرزنش سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 11

11 - سطحی نگری و بی تفاوتی انسان نسبت به مظاهر وجود و طبیعت ، مورد نکوهش خداوند

و هو الذی یحی . . . أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 21 - 4

4 - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت . . . و فی أنفسکم أفلا تبصرون

توبیخ، از تعبیر «أفلا تبصرون» استفاده می شود و با توجه به این که ماده «تبصرون» به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

6- سطحی نگری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 10

10 - انسان ، موجودی سطحی نگر است ؛ ولی خداوند آگاه به حقایق نهان کردار او است آن گونه که به اسرار نهفته هستی آگاهی دارد .

ص: 118

و تری الجبال تحسبها جامده .. إته خبير بما تعلقون

در صورتی که «تری الجبال..» بیانگر اسرار نهفته جهان و سطحی نگری انسان نسبت به هستی باشد، آیه بالا نشان دهنده علم برتر خدا در قبال سطحی نگری انسان است و تعبیر «إته خبير بما تعلقون» می رساند که خداوند آگاه به اسرار هستی، از پنهانی ترین کردار آدمیان آگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 22 - 4

4- حقیقت، قابل شهود در دنیا؛ اما آدمی گرفتار غفلت و سطحی نگری

لقد كنت في غفلة من هذا

«غفلت» در جایی صادق است که حقیقت قابل شهود باشد؛ ولی آدمی به دلایلی از مشاهده آن محروم بماند. تعبیر «کشفنا...» می رساند که آدمی در دنیا، گرفتار سطحی نگری است و چشمانش در حجاب دنیاگرایی قرار دارد.

7- سطحی نگری بادیه نشینان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 14 - 3

3 - شناخت سطحی و صوری برخی از بادیه نشینان صدر اسلام، از ایمان و دین داری

قالت الأعراب ءامنا قل لم تؤمنوا و لكن قولوا أسلمنا

احتمال می رود که ادعای بادیه نشینان، نه از آن جهت بوده که به امتیازی دست یابند؛ بلکه واقعاً قادر نبودند که فرق اسلام و ایمان را تشخیص دهند و گمان می کردند که صرف تسلیم در برابر نیروی مسلمانان، ایمان به شمار می رود.

8- سطحی نگری به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 9

9 - محدود شدن آگاهی، به ظاهر زندگی دنیا، همپایه جهل و نادانی است.

أكثر الناس لا يعلمون . يعلمون ظهراً من الحيوة الدنيا

توصیف کسانی که در آیه سابق، جاهل و نادان قلمداد شدند، به کسانی که اطلاعاتی از ظواهر حیات دنیوی دارند، دلیل برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 4

4 - نگرش سطحی به حیات دنیا، عامل بیهوده پنداری آن است .

يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا .. أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا ... مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَنْ فِيهِنَّ إِلَّا بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ وَالْإِسْلَامِ

در آیه قبل، سخن از سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که «چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقانیت آفرینش آن پی ببرند؟»، چنین توبیخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

ص: 119

9- سطحی نگری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 21 - 4

4- توییح حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

وفی الأرض آیت . . . وفی أنفسکم أفلا تبصرون

توییح، از تعبیر «أفلا تبصرون» استفاده می شود و با توجه به این که ماده «تبصرون» به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

10- سطحی نگری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 28 - 10، 9

9- تحقیر فرعون و فرعونیان از سوی موسی (ع) به خاطر نیندیشیدن در نظام هستی و انکار پروردگار جهان

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر «إن کنتم تعقلون» تعریضی به عدم تعقل فرعون و فرعونیان و مقابله به مثل با اتهام جنون به موسی(ع) باشد.

10 - فرعون و فرعونیان ، مردمی سطحی نگر و فاقد اندیشه صحیح و ژرف در معارف الهی

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

11- سطحی نگری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 28 - 10، 9

9- تحقیر فرعون و فرعونیان از سوی موسی (ع) به خاطر نیندیشیدن در نظام هستی و انکار پروردگار جهان

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن کنتم تعقلون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر «إن کنتم تعقلون» تعریضی به عدم تعقل فرعون و فرعونیان و مقابله به مثل با اتهام جنون به

موسیٰ (ع) باشد.

10 - فرعون و فرعونیان ، مردمی سطحی نگر و فاقد اندیشه صحیح و ژرف در معارف الهی

قال ربّ المشرق و المغرب و ما بینهما إن كنتم تعقلون

ص: 120

12- سطحی نگری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 67 - 5

5- قوم بت پرست ابراهیم ، مردمی سطحی نگر و کم خرد بودند .

أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً ولا يضرکم . أف لكم ... أفلاتتعقلون

برداشت یاد شده از عبادت بی حاصل قوم ابراهیم و سرزنش شدن آنان از سوی آن حضرت بر تعقل نکردن و اندیشه نوزیدن به دست می آید. گفتنی است به کسی که عقل خود را به کار نیندازد و در حد قوه نگه دارد، کم خرد اطلاق می شود؛ به عبارت دیگر بی خردی یا کم خردی نسبت به خرد بالفعل است نه بالقوه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 74 - 2

2- قوم ابراهیم ، مردمی سطحی نگر و تنها مقلد پدران خویش

قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون

قوم ابراهیم، در برابر پرسش منطقی آن حضرت، تنها به تقلید کورکورانه خود از نیاکانشان اشاره کردند و این بیانگر شدت عقب ماندگی فکری و اوج سطحی نگری آنان است.

13- سطحی نگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 81 - 3

3- سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 7 - 3

3- سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كذبوا .. أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها

استفهام در «أولم يروا ..» برای توییح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 8

8- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

وقال الذين كفروا .. لو كان خيرا ما سبقونا إليه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند؛ بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

ص: 121

سطحی نگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 15

15 - متخلفان از سفر حدیبیه ، مردمی سطحی نگر و ظاهرین بودند .

بل كانوا لا يفقهون إلا قليلاً

14- سطحی نگری مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 7

7 - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سيغلبون .. يعلمون ظهراً من الحيوة الدنيا

نکته یاد شده بر این اساس است که «ال» در «الناس» عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

15- سطحی نگری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 81 - 3

3 - سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون

16- سطحی نگری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 30 - 1

1 - افق دید و نگرش مشرکان خداگریز ، محصور در محدوده دنیا و مظاهر آن

ولم يرد إلا الحيوة الدنيا . ذلك مبلغهم من العلم

«ذلک» اشاره به دنیاگرایی مشرکان دارد؛ یعنی، دنیاگرایی منتهای دانش آنان است.

ص: 122

17- سطحی نگری مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 44 - 3

3 - داوری مشرکان صدر اسلام، سطحی و براساس ملاک های مادی و غفلت آنان از معادلات فرا مادی بود.

أم یقولون نحن جمیع منتصر

اتکای مشرکان بر جمعیت خویش، نشانه سطحی نگری آنان در محاسبات است.

18- سطحی نگری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 7 - 16

16 - نگرش ظاهری و مادی منافقان در تحلیل مسائل

هم الذین یقولون... و لكنّ المنافقین لایفقهون

19- نشانه های سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 7 - 8

8 - ارزیابی حوادث، صرفاً براساس معادلات مادی، نمودی از سطحی نگری و ظاهربینی است.

سیغلبون... وعد الله... و لكنّ اکثر الناس لایعلمون. یعلمون ظهراً من الحیوه

از آیه قبل، چنین برمی آید که اکثر مردم زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیروزی رومیان را از نظر معادلات مادی، ممکن نمی دانستند و حتی در وعده الهی تردید داشتند. در این آیه، خاستگاه این پندار، تبیین شده و گفته شده که سطحی نگری آنان درباره دنیا باعث چنین ارزیابی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 9 - 1

1 - موضع گیری ناباورانه در برابر مسأله معاد و روز جزا، نشان کم عقلی و سطحی نگری است.

إنّما توعدون لصادق . . . يؤفك عنه من أفك

«أفك» (مصدر مجهول «يؤفك») به معنای برگردانده شدن است. ضمیر در «عنه» به «ما توعدون» یا به «الدین» باز می‌گردد. «من أفك» معادل «مأفوك» است و آن بر انسان کم‌خرد و ضعیف‌الرأی اطلاق می‌شود؛ یعنی، کسی که از نعمت عقل و خرد بهره‌چندانی ندارد، از وعده‌های قرآن یا روز جزا روی‌گردان می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 4 - 5

5 - نسبت دادن بی‌نظمی و ناهماهنگی به آفرینش جهان، نشانه غفلت و سطحی‌نگری است.

هل تری من فطور . ثم ارجع البصر كرتين ينقلب إليك البصر خاسئاً وهو حسير

ص: 123

از این که خداوند انسان ها را به تفکر و نگاه مکرر به جهان آفرینش فرا خوانده و بر نظم و اتقان آن تأکید فرموده است، می توان استفاده کرد که عقیده به وجود بی نظمی و نابسامانی در جهان، پنداری نابجا و نشانه غفلت بشر و سطحی نگری او است.

20- نهی از سطحی نگری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 11 - 10

10 - خداوند ، برحذر دارنده مسلمانان از تحلیل و برخورد سطحی با رخداد های سیاسی و توطئه های دشمنان

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ.. عصبه منكم لاتحسبوه شرًّا لكم

سطحی نگرانی

21- آثار سطحی نگرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 54 - 3

3 - سرسپردگی و اطاعت کورکورانه ، دارای ریشه در کوتاه فکری و سطحی نگری انسان ها

و نادى فرعون . . . فاستخفّ قومه فأطاعوه

ص: 124

9- سعادت

1- سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 6،9،13

6 - شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

9 - لزوم توجه و علاقه‌مندی به سعادت مؤمنان

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم

خداوند در مقام ستایش از شهیدان، حالت سرور و شادمانی آنان را نسبت به سعادت دیگر مؤمنان و هم‌زمانشان یاد کرده است؛ بنابراین چنین صفت و حالتی، پسندیده و مورد ترغیب خداوند است.

13 - سعادت و امنیت کامل شهدا و کشته شدگان در راه خدا

الا خوف علیهم و لا هم یحزنون

کلمه «خوف» نکره است و پس از حرف نفی (لا)، دلالت بر نبودن هیچ گونه ترس و دلهره ای دارد؛ یعنی امنیت کامل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 200 - 19

19 - پیروزی و سعادت جامعه ایمانی، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا .. لعلکم تفلحون

2- آثار اطمینان به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 9

9 - آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند.

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

ص: 125

3- آثار سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 12

12 - سعادت‌مندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النار و ادخل الجنة فقد فاز

«زحزح»، از مصدر «زحزحه»، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

4- آثار سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 5

5 - خوش بختی های دنیایی و دل خوشی به پیوند های خانوادگی ، در قیامت کارساز نبوده و انسان را از آتش دوزخ رهایی نمی بخشد .

و یصلی سعیرًا . إنّه کان فی أهله مسرورًا

5- آرزوی سعادت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 84 - 4

4 - مردان الهی ، آرزومند هدایت و سعادت برای تمامی نسل های بشر

و اجعل لی لسان صدق فی الآخرين

6- اجتناب از موانع سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 2

2 - ضرورت پرهیز از آلوده سازی دین خدا به امور باطل ، خرافی و بازدارنده از سعادت واقعی انسان

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

7- ادعای سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 10

10 - ادعای بهشتی بودن، علی رغم ارتکاب گناه، ادعایی ظالمانه است.

ص: 126

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. و الله عليم بالظلمين

علت ستمگر خواندن یهود، علاوه بر گنهکار بودنشان، می تواند به خاطر ادعای ناروای آنان نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 99 - 10

10 - هواپرستی، حسد، نژادپرستی، خود بزرگ بینی و خویشتن را بدون هیچ دلیل اهل بهشت پنداشتن، از مصادیق فسق است.

و ما یکفر بها إلا الفسقون

8- ارزش سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 7

7 - برگزیدن زندگی دنیوی به بهای از دست دادن سعادت اخروی، عملی نابخردانه است.

و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا. .. أفلاتعقلون

9- ارزش سعادت خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 7

7 - هم دردی با انسان ها و اشتیاق به سعادت مند شدن آنان و داشتن رأفت و محبت، از خصلت های والا و ارزشمند

عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

10- امیدواری به سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 16

16- ابراهیم (ع)، در آستانه هجرت خود از دیار بت پرستان، به رفع سختی ها و کسب سعادت خود امیدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن می دانست.

عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيّاً

11- انتخاب سعادت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 127

11 - آزادی انسان در انتخاب راه سعادت و شقاوت

فامنوا خيراً لكم وإن تكفروا فإن لله ما فى السموت و الارض

12- اهمیت درخواست سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 4

4- درخواست سعادت و نیکی و نه بدی و عذاب توصیه خداوند به بندگان

يستعجلونك بالسئئه قبل الحسنه

13- اهمیت سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 98 - 6

6- برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. يقدم قومه يوم القيمه فأوردهم النار

14- اهمیت سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 4

4 - اهتمام تقواییشان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قالوا إنا كنا قبل فى أهلنا مشفقين

15- اهمیت سعادت خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 5

5- لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است؛ اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

ص: 128

16- اهمیت سعادت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 1

1 - هدف و آرمان انسان ، باید دستیابی به سعادت و نیکبختی اخروی باشد ؛ نه مظاهر فریبنده دنیا .

و ما الحیوه الدنیا إلاّ متع الغرور . سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنة

17- بشارت سعادت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 7 - 5

5 - بشارت خداوند به پیروزی و سعادت‌مندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إنّ ربک هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله و هو أعلم بالمهتدین

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعد و وعید است.

18- تبیین سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 19 - 6

6 - تبیین و تشریح راه های سعادت و شقاوت ، از اهداف رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قد جاءکم رسولنا یبیین لکم

مفعول «یبیین» می تواند مفهومی باشد که از «بشیر» و «نذیر» به دست می آید، یعنی سعادت و شقاوت.

19- تذکر سعادت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 20

20- ذکر فرجام شقاوت بار کافران و عاقبت سعادت آمیز تقواییشان در کنار یکدیگر ، از روش های تبلیغی قرآن

الكفرين . الذين تتوفّهم المملئكه ظالمى أنفسهم ... فادخلوا أبوب جهنّم ... فلبئس

20- تلاش برای سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 129

4- دنیا، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است؛ نه میدان بازی، آرایش، فخرفروشی و فزون خواهی

سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنّه

21- توفیق سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 3

3- نیل به سعادت و خوشبختی در قیامت، به توفیق الهی است.

و أما الذین سعدوا ففی الجنه

مجهول آوردن فعل «سعدوا» و آمدن فعل «شقوا» به صورت معلوم، بیانگر این نکته است که: تیره بختان به اختیار خویش اسباب شقاوت را بر خود فراهم می آورند و سعادت‌مندان در اختیار اسباب سعادت، توفیق الهی را به همراه دارند.

22- حتمیت سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 4

4- دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعداً حسناً فهو لقیه

قید «هو لاقیه» بیانگر آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

23- حقیقت سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 105 - 8

8- «عن علی (ع) انه قال: حقیقه السعاده أن یختم الرجل عمله بالسعاده و حقیقه الشقاء أن یختم المرء عمله بالشقاء»؛

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است: حقیقت سعادت این است که انسان عمل خود را به سعادت ختم کند (عاقبت به خیر شود) و

حقیقت شقاوت این است که انسان عملش را به بدبختی ختم کند».

24- درخواست سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 35 - 12

ص: 130

12- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان ، امری مهم و ارزشمند است .

و إذ قال إبراهيم ربّ .. اجنّبي و بنىّ أن نعبد الأصنام

25- دشمنان سعادت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 4

4- مستکبران ، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجدل .. لیضلّ عن سبیل اللّٰه

جمله «لیضلّ عن سبیل اللّٰه» به تقدیر «لیضلّ الناس عن سبیل اللّٰه» است؛ یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند؛ بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

26- دعوت به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 3

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

«ال» در «الحسنه» عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با «السیئه» دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 11

11 - تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

27- دعوت به سعادت دنیوی

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

«ال» در «الحسنه» عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با «السیئه» دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

28- راههای سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 16

16- قانونمندی و یکسانی راه های کمال و سعادت آدمیان و نیز انحطاط آنها، در طول تاریخ

فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه المکذبین

از اینکه با فعلهای امر «سیروا» و «انظروا» مردم دعوت به سیر و مطالعه شده اند تا آنان به این وسیله عبرت بگیرند، حکایت از این دارد که قوانین یکسانی بر روند امور جاری است.

29- رهبری و سعادت مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 8

8 - لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر(صلی الله علیه و آله) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

30- زمینه سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 200 - 18

18 - صبر در برابر مشکلات، مقاومت در برابر دشمن، حفاظت از مرز های جامعه اسلامی و تقوای پیشگی، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلکم تفلحون

«فلاح»، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 32

32 - قوانین ازدواج در جهت خیر و سعادت انسانها

وان تصبروا خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 4

ص: 132

4 - استفاده از گزینه سودخواهی و پاداش طلبی انسان ها برای نیل آنان به سعادت ، از روش های تربیتی قرآن

من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا والآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 27

27 - پرهیز از شرک ، زمینه خیر و سعادت انسان

و لا تقولوا ثلثه انتهوا خيراً لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 37 - 5

5 - سعادت و نیک بختی ، تنها از آن پذیرندگان هدایت پیامبران است .

ربّي أعلم بمن جاء بالهدى من عنده و من تكون له عقبه الدار

تعبیر «عاقبه الدار» کنایه از سعادت و فرجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 7 - 4

4 - سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ایمان و عمل صالح است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفرة و أجر كبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 61 - 3

3 - سعادت و رستگاری بزرگ (بهشت جاودانه) ، در سایه عمل و کوشش میسر است .

إنّ هذا لهو الفوز العظيم . لمثل هذا فليعمل العملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای نیل به فوز عظیم، تنها بر عمل انسان تکیه کرده و به آن توصیه فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - سعادت‌مندی و کمال انسان، در گرو جدیت، تلاش و پیگیری

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 21 - 11

11 - ثروت و قدرت، خود به خود، ناپسند نیست؛ بلکه می‌توان آن را در جهت سعادت و بهروزی انسان به کار برد.

وَاتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

برداشت یاد شده با توجه به آمدن تعبیر «خسارت» درباره مال و فرزندان بسیار است؛ زیرا خسارت در جایی به کار می‌رود که توقع سودهی از آنجا می‌رود (مانند خسارت تاجر و کاسب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 12 - 4

4 - دین داری و نیل به کمالات معنوی و سعادت ابدی ، نیازمند به صبر و شکیبایی است .

جزیهم بما صبروا جتّه و حریراً

31- زمینه سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 3

3 - سعادت دنیا و آخرت ، در گرو ایمان و تقواست .

وصینا . . من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 135 - 5

5 - سعادت‌مندی و یا تیره بختی اخروی انسان در گرو کردار دنیوی اوست.

اعملوا علی مکانتکم اینی عامل فسوف تعلمون من تکنون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 4,6

4 - موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا ، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست .

و اکتب لنا فی هذه الدنیا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جمله «اِنا هدنا إلیک» تعلیل برای «و اکتب لنا . . .» است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار - که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم - گزاف نیست.

6 - آمرزش گناهان ، زمینه ساز نیل به سعادت دنیا و آخرت است .

و أنت خير الغفرين. و اكتب لنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 16 - 2

2- سعادت اخروی ، در گرو دل نبستن به دنیا و جاذبه های آن است .

من كان يريد الحيوة الدنيا .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 109 - 14

14- رعایت تقوا و پرهیز از شرک و مخالفت با انبیا ، وسیله نیل به سعادت اخروی است .

ص: 134

و لدار الأخره خير للذين اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 60 - 5

5- سعادت اخروی، در گرو پذیرش ایمان و پیروی از هدایت الهی

و قالوا إن نتبع الهدى... و ما أوتيتم... و ما عند الله خير و أبقى

آیه بالا در بردارنده هشدار الهی به مشرکان است که از پیروی هدایت الهی سرباززده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 67 - 2

2- رستگاری و سعادت اخروی، در گرو توبه، ایمان و عمل صالح

فأما من تاب و ءامن و عمل صلحاً فعسى أن يكون من المفلحين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 77 - 16، 3

3- مال و ثروت، وسیله دستیابی به سعادت اخروی است.

و ابتغ فيما آتیک الله الدار الأخره

16- احسان و بخشش، مظهر آخرت خواهی و بهترین وسیله برای دستیابی به سعادت اخروی است.

و ابتغ فيما آتیک الله الدار الأخره... و أحسن

توصیه شدن قارون به احسان - پس از سفارش شدنش به آخرت خواهی - گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - قصص - 28 - 80 - 14

14- دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی، در گرو صبر و شکیبایی است.

و یلکم ثواب الله خير... و لا یلقیها إلا الصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 83 - 4

4 - لزوم پرهیز از هر نوع برتری جویی و فسادگری برای نیل به سعادت اخروی

تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأرض ولا فسادًا

واژه «علوًا» و نیز «فسادًا» در اصطلاح نکره در سیاق نفی و مفید عموم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 15 - 9

9 - تشویق و ترغیب خداوند به بهره گرفتن درست تر و هر چه بیشتر از سرمایه عمر خود و خانواده ، در جهت کمالات معنوی و سعادت

اخروی

الذين خسروا أنفسهم وأهليهم يوم القيمة ألا ذلك هو الخسران المبين

ص: 135

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 6

6 - سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . . . لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 4

4 - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ؛ نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی .

سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 17

17 - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن سعادت اخروی و بهشت جاودانه

و من يؤمن بالله و يعمل صلحًا یدخله جنّ-ت . . . خلدین فیها أبدًا

32- زمینه سعادت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 89 - 12

12- نزول قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در جهت تبیین همه حقایق مربوط به رشد و سعادت آدمی و نیاز های هدایتی او

و نزلنا علیک الکتب تبینًا لكلّ شیء

هر چند «کلّ شیء» افاده عموم می کند و به ظاهر همه حقایق عالم هستی را می تواند شامل شود، ولی در این جا قرینه های عرفی وجود دارد که دایره آن را محدود می سازد؛ از جمله اینکه چون قرآن کتاب هدایت، سعادت و رشد است، حقایقی که بیان می کند در قلمرو

همین سه موضوع خواهد بود.

33- زمینه سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 3

3 - سعادت دنیا و آخرت ، در گرو ایمان و تقواست .

وصینا . . من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخره

ص: 136

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 5,6

5 - بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

6 - آمرزش گناهان ، زمینه ساز نایل به سعادت دنیا و آخرت است .

و أنت خیر الغفرین . و اکتب لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 15

15 - تنها زندگی دنیا ، ظرف عمل و بستر تأمین سعادت اخروی است .

یقیموا الصلوه و ینفقوا . . . من قبل أن یأتی یوم لابیع فیہ و لا خلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 17 - 6

6 - سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . . . لهم البشری

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

34- سرزنش اطمینان به سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 54 - 8

8 - مؤمنان ، نباید به ایمان خویش مغرور بوده و به سعادت ابدی خود مطمئن باشند .

ربکم أعلم بکم إن یشأ یرحمکم أو إن یشأ یعذبکم

بنابراینکه خطاب «ربکم» مؤمنان باشند ممکن است تعریضی باشد به مؤمنان که مبدا تصور کنند با داشتن ایمان، سعادتشان قطعی است و بر این اساس با سایر بندگان خدا تندی کنند. صدر آیه «ربکم أعلم بکم» (خداوند آگاهترین به وضعیت شماست) می تواند به این معنای از آیه کمک نماید.

35- سعادت ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 16

16- ابراهیم (ع)، در آستانه هجرت خود از دیار بت پرستان، به رفع سختی ها و کسب سعادت خود امیدوار بود و دعا به درگاه خداوند را عامل آن می دانست.

ص: 137

عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيّاً

36- سعادت اجابت کنندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 18 - 1

1- نیک بختی و سعادت تنها از آن اجابت کنندگان دعوت خداوند است .

للذين استجابوا لربهم الحسنى

37- سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 142 - 1

1 - گمان دستیابی به سعادت اخروی و بهشت ، به صرف داشتن ایمان ، پنداری باطل است .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم ويعلم الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 3

3 - تلاش برای دستیابی به ثروت و امکانات مادی با حفظ تقوا ، آسیمی به سعادت اخروی نمی رساند .

لا يغرنك تقلّب الذين كفروا في البلاد .. لكن الذين اتقوا

«لكن»، برای استدراک توهمی است که از آیات قبل به ذهن می رسد، و آن اینکه تلاش کافران برای به دست آوردن امکانات مادی، موجب جهنمی شدن آنهاست؛ کلمه «لکن»، این توهم را از بین برده و بیان می دارد که در صورت تقوا، کسب و ثروت ضرری به سعادت انسان وارد نمی سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 29

29 - سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطيعوا الله ... ذلك خير و احسن تاويلا

بدان احتمال که جمله «ذلک خیر» مربوط به دنیا و جمله «احسن تاویلا» مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 2،7

2 - سعادت دنیا و آخرت ، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخره

7 - جمع بین دنیا و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند الله ثواب الدنیا و الآخره

ص: 138

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 2

2 - پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زینده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 15 - 10

10 - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 5

5 - لذت های جنسی تقواییان در بهشت ، گوشه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازاً .. و کواعب أتراباً

38- سعادت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 5

5 - اسلام دینی جامع و خواهان سعادت آدمیان در دنیا و آخرت

من کان یرید ثواب الدنیا فعند الله ثواب الدنیا و الآخره

39- سعادت اخروی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 1

1 - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک

بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أولئك أصحاب الميمنه

«يُمن» و «ميمنه» به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

40- سعادت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 139

2- فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنان دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

«مئاب» مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که «طوبی» مبتدا و «حسن مئاب» عطف بر آن و «لهم» خیر برای آن دو می باشد.

41- سعادت اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 9

9- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقوایندگان

و لنعم دار المتقین . جنّـت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 31 - 1

1 - تقوایندگان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادت مند و رهیده از عذاب اند .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

«مفاز» (مانند «فوز» و «مفازه») مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد - که بیان «مفازاً» است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 3

3 - برخورداری تقوایندگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادت مندی آنها است .

مَفَازًا . حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- لذت های جنسی تقوایندگان در بهشت ، گوشه ای از سعادت‌مندی آنها است .

مغزاً... و کواعب اتراباً

42- سعادت اخروی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 105 - 6

ص: 140

6- موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادت‌مندان قیامتند .

فمنهم شقى و سعيد

43- سعادت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 97 - 10

10 - قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادت‌مندی آنان در دنیا و آخرت

و بشرى للمؤمنين

«بشرى» به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 5

5 - تنها مؤمنان صابر ، به موفقیت دست یافته و به هدف های خویش (سعادت دنیا و آخرت) خواهند رسید . *

و أولئك هم المهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 7

7 - جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

يأياها الذين ءامنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا فى سبيل الله .. أرضيتم بالحياه ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 12

12 - مؤمنان ، دارای حیات جاودان و آکنده از سعادت و رستگاری در آخرت

خلدين فيها أبداً ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادت‌مندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 2

2- فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنان دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

«مئاب» مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که «طوبی» مبتدا و

ص: 141

«حسن مثاب» عطف بر آن و «لهم» خبر برای آن دو می باشد.

44- سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 2

2- هدایت یافتگان ، برخوردار از سعادت اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقيه

مقصود از وعده نیکو، پاداش های الهی در سرای آخرت است.

45- سعادت اخروی ولای عتق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 1

1 - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أولئك أصحاب الميمنه

«يُمن» و «ميمنه» به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

46- سعادت اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتي كتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم ولا يظلمون فتيلًا

47- سعادت پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزكى

«فلاح»؛ یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای «فوز»، «نجات» و «باقی ماندن در

ص: 142

خیرات» است (قاموس). فعل «تزکی» از باب تفعل است و بر تکلف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات «زکاء» یا «زکاه» است. «زکاه»؛ یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و «زکاه»؛ یعنی، پاکی، رشد و نمو، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

48- سعادت جامعه دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 200 - 19

19 - پیروزی و سعادت جامعه ایمانی، در گرو ایجاد پیوند و ارتباط با یکدیگر

و رابطوا... لعلکم تفلحون

49- سعادت خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 11 - 5

5 - خداترسان و پندپذیران، سعادت‌منداند.

سیدّکر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای «احتباك» (از وجوه بلاغت) است؛ یکی از «خشیت» سخن گفته و دیگری از «شقاوت» و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موكول کرده است؛ بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل «شقاوت»؛ یعنی، سعادت را دارند و اهل «شقاوت» گرفتار نقطه مقابل «خشیت»؛ یعنی، گستاخی هستند.

50- سعادت خواهی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 128 - 8

8 - لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسمکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

51- سعادت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 31 - 3

ص: 143

3 - بهشت ، جایگاه خوشبختی و به دور از آزار و نوشیدنی های ناگوار و رنج گرما و تشنگی است .

لا يذوقون فيها بردًا ولا شرابًا . إلا حميمًا و غساقًا ... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

رهایی از شرّ - که جزئی از معنای «مفاز» است - ناظر به شروری است که دامنگیر دوزخیان است و آیات پیشین، گوشه هایی از آن را بیان کرده است.

52- سعادت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 55 - 5

5- قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابٍ .. هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرٍّ مَثَابٍ

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

53- سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 20

20 - نیل به سعادت واقعی در دنیا میسر نیست .

فمن زحزح .. و ادخل الجنة فقد فاز و ما الحيوه الدنيا الا متاع الغرور

از جمله «فمن .. و ادخل الجنة فقد فاز» (کسی که به بهشت درآید، به رستگاری رسیده است)، و توصیف حیات دنیا به بهره ای سراسر فریبا و فریبنده، معلوم می شود که سعادت واقعی انسان در دنیا تأمین نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 29

29 - سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطيعوا الله .. ذلك خير و احسن تاويلًا

بدان احتمال که جمله «ذلک خیر» مربوط به دنیا و جمله «احسن تاویلا» مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 7، 2، 1

1 - نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا، پندار باطل کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید . . . فعند الله ثواب الدنيا والأخرة

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا . . ان اتقوا الله)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

2 - سعادت دنیا و آخرت، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

ص: 144

من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

7- جمع بین دنیا و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

54- سعادت دنیوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 5

5- اسلام دینی جامع و خواهان سعادت آدمیان در دنیا و آخرت

من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

55- سعادت دنیوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 97 - 10

10- قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادت‌مندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنين

«بشری» به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 5

5- تنها مؤمنان صابر ، به موفقیت دست یافته و به هدف های خویش (سعادت دنیا و آخرت) خواهند رسید . *

و أولئك هم المهندون

56- سعادت روز ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 16 - 9

فی ایام نحسات

با توجه به این که در آیه شریفه قید «نحسات» قید احترازی است، استفاده می شود که ایام سال به دو قسم نحس و غیر نحس تقسیم می شود و این مطلب اعم از این است که نحوست در ذات ایام باشد یا در اثر حوادث. گفتنی است که مطلب بالا- بنابر احتمال اول قابل برداشت است.

ص: 145

57- سعادت شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 13

13 - سعادت و امنیت کامل شهدا و کشته شدگان در راه خدا

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

کلمه «خوف» نکره است و پس از حرف نفی (لا)، دلالت بر نبودن هیچ گونه ترس و دلهره ای دارد؛ یعنی امنیت کامل.

58- سعادت طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 135 - 6،7

6 - انسان، جوینده فرجام نیک و پوینده مسیری است که آن را سعادت می پندارد.

اعملوا... فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

7 - بهره برداری از تمایل انسان به فرجام نیک و حسن عاقبت، روشی در تبلیغ و دعوت مردم به دین است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 42 - 7

7 - انسان ها خواهان سعادت همیشگی و عمری جاودانه اند.

هم فیها خلدون

وعده به پاداش در صورتی مؤثر و ترغیب کننده آدمی است که وی خواهان آن باشد.

59- سعادت طلبی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 37 - 11

11 - تلاش برای تأمین توشه و سعادت اخروی ، همراه با تأمین زندگی دنیایی ، از ویژگی مردان الهی است .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله . . . يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و ا

60- سعادت طلبی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 1

1 - بندگان خالص خدا ، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان ، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد .

ص: 146

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا وذریّتنا قرّه أعین

درباره «من» در «من أزواجنا..» دو احتمال وجود دارد: 1- «من» ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد». 2- «من» بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: «به ما روشنی چشمان - که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

61- سعادت طلبی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 24 - 10

10 - قوم ثمود، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إِنَّا إِذَا لَفِی ضَلَلٍ وَسَعَرٍ

قوم ثمود با گفتن «إِنَّا إِذَا..»، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح (ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

62- سعادت طلبی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 4

4 - اهتمام تقوای پیشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِی أَهْلِنَا مُشْفِقِینَ

63- سعادت طلبی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 3

3 - انسان مؤمن، در اندیشه سعادت نسل خویش در پرتو ایمان*

أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ

نوید در جایی صورت می گیرد که آدمی در انتظار و اشتیاق امر مورد نوید باشد. این که خداوند ملحق شدن نسل مؤمنان را به آنان نوید

داده، نشانگر آن است که اشخاص مؤمن در آرزوی سعادت نسل خویش اند و این آرزویی به جا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 5

5- لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

ص: 147

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است؛ اهمیت و ضرورت آن استفاده می شود.

64- سعادت عبرت پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 11 - 5

5 - خدا ترسان و پندپذیران ، سعادت منداند .

سیدّگر من یخشی . و یتجنّبها الأشقی

این آیه با آیه قبل، دارای «احتباك» (از وجوه بلاغت) است؛ یکی از «خشیت» سخن گفته و دیگری از «شقاوت» و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موكول کرده است؛ بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل «شقاوت»؛ یعنی، سعادت را دارند و اهل «شقاوت» گرفتار نقطه مقابل «خشیت»؛ یعنی، گستاخی هستند.

65- سعادت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 3

3 - انسان مؤمن ، در اندیشه سعادت نسل خویش در پرتو ایمان *

أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

نوید در جایی صورت می گیرد که آدمی در انتظار و اشتیاق امر مورد نوید باشد. این که خداوند ملحق شدن نسل مؤمنان را به آنان نوید داده، نشانگر آن است که اشخاص مؤمن در آرزوی سعادت نسل خویش اند و این آرزویی به جا است.

66- سعادت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 22، 27

22 - جهان آخرت ، جهانی سراسر خیر و سعادت برای تقوای پیشگان است .

و الدار الآخرة خیر للذین یتقون

27 - باور به پایداری نعمت های آخرت و سعادت آفرینی آن برای اهل تقوا ، باوری خردمندانه و اندیشه ای صحیح است .

و الدار الأخره خير للذين يتقون أفلا تعقلون

67- سعاد مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 148

6 - شادمانی و علاقه شهیدان نسبت به سعادت‌مندی دیگر مجاهدان و رسیدنشان به مقام کشته شدگان راه خدا

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 7

7 - سعادت و رستگاری حقیقی ، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. أولئک هم الفائزون

68- سعادت محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 37 - 12

12 - محسنان (نیکوکاران) ، دارای آینده ای درخشان و سرشار از شادی و شادکامی

کذلک سنخر لکم .. و بشر المحسنین

69- سعادت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 85 - 7

7 - توجه به بهره مندی مسلمانان در آخرت و زیان دیگران ، انگیزه ای برای پذیرش اسلام

و من یتبع .. و هو فی الآخره من الخاسرین

70- سعادت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 26

26 - خیر و سعادت مسیحیان در گروه پرهیز از تثلیث و سه گانه پرستی

ياهل الكتب . . . و لا تقولوا ثلثه انتهوا خيراً لكم

در برداشت فوق کلمه «خيراً» خبر برای فعل محذوف (یکن) گرفته شده است و جمله با تقدیر آن چنین است: «انتهوا ان تنتهوا یکن خيراً لكم».

ص: 149

71- سعادت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 9

9 - لزوم توجه و علاقمندی به سعادت مؤمنان

و يستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم

خداوند در مقام ستایش از شهیدان، حالت سرور و شادمانی آنان را نسبت به سعادت دیگر مؤمنان و همزمانشان یاد کرده است؛ بنابراین چنین صفت و حالتی، پسندیده و مورد ترغیب خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 45 - 4

4 - سعادت و رستگاری مؤمنان در گرو جهاد و کثرت یاد خداست .

إذا لقیتم فئه فائبتوا و اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون

در برداشت فوق «فلاح» به معنای سعادت و رستگاری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 7

7 - سعادت و رستگاری حقیقی، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. أولئک هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 34 - 14

14 - مؤمنان راستین و مبرا از پندار های شرک آمیز، دارای آینده ای سعادت مند و سرشار از خوشبختی و شادکامی

و بشرّ المحبّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مؤمنان ، گروه رستگار و سعادت مندند .

قد أفلح المؤمنون

رسیدن به مراد و رستگار شدن را «فلاح» گویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 37 - 5

5 - سعادت و نیک بختی ، تنها از آن پذیرندگان هدایت پیامبران است .

رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَ مِنْ تَكُونِ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ

تعبیر «عاقبه الدار» کنایه از سعادت و فرجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 150

1- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یتبیت أقدامکم .. ذلک بأنّ الله مولی الذین ءامنوا

72- سعادت مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 7

7 - سعادت و رستگاری حقیقی ، از آن مؤمنان مهاجر و مجاهد در راه خداست .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. أولئک هم الفائزون

73- شرایط سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 20 - 14

14 - عمل به مقتضای دین و اقتدا به پیامبران ، شرط دین داری و سعادت‌مندی است .

قال یقوم اتّبعوا المرسلین

تصریح به اقتدا و پیروی از پیامبران - به جای ایمان آوردن به آنان و .. - می تواند حاکی از برداشت یاد شده باشد.

74- شرایط سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 15

15 - خداوند نوبدبخش موسی (ع) به استجاب دعایش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ، به شرط رعایت تقوا ، پرداخت

زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوة و الذین هم بایتنا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أولئك أصحاب الميمنه

«يُؤْمِنُ» و «مِيمَنَه» به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

ص: 151

75- شرایط سعادت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 14

14 - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 15

15 - خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجاب دعايش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ، به شرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوه و الذین هم بایتنا یؤمنون

76- شرایط سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 15

15 - خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجاب دعايش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت ، به شرط رعایت تقوا ، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوه و الذین هم بایتنا یؤمنون

77- شرایط سعادت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 17

17 - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

78- عوامل سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 5

5 - انسان برای نیل به سعادت ، نیازمند هدایت ها و رهنمود های الهی است .

فإِذَا يَأْتِيَنكُمْ مِّنِي هُدًى

ص: 152

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 17، 14

14 - موسی (ع) خیر و سعادت مرتدان قومش را در توبه و کشتن یکدیگر دانست .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

17 - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 62 - 10، 3

3 - انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی و انجام اعمال نیک ، سعادت آفرین نیست .

إن الذین ءامنوا .. من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم

با توجه به اینکه در جمله «من آمن ..» ضمیری نیست تا به «الذین ...» ارجاع شود و جمله «من آمن ...» را مخصوص مسلمانان، یهودیان و ... کند؛ معلوم می شود: هر کس از هر ملتی به خدا و قیامت ایمان راستین داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، سعادتمند خواهد شد. بنابراین آوردن عنوانهای مذکور اشاره به نکاتی دارد، از جمله آنها اینکه: عنوان مسلمانی یا یهودی و یا ... داشتن کافی نیست؛ آنچه کارساز است ایمان واقعی و عمل صالح می باشد.

10 - ایمان بدون عمل صالح و عمل صالح بدون ایمان ، کارساز نبوده و مایه سعادت آدمی نخواهد شد .

من ءامن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 106 - 8

8 - احکام الهی ، دارای مصلحت برای انسان و تضمین کننده خیر و سعادت او

نأت بخیر منها أو مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - خداوند ، خواهان خیر و سعادت انسان است .

کتب علیکم . . . و الله يعلم . . . عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 21 - 19

19 - تأمین سعادت جامعه در پرتو ایمان ، خدمات انبیا و تلاش عدالتخواهان است .

انّ الذّین یکفرون . . . فبشرهم بعذاب الیم

نبود ایمان، انبیا و مصلحان در جوامع موجب رنج و بدبختی است، معلوم می شود وجود آنها زمینه ساز سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 15

ص: 153

15 - نقش دعای مادر و کمالات معنوی او، در سعادت فرزند

ربّ ائی نذرت . . . و ائی اعیذها بک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 85 - 6,7

6 - مسلمانان (کسانی که در برابر خدا تسلیم هستند) ، بهره مند از سعادت و مصون از زیان در آخرت

و من یتغ . . . و هو فی الاخره من الخاسرین

7 - توجه به بهره مندی مسلمانان در آخرت و زیان دیگران ، انگیزه ای برای پذیرش اسلام

و من یتغ . . . و هو فی الاخره من الخاسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 110 - 19

19 - اسلام ، برترین آیین در میان سایر ادیان (دین یهود و نصارا) برای سعادت بشر

و لو آمن من اهل الکتب لکان خیراً لهم

بنابر اینکه «خیر» برای تفضیل باشد و مُفضّل علیه، آیین خود اهل کتاب و مفضّل، اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 150 - 9

9 - پذیرش ولایت خداوند و اعتقاد به یاری حتمی او ، مانع واپسگرایی و زیانکاری جامعه ایمانی و باعث رشد و سعادت

یردوکم علی اعقابکم فتتقلبوا خاسرین. بل اللّهُ مولیکم و هو خیر النّاصرین

پیامد پذیرش ولایت کافران، واپسگرایی و خسارت است. بنابراین پذیرش ولایت خداوند - به قرینه مقابله آن با پذیرش ولایت کافران -

باعث رشد و سعادت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 177 - 3

3 - ایمان به خداوند ، سرمایه سعادت بخشِ انسان

انّ الذّین اشتروا الکفر بالایمان .. لهم عذاب الیم

زیرا می فرماید برخی کفر را به بهای ایمان خریدند و از دست دادن این بها، موجب گرفتاری به عذاب است. لذا ایمان، سرمایه ای فرض شده که از دست دادن آن موجب عذاب دردناکی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 25 - 33

33 - خویشتن داری در برابر گناه ، موجب خیر و سعادت

وان تصبروا خیرٌ لکم

بنابر اینکه متعلق «ان تصبروا»، ارتکاب زنا باشد که از کلمه «عنت» به دست می آید. گفتنی است که در این صورت کلمه «خیر»، افعال تفضیل نخواهد بود.

ص: 154

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 46 - 17

17 - گوش سپردن به سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اطاعت از او، مایه سعادت و قوام انسانها

و لو انهم قالوا سمعنا و اطعنا .. لكان خيراً لهم و اقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 66 - 9، 12، 13

9 - خیر و سعادت انسان در گرو عمل به احکام الهی

و لو انهم فعلوا ما یوعظون به لكان خيراً لهم

12 - ارجاع داوری به پیامبر، خشنودی از حکم وی و تسلیم کامل در برابر ایشان، سعادت و ثبات ایمان را در پی خواهد داشت.

فلا وربک .. و لو انهم فعلوا ما یوعظون به لكان خيراً لهم و اشدّ تثنیئاً

بنابر اینکه «ما یوعظون» مطالب بیان شده در آیه قبل باشد و نه قتل و هجرت.

13 - سعادت متخلفان از فرمان خدا و رسول و ثبات آنان در ایمان، در گرو حضورشان نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و درخواست

وساطت آن حضرت برای غفران الهی

و لو انهم اذ ظلموا انفسهم .. و لو انهم فعلوا ما یوعظون به لكان خيراً لهم و ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 170 - 7

7 - ایمان به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و قرآن موجب خیر و سعادت بشریت

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق .. فامنوا خيراً لکم

برداشت فوق بر این اساس است که «خیراً» خبر برای فعل محذوف «یکن» باشد و تقدیر کلام چنین است «فامنوا ان تؤمنوا یکن خیراً لکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

26 - خیر و سعادت مسیحیان در گرو پرهیز از تثلیث و سه گانه پرستی

ياهل الكتب . . . و لا تقولوا ثلثة انتهوا خيراً لكم

در برداشت فوق کلمه «خیراً» خبر برای فعل محذوف (یکن) گرفته شده است و جمله با تقدیر آن چنین است: «انتهوا ان تنتهوا یکن خیراً لكم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 35 - 15

15 - رشد، رستگاری و سعادت انسان، هدف برنامه ها و تکالیف الهی

اتقوا الله و ابتغوا إليه الوسيلة و جهدوا فی سبيله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 155

6 - لزوم همراهی ایمان با عمل صالح برای نیل به سعادت و آرامش

من ءامن . . . و عمل صلحاً فلاخوف عليهم و لا هم يحزنون

8 - تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح، سعادت آفرین نخواهد بود.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . مِنْ ءَامِنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَاخُوفَ

با توجه به اینکه جمله «من ءامن . . .» خبر برای «الذین ءامنوا» است، تکرار ایمان در این دو فراز و نبود ضمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

9 - ایمان به خدا و قیامت و پیشه نمودن عمل صالح، پایه های سعادت و رستگاری امتهای

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَاخُوفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - کردار ناروای بنی اسرائیل علی رغم انتساب آنان به دین یهود، دلیل کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی در سعادت انسان

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا . . . فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ

در آیه قبل بیان شد که «ان الذین . . .» اشاره دارد به این که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نمی باشد و این آیه به منزله برهانی بر آن حقیقت است، یعنی انتساب یهود و نصارا به یهودیت و نصرانیت چگونه می تواند مایه سعادت آنان باشد با اینکه پیامبران را تکذیب کردند و گروهی از آنان را کشتند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - سلامت و سعادت جوامع در گرو پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دین

و لو كانوا يؤمنون بالله و النبي و ما أنزل إليه ما اتخذوهم أولياء

با توجه به آیات گذشته که در آن جامعه ای منحط از بنی اسرائیل ترسیم گردیده بود، معلوم می شود آیه مورد بحث، رهنمودی است برای نجات جوامع از انحطاط، بنابراین «ما اتخذوهم أولياء» تنها، بیان یکی از نتایج ترک پیروی از رهبران الهی و عمل به قوانین دینی است و

نتایج دیگر که از آنها به سلامت و سعادت تعبیر شد با توجه به آیات گذشته به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 6 - 13

13 - اقتدار و تمکن مادی تأمین کننده سعادت نیست.

و مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید ما به آنها مکنت دادیم بیش از شما و هلاکشان کردیم، پس مکنت مادی دلیل قرب نزد خدا نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 16 - 6

ص: 156

6 - رهایی از عذاب قیامت و دریافت رحمت الهی، رستگاری و سعادت آشکار است.

من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه و ذلك الفوز المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 26 - 6

6 - تمسک به قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موجب سعادت انسان می شود.

و هم ینهون عنه و ینثون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

چون در آیه شریفه هلاکت آدمی را حاصل دوری از وحی و قرآن دانسته، در نتیجه سعادت آدمی در اتصال به وحی و قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 29, 30, 31

29 - پیام های انبیا سراسر خیر و موجب سعادت انسانهاست .

ذلکم خیر لکم

30 - تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه «ذلکم» تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در «ان کنتم مؤمنین» داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتا پرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط «ان کنتم ...» ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

31 - عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادگری، تنها در صورت پرستش خدا و ایمان به یگانگی او سعادت آفرین است .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه «ذلکم»، معنایی باشد که از «اوفوا الکیل . . . و لاتفسدوا ...» استفاده می شود. در این صورت می توان گفت مراد از ایمان در «ان کنتم مؤمنین» ایمان به خدای یگانه و لزوم پرستش اوست. یعنی اگر به خدای یگانه ایمان داشته باشید و تنها او را بپرستید، عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی متضمن خیر و صلاح شماست و اگر موحد نباشید

رعایت این مسائل سعادت آفرین نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 146 - 8

8 - دین و معارف الهی ارائه کننده راه رشد و هدایت و تأمین کننده سعادت انسانهاست .

سأصرف عن آیتی الذین . . . و إن یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلا

مراد از «سبیل الرشد» (راه هدایت) همان آیات خدا، یعنی دین و معارف الهی، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 7

7 - انسان ها و جنیان دارای نقشی مؤثر در تعیین فرجام و سرنوشت خویش (دوزخی شدن و یارهایی از آن)

ص: 157

لهم قلوب لا يفقهون بها .. و لهم اذان لا يسمعون بها

جمله «لا يفقهون بها» و نظایر آن می رساند که گمراهان به دلیل بهره نجستن از ابزار شناخت، به وادی گمراهی گرفتار شده اند و بنابراین خود مقصر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 45 - 4

4 - سعادت و رستگاری مؤمنان در گرو جهاد و کثرت یاد خداست .

إذا لقيتم فئة فاثبتوا و اذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون

در برداشت فوق «فلاح» به معنای سعادت و رستگاری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 3 - 9

9 - اسلام ، مایه خیر و سعادت انسانهاست .

فإن تبتم فهو خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 20 - 8

8 - ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا با مال و جان ، عوامل اصلی دستیابی انسان به سعادت و تضمین کننده آن

الذين آمنوا و هاجروا و جهدوا .. أولئك هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 1

1 - برخورداری انسان از مال و اولاد فراوان ، نشانه سعادت مندی و محبوبیت وی نزد خداوند نیست .

فلا تعجبك أموالهم و لا أولادهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - رستگاری و سعادت حقیقی انسان، تنها در پرتو دستیابی به رضا و خشنودی خداوند است.

ورضون من الله أكبر .. ذلك هو الفوز العظيم

بنابر اینکه «ذلک» صرفاً اشاره به «رضوان من الله» باشد، این برداشت استفاده می گردد.

13 - برخورداری انسان از نعمت های مادی و معنوی بهشت جاودان، همان رستگاری و سعادت عظیم و بی بدیل است.

جنت ... مسکن طیبه ... و رضون من الله ... ذلك هو الفوز العظيم

با توجه به اینکه «ذلک» می تواند اشاره به تمام فرازهای پیشین باشد (جنات تجری .. خالدین فیها .. مساکن طیبه ... جنات عدن و رضوان من الله)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 6

ص: 158

6- نقش اساسی و محوری ایمان، در مقایسه با عمل و رفتار آدمی، در هدایت و سعادت وی

یهدیهم ربهم یا منهم

خداوند فرمود: «کسانی را که دارای ایمان و عمل صالح هستند به سوی بهشت هدایت خواهد کرد.» آن گاه علت و سبب هدایت را ایمان آنان ذکر فرمود؛ با آنکه اینان دو ویژگی ایمان و عمل صالح را با هم دارا هستند. این، حکایت از آن دارد که ایمان اصل و محور بوده و عمل در مرتبه دوم قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 47 - 9

9- همگان، حتی پیامبران الهی برای نیل به سعادت، نیازمند مغفرت و رحمت الهی اند.

إِلَّا تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 86 - 4,5

4- خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

يقوم... بقیة الله خير لكم

5- خیر و سعادت امتهای، در ایمان و باور به معارف الهی و عمل به احکام دین است.

بقيّة الله خير لكم

برخی از مفسران مراد از «بقيّة الله» را اطاعت از خدا و برخی مقصود از آن را احکام و معارف دانسته اند. برداشت فوق، براساس این نظریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 18 - 9

9- انسان دارای نقشی تعیین کننده در سعادت و شقاوت خویش

لا يقدرّون ممّا كسبوا على شيء

اینکه در آیه آمده است: کافران توان به دست آوردن چیزی از دستاوردهای خود را ندارند، حاکی است که دستاورد انسان در سرنوشت وی

نقش دارد و مراد از «علی شیء»، به قرینه اینکه بحث از حبط عمل کافران است، می تواند سعادت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 17

17- عقیده صحیح و عمل صالح انسان ها ، عامل تعیین کننده سعادت آنان

و قيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيراً . . ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 96 - 9

9- صبر و مقاومت ، دارای نقش اساسی در سعادت انسان و نیل به مقام والا در پیشگاه الهی

ولنجزيّن الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

ص: 159

ذکر صفت صبر و مقاومت به صورت اختصاصی از میان دیگر اوصاف خوب و ارزشمند مؤمنان، جهت پاداش و نیل به مقام معنوی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 8

8- نقش اساسی و محوری عمل صالح، در دستیابی به سعادت و پاداش اخروی

من عمل صالحاً .. و هو مؤمن ... ولنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

برداشت فوق، به خاطر این است که در آغاز آیه اثربخشی عمل، مشروط به ایمان شده است (من عمل صالحاً .. و هو مؤمن) در عین حال در پایان آیه پاداش اخروی تنها منوط به عمل دانسته شده و از ایمان سخن به میان نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 122 - 8

8- دین، دربردارنده سعادت و حسنات دنیوی و اخروی است.

وآتینه فی الدنيا حسنه و إنه فی الآخره لمن الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 12 - 11

11- تبیین همه نیازهای انسان در سعادت و کمال خویش، در قلمرو تعالیم دین و آموزه های وحی است.

إن هذا القرآن یهدی ... و کلّ شیء فصلّنه تفصیلاً

نوع مفسّران برآنند که چون قرآن، کتاب هدایت و در جهت تأمین سعادت و کمال آدمی است، بنابراین مقصود از «و کلّ شیء» همه امور مرتبط با سعادت و کمال و هدایت است، نه تمامی حقایق و پدیده های عالم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 13 - 3

3- سعادت و شقاوت انسان نتیجه مستقیم اعمال خود او بوده و تحت تأثیر عوامل اتفاقی چون شانس و اقبال نیست.

و کلّ إنسن ألزمنه طئره فی عنقه

استعمال واژه «طائر» برای عمل، ممکن است از آن جهت باشد که بینش غلط جاهلی درباره نقش طیره، شانس و اقبال در سرنوشت انسان نفی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 4 - 1

1- زکریا به هنگام پیری مفرط و سستی استخوان ها و سفیدی موهای سرش از خداوند خواهان فرزند شد .

قال ربّ إني وهن العظم مئى واشتعل الرأس شيباً

«عظم» به معنای استخوان است. «وهن العظم مئى»؛ یعنی، استخوان هایم سست شد کلمه «شيباً» تمییز و به معنای سفیدی مو است و «اشتعل»، یعنی آتش گرفتن (لسان العرب). بنابراین جمله «اشتعل» از ماده «شعل» سفیدی دم و پیشانی اسب) مشتق باشد؛ در این صورت جمله «اشتعل...»، یعنی «موی سر سپید شد».

ص: 160

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 48 - 19

19- سعادت ، درگرو پرستش خداوند یگانه است .

و أدعوا ربّي عسى ألا أكون بدعاء ربّي شقيّاً

ابراهیم(ع)، رهایی از شقاوت را در گرو عبادت خداوند می دانست؛ بنابراین تحصیل سعادت، با عبادت خدای یگانه میسر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 7

7- اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیه آدم . . . من ذرّیه إبرهیم و إسرئیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذریه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده در کمال فرزندان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 81 - 4

4- عبادت و اطاعت خدای یگانه ، تنها راه عزّت و سعادت

واتّخذوا من دون الله . . . لهم عزّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 18

18 - انسان ، برای رهایی از خطاها و رسیدن به خوشبختی ، نیازمند رهنمود های الهی است .

فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لایشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 30 - 4، 3

3- تعظیم و بزرگداشت حدود و مقررات الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من يعظم حرمت الله فهو خير له عند ربه

ضمیر «هو» در «فهو خير له» به «تعظیم» (مصدر «يعظم») بازمی گردد؛ یعنی، «فالتعظیم خير له عند ربه».

4- احکام و مقررات الهی، در راستای خیر و سعادت انسان

و من يعظم حرمت الله فهو خير له عند ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 7

7- اطاعت و فرمان بری از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، موجب هدایت و نیل به سعادت و کمال مطلوب است.

أطيعوا الرسول . . . فإن تولوا فإنما عليه ما حمل

مقصود از هدایت در آیه شریفه، راه یابی و هدایت عمومی نیست؛ زیرا چنین هدایتی بدون اطاعت انسان ها نیز توسط پیامبران حاصل بود؛ بلکه مقصود، ایصال به مطلوب و دست یافتن به کمال و سعادت است که بدون عمل به مقتضیات دین حاصل نمی شود.

ص: 161

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 27 - 7

7 - پیامبران ، ارائه دهنده راه و روش زندگی سعادت‌مندان

یلیتنی اتخذت مع الرسول سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 19

19 - نقش مثبت و سازنده صلاح و نیکی همسر و فرزندان ، در سرنوشت و سعادت انسان

ربّناهب لنا من أزوجنا وذریتنا قره أعین و اجعلنا للمتّقین إماماً

دعا برای همسر و فرزندان و مقدم داشتن آنان بر خود به هنگام دعا کردن، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 6

6 - صبر و شکیبایی ، رمز سعادت و دارای جایگاهی ویژه در میان مجموعه ارزش های الهی

الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق از آن جا است که خداوند پس از برشمردن بیش از ده صفت ارزشمند برای عبادالرحمان، هیچ کدام آنها را سبب برخوردار شدن ایشان از نعمت های بهشت جاودان نمی داند و بلکه صبر و شکیبایی را علت آن می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 83 - 3

3 - برخورداری از حکمت و معرفت و قرار گرفتن در زمره صالحان ، اوج کمال و سعادت انسان

ربّ هب لی حکماً وألحقنی بالصلحین

با توجه به این که حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان بزرگ ترین آرمان های ارزشی، این دورا از درگاه خدا تمنا کرده است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 47 - 10

10 - سعادت انسان ها تنها در گرو ایمان به خدا و پیروی از آیات الهی است .

لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتبّع ۛ ایتک و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 79 - 12،13

12 - قدرت و ثروت ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی در نگاه دنیاطلبان قوم قارون

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إله لذو حظّ عظیم

13 - قدرت و ثروت در نگاه مؤمنان آخرت جو ، ملاک ارزش و معیار اصلی بهره مندی و خوشبختی نیست .

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یلیت لنا مثل ما أُوتی قرون إله لذو حظّ عظیم

ص: 162

تعبیر «قال الذین یریدون الحیاه الدنیا» می‌رساند که این گفته، تنها مربوط به دنیاطلبان سست ایمان است؛ نه مؤمنان آخرت جو.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 29

29 - سعادت جوامع ، در گرو ایمان به انبیا و پیروی از آنها است و نه داشتن قدرت مادی

أولم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین . . . و جاءتهم رسلهم بالبیئت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 44 - 5

5 - عقیده و عمل آدمی ، در سعادت و شقاوت وی نقش اساسی دارد .

یومئذ یمصدعون . من کفر فعليه کفره و من عمل صلحاً فلا لنفسهم یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 8 - 8

8 - انسان ها ، در سعادت و شقاوت نهایی خود ، نقش اساسی دارند .

لیسئل الصدقین عن صدقهم و أعدد للكفرین عذاباً ألیماً

از آن جایی که بازگشت پرسش از «صادقین» (مؤمنان) درباره صداقت شان، به پاداش دهی است، معلوم می شود که صداقت - که امری اکتسابی است - و نیز متصف شدن به کفر - که امری انتخابی است - در گرفتن پاداش و یا عذاب شدن، نقش دارد و این، همانا نقش انسان ها را در سعادت آفرینی و یا کسب شقاوت، بازگو می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 10 - 18

18 - نقش ممتاز صبر و شکیبایی ، در سعادت و بهره مندی انسان از پاداش های الهی و مقامات معنوی

إنما یوقی الصبرون أجرهم بغير حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - سرمایه عمر و بهره از خانواده، سرمایه کمال و سعادت آدمی است .

إِنَّ الْخٰسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - سعادت‌مندی و یا تیره بختی انسان ها در دنیا و آخرت، در گرو اعمال و کردار خود آنان است .

اعملوا علیٰ مکانتکم اِنّی عمل فسوف تعلمون

با توجه به ارتباط این آیه با آیه بعد - که درباره سرنوشت هلاکت بار کافران در دنیا و آخرت سخن گفته است - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 50 - 6

6 - نیاز بشر در سعادت خود ، به چیزهایی غیر از برخورداری مادی و دانش اقتصادی

ثم إذا حوّلناه نعمه . . . فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 57 - 6

6 - نیاز انسان به هدایت الهی در رسیدن به سعادت و خوشبختی

لو أن الله هدى لي لكنت من المتقين

از این که کافران رسیدن به مقام متقین (سعادت‌مندان) را منوط به هدایت الهی می دانند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 58 - 10

10 - تقوا و احسان ، دو عنصر سعادت آفرین و رهایی بخش از عذاب الهی

من قبل أن يأتيكم العذاب . . . لكنت من المتقين . . . فأكون من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 82 - 13

13 - صرف مکنّت و پیشرفت اقتصادی و برخورداری از تمدن نیرومند ، ملاک رستگاری و عامل سعادت نیست .

كانوا أكثر منهم وأشدّ قوه وءاثارًا فى الأرض فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 8

8 - یاد خدا ، راهبر آدمی به سعادت و هدایت واقعی است .

و من يعش عن ذكر الرحمن . . . ليصدونهم عن السبيل و يحسبون أنهم مهتدون

ذکر «یحسبون أنهم مهتدون» تعریضی به آن دارد که خداگریزان از هدایت به دورند. در نتیجه به قرینه مقابله استفاده می شود که یادکنندگان خدا به هدایت دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 64 - 9

9- عبودیت و بندگی انسان به درگاه پروردگار یگانه ، تنها راه مستقیم و طریق رستگاری است .

فاعبدوه هذا صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 78 - 4,6

ص: 164

4 - حق پذیری ، تنها رمز سعادت و رهایی انسان از فرجام شوم اخروی

لقد جئکم بالحقّ و لکنّ اکثرکم للحقّ کرهون

تکرار لفظ «حقّ» و اکتفا نکردن به ضمیر، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که تنها حق پذیری، می تواند تعیین کننده سر نوشت انسان باشد.

6 - پذیرش پیام حق رسولان الهی ، مایه سعادت انسان و رهایی از عذاب دوزخ است ؛ نه التجا به فرشتگان در قیامت .

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک قال إنّکم مکثون . لقد جئکم بالحقّ

این آیه شریفه در حقیقت مکمل آیه قبل و بیانگر فلسفه عدم پذیرش التجای مجرمان به فرشتگان خازن دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 11 - 1

1- سعادت و نیک فرجامی مؤمنان ، معلول ولایت و سرپرستی خداوند بر ایشان

ینصرکم و یتبّت أقدامکم . . . ذلک بأنّ اللّٰه مولی الذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 11

11 - عمل انسان ، تنها محور سعادت و شقاوت وی

کلّ امری بما کسب رهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 35 - 4

4 - اعتقاد به فلاح و سعادت خویش به انکال انجام بخش اندک از اعمال نیک ، باوری واهی *

و أعطی قلیلاً و أکدی . أعنده علم الغیب فهو یری

از ارتباط «أعنده. . .» با آیات پیشین می توان چنین بیان نمود که: دنیامداران با اعطای مالی اندک، خویش را فلاح یافته می انگاشتند و خداوند با نفی علم غیب از آنان، این اندیشه را تخطئه می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 24 - 10

10 - قوم ثمود، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إِنَّا إِذَا لَفَى ضَلَلٌ وَسَعَرٌ

قوم ثمود با گفتن «إِنَّا إِذَا...»، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح (ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 3

3 - صرف انتساب به خداوند و یا پیوند خویشاوندی با پیامبران، موجب نجات و سعادت انسان نمی شود.

ءال لوط نجّینهم... کذلک نجزی من شکر

ص: 165

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 9 - 3

3 - یاد همیشگی خدا، تضمین کننده سعادت انسان

لا تلهکم أموالکم .. عن ذکر اللّٰه و من یفعل ذلک فأولئک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 13

13 - سعادت و کامیابی انسان، در گرو ایمان و عمل صالح است.

و من یؤمن باللّٰه و یعمل صلحاً یکفر عنه سیئاته .. ذلک الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 16 - 10, 11

10 - انفاق، موجب خیر و سعادت بشر

أنفقوا خیراً لأنفسکم

برداشت یاد شده بر این اساس است که «خیراً» خبر برای فعل محذوف «یکن» باشد. در این صورت تقدیر کلام چنین می شود: «فأنفقوا إن تنفقوا یکن خیراً لأنفسکم».

11 - توصیه خداوند، به انجام کارهایی که موجب خیر و سعادت بشر است.

خیراً لأنفسکم

طبق نظر برخی از مفسران و ادیبان (مانند زمخشری و سیبویه)، نصب «خیراً» به خاطر «مفعول به» بودن آن برای فعل محذوف (مانند «اتوا» و یا «افعلوا») است؛ یعنی، «و اتوا خیراً لأنفسکم و افعلوا ما هو خیر لها و انفع».

79- عوامل سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 30

30 - سعادت اخروی ، مشروط به پرهیزگاری

و الاخره خیر لمن اتقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 5

5 - تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الآخره خیر للذین یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 5

5 - نقش اعمال خود انسان در زیانکاری و سعادت‌مندی اخروی وی

ص: 166

الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآيتنا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 156 - 21

21 - آيين يهود شامل دستورهاي تأمين كننده سعادت دنيا و آخرت

و اكتب لنا في هذه الدنيا حسنه وفي الآخرة .. للذين يتقون ويؤتون الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 169 - 24

24 - تقوا ، وسيله رسيدن به سعادت هاي اخروي است .

و الدار الآخرة خير للذين يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 38 - 7

7 - جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نيك بختي مؤمنان در حيات اخروي

يأبها الذين ءامنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله .. أرضيتم بالحيوه ا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 9 - 3

3 - دستيابي به سعادت اخروي ، در گرو دستگيري و هدايت مستمر و دايم خداوند است .

يهديههم ربههم بايمنهم تجرى من تحتهم الأنهر في جنت النعيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - هود - 11 - 98 - 5

5- رهبران جوامع بشري ، نقشي به سزا در سعادت و يا شقاوت اخروي آنان دارند .

فاتبعوا أمر فرعون .. يقدم قومه يوم القيمة فأوردهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 111 - 11

11- قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن . . . تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به «هدی» و «رحمه» پس از «و لکن . . . تفصیل کل شیء» می رساند که مراد از «هر چیز» مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 4, 3

3- تأثیر ایمان در سعادت دنیا و آخرت آدمی ، در گرو همراهی آن با اعمال صالح است .

ص: 167

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

4- اعمال صالح بدون ایمان ، تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت نیست .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 18 - 10

10- همراهی ایمان و عمل صالح ، تضمین کننده سعادت اخروی انسان است .

الذین کفروا برّیهم أعملهم . . . لا یقدرون ممّا کسبوا علی شیء

خداوند در این آیه کفر را، که عقیده فاسدی است، موجب حبط عمل صالح دانسته و نتیجه اش شقاوت آلود بودن آخرت آدمی است. از این جا به دست می آید که عقیده درست، به اضافه عمل صالح، سعادت اخروی را تضمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 51 - 5

5- سرنوشت انسان و سعادت و شقاوت وی در روز قیامت بسته به چگونگی رفتار او در دنیا است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 4

4- تقوا ، پیامدار فرجامی سعادت مند همراه با سلامتی و امنیت کامل در آخرت

إن المتقین فی جنّات .. ادخلوها بسلم ءامنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 30 - 16، 13

13- عقیده و عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سعادت دنیوی و اخروی او

وقیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربّکم قالوا خیرًا للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

«اتقوا» دلالت بر عمل خوب و پسندیده می کند و «اذعان به خیر محض بودن قرآن» مشعر به عقیده خوب دارد که مجموعاً موجب دریافت حسنه دنیوی و اخروی می شوند.

16- تقوا و احسان ، پیامدار سعادت دنیوی و اخروی

لذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه . . . ولنعم دار المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 19 - 4

4- اراده و تلاش خود انسان در سعادت و شقاوت اخروی وی نقش تعیین کننده دارد .

من كان يريد العاجله . . . جعلنا له جهنّم . . . و من أراد الآخره و سعی لها سعیها . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 60 - 4

ص: 168

4- پرداخت زکات ، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی باشد .

و الذين يؤتون ... وقلوبهم وجله انهم إلى ربهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 27 - 8

8- رستگاری اخروی مردمان ، وامدار چگونگی سیر و سلوک آنها در دنیا

يليتنى اتخذت مع الرسول سيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 3

3- توأم بودن ایمان و عمل صالح ، از عوامل دستیابی به سعادت اخروی است .

فأما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فى روضه يحبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 43 - 10

10- رویکرد تمام عیار به دین اسلام و قبول آن ، عامل نجات و سعادت انسان در قیامت است .

فأقم وجهك للدين ... من قبل أن يأتى يوم لا مرد له من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 44 - 3،7

3- عمل صالح ، زمینه تأمین سعادت اخروی است .

و من عمل صلحاً فلا لنفسهم يمهدون

7- برای سعادت اخروی ، ایمان همراه با عمل صالح ، لازم است .

و من عمل صلحاً فلا لنفسهم يمهدون

از مقابله «من كفر» با «و من عمل صالحاً» استفاده می شود که «من آمن» در آن تضمین شده است. و ذکر نشدن «من آمن» به خاطر

تلازم قطعی آن با «عمل صالح» است و بدون آن، عمل صالح، اثری نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 8 - 3

3 - ایمان توأم با عمل صالح، شرط ثمربخشی آن دو، در سعادت اخروی انسان است.

ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّات النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 14 - 7,8

7 - انسان، در خوبی و یا بدی وضعیت اخروی خویش، نقش اساسی دارد.

فذوقوا بما نسيتم... و ذوقوا... بما كنتم تعملون

8 - عقیده و عمل، سازنده آخرت انسان است.

ص: 169

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا . . . و ذوقوا ... بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 17 - 8,9

8 - خود انسان در سعادت اخروی اش دارای نقشی تعیین کننده است .

فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قره عين جزاء بما كانوا يعملون

9 - خداوند ، انسان ها را به روی آوردن به انجام دادن عمل شایسته ، جهت نیل به سعادت اخروی تشویق کرده است .

فلا تعلم نفس ما أخفى لهم . . . جزاء بما كانوا يعملون

اعلام مخفی بودن پاداش مؤمنان و وصف ناپذیر بودنش برانگیزاننده انسان ها، جهت دستیابی به آن پاداش است و یادآوری جزای عمل، مزید بر تشویق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 19 - 9

9 - عقیده و عمل صالح ، در کسب سعادت اخروی نقشی تعیین کننده دارد .

أما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنت المأوى . . . بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 4 - 4

4 - انسان ها ، نقشی تعیین کننده در تأمین سعادت اخروی خود دارند .

ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

«جزا»، پاداش در مقابل عمل است که به اضافه «مغفرت» و «رزق کریم» حکایت از سعادت می کند. گفتنی که نسبت ایمان و عمل صالح به انسان ها، حکایت از نقش آنها در حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 74 - 2

2 - بی اثر بودن عبادت غیرخدا ، برای سعادت انسان در آخرت

قالوا ضلّوا عنّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 6

6 - عملکرد دنیوی آدمیان ، ملاک اصلی سعادت و شقاوت اخروی ایشان

إنّما تجزون ما كنتم تعملون .. هنیٰ بما كنتم تعملون

واژه «کنتم» (با فعل ماضی) اشاره به جهان گذشته (دنیا) دارد و تصریح به اعمال دنیوی، می رساند که تأثیر اصلی در سعادت و شقاوت عمل آدمی، در دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 6

ص: 170

6 - تأکید بهشتیان ، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 9

9 - نیک بختی یا بدبختی انسان پس از مرگ ، در گرو اعمال خوب یا بد او است .

وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ .. وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 14

14 - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ .. ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 28 - 2

2 - کارساز نبودن ثروت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ

80- عوامل سعادت اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 42 - 3

3- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ .. لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا ... وَلَآجْرَ الْآخِرَةِ أَكْبَرَ ... الَّذِي

81- عوامل سعادت خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - تأثیر مثبت و سازنده دعای همسران در حق یکدیگر و در سرنوشت و سعادتشان

والذین یقولون ربنا هب لنا من أزوجنا وذریتنا قره أعین

دعای عباد الرحمان در حق همسران و فرزندانشان، حاکی از تأثیر مثبت دعا در سرنوشت همسر و فرزند است؛ زیرا اگر دعا مؤثر نبود، خداوند به آن توصیه نمی فرمود.

ص: 171

82- عوامل سعادت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 21

21 - آیین یهود شامل دستورهای تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الآخره .. للذین یتقون و یؤتون الزکوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 111 - 11

11- قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن .. تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به «هدی» و «رحمه» پس از «و لکن .. تفصیل کل شیء» می رساند که مراد از «هر چیز» مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 3

3- تأثیر ایمان در سعادت دنیا و آخرت آدمی ، در گرو همراهی آن با اعمال صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 30 - 13، 16، 7

7- دین ، در پی سعادت دنیوی مردم

للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

13- عقیده و عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سعادت دنیوی و اخروی او

و قیل للذین اتقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیرًا للذین أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه

«اتقوا» دلالت بر عمل خوب و پسندیده می کند و «اذعان به خیر محض بودن قرآن» مشعر به عقیده خوب دارد که مجموعاً موجب دریافت حسنه دنیوی و اخروی می شوند.

16- تقوا و احسان ، پیامدار سعادت دنیوی و اخروی

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه . . . ولنعم دار الممتتین

83- عوامل سعادت دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 42 - 3

3- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله . . . لنبوئنهم فی الدنیا . . . ولأجر الأخره أكبر . . . الذی

ص: 172

84- عوامل سعادت عابدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 106 - 1

1- معارف قرآن، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا، کافی و بسنده است.

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هذا» اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و «بلاغ» به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

85- عوامل سعادت فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 12

12 - تأثیر مثبت و سازنده دعای پدر و مادر، در حق فرزندان خود و در سرنوشت و سعادت آنان

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 12

12 - تأثیر مثبت و سازنده برخورداری پدر و مادر از نعمت های الهی در سعادت و سرنوشت فرزندان

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ .. وَعَلَىٰ وَلَدِي

شکر و سپاس حضرت سلیمان(ع) به خاطر برخورداری بودن پدر و مادرش از نعمت های الهی، گویای این حقیقت است که این برخورداری در سعادت و سرنوشت او مؤثر بوده است.

86- عوامل سعادت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 7 - 8

8 - صلاح و سعادت مؤمنان، در پرتو پیروی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) (رهبری الهی)

لوطيعكم في كثير من الأمر لعنتم

مفهوم آیه شریفه ایمن ماندن جامعه از مشقت ها و صدمات در صورت عدم تحمیل آرای شخصی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و امنیت جامعه مایه صلاح و سعادت آن است.

ص: 173

87- عوامل محرومیت از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 95 - 6, 3, 5

3 - اقوام پیامبران گذشته ، با تکذیب آیات و نشانه های الهی ، سرمایه سعادت خویش را از کف دادند .

و لا تكونن من الذين كذبوا بآيت الله فتكونن من الخسرين

5 - تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده خسران و بر باد رفتن سرمایه سعادت انسان است .

و لا تكونن من الذين كذبوا بآيت الله فتكونن من الخسرين

6 - تکذیب قرآن ، مایه خسران و از دست دادن سرمایه سعادت است .

و لا تكونن من الذين كذبوا بآيت الله فتكونن من الخسرين

88- عوامل محرومیت از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 4

4 - دست یازیدن به آلودگی های جنسی ، برخاسته از ضعف ایمان و مایه محروم شدن از سعادت اخروی است .

قد أفلح المؤمنون . . . و الذين هم لفروجهم حفظون

89- عوامل مؤثر در سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 71 - 8

8 - انسان ها ، در سعادت خویش ، نقش اساسی دارند .

و من يطع الله ورسوله فقد فاز

90- عوامل مؤثر در سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- انسان ها، در تعیین سرنوشت خود و سعادت اخروی شان، نقش دارند.

إن كنتنّ تردن الله ورسوله ودار الآخرة فإن الله أعدّ للمحسنات .. أجراً

91- عوامل مؤثر در سعادت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 174

6 - نقش تعیین کننده امت ها ، در سرنوشت و سعادت و شقاوت خویش

إذ أبق إلى الفلك .. و أرسلنه ... فـامنوا فمتنعهم إلى حين

برداشت یاد شده از آن جا است که قوم یونس، به علت ایمان نیاوردن به یونس(ع) مستوجب عذاب الهی شدند؛ ولی آنان پس از مأموریت مجدد آن حضرت، به او ایمان آوردند و در سایه آن، به مواهب دنیای دست یافتند.

92- عوامل مؤثر در سعادت فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 9

9- صلاح و شایستگی پدر ، دارای نقش مؤثر در سعادت و نیک بختی فرزندان است .

كان أبوهما صلحاً فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما

93- قانونمندی سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 11 - 10

10 - قانونمندی و یکسانی راههای کمال و سعادت یا انحطاط و شقاوت آدمیان، در گذشته و آینده تاریخ

قل سيروا في الأرض ثم انظروا كيف كان عقبه المكذبين

از امر به تدبر در تاریخ گذشتگان و عبرت گرفتن از آن معلوم می شود که عوامل سعادت و شقاوت در طول تاریخ یکسان است.

94- قانونمندی سعادت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 16

16- قانونمندی و یکسانی راه های کمال و سعادت آدمیان و نیز انحطاط آنها ، در طول تاریخ

فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عقبه المكذبين

از اینکه با فعلهای امر «سیروا» و «انظروا» مردم دعوت به سیر و مطالعه شده اند تا آنان به این وسیله عبرت بگیرند، حکایت از این دارد که قوانین یکسانی بر روند امور جاری است.

95- گرایش به سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 175

3 - آل عمران - 3 - 178 - 7

7 - آدمی ، همواره در پی خیر و سعادت خویش است .

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يفلحوا لهم خیر لانفسهم

کافران از آن جهت عمر طولانی در دنیا را می پسندند که آن را برای خویش امری خیر و نیکو می پندارند. بنابراین در پی سعادت خویشند ؛ گر چه مصداق واقعی آن را تشخیص نداده اند.

96- محرومان از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 12

12 - ستمگران، از سعادت و رستگاری محروم هستند.

إنه لا يفلح الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 95 - 3

3 - اقوام پیامبران گذشته ، با تکذیب آیات و نشانه های الهی ، سرمایه سعادت خویش را از کف دادند .

و لا تكونن من الذين كذبوا بآيت الله فتكونن من الخسرين

97- محرومان از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 5

5 - محرومیت شرک پیشگان و منکران یگانگی خدا از سعادت اخروی

إلا من أتى الله بقلب سليم

98- محرومیت از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فریب در برابر بهره های دنیوی ، موجب محرومیت از سعادت و نجات اخروی

فمن زحزح عن التّار و ادخل الجنّه فقد فاز و ما الحیوه الدّنیآ الا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 168 - 5

5 - تمامی راه های سعادت به روی کافران ظالم بسته است .

ص: 176

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا... و لا يلهيهم طريقاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 8

8 - علمای اهل کتاب، تکذیب کنندگان آیات الهی و ستمگرانی محروم از سعادت و رستگاری

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه... و من أظلم... إنه لا یفلح الظلمون

مراد از ضمیر در «آیناهم» به قرینه حکم و موضوع، عالمان اهل کتاب می تواند باشد که دریافت کنندگان کتب آسمانی هستند، نه مردم معمولی از یهود و نصارا.

99- مدعیان سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 13، 9، 7، 1

1 - یهود، سرای آخرت و نعمت های آن را ویژه خویش می پندارند.

قل إن کانت لکم الدار الآخره... خالصه

تقدیم «لکم» بر «الدار الآخره» مفید حصر و اختصاص است و «خالصه» - که حال برای «الدار» می باشد - بر این انحصار و اختصاص تأکید می کند؛ زیرا خالص بودن به معنای اختصاص داشتن است.

7 - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند.

قل إن کانت لکم الدار الآخره... فتمنوا الموت

9 - آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند.

إن کانت لکم الدار الآخره... فتمنوا الموت

13 - اهل بهشت دانستن فرد یا طایفه ای خاص بدون داشتن برهان، باوری است باطل.

فتمنوا الموت إن کنتم صدقین

100- ملاک سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7- « عن عبدالله بن سلام مولى رسول الله (صلى الله عليه وآله) انه قال : سألت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقلت : . . . فأولاد المشركين فى الجنة أم فى النار ؟ فقال : . . . انه إذا كان يوم القيامة . . . فى أمر الله عزوجل ناراً . . . ثم يأمر الله تبارك و تعالى أطفال المشركين أن يلقوا أنفسهم فى تلك النار فمن سبق له فى علم الله عزوجل أن يكون سعيداً ألقى نفسه فيها . . . و من سبق له فى علم الله عزوجل أن يكون شقيماً إمتنع فلم يلق نفسه فى النار . . . و ذلك قول الله عزوجل : « فمنهم شقيى و سعيد » . . . »

از عبدالله بن سلام نقل شده است كه گفت: از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) پرسيدم: . . . آیا فرزندان مشركان [كه در كودكى مرده اند] بهشتى هستند يا جهنمى؟ فرمود: . . . هنگامى كه قيامت فرا رسد . . . خداوند به آتش فرمان حضور مى دهد . . . سپس به كودكان مشركان دستور مى دهد تا خود را در آن آتش درافكنند. پس هر كدام از آن كودكان كه در علم خداى عزوجل سعادت منديش

رقم خورده است خود را در آن آتش می افکند ... و آنان که در علم خدای عزوجل برایشان شقاوت‌مندی رقم خورده، از پذیرش فرمان خدا امتناع نموده و خود را در آتش نمی اندازند ... و این سخن خداوند عزوجل است که فرمود: فمنهم شقی و سعید «...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 9

9 - ملاک سعادت مندی و ارزشِ شخص ، در نزد خداوند ، بهره مند بودن از امکانات دنیوی نیست .

نمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 21 - 15

15 - صرف مکنّت و پیشرفت اقتصادی و برخورداری از تمدن نیرومند ، ملاک رستگاری و عامل سعادت نیست .

كانوا هم أشدّ منهم قوّه وءاثراً في الأرض فأخذهم الله بذنوبهم و ما كان لهم من

101- ملاکهای سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 32 - 8

8 - نزدیکی و دوری از قرآن ، معیاری برای تعیین ارزش انسان ها و سعادت مندی آنان

ثمّ أورثنا الکتب ... فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت

102- منشأ سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 79 - 7

7 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسولی در جهت خیر و سعادت مردم ، نه منشأ شرور

و ان تصبهم سیئه یقولوا هذه من عندک .. و ارسلناک للنّاس رسولا

جمله «و ارسلناک للنّاس» (تو پیامبری سودمند بری مردم هستی)، در رد پندار کسانی است که وی را منشأ شرور معرفی می کردند: «یقولوا هذه من عندک».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 2

2 - سعادت دنیا و آخرت ، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 178

7- وضع قوانین و مقررات سعادتبخش از سوی خداوند ، مقتضای ربوبیت و پروردگاری او است .

و من يعظم حرمت الله فهو خير له عند ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 43 - 2

2- مؤمن آل فرعون قومش را از نقش نداشتن معبود های ادعایی در سعادت دنیوی و اخروی و نیز بی ثمر بودن عبادت آنها آگاه ساخت .

لاجرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 57 - 4

4- سعادت واقعی ، تنها در پرتو رهایی از دوزخ و ره یابی به بهشت میسر است .

ووقهم عذاب الجحيم .. ذلك هو الفوز العظيم

103- منشأ سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 96 - 10

10- عمل مستمر خود انسان ، منشأ برخورداری وی از فضل الهی و نیل به مقام معنوی و سعادت اخروی

ولنجزيّن الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

104- منشأ سعادت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 6

6- عنایات خداوند به عیسی (ع) ، او را فردی حق پذیر ، خوش بخت و نرم خو ساخته بود .

ولم يجعلني جبارًا شقيًا

105- موارد سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 17

17 - دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی ، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است .

رضی الله عنهم ... جنت ... خلدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم

ص: 179

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 18

18 - شیطان ، خطری در کمین انسان

و آتی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 178 - 11

11 - مهلت خداوند به کافران ، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الذّین کفروا أنّما نملى لهم خیر لانفسهم أنّما نملى لهم لیزدادوا اثما

«اثم»، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت باز می دارد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 21 - 10، 9، 7

7 - افترا به خداوند و تکذیب آیات الهی، مانع سعادت و رستگاری است.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا أو کذب بایته إنه لا یفلح الظلمون

9 - بدعت در دین، از بزرگترین ظلمها و مانع سعادت و رستگاری است.

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا أو کذب بایته إنه لا یفلح الظلمون

10 - شرک به خدا، بزرگترین ظلم و مانع سعادت و رستگاری است.

و اینتی بریء مما تشرکون . . . و من أظلم ممن افتری ... إنه لا یفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 4

4 - ابلیس ناتوان از مسدود کردن تمامی راههای نجات و سعادت آدمیان *

ثم لأتینهم .. و لاتجد أكثرهم شکرین

نام نبردن از تمامی جهات، همانند فوق و تحت، می تواند اشاره به این باشد که ابلیس نمی تواند بر تمامی راههای سعادت مسلط باشد و آنها را بر آدمیان سد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 77 - 1

1 - بت و بت پرستی ، دشمن اندیشه ، سعادت و تکامل انسان در دیدگاه حضرت ابراهیم (ع)

فأنتهم عدو لى

ضمیر «هم» در «فأنتهم» به «أصنام» بازمی گردد.

ص: 180

107- موانع سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 1

1- انسان، در معرض از دست دادن سعادت اخروی خویش به خاطر وابستگی به دنیا و متاع آن

وقالوا إن نَّبَع الهدی معك نتخطف من أرضنا .. و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه

آیه بالا در ادامه آیات پیشین و بیانگر پاسخی دیگر به مشرکان است؛ یعنی، همانانی که به خاطر دلبستگی زیاد به جان و مال و مرز و بوم خویش، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می گفتند: اگر با تو همراه شویم و از هدایت الهی پیروی کنیم، مشرکان عرب ما را از سرزمین مان (مکه) خواهند ربود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 83 - 2

2- برتری جویی و فسادانگیزی در زمین، مانع دستیابی انسان به سرای آخرت

تلك الدار الآخره نجعلها للذین لا یریدون علوًا فی الأرض ولا فسادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 29 - 2,5

2- کارساز نبودن قدرت من های ایمان، در سعادت اخروی بشر

هلک عنی سلطنیه

5- قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی، مایه حسرت و تأسف در قیامت

هلک عنی سلطنیه

108- موانع سعادت اخروی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 4

4- دلبستگی شدید قارون به اندوخته های خویش، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود.

و ابتغ فيما آتیک اللہ الدار الآخره

109- موانع سعادت اصحاب کھف

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - کھف - 18 - 20 - 12

12- اصحاب کھف ، ارتداد و پذیرش دوبارہ شرک را ، گناہی بزرگ و مانع سعادت جاودان خود می دانستند .

ص: 181

أُويعِدوكم في مَلَّتْهم و لن تفلحوا إِذَا أَبَدًا

110- نشانه های سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 85 - 2

2- برخورداری انسان از مال و اولاد فراوان ، نشانه سعادت‌مندی و محبوبیت وی نزد خدا نیست .

و لاتعجبك أمولهم و أولدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 9

9- بهره‌مندی از دنیا و شکوه آن ، نشانه سعادت‌مندی نیست .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا .. و كم أهلکنا قبلهم من قرن

قرآن در پاسخ به کافرانی که مال و منال خود را به رخ مسلمانان کشیده و آن را نشانه برتری خود قلمداد می‌کردند؛ به نابود شدن جوامع و تمدن‌ها اشاره می‌کند، تا با بیان فناپذیری دنیا و امکانات آن، پندار سعادت‌مندی به صرف بهره‌مندی از دنیا را تخطئه کند.

111- نشانه های سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتى كتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم و لا يظلمون فتيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 3

3- برخورداری تقوایبندگان از باغ‌ها و میوه‌جات بهشت و موهبت‌های مادی جهان آخرت نمونه‌ای از سعادت‌مندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبا

112- نشانه های سعادت بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 34 - 2

2 - می گساری بهشتیان و استفاده آنان از جام های شراب آماده ، جلوه ای از خوشبختی آنان است .

ص: 182

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا .. وَكَأْسًا دِهَاقًا

113- نشانه های محرومیت از سعادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 22 - 6

6 - بازخواست ذلتبار مشرکان و ستمگران در روز قیامت، نشانگر محرومیت آنها از سعادت و رستگاری است.

إِنَّه لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ. و يوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم

114- یأس یهود از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 1,4

1 - یهودیان، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد.

و لن يتمنوه أبداً

4 - یهودیان، به خاطر ارتکاب گناهان، امیدی به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند.

لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيديهم

115- سعادت اخروی

آثار اطمینان به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 9

9 - آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند.

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

116- ادعای سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - ادعای بهشتی بودن، علی رغم ارتکاب گناه، ادعایی ظالمانه است.

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. والله عليم بالظلمين

علت ستمگر خواندن یهود، علاوه بر گنهکار بودنشان، می تواند به خاطر ادعای ناروای آنان نیز باشد.

ص: 183

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 99 - 10

10 - هواپرستی ، حسد ، نژادپرستی ، خود بزرگ بینی و خویشتن را بدون هیچ دلیل اهل بهشت پنداشتن ، از مصادیق فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

117- ارزش سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 7

7 - برگزیدن زندگی دنیوی به بهای از دست دادن سعادت اخروی ، عملی نابخردانه است .

و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه الدنیا. .. أفلاتعقلون

118- اهمیت سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 98 - 6

6- برنامه ها و قوانینی رشید و بالنده اند که مایه سعادت اخروی آدمیان و باعث نجات آنان از آتش دوزخ باشند .

و ما أمر فرعون برشید. یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

119- تلاش برای سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 4

4 - دنیا ، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است ؛ نه میدان بازی ، آرایش ، فخرفروشی و فزون خواهی

سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنّه

120- توفیق سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 3

3- نیل به سعادت و خوشبختی در قیامت ، به توفیق الهی است .

و أما الذین سعدوا ففی الجنه

ص: 184

مجهول آوردن فعل «سعدوا» و آمدن فعل «شقوا» به صورت معلوم، بیانگر این نکته است که: تیره بختان به اختیار خویش اسباب شقاوت را بر خود فراهم می آورند و سعادت‌مندان در اختیار اسباب سعادت، توفیق الهی را به همراه دارند.

121- حتمیت سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 4

4- دستیابی ره یافتگان به سعادت اخروی، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر از سوی خداوند

وعدنه وعداً حسناً فهو لقيه

قید «هو لاقیه» بیانگر آن است که خدا هرگز از وعده ای که به هدایت یافتگان داده است، تخلف نخواهد کرد.

122- درخواست سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 35 - 12

12- دعا برای فرزندان و توجه به سرنوشت اخروی و دیانت و سعادت آنان، امری مهم و ارزشمند است.

و إذ قال إبراهيم ربّ... اجنبی و بنیّ أن نعبد الأصنام

123- دعوت به سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 6 - 3

3- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

يستعجلونك بالسيئه قبل الحسنه

«ال» در «الحسنه» عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با «السیئه» دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 15 - 11

11 - تلاش برای سوق دادن انسان ها به بهشت و نجات آنان از ابتلای به آتش جهنم ، از هدف های پیامبران الهی

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

ص: 185

124- زمینه سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 3

3 - سعادت دنیا و آخرت ، در گرو ایمان و تقواست .

وصینا .. من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 135 - 5

5 - سعادت‌مندی و یا تیره بختی اخروی انسان در گرو کردار دنیوی اوست.

اعملوا علی مکانتکم إنی عامل فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 4,6

4 - موسی (ع) به دلیل بازگشت خود و همراهانش به سوی خدا ، همگان را شایسته برخوردار شدن از حیات نیکوی دنیا و سعادت آخرت دانست .

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الآخرة إنا هدنا إلیک

جمله «إنا هدنا إلیک» تحلیل برای «و اکتب لنا .. » است. یعنی چون به سوی تو بازگشتیم، این تقاضا و انتظار - که زمینه و مقدمه آن را فراهم کرده ایم - گزاف نیست.

6 - آمرزش گناهان ، زمینه ساز نیل به سعادت دنیا و آخرت است .

و أنت خیر الغفرین. و اکتب لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 16 - 2

2- سعادت اخروی ، در گرو دل‌ن بستن به دنیا و جاذبه های آن است .

من كان يريد الحيوة الدنيا .. أولئك الذين ليس لهم في الآخرة إلا النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 109 - 14

14- رعایت تقوا و پرهیز از شرک و مخالفت با انبیا ، وسیله نیل به سعادت اخروی است .

و لدار الآخرة خیر للذین اتقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 5

5 - سعادت اخروی ، در گرو پذیرش ایمان و پیروی از هدایت الهی

وقالوا إن نتبع الهدی . . . و ما أوتیتم . . . و ما عند الله خیر و أبقى

آیه بالا در بردارنده هشدار الهی به مشرکان است که از پیروی هدایت الهی سرباززده بودند.

ص: 186

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 67 - 2

2 - رستگاری و سعادت اخروی ، در گرو توبه ، ایمان و عمل صالح

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 3،16

3 - مال و ثروت ، وسیله دستیابی به سعادت اخروی است .

و ابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة

16 - احسان و بخشش ، مظهر آخرت خواهی و بهترین وسیله برای دستیابی به سعادت اخروی است .

و ابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة ... و أحسن

توصیه شدن قارون به احسان - پس از سفارش شدنش به آخرت خواهی - گویای مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 80 - 14

14 - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

ويلکم ثواب اللّٰه خیر ... و لا یلقیها الا الصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 83 - 4

4 - لزوم پرهیز از هر نوع برتری جویی و فسادگری برای نیل به سعادت اخروی

تلك الدار الآخرة نجعلها للذین لا یریدون علوًّا فی الأرض ولا فسادًا

واژه «علوًّا» و نیز «فسادًا» در اصطلاح نکره در سیاق نفی و مفید عموم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - تشویق و ترغیب خداوند به بهره گرفتن درست تر و هر چه بیشتر از سرمایه عمر خود و خانواده ، در جهت کمالات معنوی و سعادت اخروی

الذین خسروا أنفسهم و أهليهم يوم القيامة ألا ذلك هو الخسران المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - سعادت و نیک بختی انسان در عرصه دنیا و آخرت ، در گرو اجتناب از عبادت طاغوت و اطاعت سردمداران ضلالت و توبه و روی کرد به خداوند است .

و الذین اجتنبوا الطغوت . . . لهم البشرى

مقصود از بشارت در آیه شریفه، بشارت به بهشت و سعادت بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 4

4 - دنیا، عرصه مسابقه و تلاش برای کسب سعادت اخروی (بهشت پهناور) است؛ نه میدان بازی، آرایش، فخرفروشی و فزون خواهی

سابقوا إلى مغفرة من ربكم و جنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 17

17 - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح، در به دست آوردن سعادت اخروی و بهشت جاودانه

و من يؤمن بالله و يعمل صلحًا يدخله جنّ-ت.. .. خلدین فیها أبدًا

125- سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 142 - 1

1 - گمان دستیابی به سعادت اخروی و بهشت، به صرف داشتن ایمان، پنداری باطل است.

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لمّا يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 3

3 - تلاش برای دستیابی به ثروت و امکانات مادی با حفظ تقوا، آسیمی به سعادت اخروی نمی رساند.

لا یغزّتک تقلّب الذّین کفروا فی البلاد لکن الذّین اتّقوا

«لکن»، برای استدراک توهمی است که از آیات قبل به ذهن می رسد، و آن اینکه تلاش کافران برای به دست آوردن امکانات مادی،

موجب جهنمی شدن آنهاست؛ کلمه «لکن»، این توهم را از بین برده و بیان می دارد که در صورت تقوا، کسب و ثروت ضرری به سعادت

انسان وارد نمی سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

29 - سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطيعوا الله ... ذلک خير و احسن تاويلا

بدان احتمال که جمله «ذلک خير» مربوط به دنیا و جمله «احسن تاويلا» مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 2،7

2 - سعادت دنیا و آخرت ، تنها در نزد خدا و به دست اوست .

من كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و الآخره

ص: 188

7 - جمع بین دنیا و آخرت و دستیابی به سعادت هر دو جهان امری ممکن در دیدگاه اسلام و قرآن

فعند الله ثواب الدنيا والآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 2

2 - پیامبران الهی در اندیشه رساندن امت خویش به حیاتی زیننده و نیکو در دنیا و سعادت و نیکبختی در آخرت

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الآخرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 15 - 10

10 - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إنّ الخسرین الذین خسرو أنفسهم و أهلهم یوم القیمه ألا ذلک هو الخسران المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 33 - 5

5 - لذت های جنسی تقوایبشگان در بهشت ، گوشه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازاً .. و کواعب أتراباً

126- سعادت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 134 - 5

5 - اسلام دینی جامع و خواهان سعادت آدمیان در دنیا و آخرت

من کان یرید ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا والآخرة

127- سعادت اخروی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أولئك أصحاب الميمنه

«يُؤْمِن» و «مِيمَنَه» به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

ص: 189

128- سعادت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 2

2- فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

«مئاب» مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که «طوبی» مبتدا و «حسن مئاب» عطف بر آن و «لهم» خبر برای آن دو می باشد.

129- سعادت اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 31 - 9

9- نیل به سعادت اخروی ، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواییشان

و لنعم دار المتقین . جنّـت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 31 - 1

1 - تقواییشان در آخرت ، اهل بهشت ، سعادت مند و رهیده از عذاب اند .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَاذًا

«مفاز» (مانند «فوز») و «مفازه» مصدر و به معنای دستیابی به خیر و رهایی از شرّ است (لسان العرب). هم چنین ممکن است اسم مکان و کنایه از بهشت نیز باشد که مکان رستگاری و سعادت است. آیات بعد - که بیان «مفازاً» است و از بوستان ها و دیگر لذت های بهشتی سخن می گوید - این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 32 - 3

3 - برخورداری تقواییشان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 5

5 - لذت های جنسی تقوایندگان در بهشت ، گوشه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازًا .. و کواعب أترابًا

ص: 190

130- سعادت اخروی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 105 - 6

6- موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادت‌مندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

131- سعادت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 97 - 10

10 - قرآن ، بشارت دهنده اهل ایمان به سعادت‌مندی آنان در دنیا و آخرت

و بشری للمؤمنین

«بشری» به خبری گفته می شود که در آن سرور و فرح باشد و در آیه شریفه به معنای بشیر (بشارت دهنده)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 5

5- تنها مؤمنان صابر ، به موفقیت دست یافته و به هدف های خویش (سعادت دنیا و آخرت) خواهند رسید . *

و أولئک هم المہتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 7

7- جهاد در راه خدا ، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

يأيها الذين ءامنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله .. أرضيتم بالحيوه ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 12

12 - مؤمنان ، دارای حیات جاودان و آکنده از سعادت و رستگاری در آخرت

خلدین فیها أبداً ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 105 - 6

6- موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادت‌مندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 2

ص: 191

2- فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنان دارای عمل صالح است.

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

«مئاب» مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که «طوبی» مبتدا و «حسن مئاب» عطف بر آن و «لهم» خبر برای آن دو می باشد.

132- سعادت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 61 - 2

2- هدایت یافتگان، برخوردار از سعادت اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا فهو لقیه

مقصود از وعده نیکو، پاداش های الهی در سرای آخرت است.

133- سعادت اخروی ولای عتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 1

1 - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود.

أولئك أصحاب المیمنه

«یمن» و «میمنه» به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

134- شرایط سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 15

15 - خداوند نویدبخش موسی (ع) به استجاب دعایش برای سعادت بنی اسرائیل در دنیا و آخرت، به شرط رعایت تقوا، پرداخت زکات و ایمان به همه آیات الهی

فسأكتبها للذين يتقون ويؤتون الزكوه و الذين هم بايتنا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - بلد - 90 - 18 - 1

1 - آزادکنندگان برده و غذا دهندگان به یتیمان و مستمندان ، در صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أولئك أصحاب الميمنه

ص: 192

«يُؤْتِن» و «مِيمَنَه» به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

135- عوامل سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 30

30 - سعادت اخروی ، مشروط به پرهیزگاری

و الاخره خير لمن اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 5

5 - تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الأخره خير للذين يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 9 - 5

5 - نقش اعمال خود انسان در زیانکاری و سعادت‌مندی اخروی وی

الذين خسروا أنفسهم بما كانوا بآئتنا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 21

21 - آیین یهود شامل دستورهایی تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت

و اكتب لنا فى هذه الدنيا حسنه و فى الآخره . . . للذين يتقون و يؤتون الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 24

24 - تقوا ، وسیله رسیدن به سعادت های اخروی است .

و الدار الآخرة خير للذين يتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 7

7 - جهاد در راه خدا، عامل سعادت و نیک بختی مؤمنان در حیات اخروی

يأيتها الذين آمنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا في سبيل الله... أرضيتم بالحياه ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 9 - 3

ص: 193

3- دستیابی به سعادت اخروی ، در گرو دستگیری و هدایت مستمر و دایم خداوند است .

یهدیهم ربهم یا یمنهم تجری من تحتهم الأنهر فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- هود - 11 - 98 - 5

5- رهبران جوامع بشری ، نقشی به سزا در سعادت و یا شقاوت اخروی آنان دارند .

فاتبعوا أمر فرعون . . . یقدم قومه یوم القیمه فأوردهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 111 - 11

11- قرآن هر آنچه را مردم برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بدان نیازمندند ، به روشنی بیان کرده است .

و لکن . . . تفصیل کل شیء

توصیف قرآن به «هدی» و «رحمه» پس از «و لکن . . . تفصیل کل شیء» می رساند که مراد از «هر چیز» مسائل هدایتی و هر آنچه رحمت آفرین و مایه سعادت بشر می باشد ، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 29 - 3,4

3- تأثیر ایمان در سعادت دنیا و آخرت آدمی ، در گرو همراهی آن با اعمال صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن متاب

4- اعمال صالح بدون ایمان ، تضمین کننده سعادت دنیا و آخرت نیست .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن متاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 18 - 10

10- همراهی ایمان و عمل صالح ، تضمین کننده سعادت اخروی انسان است .

الذین کفروا برّهم أعملهم .. لایقدرون ممّا کسبوا علی شیء

خداوند در این آیه کفر را، که عقیده فاسدی است، موجب حبط عمل صالح دانسته و نتیجه اش شقاوت آلود بودن آخرت آدمی است. از این جا به دست می آید که عقیده درست، به اضافه عمل صالح، سعادت اخروی را تضمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 51 - 5

5- سرنوشت انسان و سعادت و شقاوت وی در روز قیامت بسته به چگونگی رفتار او در دنیا است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 46 - 4

4- تقوا، پیامددار فرجامی سعادت‌مند همراه با سلامتی و امنیت کامل در آخرت

ص: 194

إن المتقين في جنّات .. ادخلوها بسلم ءامين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 30 - 13,16

13- عقیده و عمل انسان ، دارای نقشی تعیین کننده در سعادت دنیوی و اخروی او

وقيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيراً للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنة

«اتقوا» دلالت بر عمل خوب و پسندیده می کند و «اذعان به خیر محض بودن قرآن» مشعر به عقیده خوب دارد که مجموعاً موجب دریافت حسنه دنیوی و اخروی می شوند.

16- تقوا و احسان ، پیامدار سعادت دنیوی و اخروی

للذين أحسنوا في هذه الدنيا حسنة .. ولنعم دار المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 19 - 4

4- اراده و تلاش خود انسان در سعادت و شقاوت اخروی وی نقش تعیین کننده دارد .

من كان يريد العاجله .. جعلنا له جهنم ... و من أراد الأخره و سعی لها سعیها ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 60 - 4

4- پرداخت زکات ، فقط باید برای جلب رضای خدا و دستیابی به سعادت اخروی باشد .

والذين يؤتون .. وقلوبهم ومله أنهم إلى ربهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - فرقان - 25 - 27 - 8

8- رستگاری اخروی مردمان ، وامدار چگونگی سیر و سلوک آنها در دنیا

يليتنى اتخذت مع الرسول سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 15 - 3

3 - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، از عوامل دستیابی به سعادت اخروی است .

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 43 - 10

10 - رویکرد تمام عیار به دین اسلام و قبول آن ، عامل نجات و سعادت انسان در قیامت است .

فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ .. . مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 195

14 - روم - 30 - 44 - 3،7

3 - عمل صالح ، زمینه تأمین سعادت اخروی است .

و من عمل صالحاً فلأنفسهم يمهدون

7 - برای سعادت اخروی ، ایمان همراه با عمل صالح ، لازم است .

و من عمل صالحاً فلأنفسهم يمهدون

از مقابله «من كفر» با «و من عمل صالحاً» استفاده می شود که «من آمن» در آن تضمین شده است. و ذکر نشدن «من آمن» به خاطر تلازم قطعی آن با «عمل صالح» است و بدون آن، عمل صالح، اثری نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 8 - 3

3 - ایمان توأم با عمل صالح ، شرط ثمربخشی آن دو ، در سعادت اخروی انسان است .

ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنـت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 14 - 7،8

7 - انسان ، در خوبی و یا بدی وضعیت اخروی خویش ، نقش اساسی دارد .

فذوقوا بما نسيتم . . . و ذوقوا . . . بما كنتم تعملون

8 - عقیده و عمل ، سازنده آخرت انسان است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا . . . و ذوقوا . . . بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 17 - 8،9

8 - خود انسان در سعادت اخروی اش دارای نقشی تعیین کننده است .

فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرّه عين جزاء بما كانوا يعملون

9 - خداوند ، انسان ها را به روی آوردن به انجام دادن عمل شایسته ، جهت نیل به سعادت اخروی تشویق کرده است .

فلا تعلم نفس ما أخفى لهم . . . جزاء بما كانوا يعملون

اعلام مخفی بودن پاداش مؤمنان و وصف ناپذیر بودنش برانگیزاننده انسان ها، جهت دستیابی به آن پاداش است و یادآوری جزای عمل، مزید بر تشویق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 19 - 9

9 - عقیده و عمل صالح ، در کسب سعادت اخروی نقشی تعیین کننده دارد .

أما الذين آمنوا و عملوا الصلحت فلهم جنت المأوى . . . بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 4 - 4

4 - انسان ها ، نقشی تعیین کننده در تأمین سعادت اخروی خود دارند .

ص: 196

ليجزى الذين آمنوا و عملوا الصلحت

«جزا»، پاداش در مقابل عمل است که به اضافه «مغفرت» و «رزق کریم» حکایت از سعادت می کند. گفتنی که نسبت ایمان و عمل صالح به انسان ها، حکایت از نقش آنها در حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 74 - 2

2- بی اثر بودن عبادت غیر خدا، برای سعادت انسان در آخرت

قالوا ضلّوا عنّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 19 - 6

6 - عملکرد دنیوی آدمیان، ملاک اصلی سعادت و شقاوت اخروی ایشان

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ... هِنِيًّا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

واژه «کنتم» (با فعل ماضی) اشاره به جهان گذشته (دنیا) دارد و تصریح به اعمال دنیوی، می رساند که تأثیر اصلی در سعادت و شقاوت عمل آدمی، در دنیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 6

6 - تأکید بهشتیان، به نقش عملکرد دنیوی آنان در سعادت اخروی ایشان

قالوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 9

9 - نیک بختی یا بدبختی انسان پس از مرگ، در گرو اعمال خوب یا بد او است.

وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ... وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 9 - 14

14 - ضرورت توأم بودن ایمان و عمل صالح ، در به دست آوردن کامیابی اخروی و بهشت جاویدان

و من يؤمن بالله و يعمل صلحًا يكفر عنه سيئاته . . . ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 28 - 2

2 - کارساز نبودن ثروت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

ما أغنى عني ماليه

ص: 197

136- عوامل سعادت اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 42 - 3

3- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله... لنبوئنهم فی الدنیا... ولأجر الآخره أكبر... الذی

137- عوامل محرومیت از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 5 - 4

4- دست یازیدن به آلودگی های جنسی ، برخاسته از ضعف ایمان و مایه محروم شدن از سعادت اخروی است .

قد أفلح المؤمنون... و الذین هم لفروجهم حفظون

138- عوامل مؤثر در سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 29 - 9

9- انسان ها ، در تعیین سرنوشت خود و سعادت اخروی شان ، نقش دارند .

إن كنتنّ تردن الله ورسوله و الدار الآخره فإنّ الله أعدّ للمحسنت... أجرًا

139- محرومان از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 5

5- محرومیت شرک پیشگان و منکران یگانگی خدا از سعادت اخروی

إلا من أتى الله بقلب سليم

140- مدعیان سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 13، 7، 1

1 - یهود، سرای آخرت و نعمت های آن را ویژه خویش می پندارند .

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. خالصه

تقدیم «لکم» بر «الدار الآخرة» مفید حصر و اختصاص است و «خالصه» - که حال برای «الدار» می باشد - بر این انحصار

ص: 198

و اختصاص تأکید می کند؛ زیرا خالص بودن به معنای اختصاص داشتن است.

7- ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند.

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

9- آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند.

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

13- اهل بهشت دانستن فرد یا طایفه ای خاص بدون داشتن برهان، باوری است باطل.

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین

141- منشأ سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 96 - 10

10- عمل مستمر خود انسان، منشأ برخورداری وی از فضل الهی و نیل به مقام معنوی و سعادت اخروی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

142- موانع سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 1

1- انسان، در معرض از دست دادن سعادت اخروی خویش به خاطر وابستگی به دنیا و متاع آن

وقالوا إن نتبع الهدی معك نتخطف من أرضنا .. و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه

آیه بالا در ادامه آیات پیشین و بیانگر پاسخی دیگر به مشرکان است؛ یعنی، همانانی که به خاطر دل بستگی زیاد به جان و مال و مرز و بوم خویش، به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می گفتند: اگر با تو همراه شویم و از هدایت الهی پیروی کنیم، مشرکان عرب ما را از سرزمین مان (مکه) خواهند ربود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 83 - 2

2- برتری جویی و فسادانگیزی در زمین ، مانع دستیابی انسان به سرای آخرت

تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوًا في الأرض ولا فسادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 29 - 2,5

2- کارساز نبودن قدرت من های ایمان ، در سعادت اخروی بشر

هلک عنی سلطنیه

5- قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

ص: 199

143- موانع سعادت اخروی قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 77 - 4

4- دلبستگی شدید قارون به اندوخته های خویش ، مانع از خرج کردن آنها در راه رضای خدا و تأمین سعادت اخروی خویش بود .

و ابتغ فيما آتیک اللہ الدار الآخره

144- نشانه های سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 12

12- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئک یقرءون کتبهم و لا یظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 32 - 3

3- برخوردارى تقوایبشگان از باغ ها و میوه جات بهشت و موهبت های مادی جهان آخرت نمونه ای از سعادت مندی آنها است .

مفازًا . حدائق و أعنبا

145- یأس یهود از سعادت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 1,4

1 - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن یتمنوه أبداً

4- یهودیان ، به خاطر ارتکاب گناهان ، امیدى به بهره مند شدن از سرای آخرت ندارند .

لن يتمنوه أبدأ بما قدمت أيديهم

سعادت طلبى

ص: 200

146- اهمیت سعادت طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 1

1 - هدف و آرمان انسان ، باید دستیابی به سعادت و نیکبختی اخروی باشد ؛ نه مظاهر فریبنده دنیا .

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور . سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنة

147- سعادت طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 135 - 6،7

6 - انسان ، جوینده فرجام نیک و پوینده مسیری است که آن را سعادت می پندارد.

اعملوا .. فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

7 - بهره برداری از تمایل انسان به فرجام نیک و حسن عاقبت ، روشی در تبلیغ و دعوت مردم به دین است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 42 - 7

7 - انسان ها خواهان سعادت همیشگی و عمری جاودانه اند .

هم فیها خلدون

وعدہ به پاداش در صورتی مؤثر و ترغیب کننده آدمی است که وی خواهان آن باشد.

148- سعادت طلبی اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 37 - 11

11 - تلاش برای تأمین توشه و سعادت اخروی ، همراه با تأمین زندگی دنیایی ، از ویژگی مردان الهی است .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله . . . يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و

149- سعادت طلبی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 74 - 1

1 - بندگان خالص خدا، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد.

والذین يقولون ربنا هب لنا من أزوجنا وذريّتنا قرّه أعين

ص: 201

درباره «من» در «من أزواجنا..» دو احتمال وجود دارد: 1- «من» ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد». 2- «من» بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: «به ما روشنی چشمان - که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

150- سعادت طلبی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 24 - 10

10 - قوم ثمود، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَلٌ وَسَعْرٌ

قوم ثمود با گفتن «إِنَّا إِذَا..»، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح (ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

151- سعادت طلبی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 4

4 - اهتمام تقوایبشگان به سعادت اخروی خانواده خویش و خیر خواهی شدید نسبت به آنان

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

152- سعادت طلبی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 21 - 3

3 - انسان مؤمن، در اندیشه سعادت نسل خویش در پرتو ایمان*

أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ

نوید در جایی صورت می گیرد که آدمی در انتظار و اشتیاق امر مورد نوید باشد. این که خداوند ملحق شدن نسل مؤمنان را به آنان نوید داده، نشانگر آن است که اشخاص مؤمن در آرزوی سعادت نسل خویش اند و این آرزویی به جا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 26 - 5

5- لزوم احساس مسؤولیت مؤمنان ، نسبت به سعادت و فرجام خویشاوندان خود

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين

از این که احساس مسؤولیت نسبت به خانواده، عامل رهیابی به بهشت معرفی شده است؛ اهمیت و ضرورت آن استفاده می

ص: 202

شود.

سعادت‌مندان

153- {سعادت‌مندان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 157 - 5

5- تنها مؤمنان صابر ، به موفقیت دست یافته و به هدف های خویش (سعادت دنیا و آخرت) خواهند رسید . *

و أولئك هم المهندون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 48 - 3

3- خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را ، به مصونیت از عذاب های دنیوی و اخروی و بهره مند شدن از نعمتهایی سعادت آفرین نوید داد .

اهبط بسلم منا .. و أمم سنمتعهم ثم یمسهم منا عذاب أليم

مقابله «سلام» با «عذاب أليم» حکایت از آن دارد که مراد از «سلام» مصونیت از عذابهایی دنیوی و اخروی است. تعبیرکردن از نعمت و موهبت‌های دنیوی به «برکت» در جانب اهل ایمان و تبدیل آن به «متاع» در جانب کفر پیشگان، اشاره به این نکته دارد که: نعمتهای ارزانی شده به مؤمنان، برای آنان سعادت آفرین است و موهبت‌های عطاشده به کفر پیشگان، فاقد این خصیصه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 105 - 6

6- موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران ، تشکیل دهنده گروه سعادت‌مندان قیامتند .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 18 - 1

1- نیک بختی و سعادت تنها از آن اجابت کنندگان دعوت خداوند است .

لذین استجابوا لربهم الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 29 - 2

2- فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مثاب

«مثاب» مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که «طوبی» مبتدا و «حسن مثاب» عطف بر آن و «لهم» خبر برای آن دو می باشد.

ص: 203

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 11 - 5

5 - خدا ترسان و پندپذیران ، سعادت‌مندان .

سیدِّکَر من یخشی . و یتَجَبَّها الأَشقی

این آیه با آیه قبل، دارای «احتباك» (از وجوه بلاغت) است؛ یکی از «خشیت» سخن گفته و دیگری از «شقاوت» و بیان نقطه مقابل هر یک را به قرینه بودن دیگری موكول کرده است؛ بدین معنا که اهل خشیت، نقطه مقابل «شقاوت»؛ یعنی، سعادت را دارند و اهل «شقاوت» گرفتار نقطه مقابل «خشیت»؛ یعنی، گستاخی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 14 - 2

2 - مردمان تذکرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، ورستگارانند .

سیدِّکَر من یخشی . . . قد أفلح من تزکِّی

مصدق مورد نظر از «من تزکی» - به قرینه آیات پیشین - همان مصدق «من یخشی» است.

154- پاداش اخروی سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 14

14- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . . . و لا یظلمون فتیلاً

155- حسابرسی اخروی سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 14

14- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . . . و لا یظلمون فتیلاً

156- سعادت‌مندان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 12، 13

12 - سعادت‌مندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن النَّارِ وادخل الجنة فقد فاز

ص: 204

«زحزح»، از مصدر «زحزحه»، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

13 - بهشت ، جایگاه سعادت‌مندان

فمن زحزح . . . و ادخل الجنة فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 108 - 1

1- بهشت ، جایگاه سعادت‌مندان صحنه قیامت است .

و أما الذين سعدوا ففي الجنة خلدین فیها

157- سعادت‌مندان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 105 - 4

4- انسان ها در قیامت ، به دو گروه تیره بختان و سعادت‌مندان تقسیم خواهند شد .

فمنهم شقی و سعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 13

13- سعادت‌مندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك یقرءون کتبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 7 - 2، 1

1 - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزواجاً ثلثه

بیان «أزواجاً ثلاثه» محذوف و تقدیر آن چنین است: «و کنتم أزواجاً ثلاثه: اصحاب المیمنه و اصحاب المشئمه و السابقون». در آیات بعد

به تفصیل وضعیت این سه دسته تبیین شده است.

2 - حضور انسان ها در قیامت در سه دسته مختلف و دست یافتن آنها به سعادت و یا گرفتار شدن در شقاوت و بدبختی ، فرجامی قطعی و غیر قابل تردید

و کنتم أزوجًا ثلثه

تعبیر «کنتم» به صیغه ماضی، بیانگر آن است که حضور در رستاخیز، چنان حتمی و غیرقابل تردید است که گویا در گذشته محقق شده است.

158- فضایل سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 205

12 - سعادت‌مندی رهایی یافتگان از آتش و ره یافتگان به بهشت

فمن زحزح عن التّار و ادخل الجنّه فقد فاز

«زحزح»، از مصدر «زحزحه»، به معنی دور شدن و کنایه از نجات یافتن است.

13 - بهشت ، جایگاه سعادت‌مندان

فمن زحزح . . . و ادخل الجنّه فقد فاز

159- کمی سعادت‌مندان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 71 - 3

3 - وجود عده اندکی هدایت یافته و سعادت‌مند ، در میان امت های پیشین

و لقد ضلّ قبلهم أكثر الأولین

تعبیر گمراه شدن اکثریت مردم، می رساند که عده ای هرچند در اقلیت، از میان مردم به راه هدایت و سعادت دست یافته اند.

160- نامه عمل سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 71 - 13

13- سعادت‌مندان ، نامه اعمال خویش را در قیامت ، خود مورد مطالعه قرار می دهند .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك يقرءون کتبهم

ص: 206

10- سعیر

1- سعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 4 - 6

6- سعیر ، از نام های دوزخ است .

إلى عذاب السعير

2- جایگاه سعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 97 - 13

13- « علی بن الحسین (ع) قال : إن فی جهنم وادياً یقال له : سعیر ، إذا خبت جهنم فتح سعیرها و هو قوله : « کَلِّمًا خبت زدناهم سعیراً » ;

امام سجاد فرمود: همانا در جهنم وادی وجود دارد که به آن «سعیر» گفته می شود و آن گاه که آتش جهنم فروکش کند، سعیر جهنم گشوده گردد و آن سخن خداوند است که می فرماید: کَلِّمًا خبت زدناهم سعیراً».

3- سعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 64 - 3

3- « سعیر » ، از نام های جهنم است .

و أعدّ لهم سعيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 6 - 11

11 - سعیر ، از نام های دوزخ

أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 71 - 24

24 - « عن أمير المؤمنين (ع) إن جهنم لها سبعة أبواب ، أطباق بعضها فوق بعض . . . و وضع النيران بعضها فوق بعض فأسفلها جهنم ، و فوقها لظى و فوقها الحطمه فوقها سقر ، و فوقها الجحيم و فوقها السعير و فوقها الهاويه ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: جهنم هفت در ورودی دارد که آنها به صورت طبقاتی بر یکدیگر قرار گرفته اند. . . و آتش ها بعضی بر بالای بعضی دیگر قرار دارد که طبقه زیرین آن جهنم است و طبقات بالاتر آن [به ترتیب] لظى، حطمه، سقر، جحیم، سعیر و هاویه می باشد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 7 - 26

26 - « سعير » از نام های دوزخ

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 5 - 15

15 - « سعير » ، از نام های دوزخ

عذاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 10 - 8

8 - « سعير » ، از نام های دوزخ

ما کتآ فی أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 11 - 4

4 - « سعير » ، از نام های دوزخ

لأصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشفاق - 84 - 12 - 2

2- « سعير » ، از نام های جهنم است .

سعيراً

ص: 208

11- سعی صفا و مروه

1- سعی صفا و مروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 -

2,5,6,7,8,10,11,12,13,14,17

2 - طواف صفا و مروه (سعی میان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه . . . فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن يطوف بهما

«اعتمار» (مصدر اعتمر) به معنای: زیارت کردن و نیز انجام دادن عمره است. تفریح «من حج البيت ...» بر معرفی صفا و مروه به عنوان علامتی بر جایگاه عبادت، گویای این است که: اولاً، طواف صفا و مروه - که از آن به سعی میان صفا و مروه تعبیر می کنند - عبادت خداست و ثانیاً، این عبادت از اعمال و مناسک حج و عمره می باشد.

5 - سعی میان صفا و مروه، از اعمال نیک حج و عمره است .

فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن يطوف بهما و من تطوع خيراً

مصدق مورد نظر برای «خیراً»، به قرینه جمله قبل، سعی میان صفا و مروه است.

6 - برخی از مسلمانان صدر اسلام، از انجام سعی میان صفا و مروه، اکراه داشته و آن را از مناسک حج نمی پنداشتند .

فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن يطوف بهما

نفی اشکال از سعی میان صفا و مروه با جمله «فلا جناح . . .» گویای این است که: مسلمانان از انجام آن عمل اکراه داشته و منشأ آن - چنانچه در شأن نزول آمده - وجود بتهایی بود که مشرکان در صفا و مروه بین آن دو نصب کرده بودند.

7 - خداوند به اعمال زائران خانه خدا (به جا آوردن حج و عمره و سعی میان صفا و مروه) آگاه است .

فمن حج البيت أو اعتمر . . . و من تطوع خيراً فإن الله شاکر علیم

8 - کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خيراً فإن الله شاکر علیم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

10 - امام باقر (ع) فرمود: «... قال الله عز وجل: «ان الصفا و المروه من شعائر الله فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما» الا ترون ان الطواف بهما واجب مفروض لان الله عز وجل ذكره في كتابه و صنعه نبيه (ع)...» ;

... خداوند عز و جل فرمود: «ان الصفا و المروه من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما» آیا نمی بینید که طواف (سعی) در صفا و مروه واجب است؛ چون خدای عز و جل آن را در کتابش [تشریح] فرموده و این سعی را رسول خدا نیز انجام داده است ...».

11 - عبید بن زرارہ گفت ، از امام صادق (ع) سؤال کردم : ... حضرت فرمودند : «... السعی سنه من رسول الله قلت أليس الله يقول : ان الصفا و المروه من شعائر الله قال : بلى و لكن قد قال فيهما « و من تطوع خيراً فان الله شاكر عليم » فلو كان السعی فريضه لم يقل و من تطوع خيراً» ;

ص: 209

... سعی [بین صفا و مروه] سنتی از رسول خداست [ارای گوید] گفتیم: آیا خداوند فرموده: «ان الصفا و المروه من شعائرالله؟» فرمودند: بله و لکن فرموده: «و من تطوع خيراً فإن الله شاكر عليم» پس اگر سعی بین صفا و مروه فریضه بود، نمی فرمود: «و من تطوع خيراً» (آن را داوطلبانه انجام دهد)».

12 - بعضی از اصحاب گویند: از امام صادق (ع) از سعی بین صفا و مروه سؤال شد، حضرت فرمود: «... کان ذلك فی عمره القضاء ان رسول الله (صلی الله علیه و آله) شرط علیهم أن یرفعوا الاصنام من الصفاء و المروه... فقالوا یا رسول الله ان فلاناً لم یسع بین الصفاء و المروه و قد اعيدت الاصنام فأنزل الله عز و جل «فلا جناح علیہ ان یتطوف بهما» ای و علیهما الأصنام;

[شأن نزول (لا جناح...)] در عمره القضاء بود که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - با مشرکان شرط کرد که بتها را از صفا و مروه بردارند... و گفتند: ای رسول خدا! فلان کس سعی بین صفا و مروه را انجام نداده است و الان بتها را به آن جا آورده اند؛ پس خداوند عز و جل فرمود: «فلا جناح علیہ ان یتطوف بهما»؛ یعنی، مانعی نیست در حالی که بتها در [مطاف سعی] هستند، سعی بین صفا و مروه را انجام دهند».

13 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «ان الصفا و المروه من شعائر الله» فأبده بما بدء الله تعالى به و ان المسلمین كانوا یظنون ان السعی بین الصفا و المروه شیء صنعه المشرکون فأنزل الله عز و جل «ان الصفا و المروه من شعائر الله...» .

صفا و مروه از شعائر الهی است پس [سعی] را شروع نما از جایی که خداوند [در آیه شریفه] در بیانش شروع نموده و مسلمانان گمان می کردند که سعی بین صفا و مروه چیزی است که مشرکان آن را بنا نهاده اند؛ پس خداوند عز و جل آیه فوق را نازل کرد: «ان الصفا و المروه من شعائر الله...».

14 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «انما جعل... السعی بین الصفا و المروه... اقامه لذكر الله لا لغيره» ;

همانا... سعی بین صفا و مروه... برای بر پا داشتن ذکر و یاد خداست، نه غیر آن».

17 - «عن الحلبي قال : سألت ابا عبد الله (ع) عن المرأة تطوف بين الصفا و المروه و هي حائض قال : لا لان الله تعالى يقول «ان الصفا و المروه من شعائر الله» ;

حلبی گوید از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا زن حائض می تواند سعی بین صفا و مروه را انجام دهد؟ امام فرمود: نه، خداوند فرموده: صفا و مروه از شعائر خداست».

2- سعی صفا و مروه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 - 6

6 - برخی از مسلمانان صدر اسلام، از انجام سعی میان صفا و مروه، اکراه داشته و آن را از مناسک حج نمی پنداشتند.

فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن يطوف بهما

تفی اشکال از سعی میان صفا و مروه با جمله «فلا جناح . . .» گویای این است که: مسلمانان از انجام آن عمل اکراه داشته و منشأ آن - چنانچه در شأن نزول آمده - وجود بت‌هایی بود که مشرکان در صفا و مروه بین آن دو نصب کرده بودند.

3- عبادیت سعی صفا و مروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 - 2

ص: 210

2- طواف صفا و مروه (سعی میان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه .. فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن يطوف بهما

«اعتمار» (مصدر اعتمر) به معنای: زیارت کردن و نیز انجام دادن عمره است. تفریع «من حج البيت ...» بر معرفی صفا و مروه به عنوان علا-متی بر جایگاه عبادت، گویای این است که: اولاً، طواف صفا و مروه - که از آن به سعی میان صفا و مروه تعبیر می کنند - عبادت خداست و ثانیاً، این عبادت از اعمال و مناسک حج و عمره می باشد.

4- فلسفه سعی صفا و مروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 158 - 15، 16، 18

15 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « جعل السعی بین الصفا و المروه مذله للجبارین ;

خداوند، سعی صفا و مروه را برای مذلت و خواری گردنکشان قرار داده است».

16 - از امام صادق (ع) [درباره فلسفه هروله بین صفا و مروه] روایت شده که فرمود: « صار السعی بین الصفا و المروه لان ابراهیم (ع) عرض له ابلیس فأمره جبرئیل فشد علیه فهرب منه فجرت به السنه (یعنی بالهروله) ;

ابلیس بر ابراهیم(ع) نمایان شد، جبرئیل به ابراهیم(ع) دستور داد که بر او حمله کند و او حمله کرد و ابلیس فرار نمود [و ابراهیم(ع) در پی او دوید] پس سنت [هروله بین صفا و مروه] قرار داده شد».

18 - از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: « ان ابراهیم (ع) لما خلف اسماعیل بمکه عطش الصبی . . . فخرجت امه حتی قامت علی الصفا . . . فمضت حتی انتهت الی المروه . . . ثم رجعت الی الصفا . . . حتی صنعت ذالک سبعاً فأجرى الله ذالک سنه . . . ;

زمانی که ابراهیم(ع)، اسماعیل را در مکه باقی گذاشت، اسماعیل بشدت تشنه شد . . . پس مادرش [هاجر در طلب آب] بیرون رفت تا بر کوه صفا قرار گرفت . . . و سپس به کوه مروه رفت . . . و دوباره به کوه صفا بازگشت . . . تا اینکه این عمل (رفت و برگشت) را هفت بار انجام داد؛ پس خدا این عمل را (سعی بین صفا و مروه) به عنوان سنت قرار داد . . . ».

ص: 211

1- آثار سفاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 4

4 - پذیرفتن احکام الهی و اعتراض به آنها ، برخاسته از سفاقت و کم خردی است .

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلِيَهُمْ عَن قِبَلَتِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 2،4

2 - قربانی کردن فرزندان، عملی برخاسته از سفاقت و جهل است.

قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

4 - جهل و سفاقت، عامل انحراف و زیانکاری است.

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 14

14 - صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتى يبلغ أشده

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین

یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

2- انبیا و سفاقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 67 - 4

4- هود و دیگر پیامبران الهی ، مبرا از هر گونه سفاهت و کم خردی

قال یقوم لیس بی سفاهه

هود در بیان علت پیراستگی خود از سفاهت جمله «و لکنی رسول . . .» را به کار برد تا این نکته را گوشزد کند که ره یافتن

ص: 212

سفاهت در رسولان الهی امکان پذیر نیست.

3- تبرئه از سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 67 - 4، 3، 1

1 - هود با پاسخی رأفت آمیز به قوم خود ، خویشان را از هر گونه سفاهت و دروغگویی مبرا دانست .

قال يقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

3 - هود با استناد به رسالت الهی خود ، خویشان را از هر گونه سفاهت و کم خردی مبرا دانست .

قال يقوم لیس بی سفاهه و لکنی رسول من رب العلمین

4 - هود و دیگر پیامبران الهی ، مبرا از هر گونه سفاهت و کم خردی

قال يقوم لیس بی سفاهه

هود در بیان علت پیراستگی خود از سفاهت جمله «و لکنی رسول .. » را به کار برد تا این نکته را گوشزد کند که ره یافتن سفاهت در رسولان الهی امکان پذیر نیست.

4- تهمت سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 66 - 2

2 - اشراف کفرپیشه قوم هود ، وی را به سفاهت و دروغگویی متهم کردند .

قال الملائه الذین کفروا .. انا لنریک فی سفاهه و انا لنظنک من الکذبین

5- تهمت سفاهت به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 3، 4، 6

3 - مؤمنان راستین در دیدگاه منافقان ، مردمی سفیه و بی خردند .

قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

4- بیمار دلی اهل نفاق، منشأ متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی است.

فی قلوبهم مرض .. قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

6- منافقان، با متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی، دعوت به ایمان را پذیرا نبودند.

قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء

ص: 213

6- سفاهت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 4 - 4

4 - جن ، دارای عقل و در معرض سفاهت و کم خردی

و أنه كان يقول سفیهنا علی اللّٰه شیطاً

7- سفاهت جنیان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 4 - 1

1 - اعتراف ایمان آورندگان از جن ، به سفاهت و کم خردی مشرکانشان

و أنه كان يقول سفیهنا علی اللّٰه شیطاً

8- سفاهت شرابخوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 15

15 - ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار ، به دلیل سفاهت وی

و لا تؤتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: «و لا تؤتوا السفهاء اموالکم» فای سفیه اسفه من شارب الخمر؟

کافی، ج 5، ص 299، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 443، ح 52.

9- سفاهت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 50 - 2

2- کافران لجوج و پندناپذیر، مردمی ابله و نابخرداند.

کأنهم حمر مستنفره

مطلب یاد شده، از تشبیه کافران به «گورخران رمیده»، استفاده می شود.

ص: 214

10- سفاهت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 60 - 9

9- نکوهش خداوند از مشرکان بهانه جو، به خاطر انتخاب نابخردانه آنان (انتخاب زندگی دنیوی به بهانه از دست دادن سعادت اخروی)

وقالوا إن نَّبَع الهدی معک نتخطف من أرضنا .. و ما أوتیتم من شیء فمتع الحیوه

11- سفاهت مشرکان دوران جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 6

6 - مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا أولدهم سفها بغیر علم

«باء» در «بغیر علم» به معنای ملامت و وصف برای «سفها» است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

12- سفاهت مکذبان محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 52 - 3

3- درخواست نامه های سرگشاده و جداگانه برای خود، جلوه نابخردی و سبک مغزی کافران مخالف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فما لهم عن التذکره معرضین .. بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

13- سفاهت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 13 - 8,9

8 - منافقان، خود مردمی سفیه و بی خردند.

ألا إنهم هم السفهاء

مقرون بودن خبر به «ال» و نیز وجود ضمیر فصل در جمله «ألا إنهم . . .» از حصر حکایت دارد و این حصر به اصطلاح «حصر» اضافی است. بنابراین معنای جمله چنین است: منافقان بی خردند، نه مؤمنان راستین.

9 - منافقان ، بی خبر از سفاقت و بی خردی خویش

ألا إنهم هم السفهاء ولكن لا يعلمون

ص: 215

14- سفاهت هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 21

21- اسیران دام هوس و تمایلات جنسی نامشروع، از زمره سفیهان و بی خردانند.

أصب إلهين و أكن من الجهلين

15- علمای یهود و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 76 - 8،12

8 - پیشوایان یهود، بازگویی صفات پیامبر موعود و اعتراف به حقانیت او را، نشانه بی خردی بازگو کننده می شمردند.

أتحدثونهم .. أفلا تعقلون

12 - پیشوایان و عالمان یهود، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند.

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم .. أفلا تعقلون

16- عوامل سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 22

22- ارتکاب گناه، سفاهت و بی خردی است.

أصب إلهين و أكن من الجهلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 6 - 7

7 - پناه بردن گروهی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به برخی از مردان جن، موجب فزونی سفاهت و سبک سری آن گروه می شد.

17- عوامل سفاهت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 6 - 4

4 - پناه بردن برخی از مردان در مشکلات و اضطراب ها به گروهی از مردان جن ، بر سفاهت و سبک سری جن می افزود .

«رَهَق» در معانی سفاهت، گناه و عمل زشت، کذب و ظلم به کار می رود؛ ولی به قرینه آیه 4 همین سوره (وَأَنَّهُ كَانَ يَفُولُ سَفِيهًا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا) معنای اول مراد است. گفتنی است درباره ضمیر فاعلی و ضمیر «هم» در «فزادوهم»، دو احتمال هست: 1- ضمیر فاعلی به رجال انس و ضمیر «هم» به رجال جن باز گردد؛ 2- عکس صورت اول. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

18- قوم عاد و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 69 - 3

3- ادعای پیامبری از سوی هود (ع)، نشانه سفاهت وی در پندار قوم عاد

إِنَّا لَنُرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ .. أَوْ عَجَبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذَكَرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رِجْلِ مَنْكُم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 3,8

3- یکتاپرستی و گرایش توحیدی، در پندار قوم عاد، سفاهت و نابخردی بود.

إِنَّا لَنُرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ .. أَجَبْتُنَا لِنُعْبِدَ اللَّهَ وَحْدَهُ

جمله «أَجَبْتُنَا ..» بیانگر ریشه سفیه پنداشتن هود از سوی قوم عاد است.

8- مخالفت با سنن قومی، در پندار قوم عاد، سفاهت و نابخردی بود.

إِنَّا لَنُرِيكَ فِي سَفَاهَةٍ .. وَنَذَرُ مَا كَانَ يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا

19- مؤمنان و سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 100 - 7

7- اهل ایمان، از عقل و خرد برخوردار و از نادانی و سفاهت مبرا هستند.

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ .. وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

20- نشانه های سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- روی گردانی از اسلام ، نشانه سفاهت و معلول بی خردی است .

ربنا وابعث فيهم رسولا .. و من يرغب عن ملة ابراهيم الا من سفه نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 217

5- نسخ احکام دین امری ممکن و ناروا شمردن آن ، نشانه سفاهت و کم خردی است .

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلِيَهُمْ عَن قِبَلَتِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 4 - 3

3- سخن نسنجیده و نابجا درباره خداوند ، نشانه سفاهت و کم خردی است .

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

«شَطَطٌ» به سخن ظالمانه و به دور از حق گفته می شود. (مفردات راغب)

21- نشانه های سفاهت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 50 - 4

4- روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوتاه فکری آنان بود .

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ . كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ

22- یوسف (ع) و عوامل سفاهت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 18

18- یوسف (ع) پذیرش تقاضای نامشروع زلیخا و همپالگی های او را ، سقوط به ورطه سفاهت و بی خردی می دانست .

وإِلَّا تَصْرَفُ . . . أَصْبِإِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِنَ الْجَاهِلِينَ

جهل به معنای سفاهت در مقابل عقل ، و نیز به معنای نادانی در مقابل علم می باشد. برداشت فوق ، ناظر به معنای نخست است.

1- سفر با ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 19

19 - سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من ینخرج من بیته مهاجراً الی اللّٰه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّٰه

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ اللّٰه عزّ و جل یقول: و من ینخرج من بیته مهاجراً الی اللّٰه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّٰه. . .

اصول کافی، ج 1، ص 378، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 540، ح 522.

2- سفر با کشتی بادبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 22 - 8

8 - دریانوردی با کشتی های بادبانی ، سفری آمیخته با بیم و امید

حتی إذا کنتم فی الفلک . . . و فرحوا بها . . . و ظنوا أنهم أحیط بهم

3- سفر های ترسناک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 22 - 8

8 - دریانوردی با کشتی های بادبانی ، سفری آمیخته با بیم و امید

حتی إذا کنتم فی الفلک . . . و فرحوا بها . . . و ظنوا أنهم أحیط بهم

4- مدت سفر ملائکه حامل تدبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 5 - 11

11 - مدت سفر فرشته حامل فرمان تدبیر خداوند برای آوردن پیام، مدتی در حدود هزار سال به حساب دنیوی است.

يُدبِّرُ الْأَمْرَ... ثُمَّ يَعْرَجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

5- نماز در سفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 101 - 1

1 - کاستن از نماز در سفر، به هنگام ترس از دشمن، هیچ گناهی ندارد.

وإذا ضربتم... فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوة ان خفتم ان يفتنكم

جمله «فليس...»، در حقیقت جواب برای «اذا ضربتم» و «ان خفتم» است. یعنی مسافرت و ترس از فتنه گری دشمن دو شرط لازم برای کاستن از نماز است.

6- وصیت در سفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 3,5

3 - سهل انگاری در وصیت به هنگام مشاهده آثار مرگ - هر چند در سفر و دیار کافران - امری ناشایست برای اهل ایمان

إذا حضر احدكم الموت حين الوصية

«حين الوصية» بدل از «اذا» می باشد، یعنی هنگام مشاهده آثار مرگ هنگام پرداختن به وصیت است نه انجام کاری دیگر و این گویای تأکید الهی بر امر وصیت می باشد.

5 - شهادت دو مرد غیر مسلمان، کافی برای اثبات وصیت و حدود آن، در صورتی که وصیت کننده در مسافرت بمیرد و در آستانه مردن وصیت کند.

وإخوان من غيركم ان انتم ضربتم في الارض فاصبتكم مصيبة الموت

1- سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 10،15

10 - افرادی که اموال خویش را در غیر مصالح جامعه به کار می گیرند ، در تلقی دین ، سفیه هستند . *

اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

جمله «لا توتوا السّفهاء اموالکم الّتی . . . قیاماً»، می رساند که خداوند از آن جهت پرداخت اموال سفیهان را به آنان ممنوع کرده که آن را در غیر مصالح جامعه و قوام و برپایی آن مصرف می کنند. بنابراین، مصرف مال در غیر مصلحت جامعه، مصرفی سفیهانه و مصرف کننده آن، سفیه است.

15 - ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار ، به دلیل سفاهت وی

ولا توتوا السّفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: «ولا توتوا السّفهاء اموالکم» فایّ سفیه اسفه من شارب الخمر؟

کافی، ج 5، ص 299، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 443، ح 52.

2- احکام سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 13،15،16،7،5،4،1

1 - ثروت ها ، نباید در اختیار سفیهان قرار گیرد .

ولا توتوا السّفهاء اموالکم

4 - جواز پرداخت اموال کم ارزش سفیهان به آنان

ولا توتوا السّفهاء اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

به آن احتمال که «الّتی جعل . . .»، قیدی احترازی باشد، بر این مبنا می توان اموالی که ارزش اقتصادی چندانی ندارد، در اختیار سفیه قرار

داد.

5- اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

ولا تُؤْتوا السّفهاء اموالکم

ص: 221

جمله «لا توتوا ..» (اموال را به سفیهان نپردازید)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان باید در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی توانند همه مسلمانان باشند، به نظر می رسد خطاب متوجه ولی سفیه است.

7- امور اقتصادی جامعه، نباید در دست سفیهان قرار گیرد.

ولا توتوا السفهاء اموالکم

12- تأمین خوراک و پوشاک (مخارج زندگی) سفیهان، بر عهده جامعه است.

وارزقوهم فیها واکسوهم

13- لزوم به جریان انداختن سرمایه سفیهان، و تأمین آنان از سود آن

وارزقوهم فیها واکسوهم

خداوند مقرر داشته است که روزی سفیهان در اموال آنان باشد و نه از اموال آنان و لذا فرمود: «وارزقوهم فیها» و فرمود: «منها». تنها راهی که می تواند این معنا را تأمین کند این است که سرمایه آنان در جریان افتد و از سود به دست آمده زندگی آنان تأمین گردد.

15- ممنوعیت سپردن اموال به شرابخوار، به دلیل سفاهت وی

ولا توتوا السفهاء اموالکم

امام صادق (ع) در مقام نهی از امین قرار دادن شرابخوار فرمود: «ولا توتوا السفهاء اموالکم» فای سفیه اسفه من شارب الخمر؟

کافی، ج 5، ص 299، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 443، ح 52.

16- ضرورت پرهیز از سپردن اموال به سفیهان، برای جلوگیری از اتلاف و تباه شدن آن

ولا توتوا السفهاء اموالکم

امام باقر (ع): .. انّ الله نهی عن ... وفساد المال ... انّ الله عز و جل يقول ... ولا توتوا السفهاء اموالکم ...

کافی، ج 5، ص 300، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 442، ح 55.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 3

3 - در انفاق به سفیهان ، نباید مال را در اختیار آنان قرار داد . *

و لا تَوْتُوا السَّفِيهَاءَ اموالکم

برخی برآنند که مراد از «ایتاء»، انفاق بر آنان است ؛ یعنی به هنگام انفاق بر آنان، اموالتان را در اختیار آنان قرار ندهید، بلکه در جهت منافع آنان به کار گیرید.

4- تأمین سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 12،13

ص: 222

12 - تأمین خوراک و پوشاک (مخارج زندگی) سفیهان ، بر عهده جامعه است .

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

13 - لزوم به جریان انداختن سرمایه سفیهان ، و تأمین آنان از سود آن

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

خداوند مقرر داشته است که روزی سفیهان در اموال آنان باشد و نه از اموال آنان و لذا فرمود: «و ارزقوهم فیها» و نفرمود: «منها». تنها راهی که می تواند این معنا را تأمین کند این است که سرمایه آنان در جریان افتد و از سود به دست آمده زندگی آنان تأمین گردد.

5- حقوق سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 17

17 - تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان كان الذی علیه الحقّ .. فلیملل ولیّه بالعدل

6- کفالت بر سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 18

18 - سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولیّ و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان كان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً .. فلیملل ولیّه بالعدل

7- کفالت سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 5

5 - اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

ولا تؤتوا السفهاء اموالکم

جمله «لا توتوا ..» (اموال را به سفیهان نپردازید)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان باید در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی توانند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجه ولی سفیه است.

8- کفیل سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 223

16 - وجوب املای اسناد دین و مبادلات نسبه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیون سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املای اسناد

فان كان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعيفاً او لا يستطيع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

9- مال سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 13، 4، 5

4 - جواز پرداخت اموال کم ارزش سفیهان به آنان

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم الّتی جعل اللّٰه لکم قیاماً

به آن احتمال که «الّتی جعل .. .»، قیدی احترازی باشد، بر این مبنا می توان اموالی که ارزش اقتصادی چندانی ندارد، در اختیار سفیه قرار داد.

5 - اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

جمله «لا تؤتوا .. .» (اموال را به سفیهان نپردازید)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان باید در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی تواند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجّه ولیّ سفیه است.

13 - لزوم به جریان انداختن سرمایه سفیهان ، و تأمین آنان از سود آن

و ارزقوهم فیها و اکسوهم

خداوند مقرر داشته است که روزی سفیهان در اموال آنان باشد و نه از اموال آنان و لذا فرمود: «و ارزقوهم فیها» و فرمود: «منها». تنها راهی که می تواند این معنا را تأمین کند این است که سرمایه آنان در جریان افتد و از سود به دست آمده زندگی آنان تأمین گردد.

10- محجوریت سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 3، 2

2 - محجور بودن سفیه ، از تصرف در اموال

و لا تَوْتُوا السَّفَهَاءَ امْوَاطِكُمْ

3- در انفاق به سفیهان، نباید مال را در اختیار آنان قرار داد. *

و لا تَوْتُوا السَّفَهَاءَ امْوَاطِكُمْ

برخی برآنند که مراد از «ایتاء»، انفاق بر آنان است؛ یعنی به هنگام انفاق بر آنان، اموالتان را در اختیار آنان قرار ندهید، بلکه در جهت منافع آنان به کار گیرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 34 - 14

ص: 224

14- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشده

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

11- معاشرت با سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 5 - 14

14 - لزوم برخورد شایسته و سازنده در گفتار و رفتار با سفیهان

وقولوا لهم قولاً معروفاً

در برداشت فوق کلمه «قولاً» به معنای کنایی آن، یعنی مطلق معاشرت (سخن و رفتار)، گرفته شده است.

سفیهان

12- {سفیهان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 130 - 2

2- تنها سفیهان و بی خردان از آیین ابراهیم روی گردان شده و آن را نمی پذیرند .

و من یرغب عن مله ابرهیم إلا من سفه نفسه

کلمه «رغبه» و مشتقات آن، چنانچه با حرف «عن» متعدی شود، به معنای اعراض و روی گردانی است. «مَن» در «مَن یرغب» اسم استفهام می باشد و استفهام در اینجا استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 140 - 6

6 - مشرکان عصر جاهلی به سفاهت خویش در فرزندکشی ناآگاه بودند.

قد خسر الذین قتلوا اولدهم سفها بغیر علم

«باء» در «بغیر علم» به معنای ملبسه و وصف برای «سفها» است. لذا معنی آیه چنین می شود: سفاهتی خالی از علم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 33 - 21

21- اسیران دام هوس و تمایلات جنسی نامشروع، از زمره سفیهان و بی خردانند.

أصب إليهنّ وأكن من الجهلین

ص: 225

13- سفیهان و تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 142 - 3

3 - سفیهان و بی خردان ، تغییر قبله را امری ناروا می شمردند و مورد اعتراض قرار می دهند .

سيقول السفهاء من الناس ما وليهم عن قبلتهم التي كانوا عليها

ص: 226

1- اهميت سقايت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 32 - 33

33 - سيراب نمودن تشنه ای که به آب دسترسی ندارد ، به منزله احیای اوست .

و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

امام صادق(ع): . . . و من سقى الماء فى موضع لا يوجد فيه الماء كان كمن احيا نفساً و «من احياها فکانما احيا الناس جميعاً».

کافی، ج 4، ص 57، ح 3؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 464، ح 9.

2- سقايت حاجيان در جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 19 - 3

3 - سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقاياه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله . . . و جهد فى سبيل اللّ

3- فضيلت سقايت حاجيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 19 - 10

10 - ابوبصير از امام باقر يا امام صادق - عليهما السلام - درباره قول خدای عز و جل « أ جعلتم سقاياه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر » روايت کرده است : « نزلت فى حمزه و على و جعفر و العباس و شيبه . . . و كان على (ع) و حمزه و جعفر الذين آمنوا بالله و اليوم الآخر و جاهدوا فى سبيل الله لا يستون عند الله » ;

این آیه شریفه درباره حمزه، علی، جعفر، عباس و شیبه نازل شده که آنان (عباس و شیبه) به منصب آب رسانی به حاجیان و پرده داری کعبه افتخار می کردند، پس خداوند عز جل این آیه را نازل فرمود: آیا منصب آب رسانی به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را با [عمل] کسی

که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و در راه خدا جهاد کرد. همانند قرار داده اید؟ آنان نزد خدا مساوی نیستند!».

ص: 227

4- قیاس سقایه حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 1

1 - سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّٰه و الیوم الآخر و جهد فی

ص: 228

1- آثار سکوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 29 - 4

4- جنیان ، همانند انسان نیازمند سکوت و آرامش برای درک مفاهیم

فلما حضروه قالوا أنصتوا

تعبیر «أنصتوا» و فراخواندن به سکوت برای فهم بهتر و دقیق تر سخن است؛ هرچند تلاش برای فهم بهتر، خود احترام نهادن بر سخن و گوینده نیز می باشد.

2- روزه سکوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 41 - 15، 9

9- وجود روزه سکوت (خودداری از سخن گفتن) در ادیان گذشته *

قال ایتک الا تکلم الناس

15 - سه روز روزه سکوت (سخن نگفتن جز با رمز و اشاره) ، کثرت ذکر خدا و تسبیح او ، دستورالعمل خدا به زکریا برای دستیابی به خواسته خویش (فرزند صالح) *

قال ایتک الا تکلم . . . و اذکر ربک کثیراً و سبح

در برداشت فوق، فعل «الا- تکلم» که به صیغه نفی است، به معنای نهی گرفته شده است؛ به قرینه فعل امر «اذکر» که بر آن عطف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 19، 20

19- لزوم ترک سخن با انسان ها در طول روز ، از احکام روزه در آیین مریم (س) (دین یهود)

إتی نذرت للرحمن صوماً فلن أكلم اليوم إنسیاً

روزه ای که مریم(س) نذر کرد به دو صورت نقل گردیده است: 1- به صورت امساک از طعام و سخن، چون در شریعت آن زمان، روزه دار می بایست از سخن نیز اجتناب کند 2- به صورت روزه سکوت که روزه دار، فقط از سخن اجتناب می کرد. ظاهر آیه متناسب با صورت اول است، چرا که او نذر مطلق روزه کرده و سخن نگفتن را متفرع بر آن ساخته است.

ص: 229

20- در آیین مریم (دین یهود) روزه دار به سخن گفتن با غیر انسان ها و ذکر خداوند مجاز بود .

إِثْمِي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

«إِنْسِيًّا»؛ یعنی، یک انسان (قاموس). جمله «لَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» تفریع بر «إِثْمِي نَذَرْتُ» می باشد؛ یعنی، چون نذر روزه کرده ام، با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. از این تفریع چنین بر می آید که در آیین یهود، روزه دار نباید با انسانی تکلم کند؛ ولی ذکر گفتن و با خداوند مناجات کردن منعی نداشته است.

3- روزه سکوت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 10 - 10

10- وجود روزه سکوت در ادیان گذشته *

قال ءايتك ألا تكلم الناس ثلث ليال

«ألا تكلم» فعل نفی است. برخی احتمال داده اند که نفی تکلم، خبر در مقام انشاء و ترک سخن، تکلیفی الهی و اختیاری برای زکریا و کنایه از روزه باشد و گفته اند در آن زمان، سکوت، شرط صحّت روزه بوده است.

4- روزه سکوت در یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 18

18- رجحان روزه سکوت و تعلق نذر به آن، از احکام آیین مریم (دین یهود)

إِثْمِي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

5- روزه سکوت زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 11 - 2,3,9

2- زکریا (ع) پس از سکوت سه روزه و ناتوانی از سخن گفتن با مردم، از عبادتگاه بیرون آمد و نزد مردم حاضر شد .

فخرج علی قومه من المحراب

3- زکریا (ع) ، در مدت سکوت سه روزه ، دخول وقت عبادت را در صبح و عصر ، با اشاره به مردم اعلام می کرد .

فخرج علی قومه من المحراب فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة و عشياً

احتمال می رود جمله «فخرج . . .» در باره خروج زکریا(ع) در مدت سه روز باشد. در این صورت، «بکره و عشياً» ظرف برای فعل های «خرج» و «أوحى» خواهد بود و مفاد آیه چنین می شود: چون زکریا(ع) وظیفه اعلام دخول وقت عبادت را برعهده داشت، در صبح و عصر آن سه روز که نمی توانست با مردم سخن بگوید، دستور «سبحوا» را با اشاره به آنان تفهیم می کرد.

9- زکریا (ع) پس از آغاز روزه سکوت ، برای تفهیم دستور العمل های عبادی به قوم خویش ، از اشاره و رمز استفاده می

ص: 230

کرد .

فأوحى إليهم أن سبحوا

فاعل «أوحى» زکریا و ضمیر «إلیهم» به «قوم» بازمی گردد. هر چیزی که به قصد آموختن به هر شکلی به دیگری القا شود، «وحی» نامیده می شود (مصباح) و در این آیه مراد «اشاره» است. آیه چهل و یکم آل عمران نیز شاهد این معنا است.

6- روزه سکوت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 31، 11، 12، 10

10- عیسی (ع) ، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت ، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد .

فإما ترين من البشر أحداً فقولي إني نذرت للرحمن صوماً

11- مریم (س) ، نذر روزه سکوت را پس از مواجهه با اولین نفر از افراد جامعه خویش منعقد ساخت .

فإما ترين من البشر أحداً فقولي إني نذرت

ظاهر «فقولی» آن است که مریم مفاد نذر خود را با زبان بیان کرده باشد؛ در این صورت همان جمله «إني نذرت . . .» صیغه نذر بوده و نذر مریم با گفتن آن منعقد شده است.

12- روزه سکوت حضرت مریم (س) ، به مدت یک روز و هم زمان با هنگام بازگشت نزد قوم خود بوده است .

إني نذرت للرحمن صوماً فلن أكلم اليوم إنسياً

الف و لام در «الیوم» برای عهد حضوری است؛ یعنی «امروز» و مراد از آن همان روزی است که همراه با نوزاد خود به میان قومش برگشت.

31- «عن أبي عبد الله (ع) قال: إن الصيام ليس من الطعام والشراب وحده . . . قالت مریم: «إني نذرت للرحمان صوماً» أي صوماً صمتاً؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: همانا روزه، تنها خودداری از خوردنی آشامیدنی نیست . . . مریم(س) گفت: «إني نذرت للرحمان صوماً»، یعنی روزه سکوت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 2

2- حضرت مریم (س)، هنگام مواجه شدن با اتهام های قوم خود، در حال روزه بود و سخن نمی گفت .

فأشارت إليه

7- سکوت اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 35 - 1

1 - تکذیب گران روز جزا، در آن روز از شدت ترس دم برنخواهند آورد .

هذا يوم لا ينطقون

ص: 231

8- سکوت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 79 - 1

1 - بی اعتنایی گروهی از بنی اسرائیل به وظیفه الهی نهی از منکر و بی تفاوتی آنان در برابر فساد جامعه خویش

کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه

«لایتناهون» یعنی همدیگر را باز نمی داشتند و نهی نمی کردند.

9- سکوت در برابر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 9

6 - اطمینان به هلاکت متجاوزان ایله و یا گرفتاری آنان به عذابی سخت ، بهانه تارکان نهی از منکر برای سکوت خویش در برابر آنان و

مایه نابجا شمردن عمل موعظه گران (نهی از منکر)

لم تعظون قوماً اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

9 - اصلاحگران ایله سکوت در برابر گناه را ناروا شمرده و تارکان نهی از منکر را در پیشگاه خدا معذور نمی دانستند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

ظاهر اقتضا می کرد که موعظه گران بگویند «ربنا» (پروردگارانمان)، نه «ربکم» (پروردگار شما). این جا به جایی اشاره به این حقیقت دارد

که خداوند پروردگار شما نیز هست و باید در برابر او عذری داشته باشید و بدانید که اگر نهی از منکر نکنید، معذور نیستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 165 - 9

9 - ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری ، دارای کیفری شدید است .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئس

10- سکوت در تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - وجوب گوش فرادادن به قرآن و رعایت سکوت به هنگام شنیدن آن

وإذا قرى القرآن فاستمعوا له وأنصتوا

«استماع» (مصدر استمعوا) به معنای گوش سپردن و «انصات» (مصدر «أنصتوا») به معنای سکوت کردن است.

2 - گوش فرادادن به قرآن و سکوت کردن به هنگام شنیدن آن، زمینه ساز دستیابی به رحمت خداوند است.

فاستمعوا له وأنصتوا لعلکم ترحمون

ص: 232

3 - تلاوت کننده قرآن ، هر که باشد ، باید به هنگام قرائت او خاموش ماند و به قرآن گوش داد .

و إذا قرى القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلكم ترحمون

برداشت فوق از مجهول بودن فعل «قری» استفاده شده است.

11- سکوت درباره ذات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 42 - 6

6 - « قال أبو عبد الله (ع) إنَّ الله عزَّ وجلَّ يقول : « وأنَّ إلى ربِّك المنتهى » فإذا انتهى الكلام إلى الله فامسكوا ;

امام صادق(ع) فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: «وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى»؛ یعنی؛ تمام امور به پروردگار منتهی می شود. سپس هر وقت کلام به خدا رسید، خودداری کنید [و در ذات او بحث نکنید]».

12- سکوت علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 63 - 8

8 - بی تفاوتی عالمان و اندیشمندان در برابر گناهان ، زمینه ساز رواج و توسعه آنها

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

13- سکوت علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 63 - 3

3 - سکوت و بی تفاوتی عالمان اهل کتاب ، در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ينهيهم الربنيون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

14- سکوت علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اكلهم السحت

مراد از «ربانیون» عالمان نصارا هستند و «احبار» به دانشمندان یهود، گفته می شود.

ص: 233

10 - سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبس ما کانوا یصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در «کانوا» و «یصنعون»، «ربانیون» و «احبار» می باشد نه توده اهل کتاب ; قابل ذکر است که در برداشت فوق مراد از «ما»ی موصوله، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر گناهان دانسته شده است.

15- سکوت علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 63 - 4،10

4 - ربانیون و احبار (عالمان یهود و نصارا) مورد توبیخ خداوند به خاطر بی تفاوتی ایشان در برابر حرام خواری مردم خویش و گفتار ناروای آنان

لولا ینهیهم الربنیون و الاحبار عن قولهم الاثم و اکلهم السحت

مراد از «ربانیون» عالمان نصارا هستند و «احبار» به دانشمندان یهود، گفته می شود.

10 - سکوت عالمان یهود و نصارا در برابر منکرات جامعه خویش ، بسیار زشت و ناپسند

لبس ما کانوا یصنعون

ظاهراً مراد از ضمیر در «کانوا» و «یصنعون»، «ربانیون» و «احبار» می باشد نه توده اهل کتاب ; قابل ذکر است که در برداشت فوق مراد از «ما»ی موصوله، سکوت عالمان اهل کتاب در برابر گناهان دانسته شده است.

16- سکوت هنگام دریافت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 16 - 3

3 - رعایت سکوت کامل در هنگام دریافت وحی تا پایان یافتن آن ، توصیه الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لاتحرک به لسانک لتعجل به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 18 - 1

1 - رعایت سکوت کامل در هنگام نزول و دریافت وحی تا پایان آن ، توصیه الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فإذا قرأه فاتبع قرءانه

ص: 234

1- احترام سگ اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 22 - 5

5- سگ اصحاب كهف ، به دليل همراهی با آنان ، موجودی شایسته احترام شمرده شده است .

رابعهم . . . سادسهم ... و ثامنهم کلبهم

یاد کردن از سگ اصحاب كهف به شکلی که گویا، فردی از آنان به حساب آمده، حاکی از عنایتی ویژه به او است.

2- احکام سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 11

11 - جواز تعلیم سگ برای شکار

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 11

11- همراه داشتن سگ و نگه داری از آن در برخی از موارد ، جایز است .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

3- بلعم باعورا و سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 176 - 14

14 - حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورد و له له زند .

فمثله كمثل الكلب إن تحمل عليه يلهث أو تتركه يلهث

ص: 235

«تحمل» از «حَمَلَه» گرفته شده و «حَمَلَه» به معنای هجوم کردن است. «مَثَل» در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

4- تاریخ نگهداری سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 12

12- اهلی بودن سگ و بهره بردن انسان از آن ، سابقه ای طولانی در تاریخ بشر دارد .

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

5- تشبیه به سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 176 - 14

14 - حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یارهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورد و له له زند .

فمثلة كمثل الكلب إن تحمل عليه يلهث أو تتركه يلهث

«تحمل» از «حَمَلَه» گرفته شده و «حَمَلَه» به معنای هجوم کردن است. «مَثَل» در آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

6- تعلیم سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 32، 19، 11، 10

10 - سگ ، از حیوانات قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن

11 - جواز تعلیم سگ برای شکار

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

19 - لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلّمونهنّ مما علمکم اللّٰه

مراد از «علمکم اللّٰه» به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکيه حیوانات است، و «من» در «مما علمکم» برای تبعيض است. یعنی برخی از دستورات تذکيه را به درندگان شکاری یاد دهید.

32 - آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلّیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلّمونهنّ مما علمکم اللّٰه

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم

ص: 236

کافی، ج 6، ص 205، ح 14؛ نورالثقلین، ج 1، ص 590، ح 36.

7- سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 6,7,9

6- اصحاب کهف، به هنگام آرمیدن در غار، سگی به همراه خود داشتند.

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

7- سگ اصحاب کهف، در مدّت خواب طولانی آنان، ساق دستان خود را گشوده و بر دهانه غار خوابیده بود.

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

«وصید» به آستانه درب گفته می شود.

9- جسم سگ اصحاب کهف، در مدّت خواب طولانی آنان، بی حرکت بود و به راست و چپ نمی گردید.*

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 22 - 4

4- سگ اصحاب کهف، چهارم یا ششم و یا هشتمین عضوگروه اصحاب کهف در نظر مردم بود.

سیقولون ثلثه رابعهم کلبهم و يقولون خمسه سادسهم کلبهم... و يقولون سبعة و ثامنه

8- سگ تشنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 176 - 15

15 - حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت سگ تشنه ای است که همواره له له می زند.

ذلک مثل القوم الذین کذبوا بآیتنا

«ذلک» اشاره به حالتی است که جمله «فمثله . . .» آن را درباره سگ بیان داشت.

9- سگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 11,32

11 - جواز تعلیم سگ برای شکار

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

ص: 237

32 - آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم

کافی، ج 6، ص 205، ح 14؛ نورالثقلین، ج 1، ص 590، ح 36.

10 - سلامت سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 8

8- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان ، در سلامت کامل بود .

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

11 - صید سگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 -

12،13،15،17،18،23،24،25،35،36،37،38

12 - جواز شکار با سگ تعلیم دیده و فرمانبر

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده «مکلبین» که از مصدر تکلب و به معنای تعلیم سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین(ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

کافی، ج 6، ص 204، ح 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 591، ح 41.

13 - خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیر ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل «فکلووا مما امسکن علیکم ...».

کافی، ج 6، ص 202، ح 8؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 43.

15 - خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلووا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از

ص: 238

فصاحت است.

17 - صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده، عمل کنند.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

«مکلبین» جمع «مکلب» (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل «علمتم» است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

18 - صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است.

احل لكم الطیبت و ما علمتم من الجوارح

عطف «ما علمتم»، عطف خاص بر عام است.

23 - صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان.

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه «علیکم» جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

24 - وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «علیه» به «ما علمتم من الجوارح» برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

25 - نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد.

و اذکروا اسم الله علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلالت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق (ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا «ما علمتم من الجوارح مکلبین».

35 - حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا .

کافی، ج 6، ص 205، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44.

36 - خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودند : ... وان ادركته وقد قناه واکل منه فکل ما بقی

دو روایت مدرک برداشت شماره 36 و 37 با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج 6، ص 202، ح 2؛ استبصار، ج 4، ص 67، ح 1 تا 10.

37 - نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لا بأس ان تاکلوا مما امسک الکلب مما لم يأکل الکلب منه فاذا اکل

ص: 239

تهذیب الاحکام، ج 9، ص 27، ح 110؛ نورالثقلین، ج 1، ص 591، ح 39.

38 - بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه

از امام صادق(ع) روایت شده: .. اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا «مما علمتم من الجوارح مکلبین».

کافی، ج 6، ص 206، ح 16؛ نورالثقلین، ج 1، ص 592، ح 44.

12- فضیلت سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 10

10- سگ اصحاب کهف، بر جامعه مشرک و گمراه، شرافت داشت.

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

یاد کردن از سگ اصحاب کهف و تصویر حالت اش، بلکه برشمردن آن در جمع اصحاب کهف، در آیات بعد (رابعهم کلبهم..)، تعریضی است به آنان که اصحاب کهف را یاری نکردند و با آنان همگام نشده و به پای سگ آنان نیز نرسیدند.

13- مکذبان آیات خدا و سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 176 - 15

15 - حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت سگ تشنه ای است که همواره له له می زند.

ذلک مثل القوم الذین کذبوا بآیتنا

«ذلک» اشاره به حالتی است که جمله «فمثله ..» آن را درباره سگ بیان داشت.

14- نگهداری سگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 11

11- همراه داشتن سگ و نگه داری از آن در برخی از موارد، جایز است.

و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

ص: 240

1- اهمیت تولید سلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 6

6- صنعت اسلحه سازی و تولید سلاح ، باید در اختیار افراد صالح و تحت نظارت رهبران جامعه دینی قرار گیرد .

داود . . . و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

از این که خداوند برای دفاع مردم از منافع خویش در برابر دشمن، صنعت اسلحه سازی را تنها به داوود(ع) آموخت، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

2- اهمیت تولید سلاح های دفاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 9

9- تولید سلاح دفاعی و بازدارنده و استفاده از آن ، امری لازم و شایسته

و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

3- تولید سلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 16

16- ساختن اسلحه و زره ، معجزه داوود (ع) و دلیل نبوت او

داود . . . و علّمنه صنعه لبوس لکم ... فهل أنتم شکرون

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات پیشین، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و شواهد نبوت آنان است.

4- خلع سلاح دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17- رزمندگان ، موظف به جنگیدن و اسیر گرفتن دشمن تا خلع سلاح آنان و فرونشستن جنگ *

فشدوا الوثاق .. حتی تضع الحرب أوزارها

ممکن است «حتی تضع ..» غایت برای گرفتن اسیران باشد؛ که از مضمون «فشدوا الوثاق» به تلازم استفاده می شود.

5- ملاک تولید سلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 8

8- حفظ منافع و خیر و صلاح مردم ، اصلی اساسی و معیاری تعیین کننده در نوع و مقدار تولید و گسترش سلاح و سیاست کلی جامعه دینی در صنعت اسلحه سازی است .

و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

برداشت یاد شده از «لام» انتفاع در «لکم» استفاده گردید، بدین معنا که آموزش صنعت اسلحه سازی به داوود(ع) در جهت حفظ منافع و خیر و صلاح مردم بود و همین مسأله، تعیین کننده سیاست کلی جامعه دینی در تولید و گسترش سلاح است.

6- نعمت سلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 80 - 13

13- خداوند ، مردم عصر داوود (ع) را به شکرگزاری در برابر اعطای نعمت اسلحه سازی به ایشان ، فرا خواند .

و علمنه صنعه لبوس لکم .. فهل أنتم شاکرون

استفهام در جمله «فهل أنتم شاکرون»، متضمن معنای امر است.

1- آثار سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 94 - 7

7 - سلام کردن ، علامت مسلمانی در صدر اسلام *

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

برخی برآند که مراد از القای سلام، همان گفتن «سلام علیکم» می باشد. زیرا این گونه تحیت، در آن زمان مخصوص جامعه اسلامی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 31

31 - سلام کردن مؤمنان به یکدیگر ، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است .

فسلموا على أنفسكم تحيته من عند الله مبركة طيبة

2- آداب جواب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 86 - 2

2 - پاسخ به تحیت و درود دیگران ، باید بهتر از آن ، یا همانند آن باشد .

و اذا حیتتم بتحیه فحیوا باحسن منها او ردوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 8

8 - پاسخ تحیت دیگران به تحیتی بهتر و افزون تر ، پیروی از پیامبران و تأدب به آداب آنان است .

فقالوا سلماً قال سلم

3- آداب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 7،8

7 - «سلام علیکم»، هیئت سلام کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مؤمنان هنگام روپرو شدن با آنان

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

8 - «سلام علیکم» روش تحیت و درود اسلامی به هنگام برخورد مسلمانان با یکدیگر

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در چنین موارد خصوصیتی ندارد و مقصود تمام مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 6

6- جواب سلام به وجهی نیکوتر از سلام سلام کننده، امری پسندیده و از سنت های پیامبران است.

قالوا سلماً قال سلم

کلمه «سلاماً» مفعول برای فعلی مقدر همانند «نسلم» است و «سلام» مبتدا و خبر آن کلمه ای محذوف همانند «علیکم» می باشد. بر این اساس فرشتگان با جمله فعلیه «نسلم سلاماً» به ابراهیم (ع) سلام کردند و ابراهیم (ع) با جمله اسمیه «سلام علیکم» - که دلالت بر ثبات و دوام دارد - پاسخ داد و بدین جهت پاسخ او نیکوتر از سلام فرشتگان می باشد.

4- آرزوی سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 2

2 - دریافت سلام و تحیت از جانب پروردگار، آرزو و خواسته بهشتیان است.

و لهم ما یدعون . سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «سلام» بدل از «ما یدعون» باشد.

5- ابراهیم (ع) و سلام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 4

4- ابراهیم (ع)، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنيذ

6- احکام سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 244

1 - وجوب پاسخگویی به تحیت و درود دیگران

و اذا حیّتم بتحیه فحییوا

«تحیه» در اصل به معنای دعا و درخواست سلامتی و طول عمر است و سپس در مطلق دعا به کار رفته است و در عرف اسلامی به معنای سلام کردن و درود فرستادن است.

3 - سلام کردن، امری پسندیده است و پاسخ به آن، واجب.

و اذا حیّتم بتحیه فحییوا باحسن منها او ردّوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 56 - 10

10 - مؤمنان، وظیفه قطعی دارند که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) سلام کنند.

سَلِّمُوا تَسْلِيمًا

«تسلیم» مفعول مطلق تأکیدی است و دلالت می کند که سلام بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) حتماً باید انجام بگیرد. در این که «مراد از «سلام» در آیه چیست؟» دو احتمال هست: یکی، همان سلام اصطلاحی است و دیگری، به معنای تسلیم بودن است. برداشت بالا بنابر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 5

5 - لزوم پاسخ گفتن به سلام دیگران، پیش از هر سخن دیگر

فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلِّم

7- ارزش سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 29

29 - مؤمنان، دارای جایگاهی ویژه نزد پروردگارانند و سلام آنان به یکدیگر، از ارزش خاصی برخوردار است.

فإذا دخلتم بيوتاً فصلّموا على أنفسكم تحيّة من عند الله مبركة طيبة

از این که خداوند درود مسلمانان به یکدیگر را، سلام خود دانسته است، می توان به برداشت فوق دست یافت.

8- ارزش سلام بر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 109 - 4

4 - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی ابرهیم

ص: 245

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 120 - 4

4 - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 130 - 4

4 - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی ال یاسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 181 - 2

2 - سلام و تحیت بر پیامبران الهی ، امری پسندیده و ارزشمند و سنتی الهی است .

و سلم علی المرسلین

9- ارزش سلام بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 120 - 4

4 - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی موسی و هرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 130 - 4

4 - سلام و تحیت بر بندگان خدا (چون پیامبران) ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی ال یاسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 181 - 3

3 - سلام و تحیت بر بندگان خدا ، امری ارزشمند و پسندیده

و سلم علی المرسلین

10- الفاظ سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 7,8

ص: 246

7- «سلام علیکم»، هیئت سلام کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مؤمنان هنگام روبرو شدن با آنان

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

8- «سلام علیکم» روش تحیت و درود اسلامی به هنگام برخورد مسلمانان با یکدیگر

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در چنین موارد خصوصیتی ندارد و مقصود تمام مسلمانان است.

11- اهمیت جواب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 10

10 - لزوم پاسخ دادن به تحیت دیگران، هر چند ناشناس باشند.

قال سلم قوم منکرون

12- اهمیت سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 5

5- سلام کردن، از آداب معاشرت با مردم به هنگام وارد شدن بر آنان

و لقد جاءت رسلنا إبرهیم بالبشری قالوا سلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 23 - 11

11- بهترین درود و تحیت «سلام» است.

تحیتهم فیها سلم

انتخاب واژه «سلام»، از میان سایر واژگانی که برای درود و تحیت به کار برده می شود، می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- سلام کردن به هنگام ملاقات و وارد شدن بر یکدیگر، از آداب و اخلاق پسندیده

و تَبَّهْمَ عَنِ ضَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ . إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 25

25 - سلام کردن، از آداب معاشرت و رفت و آمد و مهمانی میان مسلمانان

فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ

ص: 247

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 3

3 - سنت تحیت و سلام ، دارای دیرینه در تاریخ پیامبران

إذ دخلوا عليه فقالوا سلماً

13- برکت سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 27

27 - سلام گفتن مسلمانان به یکدیگر ، در حقیقت درودی است مبارک و پاکیزه که از جانب خداوند ، مقرر شده است .

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم تحية من عند الله مبارکه طيبه

«من عند الله» ظرف و متعلق به عامل مقدر (مانند «ثابته» یا «مشروع») است و در مجموع صفت برای «تحیه» می باشد. «مبارکه طيبه» نیز صفت دیگر آن است.

14- برکت سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 30

30 - تحیت و درود خداوند ، مبارک (برکت آفرین و دارای خیر فراوان) و پاکیزه است .

تحية من عند الله مبارکه طيبه

«برکه» به معنای رشد و فزونی و «مبارک» به معنای چیزی است که از آن خیر و نعمت بسیار برمی خیزد (برگرفته از لسان العرب).

15- پاداش سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 86 - 9

9 - تحیت ها و درود های اهل ایمان به یکدیگر ، مورد محاسبه خداوند و در پی دارنده اجر و پاداش الهی

و اذا حَيَّيْتُمْ . . . انّ اللّٰهَ كانَ على كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

محاسبه اعمال نيك كنايه از پاداش دهى خداوند بر آن اعمال مى باشد.

16- تحيت با سلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 248

3 - تحیت گفتن با «سلام»، بهترین و شایسته ترین تحیت ها است .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

از این که در وصف مؤمنان می فرماید: «به هنگام لقاءالله به آنان «سلام» می شود.»، به دست می آید که وقتی در چنان هنگام و حالتی برای تحیت، سلام گفته می شود، بهترین واژه برای تحیت، سلام است.

17- تشریح سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 27

27 - سلام گفتن مسلمانان به یکدیگر ، در حقیقت درودی است مبارک و پاکیزه که از جانب خداوند ، مقرر شده است .

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم تحية من عند الله مبارکه طيبه

«من عند الله» ظرف و متعلق به عامل مقدر (مانند «ثابته» یا «مشروع») است و در مجموع صفت برای «تحیه» می باشد. «مبارکه طيبه» نیز صفت دیگر آن است.

18- جواب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 6

6- جواب سلام به وجهی نیکوتر از سلام سلام کننده ، امری پسندیده و از سنت های پیامبران است .

قالوا سلماً قال سلم

کلمه «سلاماً» مفعول برای فعلی مقدر همانند «نسلم» است و «سلام» مبتدا و خبر آن کلمه ای محذوف همانند «علیکم» می باشد. بر این اساس فرشتگان با جمله فعلیه «نسلم سلاماً» به ابراهیم(ع) سلام کردند و ابراهیم(ع) با جمله اسمیه «سلام علیکم» - که دلالت بر ثبات و دوام دارد - پاسخ داد و بدین جهت پاسخ او نیکوتر از سلام فرشتگان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 5

5- لزوم پاسخ گفتن به سلام دیگران ، پیش از هر سخن دیگر

فقالوا سلماً قال سلم

19- جواب سلام ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 6

6- پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش ، قبل از هر سخن دیگر

ص: 249

فقالوا سلماً قال سلم

20- جواب سلام ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 4

4- ابراهیم (ع) ، سلام فرشتگان را پاسخ گفت و برای تدارک غذا از حضور آنان بیرون رفت .

قال سلم فما لبث أن جاء بعجل حنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 7

7- تحیت و سلام ابراهیم (ع) ، بهتر و افزون تر از تحیت و سلام فرشتگان وارد بر آن حضرت

فقالوا سلماً قال سلم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تحیت فرشتگان، جمله فعلیه و مفید حدوث است؛ زیرا «سلام» به تقدیر «نسلم سلاماً» می باشد. اما تحیت حضرت ابراهیم(ع)، جمله اسمیه و مفید ثبوت است؛ زیرا به تقدیر «سلام علیکم» است.

21- حقیقت سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 27

27 - سلام گفتن مسلمانان به یکدیگر ، در حقیقت درودی است مبارک و پاکیزه که از جانب خداوند ، مقرر شده است .

فإذا دخلتم بيوتاً فسلّموا على أنفسكم تحية من عند الله مبارکه طيبه

«من عند الله» ظرف و متعلق به عامل مقدر (مانند «ثابته» یا «مشروعه») است و در مجموع صفت برای «تحية» می باشد. «مبارکه طيبه» نیز صفت دیگر آن است.

22- خيریت سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 30

30 - تحیت و درود خداوند ، مبارک (برکت آفرین و دارای خیر فراوان) و پاکیزه است .

تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَبْرُكَةٌ طَيِّبَةٌ

«برکه» به معنای رشد و فزونی و «مبارک» به معنای چیزی است که از آن خیر و نعمت بسیار برمی خیزد (برگرفته از لسان العرب).

ص: 250

23- سبقت در سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه دار پیشی جستن در سلام بر مؤمنانی که به محضر او می آیند.

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

24- سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 23 - 6,7

6 - حریم پاک خداوندگار جهان، ایمن از هرگونه تأثر و زیان پذیری

هو الله .. السلام

وصف «السلام»، می تواند نظر به امنیت ذات قدوس و پاک الهی، از هرگونه حادثه و آفت خارجی داشته باشد.

7 - خداوندگار جهان و فرمانروای مطلق هستی، منزّه از هرگونه ستم و زیان رسانی به خلق

هو الله .. الملک ... السلام

وصف «السلام»، بیانگر ارتباط خدا با خلق است.

25- سلام اخروی بر متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 1

1 - رهنمون شدن متقین در قیامت، به سوی بهشت همراه با تکریم و درود و شادمانی

وَأُزْلَفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ .. ادخلوها بسلم

26- سلام اخروی بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - به هنگام لقاءالله ، بر مؤمنان ، با واژه « سلام » ، تحیت گفته می شود .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا ، بنابراین احتمال است که اضافه « تحیت » به ضمیر « هم » ، اضافه مصدر به مفعول اش باشد .

ص: 251

27- سلام اصحاب اعراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 7

7 - اصحاب اعراف با فریادی رسا بر مؤمنانی که در انتظار ورود به بهشتند، درود می فرستند .

و نادوا اصحاب الجنة أن سلم عليكم

جمله «سلم عليكم» می تواند جمله ای انشایی باشد و می تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

28- سلام اصحاب الیمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 4

4 - اصحاب الیمین ، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود و سلام می فرستند .

فسلم لك من أصحاب الیمین

برخی از مفسران «سلام» را به معنای تحیت و «لام» را به معنای «علی» گرفته اند؛ یعنی، «فسلام عليك من أصحاب الیمین».

29- سلام بر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 3

3- فرشتگان پیام آور بشارت ، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند .

قالوا سلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 109 - 1,3

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به ابراهیم (ع)

تنوین «سلام» برای تعظیم است.

3- برجای ماندن سنت سلام و تحیت بر ابراهیم (ع) در میان نسل های پس از او

و ترکنا علیه فی آخرین . سلم علی ابرهیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «سلام علی ابراهیم» تفسیر برای جمله «و ترکنا علیه..» باشد؛ یعنی، آنچه برای ابراهیم(ع) بر جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر او.

ص: 252

30- سلام بر الیاس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 130 - 3

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به الیاس پیامبر (ع)

سلم علی ال یاسین

تنوین «سلام» برای تعظیم است و «ال یاسین» در زبان عرب، لغت و تعبیر دیگری از «الیاس» می باشد.

3 - باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر الیاس پیامبر، در میان نسل های پس از او

سلم علی ال یاسین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این دیدگاه است که جمله «سلام علی ال یاسین» تفسیر برای جمله «و ترکنا علیه ..» باشد؛ یعنی، آنچه برای الیاس (ع) به جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر او.

31- سلام بر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 59 - 2

1 - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او، رهنمود الهی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

2 - هلاک شرک پیشگان مفسد و نجات مؤمنان به اراده الهی و در سایه تلاش های پیامبران، شایان سپاس گذاری به درگاه خدا و فرستادن درود و سلام بر فرستادگان او

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

رهنمود الهی به حمد و ستایش برای او و فرستادن درود و سلام بر بندگان برگزیده اش (پیامبران)، در پی یادآوری مکرر نجات مؤمنان و هلاکت کافران، مطلب یاد شده را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 79 - 5

5 - سلام و تحیت بر بندگان خدا چون پیامبران ، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی نوح فی العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 181 - 1,4

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند بر همه رسولان الهی

وسلم علی المرسلین

نکره آمدن «سلام»، بیانگر بزرگی آن است.

ص: 253

32- سلام بر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 79 - 5

5- سلام و تحیت بر بندگان خدا چون پیامبران، امری پسندیده و ارزشمند

سلم علی نوح فی العلمین

33- سلام بر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 12

12- « عن أبي جعفر (ع) قال: سألت علي (ع) رسول الله (صلى الله عليه وآله): . . . فقال: لماذا بنيت هذه الغرف (في الجنة) يا رسول الله؟ فقال: يا علي تلك غرف بناها الله لأوليائه . . . فإذا دخل المؤمن إلى منزله في الجنة . . . فإذا استقرت لولي الله منزله في الجنة . . . يبعث الله ألف ملك يهتونه بالجنة . . . فينتهون إلى أول باب من جنانه فيقولون للملك الموكل . . . إستان لنا على ولي الله . . . فيأذن لهم فيدخلون على ولي الله وهو في الغرفة ولها ألف باب . . . فيدخل كل ملك من باب من أبواب الغرفة فيبلغونه رساله الجبار وذلك قول الله: « والملائكة يدخلون عليهم من كل باب »؛ يعنى: من أبواب الغرفة « سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار » . . .؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی - علیه السلام - از رسول الله(صلی الله علیه و آله) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [در بهشت] ساخته شده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی اند که خداوند آنها را برای دوستانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهد و بر ولیّ خدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رساند و این است گفته خداوند: و الملائكة يدخلون عليهم من كل باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند]: سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 7، 2

2- فرشتگان از هر سو بر بهشتیان وارد می شوند و بر آنان سلام می کنند .

والملائكة يدخلون عليهم من كل باب. سلم عليكم

7- « قال [أبو عبد الله (ع)] : إن طائفه من الملائكة عابوا ولد آدم في اللذات والشهوات . . . فإذا كان يوم القيامة وصار أهل الجنة في الجنة ، إستأذن أولئك الملائكة على أهل الجنة فيؤذن لهم فيدخلون عليهم فيسلمون عليهم ويقولون لهم : « سلام عليكم بما صبرتم » في الدنيا عن اللذات والشهوات الحلال ;

ص: 254

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند . . . پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 5، 1

1 - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که «سلام» مبتدا و خبر آن، فعل محذوف باشد. و «قولاً» مفعول مطلق و نایب آن خبر محذوف باشد. در این صورت، تقدیر آن چنین می شود: «سلام یقال لهم قولاً من ربّ...». گفتنی است تنکیر «سلام» و «ربّ» برای تعظیم است.

5 - سلام و تحیت خداوند به بهشتیان ، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است .

سلم قولاً من ربّ رحیم

برداشت یاد شده، از بیان دو صفت «ربّ» و «رحیم» برای خداوند (در این آیه شریفه) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 9

9 - سلام و خوش آمدگویی در بانان بهشت به تقوایبشگان ، هنگام ورود آنان

وقال لهم خزننها سلم علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 4

4 - استقبال فرشتگان از بهشتیان ، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلم

بنابراین که قائل «ادخلوها» فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

34- سلام بر متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 9

9 - سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقوایندگان ، هنگام ورود آنان

وقال لهم خزنتها سلم عليكم

ص: 255

35- سلام بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 56 - 10, 9

9 - تشویق خداوند ، مؤمنان را به اهدای درود و سلام بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

ذکر «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ...» به عنوان پیش درامد فرمان «صَلُّوا» و «سَلِّمُوا» می تواند به منظور این حقیقت باشد که مؤمنان، توجه به این پیدا کنند که خدا و فرشتگان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود می فرستند تا آنان، تشویق به آن بشوند.

10 - مؤمنان ، وظیفه قطعی دارند که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) سلام کنند .

سَلِّمُوا تَسْلِيمًا

«تسلیم» مفعول مطلق تأکیدی است و دلالت می کند که سلام بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) حتماً باید انجام بگیرد. در این که «مراد از «سلام» در آیه چیست؟» دو احتمال هست: یکی، همان سلام اصطلاحی است و دیگری، به معنای تسلیم بودن است. برداشت بالا بنا بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 4

4 - اصحاب الیمین ، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) درود و سلام می فرستند .

فسلم لك من أصحاب الیمین

برخی از مفسران «سلام» را به معنای تحیت و «لام» را به معنای «علی» گرفته اند؛ یعنی، «فسلام علیک من أصحاب الیمین».

36- سلام بر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 120 - 1, 3

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهما السلام)

سلم علی موسی و هرون

تنوین «سلام» برای تعظیم است.

3- باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر موسی و هارون (علیهماالسلام) در میان نسل های پس از ایشان

و ترکنا علیهما فی آخرین . سلم علی موسی و هرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که جمله «سلام علی موسی و هارون» تفسیر برای جمله «و ترکنا علیهما..» باشد؛ یعنی، آنچه برای موسی و هارون بر جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر ایشان.

37- سلام بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 6، 7، 12، 1

ص: 256

1 - پیامبر(صلی الله علیه و آله) وظیفه دار پیشی جستن در سلام بر مؤمنانی که به محضر او می آیند.

و إذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم

6 - پیامبر(صلی الله علیه و آله) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء من الله عليهم من بيننا . . . و إذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا

در آیه قبل از طعنه های کافران به مؤمنان تهیدست اطراف پیامبر(صلی الله علیه و آله) سخن به میان آمده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصیف «الذین يؤمنون . . .» یاد شده است. محور ارتباط بین این دو آیه می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

7 - «سلام علیکم»، هیئت سلام کردن پیامبر(صلی الله علیه و آله) به مؤمنان هنگام روپرو شدن با آنان

و إذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم

12 - ابلاغ سلام و رحمت خداوند به مؤمنان به آیات او، از وظایف پیامبر(صلی الله علیه و آله)

و إذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم كتب ربكم على نفسه الرحمة

جمله «فقل سلام علیکم» دارای دو احتمال است: یکی اینکه «به آنان سلام کن» و دوم اینکه «سلام خداوند را به آنان برسان». برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 7

7 - اصحاب اعراف با فریادی رسا بر مؤمنانی که در انتظار ورود به بهشتند، درود می فرستند .

و نادوا اصحاب الجنة أن سلم عليكم

جمله «سلم علیکم» می تواند جمله ای انشایی باشد و می تواند اخبار از وجود امنیت و سلامت برای مؤمنان گرفته شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

38- سلام بر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 79 - 1,3

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به نوح پیامبر برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

تنوین «سلام» برای تعظیم است و مقصود از «العالمین» - که جمع محلی به «الف» و «لام» و مفید عموم است - تمامی امت ها، در همه اعصار و قرن ها است.

3 - باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر نوح (ع)، در میان نسل های پس از آن حضرت برای همیشه تاریخ

و ترکنا علیه فی آخرین . سلم علی نوح فی العلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که جمله «سلام علی نوح..» تفسیر برای جمله «و ترکنا علیه...» باشد؛ یعنی، آنچه برای نوح(ع) برجای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر او در میان جهانیان.

ص: 257

39- سلام بر هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 120 - 3، 1

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهما السلام)

سلم علی موسی و هرون

تنوین «سلام» برای تعظیم است.

3 - باقی ماندن سنت سلام و تحیت بر موسی و هارون (علیهما السلام) در میان نسل های پس از ایشان

و ترکنا علیهما فی آخرین . سلم علی موسی و هرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که جمله «سلام علی موسی و هارون» تفسیر برای جمله «و ترکنا علیهما..» باشد؛ یعنی، آنچه برای موسی و هارون بر جای گذاشتیم، عبارت است از سنت سلام و تحیت بر ایشان.

40- سلام بر یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 10، 1

1- حضرت یحیی (ع)، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

10- «عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنَّ أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثة مواطن يوم يولد . . . و یوم یموت . . . و یوم یبعث . . . و قد سلم الله - عزوجل - علی یحیی (ع) فی هذه الثلاثة المواطن و آمن روعته فقال : « و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً . . . » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. . . و روزی که می میرد. . . و روزی که برانگیخته می شود. . . و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: «و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً» . . .».

41- سلام بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 10

10 - بندگان خالص خدا، در بهشت با درود و سلام رویه رو خواهند شد.

و یلقون فیها تحیة و سلماً

42- سلام به ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 11، 1

ص: 258

1- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به هنگام ورود بر وی، به او سلام و درود گفتند.

و تَبَّهْمَ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا

11- «... قال أبو جعفر (ع) : ... بعث الله رسلاً إلى إبراهيم ... فدخلوا عليه ليلاً ففزع منهم و خاف أن يكونوا سُرَّاقاً ، قال : فلما أن رآته
الرسل فرعاً وجلاً « قالوا سلاماً » ... « قال إنا منكم وجلون قالوا لا توجل ... » ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. خداوند فرستادگانی را به سوی ابراهیم(ع) گسیل داشت ... پس شبانه بر او وارد شدند و او
از آنان وحشت کرد و ترسید که دزد باشند. امام فرمود: پس چون فرستادگان آن حضرت را وحشت زده و هراسان دیدند، به او سلام کردند
... او [گفت]: قال إنا منكم وجلون...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 1

1 - ورود میهمانان گرامی ابراهیم (ع) (فرشتگان) بر آن حضرت ، با تحیت و سلام

إذ دخلوا عليه فقالوا سلماً

43- سلام به بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 23 - 9

9- بر مؤمنان دارای عمل صالح در بهشت ، درود و سلام فرستاده می شود .

تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که اضافه «تحیت» به «هم» اضافه مصدر به مفعول باشد. طبق این احتمال معنای عبارت چنین می شود:
تحیت گفتن به آنان در بهشت با «سلام» است.

44- سلام به متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 10، 8

8- ملائکه به هنگام قبض روح تقواییشان ، بر آنان درود و سلام می فرستند .

المتقين . الذين تتوفّ -هم الملائكة طيبين يقولون سلم عليكم

10- فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقواییشان ، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند .

المتقين . الذين تتوفّ -هم الملائكة طيبين يقولون سلم عليكم ادخلوا الجنة

45- سلام به متقين در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 46 - 3

ص: 259

3- متقین با سلام و خوشامدگویی، وارد بهشت می شوند.

ادخلوها بسلام ءامنین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از «سلام» همان سلام و درود گفتن متعارف باشد که جزء فرهنگ مسلمانان است.

46- سلام بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 10 - 6

6- (سلام) کلمه تحیت و درود بهشتیان به هنگام دیدار یکدیگر است .

و تحیتهم فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 23 - 8

8- درود و تحیت بهشتیان به یکدیگر در بهشت، با لفظ « سلام » است .

تحیتهم فیها سلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 75 - 11

11 - درود و سلام، سخن اهل بهشت به هنگام روبه رو شدن با یکدیگر

و یلقون فیها تحیه و سلمًا

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که گوینده درود و سلام به یکدیگر خود خود اهل بهشت باشند.

47- سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 12

12 - ابلاغ سلام و رحمت خداوند به مؤمنان به آیات او، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وإذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم كتب ربكم على نفسه الرحمة

جمله «فقل سلام عليكم» دارای دو احتمال است: یکی اینکه «به آنان سلام کن» و دوم اینکه «سلام خداوند را به آنان برسان». برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 1

1- حضرت یحیی (ع)، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

ص: 260

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 58 - 1,5

1 - بهشتیان ، سلام و تحیتی با عظمت از جانب پروردگار بزرگ دریافت خواهند کرد .

سلم قولاً من ربّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که «سلام» مبتدا و خبر آن، فعل محذوف باشد. و «قولاً» مفعول مطلق و نایب آن خبر محذوف باشد. در این صورت، تقدیر آن چنین می شود: «سلام یقال لهم قولاً من ربّ...». گفتنی است تنکیر «سلام» و «ربّ» برای تعظیم است.

5 - سلام و تحیت خداوند به بهشتیان ، برخاسته از ربوبیت و مهربانی او به خلق است .

سلم قولاً من ربّ رحیم

برداشت یاد شده، از بیان دو صفت «ربّ» و «رحیم» برای خداوند (در این آیه شریفه) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 79 - 1

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به نوح پیامبر برای همیشه تاریخ

سلم علی نوح فی العلمین

تنوین «سلام» برای تعظیم است و مقصود از «العالمین» - که جمع محلی به «الف» و «لام» و مفید عموم است - تمامی امت ها، در همه اعصار و قرن ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 109 - 1

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به ابراهیم (ع)

سلم علی ابرهیم

تنوین «سلام» برای تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهما السلام)

سلم علی موسی و هرون

تنوین «سلام» برای تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند به الیاس پیامبر (ع)

سلم علی ال یاسین

تنوین «سلام» برای تعظیم است و «ال یاسین» در زبان عرب، لغت و تعبیر دیگری از «الیاس» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 181 - 1

1 - سلام و تحیت بزرگ خداوند بر همه رسولان الهی

و سلم علی المرسلین

نکره آمدن «سلام»، بیانگر بزرگی آن است.

48- سلام در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 94 - 7

7 - سلام کردن، علامت مسلمانی در صدر اسلام*

و لا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا

برخی برآند که مراد از القای سلام، همان گفتن «سلام علیکم» می باشد. زیرا این گونه تحیت، در آن زمان مخصوص جامعه اسلامی بود.

49- سلام روح (اسم خاص) بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 5 - 97 - 8

8 - «عن أبي عبد الله (ع) قال: كان علي بن الحسين «صلوات الله عليه» يقول... قال الله عز وجل «... سلام هي حتى مطلع الفجر»

يقول: تُسَلِّمُ عليك يا محمد ملائكتي وروحي بسلامي من أول ما يهبطون إلى مطلع الفجر؛

از امام صادق (ع) روایت شده که امام سجاد (ع) می فرمود: ... خداوند عزوجل فرموده است: «... سلام هي حتى مطلع الفجر» [یعنی

[می فرماید: ای محمد! فرشتگانم و روحم، از اولین لحظات فرودشان تا سپیده صبح، با سلام من بر تو سلام می کنند».

50- سلام محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 9, 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) وظیفه دار پیشی جستن در سلام بر مؤمنانی که به محضر او می آیند.

وإذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم

9- مؤمنان با درك محضر و زيارت پیامبر(صلی الله علیه و آله) سلام آن حضرت و پیام و رحمت خداوند را دریافت خواهند نمود. *

وإذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم

آمدن نزد پیامبر(صلی الله علیه و آله)، که مضمون جمله «إذا جاءك» است، ظاهراً اختصاصی به زمان حیات ظاهری آن حضرت ندارد و شامل پس از آن نیز می گردد. کلمه «زیارت» در برداشت فوق برای اشاره بدین نکته آورده شده است.

ص: 262

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 69 - 3

3- فرشتگان پیام آور بشارت ، به هنگام حضور در پیشگاه ابراهیم (ع) بر او سلام کردند .

قالوا سلمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 23 - 12

12- « عن أبي جعفر (ع) قال : سألت علي (ع) رسول الله (صلى الله عليه وآله) : . . . فقال : لماذا بنيت هذه الغرف (في الجنة) يا رسول الله ؟ فقال : يا علي تلك غرف بناها الله لأوليائه . . . فإذا دخل المؤمن إلى منزله في الجنة . . . فإذا استقرت لولي الله منزله في الجنة . . . يبعث الله ألف ملك يهتونه بالجنة . . . فينتهون إلى أول باب من جنانه فيقولون للملك الموكل . . . إستانذن لنا على ولي الله . . . فيأذن لهم فيدخلون على ولي الله وهو في الغرفة ولها ألف باب . . . فيدخل كل ملك من باب من أبواب الغرفة فيبلغونه رساله الجبار وذلك قول الله : « والملائكة يدخلون عليهم من كل باب » ؛ يعنى : من أبواب الغرفة « سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار » . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: حضرت علی - علیه السلام - از رسول الله(صلى الله عليه وآله) پرسید: ای رسول خدا! چرا این غرفه ها [در بهشت] ساخته شده است؟ فرمود: ای علی! اینها غرفه هایی اند که خداوند آنها را برای دوستانش بنا کرده است، هنگامی که مؤمن وارد منزلهای خود در بهشت شود و برای ولیّ خدا منزلهای او در بهشت تثبیت گردد، خداوند هزار فرشته می فرستد که بهشت را به او تهنیت گویند. آنها به اولین درب از بهشتهای او می رسند و به فرشته ای که گماشته آن جاست می گویند: برای ما اذن ورود بر ولیّ خدا بگیر. آن گاه [او] به ایشان اذن می دهد و بر ولیّ خدا وارد می شوند، در حالی که او در غرفه خویش است و برای آن غرفه هزار درب است. آن گاه هر فرشته ای از یکی از دربهای غرفه وارد می شود و پیام خدای غالب را می رساند و این است گفته خداوند: و الملائکه يدخلون علیهم من کلّ باب مقصود این است که از دربهای غرفه وارد می شوند [و می گویند]: سلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 2,7

2- فرشتگان از هر سو بر بهشتیان وارد می شوند و بر آنان سلام می کنند .

والملائكة يدخلون عليهم من كل باب. سلم عليكم

7- « قال [أبو عبد الله (ع)] : إن طائفه من الملائكة عابوا ولد آدم في اللذات والشهوات . . . فإذا كان يوم القيامة وصار أهل الجنة في الجنة ، إستانذن أولئك الملائكة على أهل الجنة فيؤذن لهم فيدخلون عليهم فيسلمون عليهم ويقولون لهم : « سلام عليكم بما صبرتم » في

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند . . . پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 52 - 11، 1

1- مهمانان حضرت ابراهیم (فرشتگان) به هنگام ورود بر وی، به او سلام و درود گفتند.

وَتَبَّهَمُ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ . إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا

11- «... قال أبو جعفر (ع) : ... بعث الله رسلاً إلى إبراهيم ... فدخلوا عليه ليلاً ففزع منهم و خاف أن يكونوا سُراقاً ، قال : فلما أن رأته الرسل فزعاً و جلاً « قالوا سلاماً » ... « قال إنا منكم و جلون قالوا لا توجل ... » ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. خداوند فرستادگانی را به سوی ابراهیم(ع) گسیل داشت ... پس شبانه بر او وارد شدند و او از آنان وحشت کرد و ترسید که دزد باشند. امام فرمود: پس چون فرستادگان آن حضرت را وحشت زده و هراسان دیدند، به او سلام کردند ... او [گفت]: قال إنا منكم و جلون...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 10، 8

8- ملائکه به هنگام قبض روح تقوایندگان، بر آنان درود و سلام می فرستند.

الْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّوْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

10- فرشتگان، به هنگام قبض روح تقوایندگان، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند.

الْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّوْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ إِذْ دَخَلُوا الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 34 - 4

4 - استقبال فرشتگان از بهشتیان، با تحیت و سلام

ادخلوها بسلام

بنابراین که قائل «ادخلوها» فرشتگان باشند، برداشت بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 6، 1

1 - ورود میهمانان گرامی ابراهیم (ع) (فرشتگان) بر آن حضرت ، با تحیت و سلام

إذ دخلوا عليه فقالوا سلمًا

6 - پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش ، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

52- سلام ملائکه بر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 8

8 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : كان على بن الحسين « صلوات الله عليه » يقول . . . قال الله عز وجل « . . . سلام هي حتى مطلع الفجر »
يقول : تُسَلِّمُ عليك يا محمد ملائكتي وروحي بسلامي من أول ما يهبطون إلى مطلع الفجر ;

ص: 264

از امام صادق(ع) روایت شده که امام سجاد(ع) می فرمود: . . . خداوند عزوجل فرموده است: «...سلام هی حتی مطلع الفجر» [یعنی
[می فرماید: ای محمد! فرشتگانم و روحم، از اولین لحظات فرودشان تا سپیده صبح، با سلام من بر تو سلام می کنند».

53- سلام موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 20

20 - سلام در پایان سخن ، شعار موسی و هارون (ع) *

والسلم علی من اتبع الهدی

54- سلام مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 31

31 - سلام کردن مؤمنان به یکدیگر ، مایه برکت و خیر فراوان و پاکیزگی است .

فسلّموا علی أنفسکم تحیّته من عند اللّٰه مبرکه طیّبه

55- سلام مؤمنان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 44 - 4

4 - تحیّت مؤمنان به هم ، هنگام لقاء اللّٰه ، با واژه « سلام » است .

تحیّتهم یوم یلقونه سلم

برداشت بالا، بنابراین است که اضافه «تحیّت» به ضمیر «هم»، اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

56- سلام مهمانان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 6 - 1

1 - ورود میهمانان گرامی ابراهیم (ع) (فرشتگان) بر آن حضرت، با تحیت و سلام

إذ دخلوا عليه فقالوا سلمًا

6 - پاسخ ابراهیم (ع) به سلام میهمانان خویش، قبل از هر سخن دیگر

فقالوا سلمًا قال سلم

ص: 265

57- سلام نگهبانان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 73 - 9

9- سلام و خوش آمدگویی دربانان بهشت به تقوایندگان ، هنگام ورود آنان

و قال لهم خزنتها سلم عليكم

58- سلام هارون (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 20

20- سلام در پایان سخن ، شعار موسی و هارون (ع) *

والسلم علی من اتبع الهدی

59- سلام هنگام ورود به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 37, 40, 24

24- سلام کردن به یکدیگر به هنگام ورود به خانه ها ، توصیه خداوند به همه مسلمانان

فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم

37- « عن أبي جعفر (ع) إذا دخل الرجل منكم بيته . . . إن لم يكن فيه أحد فليقل : السلام علينا من عند ربنا يقول الله « تحية من عند الله مبارکه طيبه » ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه شخصی از شما وارد خانه خود شود. .. اگر کسی در آن خانه نبود، بگوید: «السلام علينا من عند ربنا». خدا می فرماید: تحیه من عند الله مبارکه طيبه».

40- « أبي الصباح قال : سألت أبا جعفر (ع) ، عن قول الله عزّوجلّ : فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم . . . » فقال : هو تسليم الرجل على أهل البيت حين يدخل ثمّ يردّون عليه ، فهو سلامكم على أنفسكم ;

ابوالصباح از امام باقر(ع) پرسید: این که خداوند فرموده است: «فإذا دخلتم بيوتاً فسلموا على أنفسكم» مراد چیست؟ فرمود: مراد این است

که شخص، هرگاه وارد خانه شود، بر اهل خانه سلام کند. پس آنان جواب سلام او را می دهند. پس آن سلام شما بر خودتان است».

60- سلام هنگام ورود به خانه دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 27 - 4,5

ص: 266

4- ورود به محل سکونت و خانه دیگران پیش از سلام کردن به اهل آن، ممنوع است.

لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی أهلها

5- اذن خواستن و سلام کردن، از شرایط و آداب ورود به محل سکونت و خانه دیگران

لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا

61- فضیلت پیشگامی در سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 2

2- ارزش مبادرت به سلام، هنگام ورود بر دیگران

إذ دخلوا علیه فقالوا سلماً

مطلب بالا با توجه به این نکته است که خداوند، ابتدا وصف «مکرم» را برای میهمانان ابراهیم (ع) آورده و سپس نخستین عمل آن میهمانان شریف (سلام به هنگام ورود) را یاد کرده است.

62- کیفیت سلام محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 54 - 7

7- «سلام علیکم»، هیئت سلام کردن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مؤمنان هنگام روبرو شدن با آنان

و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا فقل سلم علیکم

63- وجوب جواب سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 86 - 1,3

1- وجوب پاسخگویی به تحیّت و درود دیگران

و إذا حیّتم بتحیه فحیّوا

«تَحِيَّه» در اصل به معنای دعا و درخواست سلامتی و طول عمر است و سپس در مطلق دعا به کار رفته است و در عرف اسلامی به معنای سلام کردن و درود فرستادن است.

3- سلام کردن، امری پسندیده است و پاسخ به آن، واجب.

و اذا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّهٍ فَحَيُّوا بِاِحْسَنِ مِنْهَا اَلْوَرْدُوهَا

ص: 267

64- ویژگیهای جواب سلام ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 25 - 7

7- تحیت و سلام ابراهیم (ع)، بهتر و افزون تر از تحیت و سلام فرشتگان وارد بر آن حضرت

فقالوا سلماً قال سلم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که تحیت فرشتگان، جمله فعلیه و مفید حدوث است؛ زیرا «سلام» به تقدیر «نسلم سلاماً» می باشد. اما تحیت حضرت ابراهیم (ع)، جمله اسمیه و مفید ثبوت است؛ زیرا به تقدیر «سلام علیکم» است.

65- ویژگیهای سلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 32 - 12

12- «سلام» بهترین درود و تحیت است .

يقولون سلم عليكم

با توجه به اینکه ملائکه برای خوشامدگویی به متقین در هنگام قبض روح آنان، از واژه «سلام» استفاده می کنند، روشن می شود که برای تحیت گفتن «سلام» بهترین است.

66- ویژگیهای سلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 30

30 - تحیت و درود خداوند، مبارک (برکت آفرین و دارای خیر فراوان) و پاکیزه است .

تحیه من عند الله مبرکه طيبه

«برکه» به معنای رشد و فزونی و «مبارک» به معنای چیزی است که از آن خیر و نعمت بسیار برمی خیزد (برگرفته از لسان العرب).

1- آثار سلامت اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 31

31 - عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادگری، تنها در صورت پرستش خدا و ایمان به یگانگی او سعادت آفرین است.

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مشارالیه «ذلکم»، معنایی باشد که از «اوفوا الکیل . . . و لا تفسدوا ...» استفاده می شود. در این صورت می توان گفت مراد از ایمان در «إن کنتم مؤمنین» ایمان به خدای یگانه و لزوم پرستش اوست. یعنی اگر به خدای یگانه ایمان داشته باشید و تنها او را بپرستید، عدالت در امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی متضمن خیر و صلاح شماست و اگر موحد نباشید رعایت این مسائل سعادت آفرین نخواهد بود.

2- آثار سلامت روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 40 - 6

6 - انسان، در پرتو سلامت روح و اندیشه، قادر به دریافت و پذیرش پیام وحی

و من یعش عن ذکر الرحمن . . . أفأنت تسمع الصمّ . . . و من کان فی ضلل مبین

در آیه شریفه قابلیت نداشتن برای هدایت، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که وجود قابلیت روحی و فکری برای هدایت، می تواند راه رسیدن به حق را هموار سازد.

3- آثار سلامت عقل محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 22 - 6

6 - سلامت عقلانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ضامن دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی و مصونیت مرحله دریافت از خطا و تحریف

و ما صاحبکم بمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 23 - 3

3 - عقل سالم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مشهود بودن جبرئیل برای آن حضرت در فضایی روشن، تضمین کننده دریافت صحیح قرآن از فرشته وحی

و ما صاحبکم بمجنون . و لقد رءاه بالأفق المبين

4- آثار سلامت فکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 40 - 6

6 - انسان، در پرتو سلامت روح و اندیشه، قادر به دریافت و پذیرش پیام وحی

و من یعش عن ذکر الرحمن .. أفأنت تسمع الصمّ ... و من کان فی ضلل مبين

در آیه شریفه قابلیت نداشتن برای هدایت، گمراهی آشکار شمرده شده است. از این نکته می توان استفاده کرد که وجود قابلیت روحی و فکری برای هدایت، می تواند راه رسیدن به حق را هموار سازد.

5- اهمیت سلامت اخلاق جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 33 - 31

31 - اهتمام اسلام به رواج اخلاق سالم جنسی و ایجاد روابط سالم زناشویی در جامعه و برچیده شدن زمینه فساد جنسی

و لیستعفف الذین لایجدون نکاحًا .. و لا تکرهوا فیتیکم علی البغاء إن أردن تحصنً

6- اهمیت سلامت اقتصادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 85 - 22

22 - دعوت مردم به سلامت اقتصادی و رعایت عدالت در خرید و فروش، از مهمترین رسالت های شعیب برای قوم خویش پس از دعوت به توحید

يقوم اعبدوا الله . . فأوفوا الكيل و الميزان و لاتبخسوا الناس أشياءهم

7- اھمیت سلامت جامعہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

12 - نور - 24 - 19 - 4

ص: 270

4- سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی، مورد اهتمام دین اسلام است.

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَحْشَاءُ... لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی، بسیار اهمیت قائل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 10

10 - هدف الهی از بعثت پیامبران، ایجاد جوامع سالم، رشید و بالنده است.

لقد أرسلنا رسلنا... ليقوم الناس

«قیام» (مصدر «يقوم») به معنای ایستادن است. در این جا در معنای سلامت و صلاح به کار رفته است.

8- اهمیت سلامت روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 10

10- اهتمام اسلام به سالم سازی روابط اجتماعی انسان ها و تحکیم بنخشدن به آن و پاک سازی جامعه از فحشا، بزهکاری، ستم و سرکشی

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ... وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ

9- دلایل سلامت عقل محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 70 - 5

5 - حقانیت سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) (پیام ها و رهنمود های او)، گواه برخورداری آن حضرت از روح و اندیشه ای سالم

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّهٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ

10- زمینه سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نقش بنیادین عدالت اقتصادی در قوام، سلامت و بالندگی جامعه

و أنزلنا معهم . . . و المیزان ليقوم الناس بالقسط

«قسط» به معنای عدل است و مراد از آن - به قرینه «المیزان» - عدالت در روابط و مناسبات اقتصادی است.

ص: 271

11- زمینه سلامت روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 27 - 2

2- روابط اجتماعی سالم، در گرو زندگی معتدل و در حد نیاز است.

و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الأرض

از این که بغی و طغیان، متفرع بر بسط و گسترش رزق شده و نه اصل رزق، مطلب یاد شده استفاده می شود.

12- زمینه سلامت قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 54 - 6

6- علم، مایه سلامت قلب و جان و جهل، موجب قساوت و بیمار دلی

ليجعل... فتنه للذين في قلوبهم مرض... وليعلم الذين أوتوا العلم أنه الحق من

13- سلامت اقتصاد جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 188 - 12

12- نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها إلى الحكام... و أنتم تعلمون

14- سلامت بدن اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 18 - 3,5

3- پیکر و اعضای بدن اصحاب كهف، در تمام مدتی که در خواب بودند، آسیبی ندید و تغییر چشم گیری نیافت.

و تحسبهم أيقاظًا و هم رقود

مفاد جمله «تحسبهم..» این است که هر بیننده‌ای، اگر در دوران خوابِ اصحاب کهف، به آنان نظر می‌افکند، نه تنها آن‌ها را اجسادى از هم گسیخته نمی‌یافت، بلکه انسان‌هایی به خواب رفته نیز نمی‌دید؛ یعنی، آن‌ها، افرادی بیدار به نظر می‌آمدند که حیات عادی خود را می‌گذرانند.

5- گردیدن اصحاب کهف به چپ و راست، از عوامل مصونیت آنان در برابر آسیب‌های جسمی بود. *

و نقلبهم ذات الیمین و ذات الشمال

اسناد «نقلب» (گرداندن) به خداوند، در جمله «نقلبهم..» گویای این است که این تغییر حالت، از الطاف الهی بوده است. بیان این نکته، پس از اشاره به خواب اصحاب کهف، می‌تواند ناظر به برخی از علل سالم ماندن بدن آنان باشد.

ص: 272

15- سلامت روانی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 3 - 6

6- لزوم احراز سلامت عملی، فکری و روحی رهبران، در اعتماد به ایشان *

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی . و ما ینطق عن الهوی

خداوند، برای جلب اعتماد مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه نکته را بیان فرموده است: 1- عدم گمراهی در زندگی (ما ضلّ) 2- عدم انحراف در فکر (ماغوی); 3- مغلوب نبودن در برابر هوای نفس (و ما ینطق عن الهوی).

16- سلامت سگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 18 - 8

8- سگ اصحاب کهف نیز مانند خود آنان، در سلامت کامل بود.

و نقلّهم ذات الیمین و ذات الشمال و کلبهم بسط ذراعیه بالوصید

17- سلامت عقل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 21

21- مؤمنان، برخوردار از عقل سلیم و خردناب و کافران فاقد آن هستند.

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ

این که خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذیراند، اشاره به گروه مؤمنان و کافران دارد؛ زیرا آیات یاد شده در صدد توصیف این دو گروه است.

18- سلامت فکری رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 3 - 6

6- لزوم احراز سلامت عملی، فکری و روحی رهبران، در اعتماد به ایشان *

ما ضلّ صاحبکم و ما غوی . و ما ینطق عن الهوی

خداوند، برای جلب اعتماد مردم به پیامبر (صلی الله علیه و آله) سه نکته را بیان فرموده است: 1- عدم گمراهی در زندگی (ما ضلّ) 2- عدم انحراف در فکر (ما غوی); 3- مغلوب نبودن در برابر هوای نفس (و ما ینطق عن الهوی).

ص: 273

19- سلامت متقین در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 1

1- دعوت از تقوایبندگان برای ورود به بهشت ، همراه با سلامت و امنیت کامل و به دور از هرگونه رنج ، درد ، ناخوشی و ناامنی است .

إن المتقین فی جنّات و عیون

«باء» در «بسلام» در معنای «مصاحبت» به کار رفته است.

20- عوامل سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 32 - 8

8 - لزوم مبارزه با ریشه ها و علل گناه ، برای تأمین سلامت جامعه

لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل . . . و لا تقتلوا انفسکم . . . و لا تتمنّوا ما فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 25 - 13

13 - دین و عدالت ، مایه قوام و سلامت جامعه است .

و أنزلنا معهم الکتب و المیزان ليقوم الناس بالقسط

21- عوامل سلامت زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 5

5- تأثیر ایمان و عمل ، در سلامت و دلپذیری زندگی دنیوی انسان

من عمل صلحًا . . و هو مؤمن فلنحییته حیوه طیبه

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «حیاه طیبه» همین زندگی دنیوی باشد.

22- عوامل مؤثر در سلامت جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 11 - 9

9- زنان ، همچون مردان ، دارای نقش در سلامت معنوی یا بیماری اخلاقی جامعه

ص: 274

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که برای حفظ برادری اجتماعی و حاکمیت رحمت بر کل جامعه، زنان و مردان سهمی همسان دارند. پس همچنان که مردان باید از استهزا بپرهیزند، زنان نیز مکلف اند.

23- منشأ سلامت اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 71 - 4

4 - سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 32 - 13

13 - حفظ سلامت و تعادل اجتماعی، در پرتو به کارگیری توانایی ها و استعداد های مختلف نیرو های انسانی

نحن قسمنا بینهم ... لیّخذ بعضهم بعضاً سخریاً

از حکمت الهی و برتری خداوند در برنامه ریزی - که به طور غیر مستقیم از آیه استفاده می شود - می توان مطلب بالا را نتیجه گرفت.

ص: 275

1- آثار سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 52 - 10

10 - سلامت دل و ایمان راسخ ، زمینه پرهیز از ستمگری و عصیان و موجب برخورداری از هدایت خاص الهی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . فترى الذين فى قلوبهم مرض يسرعون فيهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 5

5 - ایمان به رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آیات خداوند منوط به برخورداری انسان از قلب و بینش سالم است.

و نقلب أفندتهم . . . كما لم يؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 24 - 7

7- بهره‌وری از مفاهیم عالی وحی ، منوط به داشتن قلب سلیم و زمینه ساز تدبیر

أفلا يتدبرون . . . أم على قلوب أقفالها

در صورتی که «أم» به معنای «بل» باشد، مفاد آیه چنین می شود: اگر در قرآن تدبیر شود، حقیقت بر انسان آشکار می گردد؛ ولی حق گریزان در نتیجه اعمال خودشان، قلبی بسته و ناتوان از تدبیر دارند. در حالی که تدبیر در قرآن، برای قلب سلیم و تأثیر پذیر، میسر است.

2- اهمیت سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 5

5- سلامتی و امنیت ، اهمیت و ارزشی چشمگیر در نزد انسان ها دارد .

ادخلوها بسلم ءامنين

از اینکه خداوند، سلامتی و امنیت را از نخستین پادشاهای تقوایندگان در بهشت برشمرده و به انسانها، آنها را نوید داده است، مطلب فوق
به دست می آید.

ص: 276

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 115 - 15

15- حفظ سلامتی و رفع نیاز های ضروری بدن ، دارای اهمیت و مورد توجه ویژه در تعالیم دین

إنما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ .. فَمِنَ اضْطِرَّ غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

از آن جایی که خداوند خوردنیهای حرام را در صورت اضطرار (نیاز ضروری بدن و سلامتی جسم به تناول خوردنیهای حرام) حلال شمرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مزمل - 73 - 20 - 19

19 - شب زنده داری ، نباید به مقداری باشد که به سلامت مؤمنان آسیب رساند و یا مانع از تلاش روزانه برای تأمین زندگی و یا پیکار در راه خدا شود .

فاقرءوا ما تيسر من القرآن علم أن سيكون منكم مرضى .. فاقراءوا ما تيسر منه

3- اهمیت سلامتی فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 67 - 10

10- لزوم چاره اندیشی و تدبیر برای حفظ سلامت فرزندان

بينى لا تدخلوا من باب وحد

4- اهمیت سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 89 - 6

6 - تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلا من أتى الله بقلب سليم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا

به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 84 - 6,7,4,5

4 - قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّہ بقلب سلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت «قلب سلیم» اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم

ص: 277

نشأت می گیرد.

5- نقش قلب سالم و پاک ، در موفقیت رهبران و مبلغان دینی

إذ جاء ربّه بقلب سليم

6- پاک سازی قلب و دل ، از هرگونه امراض روحی و اخلاقی ، شرط تقرب به خدا و بار یافتن به درگاه او

إذ جاء ربّه بقلب سليم

7- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

وإنّ من شیعتّه لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سليم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

5- برادران یوسف و سلامتی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 1

1- کاروان فرزندان یعقوب با سوغاتی ارزشمند و دلیلی روشن بر سلامت یوسف (ع) ، از مصر به سوی کنعان حرکت کردند .

اذهبوا بقمیصی هذا .. ولما فصلت العیر

«فصلت» از مصدر «فصول» گرفته شده است و «فصول» به معنای خارج شدن و جدا گشتن می باشد.

تفسیر عیاشی، ج2، ص196، ح79؛ نورالثقلین، ج2، ص462، ح185.

6- بشارت سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 24 - 3

3- فرشتگان ، نوید دهنده سلامت به بهشتیان و دوری هرگزند از ایشان

سلم عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 10

10- فرشتگان ، به هنگام قبض روح تقوایندگان ، حامل پیام سلامتی و خوشحالی برای آنانند .

المتّقين . الذين توفّهم الملائكة طيّبين يقولون سلم عليكم ادخلوا الجنّة

7- حتمیت سلامتی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 278

3- سلامت و امنیت کامل برای عیسی (ع) در لحظه مرگ و هنگامه رستاخیز، تضمین شده و تغییر ناپذیر است.

والسلم علی... یوم أموت و یوم أبعث حیاً

8- روش سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 10

10- « شهاب بن عبد ربّه قال : شکوت إلى أبی عبد الله (ع) ما ألقى من الأوجاع والتخم فقال : تغدّ و تعشّ و لاتأکل بینهما شیئاً فإنّ فیه فساد البدن أما سمعت الله عزّوجلّ یقول : « لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً » ;

شهاب بن عبد ربّه گفت: خدمت امام صادق(ع) از دردها و ترش کردن غذا در معده شکایت کردم، پس حضرت فرمود: صبح و پسین غذا بخور و بین آنها چیزی نخور؛ زیرا خوردن غذا بین این دو وعده، موجب فساد بدن است. نشنیدی که خداوند عزّوجلّ می فرماید: لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً».

9- زمینه سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 7

7- تقوا، احسان به پدر و مادر، پرهیز از سلطه جویی و عصیان، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است.

برّاً بولدیه و لم یکن جبّاراً عصیاً . و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث

10- زمینه سلامتی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 17

17 - تضمین سلامت و امنیت کامل برای فرعون - در صورت پذیرش ایمان - از جمله پیام های الهی برای فرعون بود.

فقولا... والسلم علی من اتبع الهدی

11- سلامتی آب جاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 31 - 2

2 - آب های روان ، سالم و مرغوب تر از آب های راکد

و ماء مسکوب

ص: 279

12- سلامتی اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 11

11- متقین ، پس از مرگ پیوسته در آسایش و سلامتی اند .

المتّقین . الذین تتوفّهم الملائکه طیّبین یقولون سلم علیکم

13- سلامتی اخروی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 91 - 3

3 - پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ، در خیر و سلامتی از ناحیه اصحاب الیمین در جهان آخرت

فسلم لک من أصحاب الیمین

14- سلامتی اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 44 - 2

2- تحیت بر مؤمنان ، به هنگام لقاء الله ، سلامتی و امنیت کامل داشتن است .

تحیتهم یوم یلقونه سلم

احتمال دارد که مراد از «سلام»، معنای اصطلاحی آن باشد که نوعی تحیت گفتن است و احتمال دارد که معنای لغوی آن باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

15- سلامتی اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 19 - 2

2- بیداری اصحاب کهف ، همچون خواب شگفت و سلامت جسم شان در آن مدّت طولانی ، آیت و نشانه ای الهی بود .

مشارالیه «ذلک» - که بعث و بیدارسازی اصحاب کهف به آن تشبیه شده است - خواب طولانی آنان و تدابیری است که در مدّت خواب برای سلامت آنان به کار برده شده بود. وجه شبه مورد نظر - آنگونه که از جمله «ذلک من آیات اللّٰه من ینهد اللّٰه فهو المهتد» در آیه هفده به دست می آید - نشانه بودن و دلالت این حوادث بر امدادهای هدایت گرانه خداوند، به موحدان است.

16- سلامتی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 8

8- توصیه یعقوب (ع) به فرزندان (لزوم اختیار کردن دروازه های متعدد برای ورود به مصر) جز تلاش برای سلامتی فرزندان ، اثر دیگری نداشت .

ما کان یغنی عنهم من الله من شیء إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها

استثنا در عبارت «إلاّ حاجه ..» استثنای منقطع است. ظاهر آن است که ضمیر فاعلی در «قضیها» به یعقوب(ع) باز گردد. بر این اساس معنای «ما کان یغنی ... إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها» چنین می شود: تدبیر یعقوب(ع) هرگز بازدارنده آنچه از ناحیه خداوند مقدر شده بود نشد؛ لکن یعقوب(ع) خواسته ای داشت که با دستور خویش (ادخلوا من أبواب متفرقه) عملی ساخت. بر اساس این معنا مراد از خواسته او (حاجه) انجام وظیفه است و آن راهنمایی فرزندان به اسباب رهایی از خطرات احتمالی است.

17- سلامتی بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 7

7 - بهره مندی از سلامتی مطلق، تحیت و عطیه خداوند به اهل بهشت

و تحیتهم فیها سلم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «هم» در «تحیتهم» مفعول و فاعل آن، ضمیر عاید به (الله) باشد؛ یعنی، تحیت خدا به اهل بهشت، اعطای سلامتی مطلق به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 62 - 4,9

4- گفتار بهشتیان با یکدیگر، عاری از یاوه و بیهودگی و سرشار از سلامت خواهی و آرزوی امنیت خواهد بود .

لا یسمعون فیها لغواً إلاّ سلماً

استثنا در «إلاّ سلماً» منقطع است؛ یعنی، «لکن یسمعون سلماً» و یا «کلاماً سالماً». برخی از مفسران آن را استثنای متصل دانسته و گفته اند: «سلام» - که دعای به سلامتی از آفات است - برای بهشتیان جز اکرام و گرامی داشت مفهومی ندارد؛ زیرا در بهشت آفتی نیست تا

دعا به سلامتی از آن لغو نباشد.

9- امنیت و سلامت روح و جسم، ره آورد ورود به بهشت

لا یسمعون فیها لغواً إلاّ سلماً و لهم رزقهم فیها

در این آیه، دو نوع تأمین برای بهشتیان مطرح شده است: 1- امنیت روحی به جهت آن که سخن ها، همه سلام و ایمنی بخش است؛ 2- امنیت جسمی که با تأمین نیازهای جسمی حاصل است.

ص: 281

18- سلامتی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 48 - 2

2- خداوند، نوح (ع) و همراهانش را، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد .

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح(ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب «اهبط . . .» متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و «باء» در «بسلم» برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: «یا نوح اهبط أنت و من معک . . .؛ تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود».

19- سلامتی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 46 - 8

8 - اصحاب اعراف با فریادی رسا سلامت و امنیت کامل را به مؤمنان راهی بهشت مژده می دهند .

و نادوا اصحاب الجنه أن سلم علیکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله «سلم علیکم» جمله ای اخباری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 25 - 1

1 - بهشت، سرایی است سراسر سلامت، امنیت و آرامش .

و الله یدعوا الی دارالسلم

20- سلامتی در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 43 - 7

7 - سلامت و توانایی، از شرایط مکلف

يدعون إلى السجود و هم سلمون

مطلب یاد شده، از قید «و هم سالمون» استفاده می شود.

21- سلامتی دنیویعیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 1

1- حضرت عیسی (ع) در گهواره، برخورداری خود را از سلامت و امنیت کامل، در مراحل تولد، مرگ و رستاخیز، اعلام

ص: 282

کرد .

والسالم علی یوم ولدت و یوم أموت و یوم أُبعث حیًا

«ال» در «السلام» برای استغراق خصوصیات است، یعنی سلام کامل جامع و دارای همه خصوصیات، از همین جهت این سلام با سلام در مورد حضرت یحیی (ع) از نظر خصوصیات متفاوت است.

22- سلامتی روانی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 5 - 18

18 - اهتمام اسلام به خانواده و سلامت اعتقادی و روانی آن
و المحصنت من المؤمنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب

23- سلامتی شب قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 5 - 5، 2، 1

1 - شب قدر ، سراسر خیر و سلامتی است .

سلم هی

«سلام»؛ یعنی، سلامتی و پاک بودن از هر عیب (صحاح). خبر بودن آن برای «هی» - با آن که مصدر است - مبالغه در بیان سلامتی است. علاوه بر این، «سلام»، نکره است و بر ناشناخته بودن مقدار عظمت آن دلالت دارد. تقدیم خبر بر مبتدا - که بر حصر دلالت دارد - بر مبالغه افزوده است. بیان سلامتی شب قدر از امور ناپسند، گویای آن است که در مقدرات الهی، «شر» اصالت ندارد.

2 - سلامتی کامل شب قدر از هر امر ناپسند ، نشان شرافت آن بر هزار ماه

خیر من ألف شهر . . سلم هی

5 - سرشار بودن شب قدر از سلامتی ، تا پایان سپیده دم ادامه دارد .

سلم هی حتّی مطلع الفجر

حرف «حتّی» - که برای بیان انتهای غایت است - دلالت دارد که نکته قبل، شامل زمان طلوع فجر نیز می شود.

24- سلامتی عقل برگزیدگان بهترین سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - 18 - 39 - زمر

16 - تنها ، برگزیدگان و پیروی کنندگان بهترین سخن ، صاحبان عقل سلیم و خرداند .

الذین یستمعون القول فیَتَّبِعُونَ أحسنه . . . وأولئک هم أولوا الألباب

«لَبَّ» (مفرد «ألباب») به معنای عقل سلیم و خرد ناب است. گفتمنی است تعریف دو جزء مبتدا (أولئک) و خبر (هم) مفید

ص: 283

حصر است.

سلامتی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 2,4

2- حضرت عیسی (ع) در زمان تولد، دارای جسم و روحی سالم و آماده رشد و کمال بود.

والسلم علیّ یوم ولدت

4- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی، بر مبرابردن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد.

والسلم علیّ یوم ولدت

25- سلامتی قلب ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 84 - 1,2,3

1 - ابراهیم (ع)، با قلبی سلیم به پیشگاه پروردگار بار می یافت.

لِإِبْرَاهِيمَ . إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

2 - ابراهیم (ع)، برخوردار از قلبی سالم و پاک از آفت‌ها و امراض روحی، اخلاقی و شخصیتی

إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

«سلیم» صفت مشابهه و مشتق از «سلامت» (پاکی از امراض دردها و آفت‌ها) است. توصیف قلب به «سلیم» بودن، اشاره به انواع امراض و آفت‌های روحی، اخلاقی و شخصیتی دارد.

3 - برخوردار از قلب سلیم، برجسته‌ترین صفت ابراهیم (ع)

إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

26- سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعتہ لإبرہیم . إذ جاء ربّہ بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

ص: 284

27- سلامتی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 6

6- مریم (س)، هنگام دریافت بشارت تولد عیسی (ع)، در شرایط سنی مناسب و سلامت جسمی لازم برای بارداری بود.

و لم یمسسنی بشر و لم اک بغیاً

آنچه در کلام مریم، مانع پیدایش عیسی (ع) قلمداد شده است، به نبود پدر مربوط می شود و سخنی از آمادگی جسمی نداشتن مریم مطرح نشده است. بنابراین او از این جهت مشکلی نداشته است.

28- سلامتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 48 - 2

2- خداوند، نوح (ع) و همراهانش را، به تأمین سلامتی و نزول نعمت های پرخیر و برکت نوید داد.

قیل ینوح اهبط بسلم منا و برکت علیک

هر چند نوح (ع) مورد خطاب است و فرمان و اجازه فرود متوجه اوست، ولی به قرینه مقام می توان گفت: خطاب «اهبط...» متوجه همراهان آن حضرت نیز می باشد و «باء» در «بسلام» برای مصاحبت است. بنابراین آیه شریفه چنین معنا می شود: «یا نوح اهبط أنت و من معک...؛ تو و پیروانت فرود آید در حالی که همراه و قرین سلامت، امنیت و برکت خواهید بود».

29- سلامتی هنگام قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 6

6- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

نکره بودن «سلام» بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و... است.

30- سلامتی هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 6

6- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علیّ . . . یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

ص: 285

31- سلامتی هنگام ولادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 6

6- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

نکره بودن «سلام» بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و... است.

سلامتی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 3, 2, 1

1- حضرت یحیی (ع)، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

2- حضرت یحیی (ع) به هنگام زاده شدن از هر گزند و کاستی در امان بود و همه زمینه ها و شرایط لازم برای رشد و کمال را داشت .

و سلم علیه یوم ولد

«سلام» دارای چند معنا است، از جمله به معنای سلامتی از هر گزند و آفت است، البته سلام از جانب خداوند جنبه تکوینی دارد و خبر از متن حوادث می دهد؛ لذا «سلام علیه»؛ یعنی، از جانب خداوند عافیت یحیی از هر گزند جسمی و انحراف عقیدتی تضمین شده است.

3- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم علیه .. یوم یموت و یوم یبعث حیاً

«ولد» فعل ماضی و «یموت» مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

32- علاقه به سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- دور بودن از رنج و تعب، زندگی توأم با سلامتی و امنیت و ماندگاری و جاودانگی، از اموری که مورد علاقه شدید انسان است.

لایمّسّهم فیها نصب و ما هم منها بمخرجین

ذکر وضعیت متقین در بهشت، به منظور تشویق انسانها جهت پیوستن به صفوف تقواییشان است. طبیعی است ذکر این وضعیت، باید به گونه ای باشد که مطلوب انسانها و مورد علاقه آنها باشد.

ص: 286

33- عوامل سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 47 - 16

16 - پیروی از هدایت الهی ، در پی دارنده سلامتی و امنیت است .

والسلم علی من اتبع الهدی

«سلام» اسم مصدر از باب تفعیل است و به معنای سلامتی و عافیت از آفت ها می باشد (لسان العرب). مقصود از سلامت در این آیه - به قرینه آیه بعد - در امان بودن از عذاب دنیا و آخرت است.

34- عوامل سلامتی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 46 - 4

4- تقوا ، پیامدار فرجامی سعادت‌مند همراه با سلامتی و امنیت کامل در آخرت

إن المتقين فی جنّاتٍ .. ادخلوها بسلم ءامنین

35- عوامل سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 56 - 5

5 - نقش عمیق سرپرست خانواده در مصون داشتن آنان از فساد فراگیر جامعه

قالوا أخرجوا آل لوط من قریتکم

عبارت «أخرجوا آل لوط» (خانواده لوط را از شهرتان بیرون کنید) نشان می دهد که در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، تنها خانواده ای که از فساد ایمن مانده بود، خانواده تحت سرپرستی لوط(ع) بوده است.

36- عوامل مؤثر در سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 80 - 2

2- تأثیر عوامل طبیعت در سلامتی انسان ، به تدبیر و هدایت تکوینی خداوند

و إذا مرضت فهو يشفين

انسان برای درمان بیماری خود، نیازمند مصرف دارو است. بنابراین نسبت داده شدن شفای مریض به خداوند، بیانگر آن است که نقش دارو در درمان انسان، به اراده و تدبیر خدا بستگی دارد.

ص: 287

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 42 - 6

6 - نقش آب سرد جوشیده از زمین ، در سلامتی انسان و برطرف کردن برخی از بیماری های جسمی

هذا مغتسل بارد و شراب

37- عوامل مؤثر در سلامتی خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 57 - 6

6 - تأثیر جدی جامعه فاسد و منحرف بر سلامت خانواده

فأنجينه و أهله إلاّ امرأته

خانواده لوط با این که تحت اشراف نیرومند وی، از هجوم فساد فراگیر جامعه در امان ماندند؛ اما جامعه فاسد سرانجام تأثیر مخرب خود را گذاشت و همسر وی را از او جدا ساخت.

38- مسؤول سلامتی فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 11

11- تلاش برای تأمین سلامت فرزندان از وظایف پدران

إلاّ حاجة فی نفس یعقوب قضیها

39- منشأ سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 78 - 16

16 - خداوند ، منشأ تمام نعمت ها (مانند سلامتی ، امنیت و گشایش روزی) و تمام بلا ها (از قبیل بیماری ، ترس و گرسنگی)

و ان تصبهم حسنةً یقولوا هذه من عند الله و ان تصبهم سيئةً یقولوا هذه من عندك قل

از ائمه معصومین (ع) در معنای حسنات و سیئات در آیه فوق روایت شده است: .. الصحه و السلامه و الامن و السعه فى الرزق و قد سمّاها الله حسنات ... يعنى بالسيئه هاهنا المرض و الخوف و الجوع ...

تفسیر قمی، ج 1، ص 144؛ نورالثقلین، ج 1، ص 519، ح 416.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 288

6- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

نکره بودن «سلام» بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجهه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 10 - 9

9 - مقام قرب الهی ، مقام امن و سلامت

إِنِّي لَأَخَافُ لَدَى الْمَرْسَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 34 - 2

2- سلامت و نابودی انسان در پهنه طبیعت ، در گرو مشیت الهی است .

إِنْ يَشَأْ... يُوْبِقَهُنَّ

40- منشأ سلامتی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 1

1- حضرت عیسی (ع) در گهواره ، برخوردار از خود را از سلامت و امنیت کامل ، در مراحل تولد ، مرگ و رستاخیز ، اعلام کرد .

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

«ال» در «السلام» برای استغراق خصوصیات است، یعنی سلام کامل جامع و دارای همه خصوصیات، از همین جهت این سلام با سلام در مورد حضرت یحیی (ع) از نظر خصوصیات متفاوت است.

41- منشأ سلامتی نوزاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 12

12 - والدین در دوران جنینی کودک ، تنها خداوند را در اعطای فرزندى سالم مؤثر مى دانند .

لئن ءاتیتنا صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 3,7

3 - اعطای فرزند و تأمین سلامت او به دست خدا و در اختیار اوست .

ص: 289

فلما آتیهما صلحاً

7- انسان ها پس از برخوردار شدن از فرزند سالم ، علی رغم اعتقادشان بر یگانگی خدا در آفرینش و تأمین سلامت جنین ، به شرک می گرایند و غیر او را در آفرینش و سلامت کودکان مؤثر می پندارند .

لئن آتیتنا .. فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء

42- نشانه های سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 80 - 4

4- حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى .. إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

43- نشانه های سلامتی ادراک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 39 - 10

10 - ایمان به آیات الهی، نشانه سلامت درک و اندیشه

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ .. يَجْعَلُهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

44- نشانه های سلامتی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 85 - 3

3- دوری از شرک ، نشانه سلامت قلب و دل است .

إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ . إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ ..»، بدل اشمال از «إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» است؛ یعنی، چون ابراهیم(ع) دارای

قلب سلیم بود، این سخن ضد شرک از او صادر شده است.

45- نعمت سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 7 - 8

ص: 290

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکاثر - 102 - 8 - 8

8 - « فی المجمع ، فی تفسیر قوله تعالى « ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم » [هو الأمان و الصحه ... روی ذلك عن أبي جعفر (ع) و أبي عبدالله (ع) ;

در «مجمع البيان» درباره تفسیر سخن خداوند («.. عن النعيم») آمده: «نعيم» امنیت و سلامتی است ... این مطلب از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است».

46- نقش سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 4 - 6

6 - شایستگی فرد برای ترجیح او بر دیگران در پند و اندرز ، به سلامتی کامل ، بینایی و فعال بودن تمام قوای جسمی وی وابسته نیست .

أن جاءه الأعمى . . . و ما يدريك لعله ... يدكر

47- نیاز به سلامتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 6

6- انسان در لحظه مرگ (نظیر زمان ولادت و هنگامه رستاخیز) نیازمند سلامت و امنیتی ویژه از جانب خداوند

و سلم عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حياً

نکره بودن «سلام» بیانگر برجستگی آن است و مراد از سلامت هنگام مرگ، در امان بودن از مواجه شدن با امری ناخوشایند، نظیر وحشت و اضطراب و نومیدی و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 6

6- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علیّ . . . يوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

48- یعقوب (ع) و سلامتی فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 291

10- یعقوب (ع) آنچه وظیفه او برای تأمین سلامت فرزندانش بوده، به کار بست.

إلاّ حاجة في نفس يعقوب قضيتها

ص: 292

22- سلطه طلبی

1- آثار اجتناب از سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 7

7- تقوا، احسان به پدر و مادر، پرهیز از سلطه جویی و عصیان، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است.

بِرَأْبُولدیه و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا . و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث

2- آثار سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 83 - 11

11 - خودکامگی، سلطه مداری و خوی اسراف گری، زمینه ساز رویارویی با پیامبران الهی است.

علی خوف من فرعون... إن فرعون لعال فی الأرض و انه لمن المفسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 14 - 10، 9

9- استکبار، سلطه جویی و سرکشی، مانع رشد و تکامل انسان است.

و ءاتینه... زکوه و کان... و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا

جمله «لم یکن...» عطف است بر جمله «کان...» در آیه قبل و بیانگر علتی دیگر برای «آتیناه الحکم... و زکاه».

10- گردن فرازی و سلطه جویی، زمینه ساز عصیان و گناه است.

و لم یکن جَبَّارًا عَصِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 8

8- استبداد، حق ستیزی و سلطه گری از موجبات شقاوت و تیره بختی است.

ولم يجعلني جبّاراً شقيّاً

«شقيّاً» می تواند صفت توضیحی برای «جبّاراً» باشد، یعنی اگر کسی جبار شد، شقی خواهد بود.

ص: 293

3- آثار سلطه طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

فاستکبروا و کانوا قومًا عالین

جمله «و کانوا قومًا عالین» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

4- آثار سلطه طلبی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 83 - 10، 12

10 - خودکامگی، سلطه مداری و خوی اسراف گرانه فرعون، عامل رویارویی وی با موسی (ع) و آزار و اذیت پیروانش بود.

فما آمن لموسی إلا ذریه من قومه علی خوف من فرعون و ملایهم أن یفتنهم و إن فرعون ل

12 - خودکامگی و سلطه مداری فرعون، عامل ایجاد اختناق و خفقان در سرزمین مصر بود.

فما آمن... إلا ذریه... علی خوف من فرعون و ملایهم أن یفتنهم و إن فرعون لعال ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 8

8 - روحیه خود بزرگ بینی و سلطه طلبی فرعون و اشراف دربار او، مانع از پذیرش دعوت موسی و هارون

فاستکبروا و کانوا قومًا عالین

جمله «و کانوا قومًا عالین» تعلیل برای «فاستکبروا» است؛ یعنی، چون آنان مردمی متکبر بودند، از پذیرش دعوت حضرت موسی و هارون امتناع کردند.

5- اجتناب از سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- لزوم پرهیز از زورگویی ، سلطه‌گری و آنچه موجب تیره‌بختی است .

ولم يجعلنی جباراً شقیّاً

ص: 294

6- سلطه طلبی اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 7

7- فرعون و اشراف حکومت او ، اشخاصی برتری جو و سلطه طلب بودند .

و كانوا قومًا عالین

7- سلطه طلبی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 46 - 7

7- فرعون و اشراف حکومت او ، اشخاصی برتری جو و سلطه طلب بودند .

و كانوا قومًا عالین

8- سلطه طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 2 - 5

5- تلاش جبهه کفر برای سلطه بر مسلمانان ، از طریق روش های دقیق و آمیخته با مهارت *

إن یتفقوكم

برداشت یاد شده با توجه به معنای «تقف» که در آن، مهارت در انجام کار نهفته است (مفردات راغب).

9- یحیی (ع) و سلطه طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 14 - 5

5- حضرت یحیی (ع) ، شخصیتی مبرا از گردن فرازی ، بزرگ نمایی ، سلطه جویی ناحق و اعراض از حاجات مردم

و لم یکن جبّارًا عصیًّا

«جَبَّار» صیغه مبالغه و به معنای گردن فرازی است که برای دیگران بر خود حقی قائل نیست (لسان العرب) و به معنای «سلطه جو» و «کسی که به دروغ مدعی درجه ای از کمال باشد» نیز آمده است (مفردات راغب). «عصی» صیغه مبالغه است و به قرینه «براً» و «جَبَّاراً» که در رابطه با مردم است، مراد از «عصی» نیز سرپیچی از برآوردن حاجات مردم و تواضع نداشتن در برابر آنها است. به کاربردن صیغه مبالغه در کلام منفی، برای مبالغه در نفی است.

سلطه طلبان

ص: 295

10- امکانات مادی سلطه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 36 - 11

11 - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً . .. هل من محیص

11- حتمیت هلاکت سلطه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 36 - 11

11 - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً . .. هل من محیص

12- قدرت سلطه طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 36 - 11

11 - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً . .. هل من محیص

ص: 296

23- سلوک

1- آثار سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 20

20 - توبه و پیمودن راه خدا (عمل به تعالیم الهی) ، دو عنصر لازم برای نجات انسان از دوزخ است .

فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

2- آثار سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 28 - 2

2 - تنها آن کسانی از تعالیم قرآن بهره می برند که خواهان حرکت در راه راست باشند .

لمن شاء منکم أن یتقیم

3- تشویق به سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 21

21 - تشویق خطاکاران به توبه و پیمودن راه درست از سوی خداوند

فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم

4- راههای سلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 2

2 - پرستش خدای یگانه ، راهی به سوی خدا و منتهی به لقای او است .

و یصدون عن سبیل الله

«سبیل الله» یعنی راه خدا «راه خدا» می تواند به معنای راهی باشد که «خدا برای اهل ایمان ترسیم و تعیین کرد» و یا می تواند به معنای راهی باشد که «به سوی خدا و به او منتهی می شود». برداشت فوق بر پایه معنای دوم است.

5- روش سلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 35 - 14

14 - فلاح و رستگاری در گرو تقوای پیشگی، پی جویی شیوه ها و ابزار های سیر و سلوک تا مقام قرب خداوند و پیکار در راه او

اتقوا الله و ابتغوا إليه الوسيله و جهدوا فی سبيله لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 17

17 - اسلام، راهی است تعیین شده از سوی خداوند برای سیر و سلوک بشر.

و اتبعوا سبیلک

مقصود از «سبیلک» (راه خدا)، اسلام و رهنمودهای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 37 - 3

3 - قرآن، راه حرکت انسان به سوی خداوند است.

و من یعش عن ذکر الرحمن... لیصدونهم عن السبیل

با توجه به توضیح برداشت قبل و این که مراد از «ذکر الرحمان» قرآن باشد، مطلب یاد شده به دست می آید.

6- زمینه سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 118 - 3

3 - پیمودن صراط مستقیم، نیازمند هدایت الهی است.

و هدينيهما الصراط المستقيم

از اين كه خداوند به عنوان امتنان بر موسی و هارون (عليهما السلام) مسأله اعطای صراط مستقيم را مطرح فرمود، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 20 - 17

17 - مؤمنان ، نیازمند امداد های مادی و معنوی خداوند ، برای حرکت مداوم در طریق دین و ارزش ها

لتكون ءايه للمؤمنين و يهديكم صراطاً مستقيماً

تعبير «لتكون...» اخباری است كه حكایت از واقعیت نیاز انسان به آیات و رهنمودهای خداوند دارد. تداوم این نیاز از

ص: 298

«یهدیکم» - که به صورت فعل مضارع آمده - استفاده می شود.

7- سلوک در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 153 - 7، 14

7 - وجوب پیروی از قوانین دین و حرکت در صراط مستقیم الهی

و أن هذا صراطي مستقيماً فاتبعوه

14 - سلوک در صراط مستقیم (عمل به قوانین دین) و پرهیز از حرکت در راههای غیر الهی، توصیه خدا به انسانهاست.

ذلکم وصیکم به

8- سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 61 - 3

3 - بودن در صراط مستقیم، خواسته و آرمان انسان ها است .

و أن اعبدونی هذا صراط مستقیم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که جمله «هذا صراط مستقیم»، تعلیل برای امر به عبادت (أن اعبدونی) باشد و چون تعلیل باید به امری مسلّم و روشن انجام گیرد. پس بودن در صراط مستقیم برای آدمی، امری مسلّم و پذیرفته شده است.

9- صبر در سلوک راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 9

9 - حرکت در مسیر خدا و احیای ارزش ها، در پی دارنده دشواری ها و نیازمند شکیبایی است .

أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر . . . و اصبر علی ما أصابک

10- فرصت سلوک سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 3

3 - لحظه مرگ ، لحظه پایان فرصت برای حرکت در راه خدا است .

ثم السبيل يسره . ثم أماته

ص: 299

حرف «ثم» برای ترتیب زمانی است و دلالت می کند که با فرا رسیدن مرگ، فرصت حرکت در راه خدا سپری شده است.

11- مراحل سیر و سلوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 19 - 6

6- در مسیر حرکت به سوی خداوند ، انسان از مراحل گوناگون و مترتب بر یکدیگر خواهد گذشت .

إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا . . . لِتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ

12- مشکلات سلوک راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 17 - 9

9- حرکت در مسیر خدا و احیای ارزش ها ، در پی دارنده دشواری ها و نیازمند شکیبایی است .

أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ . . . وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ

13- منشأ سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 29 - 1

1 - تصمیم انسان به آموختن و پیمودن راه راست ، در گرو اراده و خواست خداوند است .

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

مفعول محذوف «و ما تشاءون» - به قرینه آیه قبل - تعبیری نظیر «أن تستقیموا» است.

14- منشأ سهولت سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 20 - 1

1 - خداوند ، پیمودن راه طاعت و حرکت در راه راست را ، برای انسان ها آسان ساخته است .

«ال» در «السبيل» بيانگر ماهيت است. كلمه «السبيل» گرچه مطلق است، ولی به قرينه سياق آيه - که در مقام بيان معذور نبودن کافران است - مراد راه طاعت خداوند است.

15- موانع سلوک سیبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 26 - 17

17 - پیروی از هوای نفس ، ناسازگار با حرکت در مسیر خدا و مانعی بزرگ و خطری جدی بر سر راه کمال آدمی

و لا تتبع الهوی فیضلك عن سبیل الله

16- نعمت سلوک سیبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 20 - 6

6 - فراهم بودن زمینه آشنایی با راه خدا و آسان بودن سلوک آن ، نعمتی سزاوار شکرگزاری است .

قتل الإنسن ما أكفره . . . ثم السبیل یسره

چنانچه کفر در «ما أكفره» به معنای کفران نعمت باشد؛ آیات پس از آن - از جمله این آیه - درصدد بیان نعمت هایی خواهد بود که ناسپاسی آنها، موجب نفرین خداوند است.

ص: 301

1- استفاده ز نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 22

22 - بهره گیری از « من » و « سلوی » و روزی های پاکیزه ، توصیه خداوند به بنی اسرائیل

كلوا من طيبات ما رزقنكم

برداشت فوق با توجه به فعل امر (كلوا)، استفاده شده است.

2- بنی اسرائیل و خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 12

12 - قوم موسی با بهره گیری حرام از « من » و « سلوی » مرتکب گناه شده ، بر خود ستم کردند . *

كلوا من طيبات ما رزقنكم و ما ظلمونا و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جمله «و لكن كانوا ..» دلالت بر آن دارد که قوم موسی مرتکب حرام خواری شدند. به نظر می رسد از مصداقهای حرام خواری آنان - به قرینه وقوع جمله مذکور پس از بیان نزول من و سلوی - بهره گیری حرام از من و سلوی، همانند تجاوز به سهم دیگران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 61 - 18، 19

1 - بنی اسرائیل ، از بسنده کردن به « من » و « سلوی » ناخشنود بوده ، و از اکتفا کردن به آن اظهار ناشکیبایی می کردند .

لن نصبر علی طعام وحد

مراد از «طعام واحد» به قرینه آیه 57 «من» و «سلوی» می باشد.

18 - بنی اسرائیل ، در صورت دستیابی به خوراکی های دلخواه (سبزیجات و . . .) از « من » و « سلوی » محروم می شدند .

قال أتستبدلون الذی هو أدنی بالذی هو خیر

با وجود اینکه در سخنان بنی اسرائیل این معنا نبود که «مَنّ» و «سلوی» نمی خواهیم، ولی خداوند یا موسی (ع) در پاسخ

ص: 302

آنان، جمله «أتستبدلون» (چرا معاوضه می کنید) را به کار برد تا به این نکته اشاره کند که: دستیابی به خوراکیهای یاد شده، موجب محرومیت شما از «منّ» و «سلوی» خواهد شد.

19 - بنی اسرائیل، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصیر علی طعام وحد . . . قال أتستبدلون الذی هو أدنی

3- خوردنی سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 6

6 - خداوند، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع)، خوردنی های «منّ» (ترنجبین) و «سلوی» (بلدرچین) نازل کرد.

و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

«منّ» قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. «سلوی»، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

4- زمینه نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 20

20 - پدیدار شدن ابر بر فراز قوم موسی، زمینه فرود آمدن منّ و سلوی برای آنان *

و ظللنا علیهم الغمم و أنزلنا علیهم المنّ و السلوی

عطف شدن «آنزلنا . . .» بر جمله «ظللنا ...» می تواند حاکی از ارتباط میان آمدن ابر با نزول منّ و سلوی باشد.

5- نزول سلوی بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 57 - 3,5,6

3 - خداوند، برای تغذیه قوم موسی - به هنگام عبورشان از صحرا - برای آنان «منّ» (ترنجبین) و «سلوی» (بلدرچین) فرستاد.

کلمه «مَنَّ» در لغت به ترنجبین و نیز به شربت شیرین، همانند عسل معنا شده است و در معنای «سلوی» گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی نیز گفته اند «سلوی» همان بلدرچین است.

5- نزول «مَنَّ» و «سلوی» بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابر های سایه گستر، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود.

ثم بعثناكم .. و ظللنا عليكم الغمام

عطف جمله «ظللنا ..» بر «بعثناكم...» اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول «منّ» و «سلوی» پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

6- قرار دادن ابر های سایه گستر و نازل کردن « منّ » و « سلوی » از معجزات ارائه شده به قوم موسی

و ظللنا عليكم الغمام و أنزلنا عليكم المنّ و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 6,7,8

6- خداوند، بر بنی اسرائیل زمان موسی (ع)، خوردنی های « منّ » (ترنجبین) و « سلوی » (بلدرچین) نازل کرد .

و نزلنا عليكم المنّ و السلوی

«منّ» قطراتی است که از آسمان بر درخت ها و سنگ ها می نشیند و به صورت عسل در می آید. طعم آن شیرین است و مانند شیره درخت خشک می شود (قاموس). برخی از مفسران آن را ترنجبین معنا کرده اند. «سلوی»، پرنده ای است شبیه کبوتر با پا و گردنی درازتر که حرکتی سریع دارد و رنگ آن شبیه رنگ بلدرچین است (مصباح). برخی آن را همان بلدرچین می دانند.

7- نزول « منّ و سلوی » بر بنی اسرائیل، پس از نجات آنان از چنگال فرعون و استقرار آنها در بیابان بوده است .

قد أنجینکم ... و عدنکم ... و نزلنا عليكم المنّ و السلوی

نزول «منّ و سلوی»، نشان عاری بودن منطقه از مواد غذایی متداول و بیابانی بودن محیط استقرار آنها است.

8- نزول « منّ و سلوی »، از معجزات ارائه شده به قوم موسی (ع)

و نزلنا

اختصاص یافتن «منّ و سلوی» از بین خوراکی ها و یادآوری نزول آن بر بنی اسرائیل، نشان از غیر عادی بودن نزول آن دو دارد.

6- نزول نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 80 - 9

9- نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان، از نعمت های خداوند بر

بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

بینی اسرائیل قد أنجینکم . . . و نزلنا علیکم المنّ والسلوی

7- نعمت سلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 18، 19، 26

18 - خداوند برای تغذیه قوم موسی به هنگام عبورشان از صحرای سوزان، بر آنان منّ و سلوا فرو فرستاد.

و أنزلنا علیهم المنّ و السلوی

ص: 304

کلمه «مَنْ» در لغت به ترنجبین و نیز شربت‌ی شیرین همانند عسل معنا شده است و در معنای «سلوی» گفته شده که پرنده ای است سفید رنگ همانند بلدرچین و برخی گفته اند «سلوی» همان بلدرچین است.

19 - « مَنْ » و « سلوی » خوراکی پاکیزه و از روزی های عطا شده به بنی اسرائیل

و أنزلنا علیهم المن و السلوی کلوا من طیب ما رزقناکم

26 - ظهور معجزاتی متعدد (پدید آمدن آب ، سایه ، نزول مَنْ و سلوی) برای قوم موسی در پی عبورشان از دریا

فانبجست .. ظللنا علیهم الغم و أنزلنا علیهم المن و السلوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 81 - 1

1 - « مَنْ و سلوی » ، عطیه الهی به بنی اسرائیل و از روزی های پاکیزه و گوارا

و نزلنا علیکم المن و السلوی . کلوا من طیب ما رزقناکم

طیب، چیزی است که قوای حسی و نفس آدمی از آن لذت ببرد (مفردات راغب). «طاب»؛ یعنی، لذیذ و پاکیزه شد (قاموس). البته یکی از معانی «طیب»، «حلال» است، ولی چون همه رزق های الهی حلال می باشد، معنایی که مفهوم آن تقسیم رزق به حلال و حرام است، معنای مناسبی نخواهد بود.

ص: 305

25- سلیمان (ع)

1- آبادانی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 5

5- شیاطین جنی، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند.

و الشیاطین کلّ بناء و غواص

2- آثار امتحان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 1

1- طلب آمرزش سلیمان (ع) از پروردگار، در پی آزمایش الهی

و ألقینا علی کرسیه جسدًا ثمّ أناب . قال ربّ اغفر لی

3- آثار تدبیر سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 5

5- تأثیر عمیق تدبیر سلیمان (ع) در فاصله گرفتن بلقیس از آیین شرک آلود خویش

فلما جاءت . . . و کتا مسلمین . و صدّها . . . إنها کانت من قوم کفرین

از ارتباط آیه یاد شده با آیات پیش استفاده می شود که تدبیر سلیمان (ع) باعث شد که بلقیس از شر رفتار شرک آلود خود رهایی یابد و به دامن توحید و یکتاپرستی بازگردد؛ و گرنه بر اثر خو گرفتن به عادات قوم خود، همچنان در گمراهی می ماند.

4- آثار سان دیدن سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 10، 5

5- سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها، موجب غفلت او از یاد خدا گشت.

إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «عن» در «عن ذکر ربّی» به معنای «علی» و «أحببت» به معنای «آثرت» (ترجیح دادم) باشد؛ یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم؛ تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

10 - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال) این... نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

5- آثار علم سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 6

6- علم و دانش سلیمان، زمینه ساز دستیابی او به قدرت و به خدمت گرفتن آن در مسیر اهداف الهی

و لقد آتينا داود و سليمان علماً.. و آتينا من كلّ شيء... جنوده من الجنّ و الإ

طرح علم گسترده سلیمان، پیش از بیان عظمت سپاه و قدرت برتر نظامی وی، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

6- آثار قدرت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 9

9- پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلما رأته .. قالت ربّ إِنِّي ظلمت نفسي

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن

شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

7- آثار موضعگیری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 3

3 - عزم ملکه سبا بر تسلیم شدن در برابر سلیمان (ع)، پس از رد هدایای وی

قبل أن یأتونی مسلمین

ص: 307

از سخنان سلیمان و تعبیر «قبل أن یأتونی مسلمین» استفاده می شود که بلقیس مصمم بر تسلیم شده بود و سلیمان از قبل آن را می دانست.

8- آمادگی نظامی سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 3

3- وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

«وَرَع» به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشکر برای جنگ

9- آورنده نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 3

3- عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْ

مجهول آمدن فعل «أُلْقِي» نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

10- ابزار تبلیغ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 17

17 - امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنه صرح ممرّد .. قالت ... و أسلمت مع سلیمان لله رب العلمین

ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقیس، بیانگر مطلب فوق است.

11- ابزار کتابت در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 9

9- ظرافت ابزار مورد استفاده برای کتابت (کاغذ ، پوست و . . .) در عهد سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

از آن جا که پیکه چون هدهد تنها می تواند حامل اشیایی سبک و کوچک باشد، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

ص: 308

12- اتقان قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 4

4- قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

13- اتکای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 12

12 - سلیمان (ع) ، عصبانی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتِهِ فَلَمَّا خَرَّ

14- اجابت دعای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 36 - 1

1 - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجاب خدا قرار گرفت .

و هب لي ملكًا... فسخرنا له الريح

از فای تفریع «فسخرنا...» استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملک او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

اختلاف داود(ع) و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 5

5- داوود و سلیمان (ع)، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، اختلاف نظر داشتند.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهیدین

نوع مفسران برآند که «فهمناها» می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های «کنا لحکمهم شاهدین» و «و کلاً آتینا حکماً و علماً» می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان

ص: 309

این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

15- اختیارات سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 3,5

3 - باز بودن دست سلیمان (ع)، در بخشش یا منع عطای الهی (قدرت، مکنّت و ثروت خود) به دیگران

هذا عطاؤنا فامنن أو أمسک

5 - سلیمان (ع) در بخشش به هر کس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهی قرار نداشت.

فامنن أو أمسک بغير حساب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «بغير حساب» قید برای «فامنن أو أمسک» باشد.

16- اخلاص سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 11

11 - توجه دائمی سلیمان (ع) به خدایی بودن امکانات خویش

فلما رءاه مستقرًا عنده قال هذا من فضل ربّي

از آیه یاد شده و نیز آیات پیشین استفاده می شود که سلیمان در اوج قدرت و شوکت نیز، از یاد خدا غافل نبوده، او را یاد می کند و بر نعمت های او سپاس می گزارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 14

14 - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

وأسلمت مع سلیمان لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّي

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «عن» در «عن ذکر ربّي» برای تعلیل باشد؛ یعنی، دوستی من نسبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است؛ نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

ص: 310

17- ارث سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 1

1 - سلیمان ، وارث مقام ، امکانات و دارایی های داوود

و ورث سلیمان داود

با توجه به آیه قبل (ما داوود و سلیمان را به نحو یکسان از علم ویژه برخوردار کردیم) باید اذعان کرد که مراد از «ورث سلیمان داود» چیزی از قبیل علم موهبتی نیست. علاوه بر این، علوم موهبتی همانند نبوت - برخلاف علوم اکتسابی - اصولاً قابل انتقال نیست.

18- اسبهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 31 - 1

1 - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب های اصیل ، نفیس و تیز تک

إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

«عشيّ» به معنای آخر روز و عصر است و «صافنات» (جمع «صافنه») به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پا ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). «جیاد» نیز به دو معنا آمده است: 1- جمع «جید» - در مقابل «ردی» - و به معنای نفیس است. 2- جمع «جواد» است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می تواند مراد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 2 - 1

1 - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث «ردّوها» - به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً..) - به «صافنات» (اسب ها) بازمی گردد.

2 - سلیمان (ع) پس از بازگرداندن اسب ها ، آنها را نوازش کرد و به سودن پا ها و گردن آنها پرداخت .

فطقق مسحًا بالسوق و الأعناق

19- استغفار سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 1

1 - طلب آمرزش سلیمان (ع) از پروردگار، در پی آزمایش الهی

و ألقینا علی کرسیه جسدًا ثمَّ أناب . قال رب اغفر لی

ص: 311

20- اشراف قوم سبأ و سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 2

2- آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ . إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ

جمله «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ» ظاهراً تعلیل برای «کتاب کریم» است؛ یعنی، این که می گویم «مکتوبی گران مایه» این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

21- اعلام شکرگزاری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 8

8- قدرشناسی عمیق سلیمان (ع) از الطاف الهی در حق خود و پدرش داوود و اعلام آن به مردم

عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

22- افکندن مرده بر تخت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 34 - 6

6- افکندن شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع)، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و انابه به درگاه الهی شد .

وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهٖ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

از ارتباط میان افکندن شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

23- اقرار سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 7

7 - اذعان داوود و سلیمان (ع) به وجود کسانى عالم تر و برتر از ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

وقالا الحمد لله الذى فضلنا على كثير من عباده المؤمنين

ص: 312

24- الهام به سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 1

1- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

فَفَهَّمْنَهَا سَلِيمًا

«فا» در «فَهَّمْنَا» برای تعقیب است و ضمیر «ها» به حکومت (قضاوت) بازمی گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

25- امتحان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 2

2- هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع) ، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود .

وَإِنِّي مَرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظَرَهُ بِمَا يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 34 - 5، 1

1- سلیمان (ع) ، مورد آزمایش خداوند قرار گرفت .

وَلَقَدْ فَتَنَّا سَلِيمًا

2- افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

وَلَقَدْ فَتَنَّا سَلِيمًا وَعَلَّمْنَاهُ جِسْدًا

«جسد» به جسم بی جان انسان گفته می شود و «کرسی» به معنای تخت و سریر است.

5- توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

وَلَقَدْ فَتَنَّا سَلِيمًا .. ثُمَّ أَنَابَ

26- امکانات سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 6

6 - داوود و سلیمان ، برخوردار از تمامی امکانات مورد نیاز

و أوتینا من کلّ شیء

27- امکانات مادی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 313

5- برخورداری سلیمان از امکانات وسیع مادی و نظامی در کنار علم گسترده خویش

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً .. و آوتینا من کل شیء ... و حشر لسلیمان جنود

28- اوامر سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 3

3- حرکت تند باد به سوی سرزمین سرشار از برکات الهی به فرمان سلیمان (ع)

تجری بأمره إلی الأرض التی برکنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 1

1 - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 1

1 - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نکرُوا لها عرشها ننظر أتهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 4

4 - جتّیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من .. تمثیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 1

1 - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث «ردّوها» - به قرینه جمله بعدی (فطلق مسحاً..) - به «صافنات» (اسب ها) بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 2

2 - شیاطین جنی ، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می پرداختند .

ص: 314

29- اوامر ملکه مورچگان قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 4

4- دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود ، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیان

ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده

«لا» در «لایحطمنکم» ناهیه است. «حَطْمٌ» (مصدر «یحطمنّ») در اصل به معنای شکستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای «ادخلوا» و «لایحطمنکم» - که به صورت امر و نهی آمده - بیانگر نوعی ریاست است؛ به ویژه اگر تکبیر «نمله» برای تفضیم باشد.

30- اهداف سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 4

4- سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم الله الرحمن الرحيم . ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 7

7- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا ، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

31- اهمیت سان دیدن سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 31 - 3

3 - ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب های خود ، ماجرای آموزنده و مهم

إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

از توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر یادآوری داستان سان دیدن سلیمان (ع) از اسبان خود، برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 315

32- اهمیت غواصی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 82 - 3

3- اهمیت غواصی و دستاورد های آن در حکومت سلیمان (ع)

و من الشیطن من یغوصون له

برداشت یاد شده از تخصیص به ذکر یافتن «غواصی» در بین سایر کارها و نیز لام «له» - که برای انتفاع است - برداشت یاد شده به دست می آید.

33- اهمیت نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 2

2 - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت یأتیها الملوأ انی ألقى إلی کتب کریم

«کریم»، صفت «کتاب» و به معنای گران مایه است. «کتاب کریم»؛ یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

34- ایمان به سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 5,7

5 - اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او، قبل از رسیدن به دربار وی

و أوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین

ضمیر «من قبلها» به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

7 - اطلاع قبلی ملکه سبا از حقانیت و مقام سلیمان (ع) با گزارش سفیران خویش

و أوتینا العلم من قبلها و کنا مسلمین

«من قبلها» ظاهراً اشاره به زمانی دارد که سفیران ملکه سبا هدایا را بازگرداندند و ویژگی های سلیمان(ع) و دربار او را باز گفتند.

35- بازدید سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 1

ص: 316

1 - بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تقَدَّ الطير

«تَقَدَّ» (مصدر «تَقَدَّ») معادل «تعهد» (وارسی کردن) است. بنابراین «تَقَدَّ الطير»؛ یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

36- بخشندگی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 5

5 - سلیمان (ع) در بخشش به هر کس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهی قرار نداشت .

فامنن أو أمسك بغير حساب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «بغير حساب» قید برای «فامنن أو أمسك» باشد.

37- بسمله نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 3، 4، 6

3 - « بسم الله الرحمن الرحيم » سرآغاز نامه سلیمان به ملکه سبا

وإنه بسم الله الرحمن الرحيم

4 - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إني ألقى إليّ كتب كريم . . . وإنه بسم الله الرحمن الرحيم

جمله «وإنه بسم الله. . .» تعلیل دیگری برای بیان گرانبایه بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

6 - اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع) ، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

وإنه بسم الله الرحمن الرحيم

38- بی اعتنایی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 4

4 - بی اعتنائی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدونن بمال

ص: 317

39- بی نظیری حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 6

6 - سلیمان (ع) ، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیوس برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملگًا لاینبغی لأحد من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 1، 2

1 - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع) ، عطیه بزرگ الهی بود .

و هب لی ملگًا .. هذا عطاؤنا

اضافه «عطا» به ضمیر جلاله (نا) بر تعظیم دلالت می کند.

2 - امتنان خداوند بر سلیمان (ع) ، به خاطر اعطای حکومت عظیم و بی نظیر به ایشان

هذا عطاؤنا

40- بینش سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 19، 6

6 - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشکر نعمتک التی أنعمت علیّ و علی ولدیّ

19 - عبودیت و بندگی خدا ، شرف و مقامی والا در بینش سلیمان (ع)

و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 6

6- اهمیت سرزمین سبا و مسائل آن برای سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

تحقیق و بررسی درباره سبا و مسائل آن، نشانگر اهمیت این موضوع در نظر سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 5

5- هیأت نمایندگان سبا، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره بِمَ يرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 8,9

ص: 318

8- ارجمندی عطایای الهی و بی ارزشی هر عطای غیر الهی در نظر سلیمان (ع)

أتمدّونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

9- افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

مراد از «ما آتان الله» حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سببا نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای «خیر» باید می فرمود «ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم».

41- پدر سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 30 - 2

2- سلیمان (ع)، فرزند حضرت داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمین

42- پرسش از درباریان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 2

2- پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یاأیها الملأوا ائیکم یاأینی بعرشها

43- پرسش سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 3

3- پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 2

2 - پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال يَأَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشَهَا

ص: 319

44- پرندگان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 1

1 - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیروهای جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

45- پشیمانی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 10

10 - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّي حتّى توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إني..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

46- پیروزی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 6

6 - نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع) ، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أولوا قوه .. قالت إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

47- پیشگامی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 14

14- پیامبران الهی، موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذالكفل، یونس، زکریا و یحیی (علیهم السلام)، پیشگامان در کارهای خیر

و لقد آتینا موسی و هرون... یحیی... إنهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله «إنهم کانوا یسرعون...» به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (48 - 90) از آنان یاد شده است.

ص: 320

48- تبسم سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 1

1 - تبسم سلیمان از سخنان مورچه

فتبسم ضاحكًا من قولها

49- تجهیزات نظامی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 5

5- برخورداری سلیمان از امکانات وسیع مادی و نظامی در کنار علم گسترده خویش

و لقد آتینا داود و سلیمان علمًا .. و آتینا من کلّ شیء ... و حشر لسلیمان جنود

50- تخت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 34 - 2،4

2- افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

و لقد فتنّا سلیمان و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

«جسد» به جسم بی جان انسان گفته می شود و «کرسی» به معنای تخت و سریر است.

4- سلیمان (ع) ، دارای حکومت و تخت فرمانروایی

و لقد فتنّا سلیمان و ألقینا علی کرسیّه جسدًا

51- تدبیر سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 6

6- تدبیر سلیمان در کشف صدق و کذب ادعای هدهد از طریق به کارگیری خود وی

قال سننظر أصدقت .. اذهب بکتبی هذا

52- تسخیر باد برای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 9، 4، 3، 2، 1

ص: 321

1- خداوند ، تند باد ها را برای سلیمان (ع) تسخیر و رام کرد .

و سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجَبَالَ . . . و لَسَلِيمِنَ الرِّيحِ عَاصِفَهُ تَجْرِي بِأَمْرِهِ

«لسلیمان...» عطف بر عبارت «مع داود...» است؛ یعنی، «سَخَّرْنَا لِسَلِيمَانَ الرِّيحِ»

2- حرکت تند باد ها ، با فرمان حرکت سلیمان (ع) انجام می گرفت .

و لَسَلِيمِنَ الرِّيحِ عَاصِفَهُ تَجْرِي بِأَمْرِهِ

3- حرکت تند باد به سوی سرزمین سرشار از برکات الهی به فرمان سلیمان (ع)

تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكَنا فِيهَا

4- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

و لَسَلِيمِنَ الرِّيحِ عَاصِفَهُ

نوع مفسران برآنند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

9- رام کردن تندباد ها و به فرمان درآوردن آنها برای سلیمان (ع) ، کاری حکیمانه و عالمانه از سوی خداوند بود .

و لَسَلِيمِنَ الرِّيحِ عَاصِفَهُ . . . وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 3،4،2

2- مسخّر و رام شدن باد برای سلیمان (ع) از جانب خداوند

و لَسَلِيمِنَ الرِّيحِ

«الرِّيحِ» عطف به «الحديد» در آیه قبل است و منظور از آن - به تناسب مقام - مسخّر بودن باد برای سلیمان(ع) است.

3 - مسخّر بودن باد برای سلیمان (ع) ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا برای او

و لَقَدْ آتَيْنَا . . . فَضْلًا . . . و لَسَلِيمِنَ الرِّيحِ

4 - بادِ تحت امر سلیمان (ع) ، مسیر دو ماهه رفت و برگشت را در یک روز طی می کرد .

و لَسَلِيمِنَ الرِّيحِ غَدُوهَا شَهْرٌ وَ رَوَاحُهَا شَهْرٌ

«غدوّ» در لغت به رفتن در طرف صبح آمده (المنجد) و «رواح» استعاره برای رفتن از ظهر به بعد است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 36 - 3,4

3 - جریان ملایم باد تحت فرمان سلیمان بود و به هر سوی که او می خواست روان می گشت .

فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

«رخاء» به معنای آرامی و ملایمت است و ضمیر فاعل در «أصاب» به سلیمان بازمی گردد. «اصابه» (مصدر «أصاب») معادل قصد و اراده است؛ یعنی، هر جا سلیمان اراده کند.

4 - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملگًا .. فسخّرنا له الریح تجری بأمره رخاءً حیث أصاب

53- تسخیر جن برای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 322

9- گروهی از جنیان، مسخر سلیمان (ع) و تحت اختیار او بودند.

و لسلیمن... و من الجنّ من يعمل بین یدیه یاذن ربّه

11- مسخر و رام بودن جنیان برای سلیمان (ع)، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد آتینا فضلاً... و لسلیمن... و من الجنّ من يعمل بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - جنیان در خدمت سلیمان (ع)، هر چه او می خواست انجام می دادند.

و من الجنّ من يعمل بین یدیه... يعملون له ما یشاء

2- جنیان برای سلیمان (ع)، طبق خواست او قصرهایی می ساختند.

يعملون له ما یشاء من محریب

«محاریب» جمع «محراب» (از ریشه «حرب») است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

3 - جنیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند.

يعملون له ما یشاء من محاریب

«محراب» (جمع «محاریب») به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- گروهی از جنیان، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند.

فی العذاب المهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکاً .. فسخرنا له ... الشیطان کلّ بناء و غواص

54- تسخیر شیاطین برای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 82 - 7، 2، 1

1- برخی از شیاطین، در تسخیر و تحت فرمان سلیمان (ع) بودند.

و سخرنا .. و من الشیطان من یغوصون له

2- برخی از شیاطین برای سلیمان (ع)، به کار غواصی و غیر آن می پرداختند.

و من الشیطان من یغوصون له و یعملون عملاً دون ذلک

ص: 323

7- کنترل و نظارت خداوند بر شیاطین ، در فرمان برداری آنان از سلیمان (ع)

و من الشیطان . . . و کتا لهم حفظین

55- تعالیم نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 6

6- اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع) ، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

و اِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 3

3- نامه سلیمان ، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . اَلَّا تَعْلَمُوْا عَلٰی وَاَتُوْنِیْ مُسْلِمِیْنَ

آوردن اوصاف «رحمان» و «رحیم» در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

56- تعلیم سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 3

3- وجود تمرین ، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

«وَرُزِعَ» به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشکر برای جنگ

57- تقرب سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 40 - 1

1 - سلیمان (ع)، دارای قرب و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

وإنّ له عندنا لزلفی

«الزلفی» به معنای قرب و منزلت است.

ص: 324

58- تقوای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 7

7- داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع، ذالکفل (علیهم السلام)، از تقوای پیشگان و نیک فرجامان بودند.

و اذکر داود... إسمعیل و الیسع و ذالکفل... هذا ذکر و إن للمتقین لحسن مئاب

«مئاب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مئاب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «متقین» پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

59- تکلم ملکه مورچگان قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 24

24- «عن جعفر بن محمد (ع) قال: لما قالت النملة «یا أیها النمل ادخلوا مساکنکم...» حملت الريح صوت النملة إلى سلیمان (ع) ...»

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که آن مورچه [به سایر مورچگان] گفت: «یا أیها النمل ادخلوا مساکنکم...» باد صدای آن مورچه را به سلیمان رسانید...».

60- تکلیف سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 15

15 - سلیمان (ع)، موظف به انجام عمل صالح به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند

و لسلیمان الريح... اعملوا مال داود شکرًا

این که پس از طرح قصه سلیمان (ع) و ذکر فضیلتی که خداوند به او داده بود، خطاب «آل داود» آورده شده احتمال دارد به این منظور باشد که سلیمان (ع) را به عنوان عضوی از خاندان داوود (ع)، موظف به انجام عمل صالح کند.

61- تلاش سلیمان (ع)

5 - سلیمان در تلاش مدام ، برای به تسلیم واداشتن دربار سبا ، قبل از وقوع جنگ

فلنأتینهم بجنود . . . و هم صغرون

لحن شدید و تهدیدآمیز سلیمان(ع)، نشانگر آن است که وی تلاش می کرده تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد؛ چه این که اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهای قبلی خلاف منطق جنگ به شمار می آمد.

ص: 325

62- تنزیه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 6

6 - حضرت سلیمان (ع) منزّه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 12

12 - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال .. بل أنتم بهدیتکم تفرحون

63- توبه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 34 - 5

5 - توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

و لقد فتّنا سلیمان .. ثمّ أناب

64- توحید سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 14

14 - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سلیمان لله ربّ العلمین

65- توصیه های سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

«علو» (مصدر «تعلوا») به معنای استکبار و برتری جویی است. «اتیان» (مصدر «اتتونی») نیز به معنای حاضر شدن و

ص: 326

«اسلام» (مصدر «مسلمین») معادل «تسلیم» و «انقیاد» است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجوید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم دستورات من باشید.

66- تهدید جنیان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 13

13 - تهدید شدن جنیان در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من يعمل بین یدیه . . . و من یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر

67- تهدیدهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 3، 2، 1

1 - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان (ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

2 - تهدید اکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران، پرتوان و بی هم‌آورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله «لا قبل لهم بها» صفت «جنود» است؛ یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

3 - هشدار سلیمان (ع) به دربار سبا درباره پی آمد های ناگوار جنگ (تبعید، آوارگی، ذلت و خواری)

ولنخرجنهم منها أذله و هم صغرون

«أذله» جمع «ذلیل» و حال برای ضمیر «هم» است؛ یعنی، آنان را از آن سرزمین همراه با ذلت و خواری اخراج خواهیم کرد. عبارت «هم

صاغرون» به تقدیر «هم صاغرون فیها» است؛ یعنی، و در آن سرزمین، بیگانه، حقیر و آواره خواهند بود.

68- تهمت جادوگری به سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - شیاطین ، حضرت سلیمان را به جادوگری متهم می کردند .

و ما کفر سلیمان و لکن الشیطان کفروا

مراد از «ما کفر سلیمان» (سلیمان کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان (ع) است. جمله «و لکن الشیاطین...» و نیز «ما تتلوا الشیاطین» حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

ص: 327

69- جادو در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 3،10

3 - شیاطین علومی از سحر را بر مردم عصر سلیمان تلاوت کرده و به آنها جادوگری می آموختند .

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمان .. یعلمون الناس السحر

فعل «تتلوا» از مصدر تلاوت (خواندن و قرائت کردن) است. مراد از «ما»ی موصوله - به قرینه فrazهای بعد - سحر و مانند آن می باشد. متعلق «تتلوا» به دلیل «یعلمون الناس» «علی الناس» می باشد. یعنی، یهود دنباله رو سحری بودند که شیاطین آن را برای مردم می خواندند.

10 - رواج سحر در زمان حضرت سلیمان (ع)

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمان .. یعلمون الناس السحر

70- جن در حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 39 - 2

2 - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفريت من الجنّ انا اتيك به

واژه «عفريت» به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای فهرمان به کار می رود. برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 5

5 - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیطین کلّ بناء و غوّاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و آخرین مقرنین فی الأصفاد

«مقرنین» اسم مفعول از «قرنه» (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. «صَفَدَ» (مفرد «أصفاد») نیز به معنای قید و بند است.

2 - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و آخرین مقرنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) - در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند - می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

ص: 328

71- جنگ با سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 3

3 - اعلام آمادگی امیران و درباریان سبا برای درگیری نظامی با سلیمان (ع)

أفتونی فی امری . . . قالوا نحن أولوا قوه و أولوا بأس شدید

تذکر قدرت و نیرومندی، اشاره به این دارد که آنان برای هر نبردی - ولو با سلیمان - آمادگی دارند.

72- جنیان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 1

1 - سلیمان (ع)، دارای سپاهی متشکل از نیروهای جن، انسان و پرنندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 1

1 - مرگ سلیمان (ع)، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلما قضینا علیه الموت ما دلّهم علی موته إلاّ دابّه الأرض تأکل منسأته فلما خرّ

«منسأه» به معنای عصا است (مفردات راغب) و «دابّه الأرض» از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. «أرض» نیز در این آیه - از باب

«علم یعلم» - به معنای خوردن است و یا «ارضه» به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

73- جنیان سلیمان (ع) و ذلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 11

11 - جنیان نیز از رنج، سختی و خفت گریزان اند .

تبيّنت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب

ص: 329

74- جنیان سلیمان (ع) و سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 11

11 - جنیان نیز از رنج ، سختی و خفت گریزان اند .

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ

75- جنیان سلیمان (ع) و علم غیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 6،10

6 - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از علم غیب برخوردار نبودند .

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

10 - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع) ، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند .

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ

76- حرکت سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 2

2 - فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه «حشر» (مصدر «حشر») به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و .. می باشد.

77- حسابرسی از سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- سلیمان (ع) در بخشش به هر کس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهی قرار نداشت .

فامنن أو أمسک بغیر حساب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «بغیر حساب» قید برای «فامنن أو أمسک» باشد.

ص: 330

78- حسن فرجام سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 40 - 2

2 - سلیمان (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجام نیک

و حسن مناب

«مناب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مناب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 7

7 - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایندگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود . . . إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إن للمتقین لحسن مناب

«مناب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مناب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «متقین» پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

79- حق طلبی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 12

12 - مقام سلیمان ، مبرا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدونن بمال . . . بل أنتم بهدیتکم تفرحون

80- حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 1،4،51

1 - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

4 - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان

«علی ملک سلیمان» (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از «تتلوا» است؛ یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

51 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: « . . . فلما هلك سليمان وضع ابليس السحر و كتبه في كتاب ثم طواه و كتب على ظهره » هذا ما وضع آصف بن برخيا لملك سليمان بن داود من ذخائر كنوز العلم من أراد كذا و كذا فليجعل كذا و كذا » ثم دفنه تحت السرير ثم استشاره لهم فقراء فقال الكافرون ما كان سليمان (ع) يغلبنا إلا بهذا وقال المؤمنون بل هو عبدالله و نبيه فقال الله جل ذكره « واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان و ما كفر سلیمان و لكن الشیاطین كفروا يعلمون

ص: 331

آن هنگام که سلیمان (ع) وفات یافت ابلیس سحر را پایه گذاری کرد و در کتابی نوشت؛ سپس آن را پیچیده و بر روی آن چنین نوشت: این چیزی است که آصف بن برخیا ساخته است برای برپایی حکومت سلیمان بن داود(ع) که در آن ذخیره های علم انباشته شده است. هر کس چنین می خواهد چنان کند. سپس ابلیس آن را زیر تخت سلیمان(ع) پنهان نمود؛ سپس آن نامه را بیرون آورده برای آنان خواند. پس کافران در آن جلسه گفتند: سلیمان بر ما چیره نگشت و حکومت نیافت مگر از راه سحر و مؤمنانشان گفتند: هرگز این چنین نیست؛ بلکه او بنده و پیامبر خدا بود. خداوند می فرماید: واتبعوا ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان و لکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السحر...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 34 - 4

4 - سلیمان (ع) ، دارای حکومت و تخت فرمانروایی

و لقد فتنا سلیمان و ألقینا علی کرسیه جسدًا

81 - حمد سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 2

2 - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد آتینا داود و سلیمان علمًا و قالوا الحمد لله

82 - خط در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 7

7 - وجود خط و فن کتابت در عصر سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا

83 - خواسته های سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - جَنِّيَانِ در خدمت سلیمان (ع)، هر چه او می خواست انجام می دادند .

و من الجَنِّ من یعمل بین یدیہ . . . یعملون له ما یشاء

2 - جَنِّيَانِ برای سلیمان (ع)، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

ص: 332

«محاریب» جمع «محراب» (از ریشه «حرب») است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

3 - جتّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

يعملون له ما يشاء من محاريب

«محراب» (جمع «محاریب») به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

7 - جتّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

يعملون له ما يشاء من . . . و جفان كالجواب

«جفان» جمع «جفنه» است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. «جواب» جمع «جایبه» و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که «جواب» به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

84- خویشتنداری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 6

6 - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لي لأأري الهدهد أم كان من الغائبين

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

85- درباریان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 1,6

1 - سلیمان (ع) ، دارای مجلسیانی سرشناس و ممتاز در میان نیرو های تحت امر خویش

قال يأيها الملأوا

واژه «ملأ» به عناصر سرشناس و شخصیت های برجسته و ممتاز گفته می شود.

6- وجود افرادی برخوردار از قدرت فوق طبیعی در میان درباریان سلیمان (ع)

أیکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی مسلمین

پرسش سلیمان حاکی از اطلاع او نسبت به وجود چنین افرادی در میان درباریانش می باشد.

86- درباریان سلیمان (ع) و لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 6

6- حضور افرادی آگاه به علوم و دانش های لوح محفوظ در دربار سلیمان (ع)

ص: 333

قال الذی عنده علم من الکتب

مفهوم عبارت «قال الذی عنده علم من الکتب» می تواند این باشد که در بارگاه سلیمان، اشخاص دیگری بوده اند که دانش های گسترده ای به آن کتاب داشته اند.

87- دشمنان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 4

4 - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمان

«علی ملک سلیمان» (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از «تتلوا» است؛ یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

88- دشمنی یهود با سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 12

12 - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل «اتبعوا» یهودیان عصر سلیمان باشند.

89- دعای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 18، 13، 5

5 - دعای سلیمان در طلب توفیق از پروردگار برای شکر نعمت هایش (نعمت دانش و قدرت)

ولقد آتینا داود و سلیمان علماً. .. وقال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک

«إیزع» (مصدر «أوزع») مرادف «الهام» است؛ یعنی، پروردگارا در دلم افکن تا شکر نعمت را به جا آورم.

13 - دعای سلیمان به درگاه الهی برای توفیق در انجام عمل صالح و جلب خشنودی خدا

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

18 - دعای سلیمان به درگاه خدا، برای قرار گرفتن در زمره بندگان صالح

وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 6,7

ص: 334

6- سلیمان (ع)، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیسر برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملگًا لاینبغی لأحد من بعدی

7- حکومت مقتدر و پهناور، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملگًا لاینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باوراند که جمله «لاینبغی لأحد من بعدی» کنایه از وسعت و پهناوری حکومت عصر خود و بلامنزاع بودن آن است. بر این اساس «من بعدی» به معنای «من غیری» خواهد بود؛ مثل «فمن یهدیه من بعد الله» که به معنای «غیر الله» است.

90- دعوتهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 2

2- فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه «حشر» (مصدر «حشر») به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و .. می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 5

5- فراخوانی دربار سبا از سوی سلیمان برای تسلیم شدن در برابر خدای یگانه

بسم الله الرحمن الرحیم ... و أتونی مسلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که مراد از «مسلمین» (به قرینه «بسم الله..») و نیز آیه 44 (أسلمت مع سلیمان لله) تسلیم شدن در برابر خدا باشد؛ یعنی، «و أتونی مسلمین لله».

91- دلایل حقانیت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 15

15 - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع)، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملگًا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

ص: 335

92- دلایل نبوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 4

4- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او و لسلیمن الریح عاصفه

نوع مفسران برآند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

93- دیگهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 7،8

7- جَنِّیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . . . و جفان کالجواب

«جفان» جمع «جفنه» است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. «جواب» جمع «جابیه» و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که «جواب» به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

8- ساخته شدن دیگ های بزرگ ثابت و غیر منقول ، به وسیله جَنِّیان برای سلیمان (ع)

یعملون له ما یشاء من . . . و قدور راسیت

94- ذکر سان دیدن سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 31 - 2

2- توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مبنی بر یادآوری ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب های خود

إذ عرض علیه بالعشی الصفت الجیاد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «إذ» متعلق به فعل محذوف (همچون «أذکر») بوده و مخاطب این فعل هم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) باشد.

95- ذکر قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 1

1- داستان داوود و سلیمان ، شایسته یاد و یادآوری است .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

برداشت یاد شده مبتنی براین است که «داود» مفعولٌ به برای فعل مقدری، چون «اذکر» باشد (البته با حذف مضافی مانند «خبر»); یعنی، به یاد آور خبر داوود و سلیمان را.

ص: 336

96- ذلت جنیان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 5

5 - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلما خرّ تبیت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

97- ذوب می در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 8

8 - وجود صنعت مسگری در دوران سلیمان (ع)

و أسلنا له عین القطر

«قطر» به معنای نوعی مس مذاب است (مفردات راغب و المنجد). گفتمی است که «اساله» (مصدر «أسلنا») به معنای سیلان و جریان است و کاربرد آن در اشیای جامد، معنای ذوب را افاده می کند.

98- رحمت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 3

3 - نامه سلیمان ، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بسم الله الرحمن الرحیم . ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

آوردن اوصاف «رحمان» و «رحیم» در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

99- رنجهای جنیان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 5، 14

5 - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع) ، همراه با سختی ، رنج و خفت بود .

فلما خرّ تبینت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب المهین

14 - « فی حدیث عن أبی عبداللّه (ع) (فی قوله تعالی) « . . . ما لبثوا فی العذاب المهین » معناه فی الأعمال الشاقه ;

در حدیثی از امام صادق (ع) [درباره قول خدای تعالی] « . . . ما لبثوا فی العذاب المهین » روایت شده که معنای عذاب مهین، کارهای سخت و دشوار است.».

ص: 337

100- روش برخورد سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 6

6 - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیروهای تحت امر خویش

فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 8, 1

1 - تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأعدبته عذاباً شديداً .. أو لیأتینی بسطن مبین

«سلطان» به معنای حجت و برهان است و «سلطان مبین»؛ یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

8 - اعلام سلیمان (ع) به بخشودن هدهد، در صورت آوردن دلیلی روشن و قابل قبول برای غیبت خود

لأعدبته .. أو لیأتینی بسطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 2

2 - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 5

5 - سلیمان در تلاش مدام، برای به تسلیم واداشتن دربار سبا، قبل از وقوع جنگ

فلنأتينهم بجنود... و هم صغرون

لحن شديد و تهديد آميز سليمان (ع)، نشانگر آن است كه وي تلاش مي كرده تا كار به جنگ و خونريزي نينجامد؛ چه اين كه اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهاي قبلي خلاف منطق جنگ به شمار مي آمد.

101- روش تبليغ سليمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 36 - 10

10 - سليمان (ع)، درصدد استفاده از هر فرصت براي بيان عقيدة توحيدى خود و تبليغ آن

فما آتينا الله خير مما آتاكم

ص: 338

یادآوری سلیمان(ع) به نماینده سبا نسبت به این حقیقت که آنچه او و آنها در اختیار دارند، همگی عطایایی است که خداوند به آنان بخشیده است، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 4

4 - استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكروا لها عرشها. .. من الذين لايهتدون

برخی برآند که «أتهتدى. ..» به تقدیر «أتهتدى إلى الإيمان بالله ورسوله» می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

102- زمینه توبه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 34 - 6

6 - افکنده شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع)، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و انابه به درگاه الهی شد.

و ألقينا على كرسيه جسداً ثم أناب

از ارتباط میان افکنده شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

103- زمینه غفلت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 5

5 - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها، موجب غفلت او از یاد خدا گشت.

إني أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّي حتّى توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «عن» در «عن ذکر ربّي» به معنای «علی» و «أحببت» به معنای «آثرت» (ترجیح دادم) باشد؛ یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم؛ تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

104- زمینه قدرت سلیمان(ع)

6 - علم و دانش سلیمان ، زمینه ساز دستیابی او به قدرت و به خدمت گرفتن آن در مسیر اهداف الهی

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً .. و أوتینا من کلّ شیء... جنوده من الجنّ و الإ

طرح علم گسترده سلیمان، پیش از بیان عظمت سپاه و قدرت برتر نظامی وی، می تواند اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

105- زهد سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 12، 9

9- افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

مراد از «ما آتان الله» حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سبأ نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای «خیر» باید می فرمود «ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم».

12 - مقام سلیمان ، مبرّاز پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدونن بمال . . . بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

106- زیان کشتزار قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 5

5- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیہ غنم القوم و کنا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که «فهمناها» می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های «کنا لحکمهم شاهدین» و «و کلاً آتینا حکماً و علماً» می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 1

1- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

فهمناها سلیمان

«فا» در «فقهنا» برای تعقیب است و ضمیر «ها» به حکومت (قضاوت) بازمی‌گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان (ع) حکم واقعی را به سلیمان فهمانیدیم.

107- ساختمان سازی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 6

6- صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود.

ص: 340

108- سان دیدن سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 31 - 1,5

1 - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب های اصیل ، نفیس و تیز تک

إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

«عشيّ» به معنای آخر روز و عصر است و «صافنات» (جمع «صافنه») به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پا ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). «جیاد» نیز به دو معنا آمده است: 1- جمع «جید» - در مقابل «ردی» - و به معنای نفیس است. 2- جمع «جواد» است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می تواند مراد باشد.

5 - ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، جلوه ای از بندگی و خداخواهی او

نعم العبد إنّه أوّاب . إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «إذ» متعلق به «أوّاب» باشد که در این صورت، آیه شریفه درصدد بیان مصداق و نمونه ای از صفت «أوّاب» بودن سلیمان(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 3

3 - سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّي

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «عن» در «عن ذکر ربّي» برای تعلیل باشد؛ یعنی، دوستی من نسبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است؛ نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 1

1 - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث «ردّوها» - به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً ..) - به «صافنات» (اسب ها) بازمی گردد.

109- سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 1

1 - سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیروهای جن ، انسان و پرنندگان

ص: 341

و حشر لسليمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 20 - 4,6

4 - هدهد ، از اعضاي سپاهيان سليمان

و حشر لسليمن جنوده.. فقال ما لي لأأري الهدهد

6 - احتياط و خويشتن داري سليمان در برخورد با نیروهای تحت امر خویش

فقال ما لي لأأري الهدهد أم كان من الغائبين

سليمان، بي درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. اين در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 21 - 7

7 - مسؤوليت مهم هدهد در سپاه سليمان (ع)

أم كان من الغائبين . لأعدّبته عذاباً شديداً أو لأأذبحنّه

احتمال می رود در نظر گرفتن مجازات سخت برای تخلف هدهد، از آن جهت باشد که وی دارای مسؤولیتی مهم بود و نمی بایست پست خود را ترک می کرد.

110- سپاه سليمان (ع) در سرزمين مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 18 - 1,3

1 - رسيدن سليمان (ع) و لشگريانش به سرزمين مورچگان ، در مسير حرکت خود

حتّى إذا أتوا على واد النمل

3 - اخطار مورچه ای به ديگر مورچگان نسبت به ورود سليمان و لشگريانش به سرزمين آنها

قالت نمله يأتها النمل ادخلوا مسكنكم لايحطمنكم سليمان و جنوده

111- سرزمين سبا در دوران سليمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 23 - 3

3 - شهر سبا ، داراي تمدن ، پادشاه و حكومتي مقتدر در عصر سليمان

و جنتك من سبا . . . و أوتيت من كلّ شيء و لها عرش عظيم

در الميزان آمده است: «سبأ بلدة باليمن كانت عاصمته يومئذ؛ سبا شهری است در سرزمین یمن که در آن روزگار پایتخت بوده است.

ص: 342

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 33 - 2

2 - مملکت سبا در عهد سلیمان ، دارای نیروی دفاعی و امکانات جنگی قوی و نیز رزم آوران سلحشور و بی باک

قالوا نحن أولوا قوه و أولوا بأس شديد

«قوه» به معنای نیرو و نکره آمدنش بیانگر عظمت و گستردگی آن است. بنابراین «نحن أولوا قوه»؛ یعنی، ما از نیرویی بسیار گسترده و عظیم برخورداریم. «بأس» به معنای شجاعت و دلاوری است. بنابراین «بأس شدید» برابر با سلحشوری و بی باکی است.

112- سرزمین مورچگان قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 2

2 - قرار داشتن سرزمین مورچگان ، در منطقه ای پایین تر از منطقه اطراف آن

أتوا علی واد النمل

واژه «علی» برای استعلا به کار می رود. بنابراین «علی واد النمل» بیانگر این نکته است که منطقه اطراف سرزمین مورچگان مشرف بر آن بود و سرزمین مورچگان پایین تر از آن قرار داشت.

113- سرزنش سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 10

10 - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إني أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّي حتّى توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إني.. .) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

114- سرزنشهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 6

6 - توبیخ دربار سبأ توسط سلیمان (ع)، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدونن بمال

استفهام در «أتمدونن» برای توبیخ و سرزنش است.

ص: 343

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 10

10 - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذكر ربّي حتى توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إتی. .) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

115- سرور سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 4

4 - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحكًا من قولها وقال ربّ أوزعني أن أشكر

116- سلطنت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 7

7 - برداشت ملکه سبا از شخصیت سلیمان (ع)، به عنوان پادشاهی از پادشاهان

قالت إنّ الملوك .. و كذلك يفعلون

117- سلیمان (ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 85 - 3

3 - ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

ووهبنا له ... کل من الصالحین

118- سلیمان (ع) از محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 84 - 8

ص: 344

8- نوح، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) از نیکوکاران هستند.

و من ذریته . . . و كذلك نجزي المحسنين

مشارالیه «کذلک» هم می تواند هدایت باشد، که از «هدینا» استفاده می شود، و هم می تواند کثرت ذریه صالح باشد، که از «وهبنا» و «من ذریته» به دست می آید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

119- سلیمان (ع) در سرزمین مورچگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 3، 1

1- رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان، در مسیر حرکت خود

حتّی إذا أتوا علی واد النمل

3- اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یاأیها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمن و جنوده

120- سلیمان (ع) و اشراف قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 2

2- برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

ألاً تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

121- سلیمان (ع) و تملق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 22 - 6

6- دستگاه حکومت سلیمان، به دور از تملق و چاپلوسی

أحطت بما لم تحط به

گفتار صریح و بی تکلف هدهد، نشانگر مطلب یاد شده است.

122- سلیمان (ع) و جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 6

6 - حضرت سلیمان (ع) منزّه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

ص: 345

123- سلیمان (ع) و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 6

6 - حضرت سلیمان (ع) منزّه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمان

124- سلیمان (ع) و ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 2

2 - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 5,6

5 - سلیمان (ع)، ناظر عکس العمل بلقیس، در مواجهه با ابگینه های آب نما

و کشفتم عن ساقیها قال إِنَّه صرح

مراد از ضمیر فاعل در «قال» سلیمان (ع) می باشد.

6 - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه... قال إِنَّه صرح ممرّد من قواریر

125- سلیمان (ع) و هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 1,2,3

1 - حضرت سلیمان (ع) ، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به .. قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

2 - سلیمان (ع) ، درصدد بررسی ادعا های هدهد درباره سرزمین سبا

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

3 - ادعا های هدهد در رابطه با سرزمین سبا ، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

تعبیر «خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی» پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می

ص: 346

تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

126- شخصیت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 6

6 - سلیمان شخصیتی مشهور، حتی نزد مورچگان

لایحطمتکم سلیمان و جنوده

127- شرک ستیزی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 4

4 - سلیمان (ع)، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم الله الرحمن الرحيم . ألاّ تعلوا علیّ و أتونی مسلمین

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 12

12 - مقام سلیمان، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال .. بل أنتم بهدیّتکم تفرحون

128- شکرگزاری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 4

4 - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسّم ضاحكًا من قولها وقال ربّ أوزعنی أن أشکر

9- سپاس سلیمان (ع) به درگاه خدا، پس از مشاهده تخت بلقیس در برابر خود

فلما رءاه مستقرًا عنده قال هذا من فضل ربِّي

کلمه «هذا» می تواند اشاره به حضور تخت داشته باشد. بر این مبنا عبارت «هذا من فضل ربِّي»؛ یعنی، این حضور تخت در کمتر از طرفه العین در نزد من، فضلی از جانب پروردگار است. هم چنین می تواند اشاره به قدرتی باشد که توانست آن را

در کمتر از طرفه العینی حاضر سازد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 15

15 - سلیمان (ع) ، موظف به انجام عمل صالح به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند

و لسلیمن الریح . . . اعملوا مال داود شکرًا

این که پس از طرح قصه سلیمان(ع) و ذکر فضایی که خداوند به او داده بود، خطاب «آل داود» آورده شده احتمال دارد به این منظور باشد که سلیمان(ع) را به عنوان عضوی از خاندان داود(ع)، موظف به انجام عمل صالح کند.

129- شگفتی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 3

3 - ادعا های هدهد در رابطه با سرزمین سبا ، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

تعبیر «خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی» پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

130- شیاطین و سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 2،4،5

2 - شیاطین ، حضرت سلیمان را به جادوگری متهم می کردند .

و ما كفر سليمان و لكن الشيطان كفروا

مراد از «ما كفر سليمان» (سلیمان کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان(ع) است. جمله «و لكن الشيطان...» و نیز «ما تتلوا الشياطين» حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

4 - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

«علی ملک سلیمان» (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از «تتلوا» است؛ یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

5 - شیاطین، دستیابی سلیمان را به سلطنت، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند .

علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان

نقی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نقی پیامبری از او بودند.

ص: 348

131- شیشه های کاخ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 6، 4، 3

3 - قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إته صرح ممرّد من قواریر

«ممرّد» معادل صاف و «قاروره» (مفرد «قواریر») مرادف شیشه و آبگینه است؛ یعنی ، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

4 - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلّمّا رأته حسبته لجه و كشفت عن ساقیها

6 - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه . . . قال إته صرح ممرّد من قواریر

132- صنعت در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 7

7 - وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجه . . . قال إته صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب پندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

133- ظروف سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 7

7 - جتیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . . . و جفان کالجواب

«جفان» جمع «جفنه» است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. «جواب» جمع «جایبه» و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که «جواب» به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

134- عبرت از قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 349

3 - ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب های خود ، ماجرای آموزنده و مهم

إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

از توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر یادآوری داستان سان دیدن سلیمان (ع) از اسبان خود، برداشت یاد شده به دست می آید.

135- عبودیت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 30 - 3,6

3 - سلیمان (ع) ، بنده شایسته خدا بود .

نعم العبد

6 - رجوع و توجه همواره سلیمان (ع) به خدا در زندگی ، موجب دستیابی او به مقام عبودیت الهی

نعم العبد إله أواب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إله أواب» در مقام تعلیل برای «نعم العبد» است؛ یعنی، چون سلیمان بسیار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود؛ بهترین عبد شناخته شد و به این مقام دست یافت.

136- عدالت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 7

7 - آگاهی مورچه به مقام معنوی و عدالت سلیمان

لا يحطمنكم سليمان و جنوده و هم لایشعرون

تعبیر «و هم لایشعرون» بیانگر این نکته است که آن مورچه می دانست که سلیمان در صورت توجه، نخواهد گذاشت که مورچگان مورد ستم قرار گیرند و پایمال شوند.

137- عصای سلیمان (ع)

3 - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش ، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود .

فلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ . . . لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ا

12 - سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتِهِ فَلَمَّا خَرَّ

138- عظمت سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 2

2 - تهدید اکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران، پرتوان و بی هم‌آورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتیتهم بجنود لاقبل لهم بها

جمله «لا قبل لهم بها» صفت «جنود» است؛ یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

139- عظمت کاخ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 3

3 - قصر سلیمان، قصری مجلل و باشکوه، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنه صرح ممرّد من قواریر

«ممرّد» معادل صاف و «قاروره» (مفرد «قواریر») مرادف شیشه و آبگینه است؛ یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

140- عظمت نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 4

4 - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ .. وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمله «وإنه بسم الله..» تعلیل دیگری برای بیان گرانمایه بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

141- عقیده سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعلام موضع توحیدی و هدف الهی سلیمان (ع)، با آغاز نامه خود به نام و یاد خدا

وإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 351

142- علایق سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 5

5- سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها، موجب غفلت او از یاد خدا گشت.

إِنِّي أَحْبَبْتُ حَبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «عن» در «عن ذکر ربی» به معنای «علی» و «أحببت» به معنای «آثرت» (ترجیح دادم) باشد؛ یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم؛ تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 3

3- شدت علاقه سلیمان (ع) به اسب های نجیب و تیزرو و سان دیدن از آنها

فَطْفَقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

درخواست بازگرداندن اسب ها، برای بازدید مجدد و نوازش آنها (با سودن پاها و گردن آنها)، بیانگر مطلب یاد شده است.

143- علم جنیان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 10

10 - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع)، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند.

تَبَيَّنَتْ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ

144- علم سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 7، 3

3- آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان

وقال يأيها الناس علمنا منطق الطير

7- آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

علمنا منطق الطير و أوتينا من كلّ شيء

با این که «و اوتینا من کلّ شیء» شامل «منطق الطیر» هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت به داوود و سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 352

13 - نمل - 27 - 19 - 4، 3

3 - سلیمان (ع) ، قادر به شنیدن صدای مورچگان و فهم زبان آنها

فتیسم ضاحکاً من قولها

4 - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتیسم ضاحکاً من قولها وقال ربّ أوزعنی أن أشکر

145- علم سلیمان (ع) به تسلیم ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 4

4 - آگاهی یافتن سلیمان (ع) از تصمیم بلقیس مبنی بر تسلیم شدنش در برابر وی

قال یاأیها الملأؤا... قبل أن یأتونی مسلمین

146- علم لدنی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 4

4- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان... و کلاًءاتینا حکماً و علماً

147- علمای دربار سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 6

6 - حضور افرادی آگاه به علوم و دانش های لوح محفوظ در دربار سلیمان (ع)

قال الذی عنده علم من الکتب

مفهوم عبارت «قال الذی عنده علم من الکتب» می تواند این باشد که در بارگاه سلیمان، اشخاص دیگری بوده اند که دانش های گسترده

ای به آن کتاب داشته اند.

148- عمل به تکلیف سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 7

7- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود، نه رسیدن به مال و حکومت

ص: 353

بزرگ تر .

قال أتمدونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

149- عمل خیر سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 15

15- انجام کار های خیر ، مورد علاقه و سیره مستمر پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادريس ، ذوالکفل ، یونس ، زکریا ، و یحیی (علیهم السلام) بود .

و لقد آتینا موسی و هرون ... یحیی ... إثم کانوا یسرعون فی الخیرت

150- عمل صالح سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 15

15 - سلیمان (ع) ، موظف به انجام عمل صالح به منظور شکرگزاری به درگاه خداوند

و لسلیمان الريح .. اعملوا ءال داود شکرًا

این که پس از طرح قصه سلیمان (ع) و ذکر فضایلی که خداوند به او داده بود، خطاب «آل داود» آورده شده احتمال دارد به این منظور باشد که سلیمان (ع) را به عنوان عضوی از خاندان داوود (ع)، موظف به انجام عمل صالح کند.

151- عوامل مؤثر در موضعگیری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 3

3- نقش تیزهوشی ملکه سبا ، در نحوه موضع گیری و تصمیم سلیمان (ع) در قبال وی

ننظر أتهتدی أم نکون من الذین لایهتدون

اهمیت پی بردن به میزان هوش بلقیس، می تواند از آن جهت باشد که نحوه موضع گیری سلیمان (ع) را در قبال وی مشخص سازد.

152- غفلت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 10

10 - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا، در اثر سان دیدن

ص: 354

فقال إني أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إتی... نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

153- غواصی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 37 - 38 - 6

6- صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطن کلّ بناء و غواص

154- فضایل سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 86 - 3

3 - ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون(ع) پیامبرانی بودند که بر همه مردم عصر خویش برتری یافته بودند.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . . . و کلا فضلنا علی العلمین

برتری یافتن هر یک از پیامبران بر همه مردم - که در اولین نظر از کلمه «العالمین» به ذهن می آید - مستلزم برتری یافتن هر یک از پیامبران بر دیگری است. لذا نمی توان عموم «العالمین» را حقیقی دانست، بلکه دارای عموم عرفی بوده و ناظر به همه جوامع عصر خود آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 3,4

2- امتیاز سلیمان بر داوود (ع) ، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمین إذ یحکمان فی الحرث . . . ففهمنها سلیمین

3- حضرت سلیمان (ع) ، مورد توجه و عنایت خداوند ، حتی در زمان داوود (ع)

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . ففهمنها سلیمان

4- داوود و سلیمان (ع)، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کلاً اتینا حکماً و علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 1,2,3

1- خداوند، تند بادها را برای سلیمان (ع) تسخیر و رام کرد .

و سخنرنا مع داود الجبال . . . و لسلیمان الریح عاصفه تجری بأمره

ص: 355

«لسلیمان...» عطف بر عبارت «مع داود...» است؛ یعنی، «سخرنا لسلیمان الريح»

2- حرکت تند باد ها، با فرمان حرکت سلیمان (ع) انجام می گرفت .

و لسلیمان الريح عاصفه تجری بأمره

3- حرکت تند باد به سوی سرزمین سرشار از برکات الهی به فرمان سلیمان (ع)

تجری بأمره إلى الأرض التي برکنا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 82 - 1

1- برخی از شیاطین، در تسخیر و تحت فرمان سلیمان (ع) بودند .

و سخرنا... و من الشیطن من یغوصون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 9، 6، 3، 5

3 - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان

و قال یأیها الناس علّمنا منطق الطیر

5 - آگاهی به گفتار پرندگان، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً... و قال یأیها الناس علّمنا منطق الطیر

6 - داوود و سلیمان، برخوردار از تمامی امکانات مورد نیاز

و آتینا من کلّ شیء

9 - الطاف الهی در حق داوود و سلیمان (ع)، الطافی آشکار برای همگان

و قال یأیها الناس... إنّ هذا لهو الفضل المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 5

5- برخورداری سلیمان از امکانات وسیع مادی و نظامی در کنار علم گسترده خویش

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً... و اوتینا من کلّ شیء... و حشر لسلیمان جنود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 6

6- سلیمان شخصیتی مشهور، حتی نزد مورچگان

لا یحطمنکم سلیمان و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 11، 7، 3

3- مستخرّ بودن باد برای سلیمان (ع)، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا برای او

و لقد آتینا... فضلاً... و لسلیمان الريح

7- فراهم آمدن امکانات ذوب مس برای سلیمان (ع)، از عطایای خدا به آن حضرت

ص: 356

و لقد آتینا .. فضلاً ... و لسلیمن ... و أسلنا له عین القطر

11 - مسخر ورام بودن جئیان برای سلیمان (ع)، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد آتینا فضلاً .. و لسلیمن ... و من الجنّ من یعمل بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 30 - 1,3,5

1 - سلیمان (ع)، عطیه الهی به داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمان

3 - سلیمان (ع)، بنده شایسته خدا بود.

نعم العبد

5 - سلیمان (ع)، در همه امور زندگی به خدا روی آورده بود و همواره او را مرجع امور خود می دانست.

إنّه أواب

«أواب» صیغه مبالغه (از ماده «أوب») و به معنای «رجوع» است؛ یعنی، سلیمان بسیار مراجعه کننده به خدا و همواره متوجه او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 4

4 - عطیه الهی به سلیمان (ع) بی شمار و بسیار بود.

هذا عطاؤنا .. بغير حساب

برداشت یاد شده براساس این نکته است که «بغير حساب» قید برای «عطاؤنا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 40 - 2

2 - سلیمان (ع)، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامی نیک

و حسن مناب

«مئاب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مئاب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 7

7- داوود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، اسماعیل، الیسع، ذالکفل (علیهم السلام)، از تقوایندگان و نیک فرجامان بودند.

و اذکر داود... إسمعیل و الیسع و ذالکفل... هذا ذکر و إن للمتقین لحسن مئاب

«مئاب» به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از «حسن مئاب» حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتمی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از «متقین» پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

ص: 357

155- فلسفه پرشی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 9

9- در مجمع البیان آمده است: « و اختلف فی سبب تفقده الهدهد فقيل إنه احتاج إليه فی سفره ليدله علی الماء قال أبوحنيفة لأبي عبدالله (ع) كيف تفقد سلیمان الهدهد من بين الطير؟ قال: لأن الهدهد يرى الماء فی بطن الأرض كما يرى أحدكم الدهن فی القارورة؛

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید] که ابوحنیفه از امام صادق (ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...».

156- فلسفه قدرت نمایی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 10

10 - توجه بقلیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قيل لها ادخلى الصرح .. قال إنه صرح... قالت ربّ إني ظلمت نفسي

157- فلسفه نامه نگاری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 7

7- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا ، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود ، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر .

قال أتمدونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

158- فواید قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 49 - 4

4- سرگذشت داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع و ذالکفل (علیهم السلام) ، مایه یاد و یادآوری

و اذکر داود . . . سلیمان . . . ایوب . . . ابرهیم و إسحق و یعقوب . . . اسمعیل و الیسع

برداشت یاد شده از آن جا است که «هذا» می تواند اشاره به مجموعه آیاتی باشد که درباره سرگذشت پیامبران یاد شده، سخن گفته است.

159- قاطعیت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 2

2- برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

160- قدرت سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 4

4- ارتش سلیمان (ع)، بسیار توانمند و شکست ناپذیر

فَلَنَأْتِيَنَّهُم بَجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا

161- قدرت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 2,3

2- برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا، قاطع، آمرانه و از موضع قدرت بود.

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

3- نامه سلیمان، پیامدار رحمت و مهر و نشانگر قدرت و قهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ

آوردن اوصاف «رحمان» و «رحیم» در سرآغاز نامه، پیامدار رحمت و لحن قاطع و آمرانه متن آن، بیانگر قدرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 34 - 6

6- نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع)، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أولوا قوه . . . قالت إن الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 5

5- سلیمان (ع)، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا، با احضار تخت او

قال یاٰیها الملؤا ائیکم یاٰتینی بعرشها قبل أن یاٰتوننی

ص: 359

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 5

5- اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او، قبل از رسیدن به دربار وی

و أوتینا العلم من قبلها و کتّا مسلمین

ضمیر «من قبلها» به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

162- قدرت نظامی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 7

7- قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

163- قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 2,5

2- شیاطین، حضرت سلیمان را به جادوگری متهم می کردند.

و ما کفر سلیمن و لکن الشیطان کفروا

مراد از «ما کفر سلیمان» (سلیمان کافر نشد) نفی جادوگری از سلیمان (ع) است. جمله «و لکن الشیاطین...» و نیز «ما تتلوا الشیاطین» حکایت از آن دارد که: اتهام سحر به حضرت سلیمان از سوی شیاطین عنوان شده و نشر پیدا کرده بود.

5- شیاطین، دستیابی سلیمان را به سلطنت، دستاورد سحر و جادو قلمداد می کردند.

علی ملک سلیمن و ما کفر سلیمن

نفی جادوگری از سلیمان - پس از بیان اینکه شیاطین نوشته هایی از علم سحر را برای مردم، علیه سلطنت سلیمان می خواندند - رسای به این معناست که: شیاطین چنین وانمود می کردند که آنچه را تلاوت می کنند همان است که سلیمان را به سلطنت رساند و با این شیوه در صدد نفی پیامبری از او بودند.

2- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

«نقش» به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

9- «أحمد بن عمر الحلبي قال: سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عز وجل: «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث» قال: كان حکم داود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهم الله عز وجل سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلک العام کلّه ;

ص: 360

احمدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن (ع) در باره سخن خداوند عزوجل «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث» سؤال کردم، فرمود: حکم داوود (ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد».

10- «عن أبی عبدالله (ع) قال: کان فی بنی اسرائیل رجل له کرم و نفثت فیہ غنم رجل آخر باللیل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الکرّم إلی داود فاستعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع): إذهب إلی سلیمان (ع) لیحکم بینکما فذهب إلیه فقال: سلیمان إن کانت الغنم أکلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن یدفع إلی صاحب الکرّم الغنم و ما فی بطنها و إن کانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه یدفع ولدها إلی صاحب الکرّم و کان هذا حکم داود...»؛

از امام صادق (ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباہ کردند... صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...».

11- «عن أبی عبدالله (ع) (فی) قول اللّٰه عزوجلّ: «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث»... قال: إنّه کان أوحی اللّٰه عزوجلّ إلی النبیین قبل داود إلی أن بعث اللّٰه داود (ع) (أی غنم نفثت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم... فحکم داود (ع) بما حکمت به الأنبیاء (ع) من قبله و أوحی اللّٰه عزوجلّ إلی سلیمان (ع) (أی غنم نفثت فی الزرع فلیس لصاحب الزرع إلاّ ما خرج من بطونها و كذلك جرت السنّه بعد سلیمان)»؛

از امام صادق (ع) [در باره] قول خدای عزوجلّ «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث» روایت شده... که فرمود: همانا خدای عزوجلّ به پیامبران قبل از داوود - تا زمانی که او را برانگیخت - وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 3، 4، 1

1 - سلیمان (ع)، دارای سپاهی متشکل از نیروهای جن، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمین جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

2 - فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمین جنوده

واژه «حشر» (مصدر «حشر») به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و .. می باشد.

3- وجود تمرین، آموزش و آماده سازی مستمر در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

«وَزْع» به معنای مرتب کردن، به صف کردن و آرایش دادن لشکر برای جنگ

4- حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 361

1 - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان، در مسیر حرکت خود

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ

3 - اختار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نملة يأيها النمل ادخلوا مسكنكم لا يحطمنكم سليمان و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 24، 4، 1

1 - تبسم سلیمان از سخنان مورچه

فتبسم ضاحكًا من قولها

4 - خشنودی سلیمان از آگاهی به زبان مورچگان و سپاس گزاری او به درگاه خدا

فتبسم ضاحكًا من قولها و قال رب أوزعني أن أشكر

24 - «عن جعفر بن محمد (ع) قال: لما قالت النملة «يا أيها النمل ادخلوا مساكنكم...» حملت الريح صوت النملة إلى سليمان (ع) ...»

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که آن مورچه [به سایر مورچگان] گفت: «یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم...» باد صدای آن مورچه را به سلیمان رسانید...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 9، 6، 5، 4، 3، 2، 1

1 - بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تَقَدَّ الطير

«تَقَدَّ» (مصدر «تَقَدَّ») معادل «تعهد» (وارسی کردن) است. بنابراین «تَقَدَّ الطير»؛ یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

2 - غایب یافتن سلیمان هدهد را در صف پرندگان

فقال ما لي لأرى الهدهد أم كان من الغائبين

3 - پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لي لأرى الهدهد أم كان من الغائبين

4 - هدهد ، از اعضای سپاهیان سلیمان

و حشر لسليمن جنوده. .. فقال ما لي لأرى الهدهد

5 - نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیروهای تحت فرمان خویش

و تقفد الطير . .. أم كان من الغائبين

6 - احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیروهای تحت امر خویش

فقال ما لي لأرى الهدهد أم كان من الغائبين

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

9 - در مجمع البیان آمده است : « و اختلف في سبب تقفده الهدهد فقیل إنه احتاج إليه في سفره ليدله على الماء قال أبوحنيفة لأبي عبدالله (ع) كيف تقفد سلیمان الهدهد من بين الطير؟ قال : لأن الهدهد يرى الماء في بطن الأرض كما يرى أحدكم الدهن في القارورة ;

ص: 362

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید] که ابوحنیفه از امام صادق (ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 8، 1

1 - تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأَعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا .. أَوْ لِيَأْتِيَنَّ بِسُلْطَنٍ مِّبِينٍ

«سلطان» به معنای حجت و برهان است و «سلطان مبین»؛ یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

8 - اعلام سلیمان (ع) به بخشودن هدهد، در صورت آوردن دلیلی روشن و قابل قبول برای غیبت خود

لَأَعَذِّبَهُ .. أَوْ لِيَأْتِيَنَّ بِسُلْطَنٍ مِّبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 22 - 3، 5، 1

1 - حاضر شدن هدهد در نزد سلیمان، پس از درنگی نه چندان طولانی

فمكث غير بعيد فقال

2 - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

3 - هدهد، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

«احاطه» در این جا کنایه از علم آمده است؛ یعنی، «علمت بما لم تعلم به؛ به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای».

5 - هدهد، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین «سبا» برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبا بنیا یقین

«نبا» به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود؛ یعنی، «برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 23 - 1

1 - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إِنِّي وَجَدت امراً تملكهم

«مُلْك» (مصدر «تملكهم») به معنای حکومت و فرمانروایی است؛ یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 1,2,3

1 - حضرت سلیمان (ع)، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعای وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به .. قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

ص: 363

2- سلیمان (ع)، درصد بررسی ادعای هدهد درباره سرزمین سبا

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

3- ادعای هدهد در رابطه با سرزمین سبا، امری شگفت و دور از باور سلیمان (ع)

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

تعبیر «خواهیم دید که راست می گویی یا از دروغ گویانی» پس از بیان تفصیلی هدهد و درس های بلند توحیدی وی، می تواند نشانگر شگفتی و ناباوری سلیمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 1,2,4,5,6

1 - مأموریت هدهد از سوی سلیمان، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

«کتاب» معادل «مکتوب» و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه. ...

2- افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إليهم

«ها» ساکن در «ألقه» ها سکت و «إلقاء» (مصدر «ألقى») به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

4- هدهد، موظف به روی برتافتن از درباریان سبا (پس از افکندن نامه سلیمان) نزد ایشان

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

«تولّی» (مصدر «تولّ») به معنای روی برتافتن است؛ یعنی، از آنان روی برتاب و سپس بنگر چه پاسخ می دهند.

5- مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان.

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

6- تدبیر سلیمان در کشف صدق و کذب ادعای هدهد از طریق به کارگیری خود وی

قال سننظر أصدقت ... اذهب بکتبی هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 4, 3, 2, 1

1 - قرار گرفتن نامه سلیمان در اختیار ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْ كِتَابٍ كَرِيمٍ

2 - جلوه عظمت و گران سنگی نامه سلیمان و پیام آن در نظر ملکه سبا (بلقیس)

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْ كِتَابٍ كَرِيمٍ

« کریم»، صفت « کتاب» و به معنای گران مایه است. « کتاب کریم»؛ یعنی، نامه ای عظیم و گران سنگ.

3 - عدم اطلاع بلقیس از مشخصات آورنده نامه سلیمان

إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْ

مجهول آمدن فعل «ألقي» نشانگر آن است که هدهد، نامه سلیمان را طوری به سوی ملکه انداخت که کسی متوجه او نشد.

4 - اقدام بلقیس به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت يَأْتِيهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْ كِتَابٍ كَرِيمٍ

ص: 364

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 4، 2، 1

1 - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إِنَّهُ مِنْ سَلِيمٍ

2 - آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا . إِنَّهُ مِنْ سَلِيمٍ

جمله «إِنَّهُ مِنْ سَلِيمٍ» ظاهراً تعلیل برای «کتاب کریم» است؛ یعنی، این که می گویم «مکتوبی گران مایه» این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

4 - آغاز نامه سلیمان با نام و یاد خدا ، سبب شکوه و عظمت آن نزد بلقیس

إِنِّي أُلْقِي إِلَيْكَ كِتَابًا كَرِيمًا . . . وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمله «و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ . . .» تعلیل دیگری برای بیان گرانبایه بودن مکتوب سلیمان است؛ یعنی، نامه ای که برای من آورده شده، از دو جهت کریم و گران سنگ است: یکی این که از شخصیتی مانند سلیمان است و دیگر آن که با نام خدای رحمان و رحیم آغاز شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 31 - 4، 2، 1

1 - راه ندادن اندیشه سرکشی به خود و آمدن و تسلیم شدن ، فرمان سلیمان (ع) به ملکه سبا و درباریان وی

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

«علو» (مصدر «تعلوا») به معنای استکبار و برتری جویی است. «اتیان» (مصدر «أتونی») نیز به معنای حاضر شدن و «اسلام» (مصدر «مسلمین») معادل «تسلیم» و «انقیاد» است. آیه یاد شده حاوی سه فرمان است: الف) بر من برتری نجوید. ب) نزد من بیایید. ج) تسلیم دستورات من باشید.

2 - برخورد سلیمان (ع) با ملکه و درباریان سبا ، قاطع ، آمرانه و از موضع قدرت بود .

أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

4 - سلیمان (ع) ، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم الله الرحمن الرحيم . ألاّ تعلوا عليّ و أتوني مسلمين

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 5، 2، 1

1 - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت يَأَيُّهَا الْمَلَأُوا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

«إفتاء» (مصدر «أفتوني») به معنای اظهار نظر است. «أفتوني في أمری»؛ یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

2 - برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت يَأَيُّهَا الْمَلَأُوا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

ص: 365

5- احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه امرًا حتی تشهدون

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 35 - 4, 5, 1

1 - تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

وإتی مرسله إلیهم بهدیّه

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

2 - هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع)، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود.

وإتی مرسله إلیهم بهدیّه فناظره یم یرجع المرسلون

4 - همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فناظره یم یرجع المرسلون

تعبیر «مرسلون» با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان (ع) است.

5 - هیأت نمایندگان سبا، مأمور گزارش کردن نقطه نظر های جدید سلیمان (ع) به دربار

فناظره یم یرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 3, 4, 5, 6, 7, 1

1 - حضور سفیر ملکه سبا همراه با هدایا در نزد سلیمان (ع)

فلما جاء سلیمان

از تعبیر «جاء» به صورت مفرد، استفاده می شود که تنها یکی از نمایندگان بلقیس (با این که آنان متعدد بودند) برای تقدیم هدایا به دربار سلیمان (ع) باریافت. گفتمنی است که جمله «ارجع إلیهم» - که خطاب به یک فرد است - مطلب فوق را تأیید می کند. بنابراین احتمال این که مراد از ضمیر «جاء» مال باشد - چنان که برخی از مفسران گفته اند - تضعیف می شود.

3- ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدونن بمال

4- بی اعتنائی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدونن بمال

5- هدیه ملکه سبا، هدیه ای چشمگیر و پرب ها بود.

قال أتمدونن بمال

از تعبیر «أتمدونن بمال» استفاده می شود که هدیه، فی نفسه دارای جاذبه کافی برای هر پادشاه مقتدری بوده است؛ اما در چشم سلیمان پیامبر (ع) جایی نداشته است.

6- توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع)، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدونن بمال

استفهام در «أتمدونن» برای توبیخ و سرزنش است.

ص: 366

7- هدف سلیمان (ع) از نوشتن نامه به دربار سبا، ایفای رسالت الهی و معنوی خود بود، نه رسیدن به مال و حکومت بزرگ تر.

قال أتمدونن بمال فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 37 - 5, 2, 1

1 - رد هدیه ملکه سبا از سوی سلیمان (ع) و فرمان وی مبنی بر بازگشت سفیر به سوی بلقیس با پیام جنگ

ارجع إلیهم فلنأتینهم بجنود

سیاق آیات نشانگر این نکته است که سلیمان(ع) هدیه را نپذیرفت و به آنان برگرداند.

2 - تهدید اکید سلیمان (ع) مبنی بر فرستادن سپاهی گران، پرتوان و بی همآورد به سوی مشرکان سبا

فلنأتینهم بجنود لا قبل لهم بها

جمله «لا قبل لهم بها» صفت «جنود» است؛ یعنی، سپاهی چنان عظیم که ایشان را توان رویارویی با آن نباشد.

5 - سلیمان در تلاش مدام، برای به تسلیم واداشتن دربار سبا، قبل از وقوع جنگ

فلنأتینهم بجنود... و هم صغرون

لحن شدید و تهدیدآمیز سلیمان(ع)، نشانگر آن است که وی تلاش می کرده تا کار به جنگ و خونریزی نینجامد؛ چه این که اگر او صرفاً مصمم بر جنگ بود، هشدارهای قبلی خلاف منطق جنگ به شمار می آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 38 - 1, 2, 3, 4, 5, 6

1 - سلیمان (ع)، دارای مجلسیانی سرشناس و ممتاز در میان نیروهای تحت امر خویش

قال یاأیها المملؤا

واژه «ملاً» به عناصر سرشناس و شخصیت های برجسته و ممتاز گفته می شود.

2 - پرسش سلیمان از قدرت دربارانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یاأیها المملؤا ایکم یاأینی بعرشها

3- عزم ملکه سبا بر تسلیم شدن در برابر سلیمان (ع)، پس از رد هدایای وی

قبل أن یأتونی مسلمین

از سخنان سلیمان و تعبیر «قبل أن یأتونی مسلمین» استفاده می شود که بلقیس مصمم بر تسلیم شده بود و سلیمان از قبل آن را می دانست.

4- آگاهی یافتن سلیمان (ع) از تصمیم بلقیس مبنی بر تسلیم شدنش در برابر وی

قال یأیها الملوأ . . . قبل أن یأتونی مسلمین

5- سلیمان (ع)، مصمم بر نمایاندن قدرت فوق العاده خود به ملکه سبا، با احضار تخت او

قال یأیها الملوأ ائیکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی

6- وجود افرادی برخوردار از قدرت فوق طبیعی در میان درباریان سلیمان (ع)

ایکم یأتینی بعرشها قبل أن یأتونی مسلمین

پرسش سلیمان حاکی از اطلاع او نسبت به وجود چنین افرادی در میان درباریانش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 367

1 - اعلام آمادگی عفريتی از جنیان ، برای حاضر ساختن تخت بلقیس ، پیش از برخاستن سلیمان از مسند خویش

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به قبل أن تقوم من مقامك

«مقام» اسم مکان از «قام بالأمر» است؛ یعنی، «قبل أن تقوم من مجلسك الذی تجلس فيه لأمر الحكومه». گفته شده که سلیمان هر روز صبح تا ظهر برای انجام کارها و اداره امور مملکت بر مسند می نشست.

4 - تأکید عفريت بر قدرت و امانت خود در آوردن تخت بلقیس

و إني عليه لقويّ أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 1، 8، 9، 10، 13

1 - اعلام آمادگی فردی از درباریان سلیمان برای آوردن تخت بلقیس در کمتر از یک طرفه العین

قال الذی . . . أنا اتيك به قبل أن یرتدّ إليك طرفك

8 - اقدام آصف بن برخیا به حاضر ساختن تخت بلقیس در برابر سلیمان (ع)

فلما رءاه مستقرّاً عنده

از تعبیر «فلما رآه..» استفاده می شود که سلیمان(ع) به آصف بن برخیا اجازه اعمال قدرت داد و او تخت را همان گونه که ادعا کرده بود، حاضر ساخت.

9 - سپاس سلیمان (ع) به درگاه خدا ، پس از مشاهده تخت بلقیس در برابر خود

فلما رءاه مستقرّاً عنده قال هذا من فضل ربّي

کلمه «هذا» می تواند اشاره به حضور تخت داشته باشد. بر این مبنا عبارت «هذا من فضل ربّي»؛ یعنی، این حضور تخت در کمتر از طرفه العین در نزد من، فضلی از جانب پروردگار است. هم چنین می تواند اشاره به قدرتی باشد که توانست آن را در کمتر از طرفه العینی حاضر سازد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال اول است.

10 - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلما رءاه.. قال هذا من فضل ربّي

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هذا» اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد؛ یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من - که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد - تقضیل پروردگار به من است.

13 - قدرت و توان عفریت دربار سلیمان ، مقهور دانش و علم آصف بن برخیا

قال عفریت من الجنّ .. قال الذی عنده علم من الکتب

در پاسخ پرسش سلیمان(ع)، نخست عفریت بود که قدرت خویش را مطرح ساخت؛ ولی دانش برتر دانشمند دربار سلیمان مجالی برای اعمال قدرت به وی نداد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 4، 3، 2، 1

1 - فرمان سلیمان به دگرگون ساختن آرایش تخت بلقیس برای آزمودن هوش وی

قال نکرّوا لها عرشها ننظر أتهتدی

2 - اهمیت پی بردن به میزان هوش و فراست ملکه سبا برای سلیمان (ع)

قال نکرّوا لها عرشها ننظر أتهتدی

ظاهراً اقدام سلیمان(ع) به آزمودن بلقیس، دانستن هوش وی بوده است. بنابراین تقدیر «ننظر أتهتدی...» چنین است: «ننظر

ص: 368

آتهددی الی معرفه عرشها...؛ بنگریم آیا می تواند به شناختن تختش پی ببرد یا از کسانی است که نمی توانند راه یابند».

3- نقش تیزهوشی ملکه سبا، در نحوه موضع گیری و تصمیم سلیمان (ع) در قبال وی

نظر آتهددی أم تكون من الذین لایهتدون

اهمیت پی بردن به میزان هوش بلقیس، می تواند از آن جهت باشد که نحوه موضع گیری سلیمان(ع) را در قبال وی مشخص سازد.

4- استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكروا لها عرشها.. من الذین لایهتدون

برخی بر آنند که «آتهددی..» به تقدیر «آتهددی الی الایمان باللّه ورسوله» می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 1,2,3,4,5

1 - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلما جاءت

2- آزموده شدن بلقیس در آغاز ورود به دربار سلیمان به وسیله تخت تغییر یافته اش

فلما جاءت قبل أهكذا عرشك

ظاهر آیه دلالت بر این دارد که پرسش از بلقیس، در آغاز و قبل از هر چیز دیگر صورت گرفته است.

3- فراست بلقیس در بازشناسی تخت تغییر یافته خویش

قالت كانه هو

نحوه پاسخ بلقیس، نشان دهنده فراست او است؛ زیرا نه تصریح کرد که آن اریکه، تخت او است و نه شباهت زیاد آن را با تخت خویش مخفی داشت.

4- درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت كانه هو وأوتینا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده

5- اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او، قبل از رسیدن به دربار وی

وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

ضمیر «من قبلها» به آیه و بینه برمی گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 2

2- تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ . وَصَدَّهَا... إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ كَفْرِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان (ع) نشده و به یکتاپرستی نگروده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 369

1 - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلی الصرح

«صرح» به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه جمله بعد (حسبته لجه) معنای دوم (صحن) مراد است؛ زیرا اطلاق «لجه» بر قصر درست نمی نماید.

2 - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلما رآته حسبته لجه

«لجه» معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

4 - بلقیس، برای عبور از آبگینه های آب نما، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد.

فلما رآته حسبته لجه و كشفت عن ساقیها

5 - سلیمان (ع)، ناظر عکس العمل بلقیس، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و كشفت عن ساقیها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در «قال» سلیمان (ع) می باشد.

6 - اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجه... قال إنه صرح ممرد من قواریر

8 - صحن شیشه ای آب نما، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح... و كشفت عن ساقیها قال إنه صرح ممرد من قواریر

9 - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلما رآته... قالت ربّ إني ظلمت نفسي

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن

شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

10 - توجه بلقیس به هدف الهی و توحیدی سلیمان (ع) ، از نمایاندن امور شگفت به وی

قیل لها ادخلى الصرح . . . قال إنه صرح... قالت ربّ إني ظلمت نفسي

12 - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت ربّ إني ظلمت نفسي

13 - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

و أسلمت مع سلیمان لله ربّ العلمین

تصریح بلقیس به «مع سلیمان» از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

14 - توحید ناب و بی شائبه سلیمان (ع) و تسلیم بودن او در برابر خدای یگانه ، مورد اذعان و اعتراف بلقیس

و أسلمت مع سلیمان لله ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 14، 13، 5، 4

4 - بادِ تحت امر سلیمان (ع) ، مسیر دو ماهه رفت و برگشت را در یک روز طی می کرد .

ص: 370

و لسلیمن الریح غدوها شهر و رواحها شهر

«غدو» در لغت به رفتن در طرف صبح آمده (المنجد) و «رواح» استعاره برای رفتن از ظهر به بعد است (مفردات راغب).

5- دیگ های بزرگی برای ذوب مس جهت ساختن ابزار مسی، در اختیار سلیمان (ع) قرار داشت.

و أسلنا له عین القطر

«عین» در آیه به معنای حقیقی آن (چشمه) نیست؛ بلکه معنای کنایی آن مورد نظر است؛ یعنی، ظرف های بزرگی که مذاب مس داخل آنها بوده و از آن تعبیر به «عین» شده است.

13- تهدید شدن جنیان در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . . . و من یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر

14- در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنیان، براساس تکلیف الهی بود.

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . . . و من یزغ منهم عن امرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنیان در خدمت سلیمان(ع)، استفاده می شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 8، 7، 4، 3، 2، 1

1- جنیان در خدمت سلیمان (ع)، هر چه او می خواست انجام می دادند.

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . . . یعملون له ما یشاء

2- جنیان برای سلیمان (ع)، طبق خواست او قصرهایی می ساختند.

یعملون له ما یشاء من محریب

«محاریب» جمع «محراب» (از ریشه «حرب») است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

3- جنیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند.

یعملون له ما یشاء من محاریب

«محراب» (جمع «محراب») به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

4- جنیان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . . . تمثیل

7- جنیان ، طبق خواست سلیمان (ع) ، برای او کاسه های بزرگی به اندازه حوض می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . . . و جفان کالجواب

«جفان» جمع «جفنه» است و آن به معنای ظرف غذا می باشد. «جواب» جمع «جابیه» و به معنای جمع کننده و دربردارنده است (مفردات راغب). گفتنی است که «جواب» به معنای حوض هم آمده است (لسان العرب).

8- ساخته شدن دیگ های بزرگ ثابت و غیر منقول ، به وسیله جنیان برای سلیمان (ع)

یعملون له ما یشاء من . . . و قدور راسیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 -

1,3,4,5,6,7,10,12,13

1- مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ

ص: 371

«منسأه» به معنای عصا است (مفردات راغب) و «دَابَّه الْأَرْضِ» از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. «أَرْضِ» نیز در این آیه - از باب «علم يعلم» - به معنای خوردن است و یا «ارضه» به معنای گرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

3 - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود.

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّاهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّه الْأَرْضِ . . . لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ا

4 - گروهی از جنیان، همواره در خدمت و پیشگاه سلیمان (ع) بودند.

فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

5 - خدمت جنیان در دستگاه سلیمان (ع)، همراه با سختی، رنج و خفت بود.

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

6 - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع)، از علم غیب برخوردار نبودند.

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

7 - خدمت در دستگاه سلیمان (ع)، برای جنیان خوشایند نبود.

فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

10 - جنیان خدمت گزار در دستگاه سلیمان (ع)، از معرفتی به نام علم غیب آگاهی داشتند.

تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ

12 - سلیمان (ع)، عصبایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت.

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّاهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّه الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ

13 - «عن أبي عبد الله (ع) قال: . . . وُلِّيَ سُلَيْمَانَ مَدْبِرًا إِلَىٰ مَحْرَابِهِ فَمَقَامٌ فِيهِ مَتَكْنًا عَلَىٰ عَصَاهُ فَيَقْبِضُ رُوحَهُ مِنْ سَاعَتِهِ، قَالَ فَجَعَلَتِ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَخْدُمُونَهُ وَيَسْعُونَ فِي أَمْرِهِ بِمَا كَانُوا وَهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ حَيٌّ . . . حَتَّىٰ دَبَّتِ الْأَرْضُ مِنْ عَصَاهُ فَأَكَلَتْ مِنْسَأَتَهُ فَانْكَسَرَتْ وَخَرَّ سُلَيْمَانَ إِلَى الْأَرْضِ أَفَلَا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبِ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ»؛

از امام صادق (ع) روایت شده: . . . سلیمان (ع) به محل عبادت خود روی آورد و در آن جا تکیه زنان بر عصای خود ایستاد. در همان لحظه قبض روح شد و جن و انس همان گونه که موظف بودند، او را خدمت می کردند و در امور او می کوشیدند و گمان می کردند زنده است . . . تا این که موریانه عصای او را خورد. آن عصا شکست و سلیمان (ع) بر زمین افتاد آیا نمی شنوی قول خدای عزوجل را (فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ . . .)».

1 - سان دیدن سلیمان (ع)، از اسب های اصیل، نفیس و تیز تک

إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

«عشیّ» به معنای آخر روز و عصر است و «صافنات» (جمع «صافنه») به اسب هایی گفته می شود که بر روی سه دست و پا ایستاده و دست راست خود را کمی بلند می کنند و تنها نوک جلوی سم را بر زمین می گذارند (این حالت مخصوص اسب های نجیب و اصیل است). «جیاد» نیز به دو معنا آمده است: 1- جمع «جید» - در مقابل «ردی» - و به معنای نفیس است. 2- جمع «جواد» است که وقتی در توصیف اسب به کار رود به معنای سریع خواهد بود. گفتنی است که در آیه شریفه، هر یک از دو معنا می تواند مراد باشد.

1 - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب ها تا غروب آفتاب به طول انجامید .

فقال إني أحببت حبّ الخير .. حتى توارت بالحجاب

مقصود از «خیر» در آیه شریفه اسب ها است و «تواری» (مصدر «تورات») به معنای اختفا و پنهان شدن است. گفتنی است فاعل «تورات» در برداشت بالا - به قرینه «العشی» - خورشید دانسته شده است؛ یعنی، تا وقتی که خورشید در حجاب افق پنهان شد.

2 - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، آن چنان برای آن حضرت جذاب بود که تا پنهان و دور شدن کامل آنها از دیدگان وی ، ادامه داشت .

فقال إني أحببت حبّ الخير .. حتى توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر فاعلی «تورات» به «صافنات» بازگردد. بنابراین «حتى توارت بالحجاب»؛ یعنی، تا وقتی که اسب ها از نظرش غایب و در حجاب دوری پنهان شدند.

3 - سان دیدن طولانی سلیمان (ع) از اسب ها ، به خاطر خدا و یاد او بود .

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذکر ربّی

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «عن» در «عن ذکر ربّی» برای تعلیل باشد؛ یعنی، دوستی من نسبت به اسب ها، به خاطر خدا و ناشی از فرمان او است؛ نه برخاسته از هوا و هوس و تفریح کردن من.

5 - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها و علاقه شدید او به آنها ، موجب غفلت او از یاد خدا گشت .

إني أحببت حبّ الخير عن ذکر ربّی حتى توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «عن» در «عن ذکر ربّی» به معنای «علی» و «أحببت» به معنای «آثرت» (ترجیح دادم) باشد؛ یعنی، من آن چنان به دوستی با اسب ها سرگرم شدم که آن را بر یاد خدا ترجیح دادم و از او غافل ماندم؛ تا آن که آفتاب غروب کرد و یا این که اسب ها از نظرم پنهان شدند.

10 - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إني أحببت حبّ الخير عن ذکر ربّی حتى توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إني ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

1 - دستور سلیمان (ع) مبنی بر بازگرداندن اسباب ها به نزد او ، پس از بازدید نخست و ناپدید شدن آنها از نظر ایشان

حتّی توارت بالحجاب . ردّوها علیّ

ضمیر مؤنث «ردّوها» - به قرینه جمله بعدی (فطفق مسحاً..)- به «صافنات» (اسب ها) بازمی گردد.

2 - سلیمان (ع) پس از بازگردانده شدن اسب ها ، آنها را نوازش کرد و به سودن پاها و گردن آنها پرداخت .

فطفق مسحاً بالسوق و الأعناق

3 - شدت علاقه سلیمان (ع) به اسب های نجیب و تیزرو و سان دیدن از آنها

فطفق مسحاً بالسوق و الأعناق

درخواست بازگرداندن اسب ها، برای بازدید مجدد و نوازش آنها (با سودن پاها و گردن آنها)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 34 - 2,5,6,7

2- افکندن جسم بی جان انسانی بر تخت سلیمان ، وسیله آزمایش ایشان از سوی خداوند بود .

و لقد فتنّا سلیمان و ألقینا علی کرسیّه جسداً

«جسد» به جسم بی جان انسان گفته می شود و «کرسی» به معنای تخت و سریر است.

5- توبه و انابه سلیمان (ع) به درگاه خدا پس از آزمایش الهی

و لقد فتنّا سلیمان . . . ثمّ أناب

6- افکنده شدن جسدی بی جان بر تخت سلیمان (ع) ، زمینه توجه ایشان به خدا و توبه و انابه به درگاه الهی شد .

و ألقینا علی کرسیّه جسداً ثمّ أناب

از ارتباط میان افکنده شدن جسد بر تخت سلیمان و توبه و انابه او پس از آن، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

7- جسم بی جان افکنده شده بر تخت سلیمان ، پس از مدتی زنده شد و جان گرفت .

و ألقینا علی کرسیّه جسداً ثمّ أناب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «أناب» در معنای اصلی خود («رجع»؛ یعنی، رجوع کرد و بازگشت) باشد. بر این اساس مقصود از رجوع و بازگشت در آیه شریفه، می تواند رجوع جسد بی روح به حالت قبلی و بازگشت جان به این جسد باشد که بدین وسیله سلیمان(ع) مورد آزمایش الهی قرار گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 36 - 1,3,4

1- دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجاب خدا قرار گرفت .

و هب لی ملکا . . . فسخرنا له الريح

از فای تفریع «فسخرنا. . .» استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملک او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

3- جریان ملایم باد تحت فرمان سلیمان بود و به هر سوی که او می خواست روان می گشت .

فسخّرنا له الريح تجرى بأمره رخاءً حيث أصاب

«رخاء» به معنای آرامی و ملایمت است و ضمیر فاعل در «أصاب» به سلیمان بازمی‌گردد. «اصابه» (مصدر «أصاب») معادل قصد و اراده است؛ یعنی، هر جا سلیمان اراده کند.

4 - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود.

هب لی ملگًا .. فسخّرنا له الريح تجرى بأمره رخاءً حيث أصاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 37 - 38 - 1,2,4,5

1 - شیاطین جنی، تحت تسخیر و فرمان سلیمان (ع) از جانب خداوند

فسخّرنا له .. و الشیطین

«شیاطین» (جمع «شیطان») مجازاً درباره اشخاصی که دارای مهارت و زبردستی بالایی باشند، به کار می‌رود. تعبیر «کلّ بئاء و غواص» می‌تواند مؤید همین معنا باشد. گفتنی است که با توجه به آیه 17 سوره «نمل» (و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از «شیاطین» موجوداتی از جنس «جن» می‌باشد.

2 - شیاطین جنی، به فرمان سلیمان (ع) به ساختمان سازی و غواصی می‌پرداختند.

ص: 374

و الشیطان کلّ بناء و غواص

4- تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکاً .. فسخرنا له ... الشیطان کلّ بناء و غواص

5- شیاطین جنی، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند.

و الشیطان کلّ بناء و غواص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 38 - 1,2

1 - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

«مقرّنین» اسم مفعول از «قرّنه» (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. «صَفَدَ» (مفرد «أصفاد») نیز به معنای قید و بند است.

2- اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلال گر جنی، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و آخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان (ع) - در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند - می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان (ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

164- قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 2,5,7,8,9,10

2- داوری داوود و سلیمان (ع)، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غم القوم

«نفث» به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

5- داوود و سلیمان (ع)، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، اختلاف نظر داشتند.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم و کنا لحکمهم شهیدین

نوع مفسران برآنند که «فقهّمناها» می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های «کنا لحکمهم شاهدین» و «و کلاً آتینا حکماً و علماً» می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود؛ بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

7- داوود و سلیمان (ع)، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

8- «عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّٰه تبارک و تعالی: «داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . .» قال لم یحکما إنّما کانا یتناظران فقهّمها سلیمان . . .»

از امام باقر(ع) در باره قول خدای - تبارک و تعالی - «و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث. . .» روایت شده که فرمود:

ص: 375

داوود و سلیمان(ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد».

9- «أحمد بن عمر الحلبي قال: سألت أبا الحسن (ع) عن قول الله عز وجل: «و داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث» قال: كان حكم داوود (ع) رقاب الغنم، و الذي فهم الله عز وجل سليمان (ع) أن احكم لصاحب الحرث باللبن و الصوف ذلك العام كله؛

احمد بن عمر حلبي گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سخن خداوند عزوجل «و داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث» سؤال کردم، فرمود: حکم داوود(ع) دادن گوسفندان به صاحب زراعت بود و چیزی را که خداوند به سلیمان فهماند، این بود که برای صاحب زراعت حکم کن تا شیر و پشم گوسفندان در کل آن سال برای او باشد».

10- «عن أبي عبد الله (ع) قال: كان في بني اسرائيل رجل له كرم و نفثت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضمته و أفسدته فجاء صاحب الكرم إلى داود فاستعدى على صاحب الغنم فقال داود (ع): إذهب إلى سليمان (ع) ليحكم بينكما فذهبا إليه فقال: سليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلى صاحب الغنم أن يدفع إلى صاحب الكرم الغنم و ما في بطنها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنه يدفع ولدها إلى صاحب الكرم و كان هذا حكم داود...»؛

از امام صادق(ع) روایت شده: مردی از بنی اسرائیل دارای تاکستانی بود، گوسفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردند و تباه کردند... صاحب تاکستان از صاحب گوسفندان نزد داوود شکایت برد، او گفت: نزد سلیمان بروید تا میان شما داوری کند. پس نزد سلیمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاک را خورده، پس بر صاحب گوسفند است که باید گوسفند و بچه در شکم او را به صاحب تاک بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 2

2- امتیاز سلیمان بر داوود (ع)، در تشخیص حکم خسارت کشتزار تلف شده

و داود و سلیمان إذ يحكمان في الحرث... ففهمنها سليمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 1

1 - حضرت سلیمان (ع)، قضاوت درباره هدهد را به آینده و پس از تحقیق پیرامون ادعا های وی موکول کرد .

فقال أحطت بما لم تحط به... قال سننظر أصدقت أم كنت من الكاذبين

165- کاخ بلورین سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلما رآته حسبه لجه

«لجه» معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

8 - صحن شیشه ای آب نما، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

ص: 376

قیل لها ادخلی الصرح . . . و کشف عن ساقیها قال إنه صرح ممرد من قواریر

166- کاخهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 2

2- جتیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

«محاریب» جمع «محراب» (از ریشه «حرب») است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

167- کاغذ در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 9

9- ظرافت ابزار مورد استفاده برای کتابت (کاغذ ، پوست و . . .) در عهد سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

از آن جا که بیکی چون هدهد تنها می تواند حامل اشیایی سبک و کوچک باشد، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

168- کشتزار قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 3،2

2- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

«نفث» به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

3- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سليمان إذ يحكمان في الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که «یحکمان» با صیغه تشبیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

169- کفرستیزی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 377

13 - نمل - 27 - 31 - 4

4- سلیمان (ع)، درصدد از میان بردن حاکمیت کفر و شرک از سرزمین سبا

بسم الله الرحمن الرحيم . ألا تعلوا عليّ و أتوني مسلمين

تسلیم سلیمان شدن، در حقیقت دست برداشتن از شرک و پذیرش منطق توحیدی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 12

12 - مقام سلیمان، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدونن بمال . . . بل أنتم بهديتكم تفرحون

170- کيفر عصيان از سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 13

13 - تهدید شدن جنیان در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من يعمل بين يديه . . . و من يزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعير

171- لشكر كشي سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 2

2- فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسليمن جنوده

واژه «حشر» (مصدر «حشر») به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و . . . می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - رسیدن سلیمان (ع) و لشگریانش به سرزمین مورچگان ، در مسیر حرکت خود

حتی إذا أتوا علی واد النمل

172- مبانى قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 11

ص: 378

11- « عن أبي عبد الله (ع) (في) قول الله عز وجل: « وداود و سليمان إذ يحكمان في الحرت » . . . قال: إنه كان أوحى الله عز وجل إلى النبيين قبل داود إلى أن بعث الله داود (ع) أي غنم نفشت في الحرت فلصاحب الحرت رقاب الغنم . . . فحكم داود (ع) بما حكمت به الأنبياء (ع) من قبله و أوحى الله عز وجل إلى سليمان (ع) أي غنم نفشت في الزرع فليس لصاحب الزرع إلا ما خرج من بطون ها و كذلك جرت السنه بعد سليمان » ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزوجل «و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرت» روایت شده . . . که فرمود: همانا خدای عزوجل به پیامبران قبل از داوود - تا زمانی که او را برانگیخت - وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد . . . پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خود حکم داد و خدای عزوجل به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد؛ مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...».

173- مجسمه های سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 4,17

4 - جَنِّيَان ، به فرمان سلیمان (ع) ، مجسمه و تمثال می ساختند .

یعملون له ما یشاء من . . . تمثیل

17 - « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل: « يعملون له ما يشاء من محاريب و تماثيل » فقال و الله ما هي تماثيل الرجال و النساء و لكنّها الشجر و شبهه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزوجل «یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل» فرمود: قسم به خدا این تمثال ها، تمثال مردان و زنان نبود، بلکه تمثال درخت و مانند آن بود»

174- محدوده حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 23 - 4

4 - حکومت عظیم سلیمان در آغاز ، محدود به منطقه ای خاص بود ، نه گسترده در همه سرزمین ها .

إني وجدت امرأة تملكهم . . . و لها عرش عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - « عن أبي جعفر (ع) قال: ... وأما داود فملك ما بين الشامات إلى بلاد الإصطخر وكذلك كان ملك سليمان ... » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ... محدودده پادشاهی داوود ما بین شامات تا بلاد اصطخر بوده است و همچنین پادشاهی سلیمان...».

ص: 379

175- محدوده علم سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 7

7 - سلیمان ، برخوردار از دانشی محدود

مالی لأری الهدهد أم كان من الغائبين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که سلیمان در عین آگاهی از زبان پرندگان و در اختیار داشتن سپاهی عظیم (از جن و انس و پرندگان) از غیبت هدهد و راز آن آگاه نبود و علت آن را از دیگران پرسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 22 - 4

4 - محدودیت علم سلیمان و عدم اطلاع او از برخی امور اطراف خویش

فقال أحطت بما لم تحط به

176- مدت سان دیدن سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 32 - 2، 1

1 - سان دیدن سلیمان (ع) ، از اسب ها تا غروب آفتاب به طول انجامید .

فقال إني أحببت حبّ الخير . . . حتّى توارت بالحجاب

مقصود از «خیر» در آیه شریفه اسب ها است و «تواری» (مصدر «تورات») به معنای اختفا و پنهان شدن است. گفتنی است فاعل «تورات» در برداشت بالا - به قرینه «العشّی» - خورشید دانسته شده است؛ یعنی، تا وقتی که خورشید در حجاب افق پنهان شد.

2 - سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، آن چنان برای آن حضرت جذاب بود که تا پنهان و دور شدن کامل آنها از دیدگان وی ، ادامه داشت .

فقال إني أحببت حبّ الخير . . . حتّى توارت بالحجاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که ضمیر فاعلی «تورات» به «صافنات» بازگردد. بنابراین «حتّى توارت بالحجاب»؛ یعنی، تا

وقتی که اسب ها از نظرش غایب و در حجاب دوری پنهان شدند.

177- مرگ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 13، 2، 1

1 - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةَ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ

«منسأه» به معنای عصا است (مفردات راغب) و «دابه الأرض» از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. «أرض» نیز در این

ص: 380

آیه - از باب «علم يعلم» - به معنای خوردن است و یا «ارضه» به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

2 - مرگ سلیمان (ع) به قضای الهی بود .

فلما قضینا علیه الموت

13 - «عن أبي عبد الله (ع) قال : . . . ولى سليمان مدبراً إلى محرابه فقام فيه متكئاً على عصاه فقبض روحه من ساعته ، قال فجعلت الجن والإنس يخدمونه و يسعون فى أمره بما كانوا و هم يظنون أنه حى . . . حتى دبت الأرضه من عصاه فأكلت منسأته فانكسرت و خرّ سليمان إلى الأرض أفلا تسمع لقوله عزّوجلّ : فلما خرّ تبينت الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا فى العذاب المهين ؛

از امام صادق(ع) روایت شده: . . . سلیمان(ع) به محل عبادت خود روی آورد و در آن جا تکیه زنان بر عصای خود ایستاد. در همان لحظه قبض روح شد و جن و انس همان گونه که موظف بودند، او را خدمت می کردند و در امور او می کوشیدند و گمان می کردند زنده است ... تا این که موریانه عصای او را خورد. آن عصا شکست و سلیمان(ع) بر زمین افتاد آیا نمی شنوی قول خدای عزّوجلّ را (فلما خرّ تبیت الجنّ...).

178- مسجدهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 13 - 3

3 - جتّیان برای سلیمان (ع) طبق خواست او محل هایی برای عبادت بنا می کردند .

یعملون له ما یشاء من محاریب

«محراب» (جمع «محاریب») به معنای مسجد آمده است (مفردات راغب).

179- مشاوره درباره نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 29 - 4

4 - اقدام بلقیس به در میان گذاشتن خبر نامه سلیمان با درباریان خود

قالت یاأیها الملؤا انّی ألقى إلیّ کتب کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - نظرخواهی بلقیس از درباریان خود، درباره چگونگی پاسخ به سلیمان (ع)

قالت یاأیها المملؤا أفتونی فی أمری

«إفتاء» (مصدر «أفتونی») به معنای اظهار نظر است. «أفتونی فی أمری»؛ یعنی، نظرتان را در این که باید چه کار انجام دهم، بیان کنید.

ص: 381

180- مشورت سلیمان (ع) با داود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 3

3- داوود و سلیمان (ع)، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان، به مشورت پرداختند.

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث إذ نفثت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که «یحکمان» با صیغه تثنیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

181- مصونیت از پایمالی سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 4

4- دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیان

ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده

«لا» در «لایحطمنکم» ناهیه است. «حَطْمٌ» (مصدر «یحطمن») در اصل به معنای شکستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای «ادخلوا» و «لایحطمنکم» - که به صورت امر و نهی آمده - بیانگر نوعی ریاست است؛ به ویژه اگر تکبیر «نمله» برای تفخیم باشد.

182- مصونیت از پایمالی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 4

4- دستور مورچه پیشوا به پنهان شدن مورچگان در لانه خود، برای مصون ماندن از پایمال شدن توسط سلیمان و سپاهیان

ادخلوا مسکنکم لایحطمنکم سلیمان و جنوده

«لا» در «لایحطمنکم» ناهیه است. «حَطْمٌ» (مصدر «یحطمن») در اصل به معنای شکستن و در این جا معادل پایمال کردن است. تعبیرهای «ادخلوا» و «لایحطمنکم» - که به صورت امر و نهی آمده - بیانگر نوعی ریاست است؛ به ویژه اگر تکبیر «نمله» برای تفخیم باشد.

183- معجزه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 4

4- مسخر و رام بودن تندباد ها در دست سلیمان (ع) و فرمان روایی ایشان بر آنها ، معجزه آن حضرت و دلیل پیامبری او

ص: 382

نوع مفسران برآند که این آیه و آیات دیگر، در مقام بیان معجزه های پیامبران گذشته و دلایل نبوت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 41 - 4

4 - استفاده سلیمان (ع) از امکانات خود بلقیس ، برای ارائه معجزه به وی و هدایت او

قال نكروا لها عرشها. .. من الذين لايهتدون

برخی برآند که «أتهتدى..» به تقدیر «أتهتدى إلى الإيمان بالله ورسوله» می باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 4

4 - درک سریع بلقیس نسبت به هدف سلیمان (ع) در احضار اعجازگونه تخت وی

قالت كأنه هو وأوتينا العلم من قبلها

بلقیس پس از شناخت اریکه خویش، بدون تأمل گفت: آنچه را که سلیمان(ع) با این کار می خواهد به ما بفهماند، ما خود از قبل فهمیده ایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 15

15 - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملگًا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

184- مقام قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- داوود و سلیمان (ع)، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کلاً اتینا حکماً و علماً

185- مقامات سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- داوود و سلیمان (ع)، از مقام قضاوت در میان مردم عصر خویش برخوردار بودند .

ص: 383

و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 4

4- داوود و سلیمان (ع) ، دارای مقام قضاوت و برخوردار از علم خدا دادی

و داود و سلیمان . . . و کلاً ءاتینا حکماً و علماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 9

9- افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما ءاتین الله خیر ممّا آتیکم

مراد از «ما آتان الله» حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سبباً نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای «خیر» باید می فرمود «ما آتانی الله اکثر ممّا آتاکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 30 - 6

6- رجوع و توجه همواره سلیمان (ع) به خدا در زندگی ، موجب دستیابی او به مقام عبودیت الهی

نعم العبد إنه أواب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله «إنه أواب» در مقام تعلیل برای «نعم العبد» است؛ یعنی، چون سلیمان بسیار متوجه خدا و پرمراجعه به او بود؛ بهترین عبد شناخته شد و به این مقام دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 40 - 1

1- سلیمان (ع) ، دارای قرب و منزلت ویژه در پیشگاه خداوند

و إن له عندنا لزلفی

«الزلفی» به معنای قرب و منزلت است.

186- مقامات معنوی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 7

7- آگاهی مورچه به مقام معنوی و عدالت سلیمان

لايحظمنكم سليمان و جنوده و هم لايشعرون

تعبیر «و هم لایشعرون» بیانگر این نکته است که آن مورچه می دانست که سلیمان در صورت توجه، نخواهد گذاشت که مورچگان مورد ستم قرار گیرند و پایمال شوند.

ص: 384

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 5

5- اطلاع بلقیس از مقام معنوی و قدرت سلیمان (ع) و تسلیم شدنش در برابر او، قبل از رسیدن به دربار وی

و أُوتینا العلم من قبلها و کتّا مسلمین

ضمیر «من قبلها» به آیه و بینه بر می گردد که از عمل خارق العاده دربار سلیمان به دست می آید.

187- ملکه سبا در کاخ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 1

1 - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلما جاءت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 5، 4، 2، 1

1 - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلى الصرح

«صرح» به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه جمله بعد (حسبته لجه) معنای دوم (صحن) مراد است؛ زیرا اطلاق «لجه» بر قصر درست نمی نماید.

2 - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبیگری ژرف در نظر بلقیس

فلما رآته حسبته لجه

«لجه» معادل برکه، آبیگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبیگری است پر از آب.

4 - بلقیس، برای عبور از آبیگینه های آب نما، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد.

فلما رآته حسبته لجه و كشفت عن ساقیها

5- سلیمان (ع)، ناظر عکس العمل بلقیس، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و كشفت عن ساقیها قال إنه صرح

مراد از ضمیر فاعل در «قال» سلیمان(ع) می باشد.

188- ملکه سبا و سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 2، 1

1 - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان، پیش از خواندن محتوای آن

إنه من سلیمان

2- آشنایی بلقیس و درباریان وی با شخصیت و موقعیت ممتاز سلیمان (ع)

ص: 385

إِنِّي أَلْقَى إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ . إِنَّهُ مِنْ سَلِيمٍ

جمله «إِنَّهُ مِنْ سَلِيمٍ» ظاهراً تعلیل برای «کتاب کریم» است؛ یعنی، این که می گویم «مکتوبی گران مایه» این بدان سبب است که آن را شخصیتی چون سلیمان برای ما فرستاده است.

189- ملکه سبا و نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 32 - 2,5

2- برخورد جدی ملکه سبا با نامه سلیمان و عدم تردید وی در صحت آن

قالت يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي

در عبارات بلقیس، کلامی که حاکی از تردید باشد مشاهده نمی شود؛ بلکه اقدام وی به مشاوره درباره محتوای نامه، نشانگر اطمینان او است.

5- احساس خطر جدی ملکه سبا از نامه سلیمان و تلاش وی برای تحکیم روابط در درون دربار

أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونَ

در صورتی که کار مشاوره برای بلقیس امری معمولی بود، وی نیازی نداشته تا در خصوص این موضوع، بر شیوه مشاوره خود تأکید کند. احتمال می رود این تأکید از آن جهت باشد که موضوع را بسیار جدی و خطرناک تلقی کرده و با این سخنان سعی داشته تا دل درباریان را به دست آورد و آنان را با خود همراه سازد.

190- مناظره داود (ع) با سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 8

8- «عن أبي جعفر (ع) في قول الله تبارك و تعالی : « داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . . » قال لم یحکما إنما كانا یتناظران ففهمها سلیمان . . . »

از امام باقر (ع) در باره قول خدای - تبارک و تعالی - «و داوود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث . . .» روایت شده که فرمود: داوود و سلیمان (ع) داوری نکردند، تنها مشغول مناظره بودند که خدا حکم واقعه را به سلیمان تفهیم کرد.»

191- منت بر سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 2

2- امتنان خداوند بر سلیمان (ع)، به خاطر اعطای حکومت عظیم و بی نظیر به ایشان

هذا عطاؤنا

ص: 386

192- منشأ تسخیر باد برای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 81 - 8

8- مسخر گشتن تندباد و به فرمان درآمدن آن برای سلیمان (ع)، در پرتو اراده و علم گسترده الهی بود.

و لسلیمن الریح . . . و کتّا بکلّ شیء علمین

عبارت «بکلّ شیء عالمین» می‌رساند که این کار، براساس قوانین علمی صورت گرفته و خداوند با علم گسترده خویش به آن قوانین، اراده کرده بود که تندباد تحت فرمان سلیمان قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 36 - 2

2 - نیروی باد، تحت تسخیر سلیمان (ع) از ناحیه خداوند

فسخرنا له الریح

193- منشأ تسخیر جن برای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 14، 12، 10

10 - جنّیان تحت امر و اطاعت سلیمان (ع)، با فرمان خدا به تسخیر او درآمده بودند.

و لسلیمن . . . و من الجنّ من یعمل بین یدیه یاذن ربّه

12 - ربوبیت خداوند، مقتضی تحت اختیار درآوردن جنّیان برای سلیمان (ع)

و من الجنّ من یعمل بین یدیه یاذن ربّه

14 - در خدمت سلیمان (ع) بودن گروهی از جنّیان، براساس تکلیف الهی بود.

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . . . و من یزغ منهم عن امرنا نذقه

از تهدید به عذاب جنّیان در خدمت سلیمان (ع)، استفاده می‌شود که آنان موظف به انجام چنین کاری بوده‌اند.

1 - شیاطین جنی ، تحت تسخیر و فرمان سلیمان (ع) از جانب خداوند

فسخّرنا له .. و الشیطان

«شیاطین» (جمع «شیطان») مجازاً درباره اشخاصی که دارای مهارت و زبردستی بالایی باشند، به کار می رود. تعبیر «کلّ بناء و غواص» می تواند مؤید همین معنا باشد. گفتنی است که با توجه به آیه 17 سوره «نمل» (و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ...)، مقصود از «شیاطین» موجوداتی از جنس «جن» می باشد.

194- منشأ حکومت سلیمان (ع)

8 - پادشاهی بی نظیر و پنهانور سلیمان (ع) ، موهبتی الهی بود .

و هب لی ملگا

195- منشأ علم سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 1

1 - اعطای علم و دانشی عظیم و ویژه از سوی خدا به داوود و سلیمان (ع)

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً

آمدن تعبیر «علماً» به صورت نکره، بیانگر عظمت و ویژگی دانشی است که به داوود و سلیمان داده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 5

5 - آگاهی به گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً .. و قال یا ایها الناس علّمنا منطق الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 12

12 - علم و قدرت ، دو نمود بارز فضل الهی برای سلیمان (ع) و در خدمت او

قال الذی عنده علم من الکتب. .. فلما رءاه مستقراً عنده قال هذا من فضل ربّی

گرچه علم و قدرت مطرح شده در آیه مربوط به آصف بن برخیا است؛ ولی وی از اعضای دربار سلیمان بود و دانش ویژه و توان فوق العاده او در خدمت حکومت آن حضرت قرار داشت. بر این اساس است که سلیمان(ع) خدا را بر این علم و قدرت سپاس می گزارد. بعلاوه برخی از مفسران مراد از «الذی عنده...» را خود سلیمان(ع) دانسته اند.

196- منشأ فضایل سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، عطاکننده فضیلت هایی برای سلیمان (ع)

و لقد آتینا داود مئاً فضلاً . . . ولسلیمین

«لسلیمان» عطف به «داود» در آیه قبل و متعلق به فعل محذوف «سَخَّرْنَا» است.

ص: 388

197- منشأ قدرت حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 10

10 - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلما رءاه. .. قال هذا من فضل ربی

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «هذا» اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد؛ یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من - که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد - تفضل پروردگار به من است.

198- منشأ قدرت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 12

12 - علم و قدرت ، دو نمود بارز فضل الهی برای سلیمان (ع) و در خدمت او

قال الذی عنده علم من الکتب. .. فلما رءاه مستقراً عنده قال هذا من فضل ربی

گرچه علم و قدرت مطرح شده در آیه مربوط به آصف بن برخیا است؛ ولی وی از اعضای دربار سلیمان بود و دانش ویژه و توان فوق العاده او در خدمت حکومت آن حضرت قرار داشت. بر این اساس است که سلیمان(ع) خدا را بر این علم و قدرت سپاس می گزارد. بعلاوه برخی از مفسران مراد از «الذی عنده...» را خود سلیمان(ع) دانسته اند.

199- منشأ قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 79 - 1

1- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

ففهمنها سلیمان

«فا» در «ففهمنا» برای تعقیب است و ضمیر «ها» به حکومت (قضاوت) بازمی گردد؛ یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

200- موانع ایمان به سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 2

2- تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

وَأُتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ . وَصَدَّهَا... إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمِ كَفْرِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی نگروده بود.

ص: 389

201- موریانه و عصای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 1

1 - مرگ سلیمان (ع)، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد.

فلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ

«منسأه» به معنای عصا است (مفردات راغب) و «دَابَّةُ الْأَرْضِ» از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. «أَرْضِ» نیز در این آیه - از باب «علم يعلم» - به معنای خوردن است و یا «ارضه» به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

202- موقعیت شناسی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 10

10 - سلیمان (ع)، درصدد استفاده از هر فرصت برای بیان عقیده توحیدی خود و تبلیغ آن

فَمَا آتَيْنَا اللَّهُ خَيْرَ مِمَّا آتَيْكُم

یادآوری سلیمان(ع) به نماینده سبا نسبت به این حقیقت که آنچه او و آنها در اختیار دارند، همگی عطایایی است که خداوند به آنان بخشیده است، بیانگر مطلب یاد شده است.

203- ناخشنودی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 3

3 - ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قَالَ أَتَمَدُّونُن بِمَالِ

204- نارضایتی جنیان سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 7

7 - خدمت در دستگاه سلیمان (ع)، برای جنیان خوشایند نبود .

فلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

ص: 390

205- ناظر قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 78 - 6

6- قضاوت داوود و سلیمان (ع) ، مورد نظارت و تأیید خداوند بود .

و کتّا لحکمهم شهیدین

ضمیر «حکمهم» به داوود و سلیمان بازمی گردد. بنابراین ذکر شهادت خداوند نسبت به حکم این دو، اشاره به تأیید آن دارد.

206- نامه رسانی در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 3

3 - استفاده از پرندۀ پیک برای ارتباطات ، به عصر سلیمان بازمی گردد .

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

207- نامه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 28 - 5، 2، 1

1 - مأموریت هدهد از سوی سلیمان ، برای بردن نامه وی به جانب ملکه سبا

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

«کتاب» معادل «مکتوب» و به معنای نامه است؛ یعنی، این نامه مرا ببر، آن گاه. ...

2 - افکندن نامه به محلّ تجمع ملکه و درباریان سبا ، مأموریت هدهد از جانب سلیمان (ع)

اذهب بکتبی هذا فألقه إلیهم

«ها» ساکن در «ألقه» ها سکت و «إلقاء» (مصدر «ألق») به معنای افکندن است؛ یعنی، آن گاه [نامه را] به سوی آنان بیفکن.

5 - مأموریت هدهد برای مشاهده بازتاب نامه سلیمان در میان درباریان سبا و شنود کردن سخنان ایشان .

ثمّ تولّ عنهم فانظر ماذا يرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 29 - 1

1 - قرار گرفتن نامه سليمان در اختيار ملكه سبا (بلقيس)

قالت يأتيا الملأا إني ألقى إلی كتب كريم

ص: 391

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 30 - 1

1 - اقدام بلقیس به معرفی نویسنده نامه برای درباریان ، پیش از خواندن محتوای آن

إنّهُ من سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 3،6

3 - ناخشنودی سلیمان (ع) از عکس العمل دربار سبا در قبال نامه وی

قال أتمدونن بمال

6 - توبیخ دربار سبا توسط سلیمان (ع) ، به خاطر تلقی مادی و نادرست آنان از نامه و دعوت وی

قال أتمدونن بمال

استفهام در «أتمدونن» برای توبیخ و سرزنش است.

208- نبوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 1

1 - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

علی ملک سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 163 - 4

4 - ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون و سلیمان علیهم السلام از پیامبران پس از نوح (ع) و مخاطب

وحی

و أوحینا إلی إبرهیم . . . و سلیمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 9

9- افتخار سلیمان (ع) به مقام نبوت و رسالت الهی خود و نه مال و قدرت مادی

فما آتین الله خیر ممّا آتیکم

مراد از «ما آتان الله» حقیقتی متفاوت با امکانات مادی است؛ چرا که اولاً دربار سبأ نیز از آن امکانات مادی برخوردار بود ثانیاً بجای «خیر» باید می فرمود «ما آتانی الله أكثر ممّا آتاکم».

209- نشانه های اقتدار حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 392

2- اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطینِ فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و آخرین مقرنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) - در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند - می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

210- نشانه های عبودیت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- ماجرای سان دیدن سلیمان (ع) از اسب ها ، جلوه ای از بندگی و خداخواهی او

نعم العبد إله أواب . إذ عرض عليه بالعشيّ الصفت الجياد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که «إذ» متعلق به «أواب» باشد که در این صورت، آیه شریفه درصدد بیان مصداق و نمونه ای از صفت «أواب» بودن سلیمان(ع) است.

211- نظارت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیرو های تحت فرمان خویش

و تفقد الطير . . . أم كان من الغائبين

212- نظام کفیری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- شکنجه یا مرگ (بریدن سر) ، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أم كان من الغائبين . لأعدبته عذاباً شديداً أو لأذبحته

213- نظم سپاه سليمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 17 - 4

ص: 393

4 - حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 5

5 - اهتمام شدید سلیمان (ع) به برقراری نظم و انضباط کامل در سپاه خویش

أم كان من الغائبين .. أو لا أذبحنه

214 - نعمتهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 16 - 5,7

5 - آگاهی به گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد آتينا داود و سليمان علما .. و قال يا ايها الناس علمنا منطق الطير

7 - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان ، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

علمنا منطق الطير و اوتينا من كل شيء

با این که «و اوتينا من كل شيء» شامل «منطق الطير» هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت به داوود و سلیمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 19 - 6

6 - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أن أشكر نعمتك التي أنعمت عليّ و على و لديّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 40 - 11

11 - توجه دائمی سلیمان (ع) به خدایی بودن امکانات خویش

فلما رءاه مستقراً عنده قال هذا من فضل ربِّي

از آیه یاد شده و نیز آیات پیشین استفاده می شود که سلیمان در اوج قدرت و شوکت نیز، از یاد خدا غافل نبوده، او را یاد می کند و بر نعمت های او سپاس می گزارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 3،7

3 - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع)، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا برای او

و لقد آتینا .. فضلاً ... و لسليمن الريح

7 - فراهم آمدن امکانات ذوب مس برای سلیمان (ع)، از عطایای خدا به آن حضرت

ص: 394

و لقد آتينا .. فضلاً ... و لسليمن ... و أرسلنا له عين القطر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 35 - 8

8 - پادشاهی بی نظیر و پهناور سلیمان (ع) ، موهبتی الهی بود .

و هب لی ملکاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 39 - 1

1 - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع) ، عطیه بزرگ الهی بود .

و هب لی ملکاً ... هذا عطاؤنا

اضافه «عطا» به ضمیر جلاله (نا) بر تعظیم دلالت می کند.

215- نعمتهای والدین سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 19 - 10، 6

6 - توجه سلیمان به خدایی بودن نعمت های عطا شده به او و پدر و مادرش

أَن أَشْكُرْ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي

10 - پدر و مادر سلیمان ، برخوردار از نعمت های ویژه الهی

نعمتک الّتی أنعمت علیّ و علیّ ولدی

216- نقش امکانات مادی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - نمل - 27 - 44 - 17

17 - امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنه صرح ممرّد .. قالت ... وأسلمت مع سليمان لله ربّ العلمين
ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقیس، بیانگر مطلب فوق است.

217- نقش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 13

13 - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

ص: 395

و أسلمت مع سليمان لله رب العلمين

تصريح بلقيس به «مع سليمان» از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

218- نقش قدرت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 17

17 - امکانات مادی و قدرت خارق العاده سلیمان (ع) در خدمت تبلیغ دین و هدایت مردم

قال إنه صرح ممرّد... قالت... و أسلمت مع سليمان لله رب العلمين

ماجرای اتفاق افتاده میان سلیمان(ع) و بلقيس، بیانگر مطلب فوق است.

219- نیاکان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 84 - 6,7

6 - داوود، سلیمان، ایوب، یوسف(ع)، موسی و هارون(ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سليمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم(ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در «ذریته» به «ابراهیم» برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

7 - داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح(ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا... و من ذریته داود و سليمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت «نوحا» مرجع ضمیر در «ذریته» است: «نوحا» نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم(ع) نیستند، مانند حضرت لوط(ع) و الیاس(ع)

220- وسعت حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - حکومت مقتدر و پهناور ، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملگاً لاینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باوراند که جمله «لاینبغی لأحد من بعدی» کنایه از وسعت و پهناوری حکومت عصر خود و بلامنازع بودن آن است. بر این اساس «من بعدی» به معنای «من غیری» خواهد بود؛ مثل «فمن یهدیه من بعد الله» که به معنای

ص: 396

«غیر اللّٰه» است.

221- وفور نعمتهای سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 39 - 4

4 - عطیه الهی به سلیمان (ع) بی شمار و بسیار بود .

هذا عطاؤنا . . . بغیر حساب

برداشت یاد شده براساس این نکته است که «بغیر حساب» قید برای «عطاؤنا» باشد.

222- ویژگیهای حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 7

7 - قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 22 - 6

6 - دستگاه حکومت سلیمان ، به دور از تملق و چاپلوسی

أحطت بما لم تحط به

گفتار صریح و بی تکلف هدهد، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 15

15 - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکاً لا ینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 36 - 4، 1

1 - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر، مورد استجاب خدا قرار گرفت.

و هب لی ملگًا... فسخرنا له الريح

از فای تفریح «فسخرنا...» استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملک او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

ص: 397

4- مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملگا . . فسخرنا له الريح تجرى بأمره رخاء حيث أصاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 37 - 4,6

4- تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملگا . . فسخرنا له ... الشیطان کلّ بناء و غواص

6- صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

والشیطان کلّ بناء و غواص

223- ویژگیهای سپاه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 17 - 4

4- حاکمیت نظم و انضباط کامل در سپاه سلیمان

فهم یوزعون

224- ویژگیهای فرماندهی سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 5,6

5- نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیروهای تحت فرمان خویش

و تقفد الطیر . . أم کان من الغائبین

6- احتیاط و خویشن داری سلیمان در برخورد با نیروهای تحت امر خویش

فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است

که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 21 - 5

5 - اهتمام شدید سلیمان (ع) به برقراری نظم و انضباط کامل در سپاه خویش

أَمْ كَانِ مِنَ الْغَائِبِينَ .. أَوْ لَأَذْبِحَنَّهُ

ص: 398

225- ویژگیهای قضاوت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 27 - 4

4- قضاوت و تصمیم گیری های سلیمان ، براساس تحقیق و اطلاعات متقن بود .

قال سننظر أصدقت أم كنت من الكذابين

با این که گزارش های صریح و استدلال های عمیق توحیدی هدهد، نشانگر صداقت و حقانیت او بود، اما سلیمان بدان ها بسنده نکرد و درصدد تحقیق جدی برآمد.

226- ویژگیهای کاخ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 3

3- قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنه صرح ممرّد من قوارير

«ممرّد» معادل صاف و «قاروره» (مفرد «قوارير») مرادف شیشه و آبگینه است؛ یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

227- ویژگیهای مدیریت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 20 - 5,6

5- نظارت دقیق سلیمان بر سپاه و نیرو های تحت فرمان خویش

و تقدّ الطير .. أم كان من الغائبين

6- احتیاط و خویشتن داری سلیمان در برخورد با نیرو های تحت امر خویش

فقال ما لي لأأري الهدهد أم كان من الغائبين

سلیمان، بی درنگ هدهد را متهم به تخلف نکرد؛ بلکه ابتدا ناپیدا بودن هدهد را مربوط به خطای دید خودش دانست. این در حالی است که قدرتمندان قبل از هر چیز خشم گرفته و نیروی تحت فرمان خود را متهم می کنند.

228- ویژگیهای مرگ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 12، 3، 1

1 - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتِهِ فَلَمَّا خَرَّ

ص: 399

«منسأه» به معنای عصا است (مفردات راغب) و «دآبه الأرض» از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. «أرض» نیز در این آیه - از باب «علم يعلم» - به معنای خوردن است و یا «ارضه» به معنای گرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

3 - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود.

فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته إلا دآبه الأرض . . لو كانوا يعلمون ا

12 - سلیمان (ع)، عصبایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت.

فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته إلا دآبه الأرض تأكل منسأته فلما خرّ

229- هدایت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 84 - 7، 6

6 - داوود، سلیمان، ایوب، یوسف (ع)، موسی و هارون (ع)، فرزندان از نسل ابراهیم و هدایت یافته از جانب خداوند هستند.

و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

سیاق آیات پیشین، که درباره حضرت ابراهیم (ع) بود، این احتمال را پدید می آورد که ضمیر در «ذریته» به «ابراهیم» برگردد. در این صورت برخی اسامی که در آیات بعد آمده است (همچون الیاس و لوط) از باب تغلیب در شمار ذریه آن حضرت ذکر شده اند.

7 - داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون، فرزندان از نسل نوح (ع) و هدایت یافته از جانب خداوند بودند.

نوحا . . و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون

با توجه به دو نکته می توان گفت «نوحا» مرجع ضمیر در «ذریته» است: «نوحا» نزدیکترین کلمه ای است که می تواند مرجع ضمیر باشد. در میان کسانی که به عنوان ذریه از آنان یاد شده، افرادی هستند که از ذریه ابراهیم (ع) نیستند، مانند حضرت لوط (ع) و الیاس (ع)

230- هدایتگری سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 13

13 - راه یافتن بلقیس به توحید و تسلیم در برابر خدای یگانه با راهنمایی و مدد سلیمان (ع)

وأسلمت مع سلیمان لله رب العلمین

تصریح بلقیس به «مع سلیمان» از یک سو به توحید خالص و بی شائبه همانند توحید سلیمان اشاره دارد و از سوی دیگر افاده می کند که سلیمان(ع) در راهیابی او به حق نقش داشته است.

231- هدهد و سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 400

1 - حاضر شدن هدهد در نزد سلیمان، پس از درنگی نه چندان طولانی

فمکت غیر بعید فقال

2 - مبادرت هدهد به طرح دلیل غیبت خود و ارائه اطلاعات جدید به سلیمان (ع)

فقال أحطت بما لم تحط به

3 - هدهد، مدعی دستیابی به موضوعی خارج از قلمرو اطلاعات سلیمان

أحطت بما لم تحط به

«احاطه» در این جا کنایه از علم آمده است؛ یعنی، «علمت بما لم تعلم به؛ به چیزی دست یافتم که تو به آن دست نیافته ای».

5 - هدهد، پیامدار خبری بزرگ و قطعی از سرزمین «سبا» برای سلیمان (ع)

و جئتک من سبا بنیا یقین

«نبا» به خبر مهم و شنیدنی گفته می شود؛ یعنی، «برای تو از سبا خبری قطعی آورده ام که بسیار مهم و شنیدنی است».

232- هدیه به سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تدبیر ملکه سبا در فرستادن هدیه ای بزرگ برای سلیمان (ع)

وإتی مرسله إلیهم بهدیة

بزرگی هدیه از نکره آمدن آن استفاده می شود.

2 - هدف بلقیس از ارسال هدیه برای سلیمان (ع)، آزمون وی و مشاهده بازتاب آن بود.

وإتی مرسله إلیهم بهدیة فناظره بم یرجع المرسلون

4 - همراهی هیأتی از فرستادگان بلقیس با هدیه او به سوی سلیمان (ع)

فناظره بم یرجع المرسلون

تعبیر «مرسلون» با صیغه جمع، نشان دهنده رفتن هیأتی از نمایندگان همراه هدیه او به سوی سلیمان(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 36 - 4، 1

1 - حضور سفیر ملکه سبا همراه با هدایا در نزد سلیمان (ع)

فلما جاء سلیمان

از تعبیر «جاء» به صورت مفرد، استفاده می شود که تنها یکی از نمایندگان بلقیس (با این که آنان متعدد بودند) برای تقدیم هدایا به دربار سلیمان(ع) دریافت. گفتمی است که جمله «ارجع إلیهم» - که خطاب به یک فرد است - مطلب فوق را تأیید می کند. بنابراین احتمال این که مراد از ضمیر «جاء» مال باشد - چنان که برخی از مفسران گفته اند - تضعیف می شود.

4 - بی اعتنایی سلیمان (ع) نسبت به هدایای ملکه سبا و اظهار بی نیازی از آن

قال أتمدونن بمال

ص: 401

233- هشدار ملکه مورچگان قصه سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 18 - 3

3 - اخطار مورچه ای به دیگر مورچگان نسبت به ورود سلیمان و لشگریانش به سرزمین آنها

قالت نمله یاأیها النمل ادخلوا مسکنکم لایحطمتکم سلیمان و جنوده

234- هنر در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 44 - 7

7 - وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجه . . . قال إنه صرح ممرّد من قواریر

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب پندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

235- یهود دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 12

12 - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل «اتبعوا» یهودیان عصر سلیمان باشند.

236- یهود و سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 12

12 - فعالیت یهودیان عصر سلیمان علیه حکومت وی ، با پیروی از افسون شیاطین *

واتبعوا ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

برداشت فوق بر این اساس است که فاعل «اتبعوا» یهودیان عصر سلیمان باشند.

ص: 97

26- سنت

1- آثار سنت گرای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 74 - 5

5- پایبندی مطلق و بی دلیل به سنت های ملی و قومی ، مایه تخدیر جامعه و سدّ راه خردورزی و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا ءاباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 137 - 7

7- سنت گرای از موانع پذیرش حق

سواء علينا أوعظت . . . إن هذا إلا خلق الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 21 - 12، 5

5- تعصّب خویشاوندی و سنتّ گرای ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

12 - تعصّب و وفاداری به آرای پیشینیان ، مانع بروز و رشد اندیشه های نو است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

2- آثار سنت گرای قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 137 - 6

6 - تکیه و پافشاری قوم عاد بر سنت های نیاکانشان ، عامل رویارویی آنان با هود (ع) ورد کردن نصایح وی

إن هذا إلا خلق الأولین

ص: 402

3- آثار سنت های باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 3

3 - عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أُوتينا العلم من قبلها. .. وصدّها ما كانت تعبد من دون الله

عبارت «کانت تعبد» ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است؛ یعنی، خو کردن بلقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت، به آن بازگردد.

4- ارزش سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 115 - 13

13 - حجیت سیره عملی مؤمنان ، در صورتی که مخالفت سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نباشد .

و من یشاقق الرسول . . . و یتبع غیر سبیل المؤمنین

جمله «یتبع غیر سبیل المؤمنین»، بیانگر حجیت سیره مؤمنان است و جمله «من یشاقق الرسول»، حجیت سیره را مقید می کند به اینکه با سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یا دلیل شرعی دیگر مخالفت نداشته باشد.

5- اطاعت از سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 104 - 14

14 - خیر ، پیروی نمودن از قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

و لتکن منکم امه یدعون الی الخیر

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: الخیر اتباع القرآن و سنتی .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 27

27 - اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر (تبعیت از قرآن و سنت) ، امری پسندیده و دارای بهترین فرجام

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر . . . ذلك خير و احسن تاويلا

بنابر اینکه «ذلك» اشاره به «اطيعوا الله . . .» نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 115 - 13

13 - حجیت سیره عملی مؤمنان ، در صورتی که مخالف سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نباشد .

ص: 403

و من يشاقق الرسول . . . و يتبع غير سبيل المؤمنين

جمله «يتبع غير سبيل المؤمنين»، بيانگر حجيت سيره مؤمنان است و جمله «من يشاقق الرسول»، حجيت سيره را مقيد مى كند به اينكه با سنت پيامبر (صلی الله عليه و آله) و يا دليل شرعى ديگر مخالفت نداشته باشد.

6- اعراض از سنت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 63 - 6

6- نيات پليد و پنهان منافقان ، در مراجعه به طاغوت و اعراض از پيامبر (سنت)

ان يتحاكموا الى الطاغوت . . . ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم

7- تبين سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 75 - 3

3- بيان سنت «استدراج» و «امهال» خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظيفه اى كه بر عهده پيامبر (صلی الله عليه و آله) است .

قل من كان فى الضلله

فعل «كان» - كه براى دلالت بر استمرار است - حكايه از عمق ضلالت و ديرينه بودن آن دارد.

8- تبين سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - مريم - 19 - 75 - 3

3- بيان سنت «استدراج» و «امهال» خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظيفه اى كه بر عهده پيامبر (صلی الله عليه و آله) است .

قل من كان فى الضلله

فعل «كان» - كه براى دلالت بر استمرار است - حكايه از عمق ضلالت و ديرينه بودن آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 105 - 13

13 - فراگیری قران و سنت ، شرط تصدی سمت قضاوت

ص: 404

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَىٰكَ اللَّهُ

ظاهراً مراد از «ما اریک»، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعبیر شده است.

10- حجیت سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 32 - 11

11 - حجیت گفتار و رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ان کنتم تحبّون الله فاتّبعونی . . . اطیعوا الله و الرسول

حجیت فعل از «اتبعونی»، استنباط می شود. بنابراینکه مراد از اتباع، اتباع عملی باشد؛ به قرینه «اطیعوا» که اتباع از گفتار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 21 - 3

3 - سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) حجت بوده و عمل به آن، امر شایسته ای است .

لقد کان لکم فی رسول الله اُسوه حسنه

از آن جایی که خطاب آیه، عام است و شامل دوران حیات و وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شود و نیز آنچه پس از ارتحال آن حضرت مانده، سنت او است، آیه شامل سنت هم می شود.

11- سنت آموزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 8

8 - سنت اصیل و ازلی خداوند، غفران و رحمتی گسترده و فراگیر

و کان الله غفوراً رحیمًا

12- سنت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- اتمام حجت با مردمان ، سنّت الهی در طول تاریخ بشر

و ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمّها رسولاً

ص: 405

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 182 - 2، 1

1 - خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته دوزخ شوند .

والذین کذبوا بآیتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون

«استدرجه إلی کذا» یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق «سنستدرجهم»، به دلیل آیه 179، جهنم است ؛ یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

2 - خداوند با عواملی خام کننده و خالی از هشدار (رفاه ها و آسایش ها . . .) تکذیب کنندگان آیات را به سیر در راه سقوط وامی دارد .

سنستدرجهم من حیث لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 4

4 - تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده ، مکر خدا با ایشان است .

سنستدرجهم . . . و أملی لهم إن کیدی متین

مراد از «کید» همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 10، 13، 4

4 - گشوده شدن درهای نعمت به روی کسانی که حتی در سختیها تضرع نمی کنند، جریان یافتن سنت استدراج الهی است.

فأخذنهم بالبأساء والضراء . . . فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا علیهم أبوب كل شیء

سنت استدراج اصطلاحی است برگرفته از آیه «سنستدرجهم من حیث لا یعلمون» (اعراف / 182). از مصادیق جریان استدراج همین آیه مورد بحث است که درهای نعمت الهی به سوی تکذیب کنندگان آیات گشوده می شود (فتحنا علیهم) تا آن زمان که عذاب الهی آنان را در بر گیرد.

10 - جریان یافتن سنت استدراج پس از اتمام حجت الهی

فلما نسوا ما ذكروا به .. أخذنهم بغتة

«ما ذكروا» شامل همه مواردی می شود که می بایست موجب تنبه و بیداری می شد و تعبیر دیگر آن «اتمام حجت» است.

13 - إن النبي (صلى الله عليه وآله) قال: إذا رأيت الله يعطى العباد ما يسألون على معاصيهم إياه فإنما ذلك استدراج منه لهم ثم تلا: «فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء».

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمود: هر گاه دیدی خداوند علی رغم معاصی بندگان، آنچه را از او بخواهند به آنان می دهد، این استدراج (نزدیک شدن تدریجی عذاب) خداست بر آنان، سپس آن حضرت آیه «فلما نسوا ..» را تلاوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 10، 9

9 - اعطای امکانات دنیوی فراوان به منافقان از جانب خداوند ، تنها به منظور عذاب و گرفتاری آنان در این دنیاست .

إنما يريد الله ليعذبهم بها في الحيوه الدنيا

ص: 406

10 - تحقق اراده الهی به عذاب دنیوی، از طریق اعطای نعمت های ظاهری و اسباب طبیعی

إنما يريد الله ليُعذبهم بها في الحياه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 14

14- ثروت، مکنث، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران، استدراج است.

هم أحسن أثثاً ورءياً.. فليمدد له الرحمن مداً حتى إذا رأوا ما يوعدون

«استدراج»؛ یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه «مداً» - که مفعول مطلق است - بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه «حتى إذا..»، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

14- سنت اضلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 14

14 - گمراه شدن بر اثر پافشاری بر ضدیت با دین و نپذیرفتن آن - با وجود مشاهده دلایل روشن - سنت الهی است.

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

برداشت یاد شده از تعبیر «كذلك» (این گونه) به دست می آید.

15- سنت امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 1

1 - آزمودن مؤمنان از سنت های حتمی خداوند است.

ولنبلونكم

«بلاء» به معنای آزمودن است. فعل «لنبلون» به همراه لام قسم و نون تأکید، گویای استمرار و حتمیت آزمون الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 16 - 2

2 - آزمون اهل ایمان از سنت های قطعی خداوند

أم حسبتم أن تتركوا و لما يعلم الله الذين جهدوا منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 126 - 2

2 - سنت الهی بر ابتلا و آزمایش منافقان ، یک یا دو مرتبه در هر سال

أولا يرون أنهم يفتنون في كل عام مره أو مرتين

ص: 407

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 30 - 6

6 - آزمایش آدمیان ، سنت الهی است .

وإن کنا لمبتلین

«إبتلاء» (مصدر «مبتلین») به معنای امتحان و آزمایش است. تکیه بر اسم فاعل - که بیانگر ثبوت صفت در موصوف - و ذکر آن بعد از «کنا» - که مفید استمرار است - بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 2 - 7

7 - آزمودن مؤمنان ، سنتی الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

از این که خداوند، با استفهام انکاری، پندار عدم آزمون مؤمنان را رد می کند، استفاده می شود که امتحان مؤمنان، امری قطعی است. از چنین تعبیری، به «سنت» یاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 3 - 3

3 - آزمودن مدعیان ایمان ، سنت دیرین الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون. ولقد فتنا الذین من قبلهم

رد پندار آزمون نشدن مؤمنان، در آیه پیش، و تأکید بر این نکته که پیشینیان نیز آزمون شدند، دلالت بر حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 17 - 1

1- آزمون الهی از انسان ها ، سنتی مستمر و دارای پیشینه دور در تاریخ امت ها

و لقد فتنا قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 31 - 3

3- آزمایش انسان ها در صحنه عمل ، از سنت های الهی است .

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

فعل مضارع، افاده استمرار می کند و تأکید آن سنتی تخلف ناپذیر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 5

5- آزمون انسان ها ، سنت اجتناب ناپذیر خداوند

إنا خلقنا الإنسان .. نبتلیه

ص: 408

جمله «نتلیه» حال برای فاعل «خلقنا» است؛ یعنی، ما انسان را آفریدیم، در حالی که اراده امتحان او را داشتیم. بنابراین امتحان انسان از آغاز خلقتش، مورد نظر خداوند حکیم بوده و برای همیشه خواهد بود.

16- سنت امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 67 - 2

2- ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

چنان که گفته شد «آیه» به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 121 - 2

2- ماجرای میان نوح (ع) و قومش، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 139 - 6

6- فرجام هلاکت بار عادیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت قوم عاد، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 158 - 4

4- نزول عذاب مرگبار بر ثمودیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت ثمودیان، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام دیگر، در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 174 - 2

2- هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش - به جز همسر وی - نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

ص: 409

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 171 - 1

1 - یاری شدن پیامبران ، سنت آغازین خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

«کلمه» به سخن و گفتار گفته می شود و مقصود از «کلمتنا» - به قرینه آیه بعد (إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ) - پیروزی پیامبران می باشد و مقصود از سبقت این کلمه (سبقت کلمتنا) آغازین بودن آن است؛ یعنی، خداوند یاری شدن انبیا را از پیش مقرر فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 172 - 1

1 - پیروزی پیامبران ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

آمدن موضوع نصرت انبیا با دو حرف تأکید «إِنَّ» و لام در «لَهُمْ»، می رساند که این نصرت، حتمی و به صورت یک سنت و قضای تغییر ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 173 - 1,2

1 - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . . . و إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

2 - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنة الله . . . و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

17- سنت امداد به مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 15

15- سنت الهی بر حمایت ، نصرت و طرفداری از مظلوم است .

ص: 410

و من قتل مظلومًا . .. إنه كان منصورًا

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «إنه» به مقتول مظلوم برگردد و اسمیه بودن جمله «إنه. . .» و نیز آمدن فعل «کان» در آن جمله - که برای استمرار و دیرینه بودن است - می تواند بیانگر این نکته باشد که حمایت از مقتول مظلوم، کار همیشگی و دیرینه خداوند است.

18- سنت امهال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 61 - 1

1- خداوند ، به انسان های ظالم مهلت می دهد و آنها را در قبال کار خلافشان بلافاصله به هلاکت نمی رساند .

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها من دابة و لكن يؤخّرهم إلى أجل مسمّى

مراد از «ظلم» با توجه به معنای آن - که قرار دادن اشیاء در غیر جایگاه مناسب خود است - هر عمل خطا و ناشایستی می باشد.

19- سنت انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 7

7 - انتقام از مشرکان و کافران ، سنت تخلف ناپذیر الهی است .

فإنّا منهم منتقمون

20- سنت انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 208 - 2

2 - سنت الهی ، بر انذار و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلكنا من قرية إلاّ لها منذرون

21- سنت بقای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الہی است .

و یمح اللہ البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

ص: 411

از فعل مضارع «یمح» و «یحق» - که دلالت بر استمرار دارد - سنت الهی استفاده می شود.

22- سنت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 6

6- ازدواج و همسررداری و برخوردار شدن از فرزند ، از سنت های الهی و نهفته در سرشت انسان

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا و جعل لكم من أزواجكم بنین و حفده

برداشت فوق با توجه به این نکته است که ماده «جعل» بیانگر سنت خداست و آنچه به عنوان سنت معرفی شود، روند طبیعی خواهد داشت.

23- سنت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 12

12- اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و كذلك نجزی المحسنین

فعل مضارع «نجزی» در عبارت «كذلك نجزی المحسنین» حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 80 - 1

1 - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنا كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 105 - 4

4 - تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 110 - 1

1 - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

كذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 121 - 1

ص: 412

1 - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 131 - 1

1 - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 4

4 - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

24- سنت پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 23 - 3، 1

1 - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

سنت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

3 - سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

25- سنت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 151 - 8

8 - حالات روحی و روانی آدمی ، قانونمند و برخاسته از حاکمیت اراده الهی است .

سنلقى فی قلوب الذین کفروا الرعب بما اشركوا

از آنجا که رعب معلول شرک شمرده شده (بما اشركوا)، معلوم می شود رعب که یک حالت روحی است، تابع قانون و علت خویش است و از سویی چون خداوند القای رعب را به خود نسبت داده (سنلقى)، معلوم می شود که این قانون و علت تحت اراده الهی عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 160 - 2

2 - خداوند اگر جمعیتی را به خواری و ذلت کشاند ، هیچ کس را توان نصرت و یاری ایشان نیست .

ص: 413

و ان یخذلکم فمن ذا الذی ینصرکم من بعده

«یخذلکم» از مصدر «خذلان»، به معنای یاری نکردن است که یاری نکردن خداوند، خواری و ذلت را به دنبال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 176 - 12، 15

12 - شناخت سنن الهی و توجه به تدبیر وی درباره مخالفان اسلام، موجب رفع اندوه از عملکرد آنان

و لا یحزنک .. یرید الله الا یجعل لهم حظا فی الآخرة

جمله «یرید الله ..»، دال بر سنت الهی در محروم کردن کافران از بهره های اخروی است و خداوند با شناساندن این سنت خویش، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را از غم و اندوه بازداشته است.

15 - مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنت استدراج).

یرید الله الا یجعل لهم حظا فی الآخرة و لهم عذاب عظیم

جمله «یرید الله ..»، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 179 - 11، 14، 2

2 - جداسازی صفوف ناپاکان از پاکان در جامعه ایمانی، سنت تغییرناپذیر الهی

ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب

11 - آگاه نکردن انسان ها بر اسرار نهانی (غیب)، سنت الهی است.

و ما کان الله لیطلعکم علی الغیب

برداشت فوق، بر این اساس است که الف و لام در «الغیب»، برای جنس باشد.

14 - سنت الهی، بر تفکیک صفوف پاکان از ناپاکان به وسیله آگاه ساختن مردم به غیب و اسرار دل ها، نیست.

ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب و ما کان

«و ما کان الله لیطلعکم ..»، در صدد بیان این است که گر چه خداوند، ناپاکان را از پاکان مشخص خواهد کرد، ولی این تفکیک از

طریق مشکلات و جنگها و مسائل دیگر از این قبیل است، نه از راه آشنا ساختن مردم به غیب و نهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 186 - 1

1 - آزمایش مستمر و مداوم مؤمنان ، از سنت های خداوند

لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

لام در «لتبلونّ»، برای تأکید و حاکی از قسم خداوند بر وقوع آزمایش است و نون تأکید نیز حتمیت آن را مورد تأکید قرار می دهد. همچنین فعل مضارع «لتبلونّ»، دلالت بر استمرار آزمایش دارد.

26- سنت شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 414

1 - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

سنت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

27- سنت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 59 - 4

4- نابود ساختن جوامع ، در نتیجه گناه و ستم شان ، سنت دیرینه الهی در کیفر ظالمان است .

و تلك القرى أهلكنهم لما ظلموا

28- سنت عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 47 - 7

7- عذاب استیصال برای مردمی که رسول الهی خود را نپذیرند و با او مخالفت کنند ، از سنت های الهی است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از «بینهم» اختلاف موجود بین جمعی از امت و پیامبر و به تقدیر «بینهم و بینه» باشد. در این صورت مراد از «قضی بینهم» می تواند سرکوبی مخالفان پیامبر و نابود کردن آنان به عذاب استیصال باشد، نه داوری میان آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 102 - 3

3- عذاب استیصال ، سنتی است الهی که انتظار وقوع آن در هر زمان و مکانی ، بر مردمی که زمینه ایمان را از دست داده اند ، می رود .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذین خلوا من

29- سنت فرزندخواندگی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 25

25 - سنت پسرخواندگی ، در صدر اسلام ، امری رایج بود .

زَوْجِنَكُهَا لَكِي لَا يَكُونُ عَلَي الْمُؤْمِنِينَ حَرْجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ

ص: 415

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 22 - 12

12- اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و كذلك نجزي المحسنين

فعل مضارع «نجزی» در عبارت «كذلك نجزي المحسنين» حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - ابراهيم - 14 - 45 - 17

17- کيفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . . . نجب دعوتك و تتبّع الرسل ... كيف فعلنا بهم و ضربنا لكم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - اسراء - 17 - 8 - 9

9- مجازات و کيفر فسادانگيزان ، از سنت های تخلف ناپذير الهی است .

وإن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكافرين حصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - كهف - 18 - 55 - 15

15- کيفر دادن حق ناپذيران ، سنت ديرپای الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا . . . إلا أن تأتيهم سنّة الأولين

اضافه «سنه» به «الأولين» اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 6 - 1

1 - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و كذلك حَقَّتْ کَلِمَتِ رَبِّکَ عَلَی الذِّینِ کَفَرُوا

«حق»؛ یعنی، «ثَبَّتَ» و «وَجَبَ» (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در «کلمه ربّک» وعده فرمان عذاب است.

31- سنت کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 59 - 4

4 - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فَإِنَّ لِلذِّینِ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ

ص: 416

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

32- سنت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 59 - 4

4- کیفر کافران و ستم پیشگان، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 51 - 5

5- مجازات کافران و مجرمان، سنت الهی در همیشه تاریخ

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدَّكِرٍ

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

33- سنت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 25 - 8

8- هلاکت قوم عاد، نمودی از سنت الهی در مجازات جوامع جرم پیشه

كذٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمَجْرِمِينَ

از تعبیر «كذٰلِكَ نَجْزِي» - با توجه به فعل مضارع که مفید استمرار است - سنت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 51 - 5

5- مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلكنا أشیاعکم فهل من مدکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

ص: 417

34- سنت کیفر مکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 7

7 - کیفر شدن مکاران تاریخ ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلاَّ سنَّت الأولین

35- سنت گرای قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 7

7 - تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان ، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا . . . و نذر ما کان یعبء اباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 137 - 4,5

4 - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و . . .) را ، سنتی برجای مانده از پیشینیان خود اعلام کردند .

إن هذا إلاَّ خلق الأولین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه «هذا» اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از «خلق الأولین»، شیوه نیاکان خود آنان است.

5 - تقدس و ارزش مندی سنت های کهن در نظر قوم عاد

سواء علینا أوعظت . . . إن هذا إلاَّ خلق الأولین

36- سنت گرای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 43 - 4,6

4- مشرکان ، به بهانه حفظ سنت های دینی به یادگار مانده از پدرانشان ، در مقابل آیات روشن الهی موضع گیری کردند .

إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قالوا ما هذا إلا رجل یرید أن یصدکم عما کان یعب

6- مشرکان ، سنت های دیرپای دینی باقی مانده از پدرانشان را ، بسی ارزشمند می دانستند .

رجل یرید أن یصدکم عما کان یعبد ءاباؤکم

37- سنت گرایی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 418

6- مشرکان در عصر بعثت، مردمی سنت گرا و کهنه پرست بودند.

ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث

مخالفت مشرکان با پیام های جدید الهی، نشانگر سنت پرستی و کهنه گرایی آنان است.

38- سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 1

1 - سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است.

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر املی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 7

7 - مهلت دادن به منافقان، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است.

و یمدّمهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مدّه فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 4، 1

1 - امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است.

و لو یعجل الله للناس الشر .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

4 - سنت خدا در رساندن خیر به مردم « تسریع » و در مجازات کردن آنان « امهال » است .

و لو يعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

برداشت فوق بر این اساس است که «هم» مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به «الله» و به تقدیر «مثل استعجاله لهم بالخير» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 6

6 - امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت ، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: «و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین ; شما - خطاب به عموم انسانها و از جمله آدم و حواست - تا مدتی معین در زمین خواهید ماند و از نعمتهای آن بهره خواهید گرفت» (بقره / 36) ; یعنی،

ص: 419

قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله «و لولا کلمه سبقت من ربک» اشاره به این قانون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 11

11- مهلت دادن به متخلفان از حق ، از سنت های خداوند است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 5

5- مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتی إذا استئیس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتهای و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده - زیرا «رسل» جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است - استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 32 - 6

6- تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسول من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن «سنت الهی بودن» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 42 - 5

5- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا يعمل الظلمون إنما يؤخّره لهم لیوم تشخص فیهِ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 2

2- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من كان في الضلله فليمدد له الرحمن مدًّا

به کارگیری فعل امر (فليمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 5

5 - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

ص: 420

نمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ

احتمال دارد «قلیلاً» صفت برای مفعول به «نمَتَّعَ» باشد که «زماناً» است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: «به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 3

3 - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت، از سنت های او است .

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخرهم إلى أّج

مقصود از «أجل مسمی»، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 8، 13

8 - سنت امهال، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

13 - سنت امهال الهی، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 14 - 13، 14، 11

11 - مهلت خداوند، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی، سنت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک . . . لقضی بینهم

13 - سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربّک إلى أجل مسمی لقضی بینهم

14 - سنت امهال به کافران، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا كلمة سبقت من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 7

7 - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا كلمة الفصل لقضى بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 45 - 4

4 - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتى يلقوا يومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 421

1 - مهلت دادن به کافران تکذیب‌گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم ... و اُملی لهم

39- سنت نابودی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 24 - 14، 10

10 - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع «یمح» و «یحقّ» - که دلالت بر استمرار دارد - سنت الهی استفاده می شود.

14 - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أم یقولون افتری علی الله ... و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

40- سنت نجات بخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 103 - 2

2 - نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 88 - 6، 8

6- نجات و رهایی بخشیدن مؤمنان از غم و اندوه ، سنت خداوند است .

فاستجبنا له و نجّیناه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین

جمله «کذلک ننجی المؤمنین» پس از ذکر نجات یونس (ع) - می تواند بیانگر یک قانون و سنت الهی باشد.

8- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

و نَجِّينَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

اسم اشاره «کذلک»، اشاره به نجات یونس (ع) از غم و اندوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 4

4 - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نَجْزِي مِنَ الشُّكْرِ

ص: 422

41- سنت های حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 7

7 - مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر مزار مؤمنان و دعا و استغفار برای آنان

و لاتصل . . . و لاتقم علی قبره

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است.

42- سنت های صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 5

5 - وجود سنت نماز و دعا برای میت مسلمان و رفتن بر سر قبر وی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و لاتصل . . . و لاتقم علی قبره

43- سنت هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 115 - 2

2 - سنت الهی ، بر استمرار هدایت و ادامه فیض و نعمت های خویش بر جوامع انسانی قرار گرفته است .

ما کان الله لیضل قوماً بعد اذ هدیهم

واژه «قوماً» ممکن است اشاره به این مطلب باشد که سنت یاد شده، مربوط به جامعه بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 7 - 9

9- بهره مند ساختن امت ها از هدایت گر از سنت های خداوند است .

و لکل قوم هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 66 - 5

5 - مشیت و سنت خداوند در هدایت انسان ها ، بر بهره جستن آنان از ابزار های متعارف شناخت (مانند بینایی و . . .) استوار است ؛ نه بر اعجاز و ارائه کار های خارج از توان بشر .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأئی یبصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اگر خداوند چشم و بینایی مردم کافر را از بین می برد، آنان به قدرت خدا پی

ص: 423

برده و به او ایمان می آورند؛ ولی خدا چنین نکرده بلکه خواسته است که آنان از راه دیدن حقایق الهی و شنیدن آنها (راه متعارف راهنمایی بشر) هدایت گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 6 - 3

3- هدایت بشر ، سنت همیشگی و تغییرناپذیر خداوند

أفضرب عنکم الذکر . . . وکم أرسلنا من نبیّ فی الأولین

44- سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 8 - 7

7- نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما یأتیهم من نبیّ . . . فأهلکنا أشدّ منهم بطشاً

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت بودن این جریان داشته باشد.

45- سهولت فهم سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 12

12 - کلام و سنت پیامبراسلام (صلی الله علیه و آله) رسا و قابل فهم برای همگان

و أطيعوا الرسول . . . و ما علی الرسول إلاّ البلیغ المبین

46- عمل به سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 21 - 3

3- سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) حجت بوده و عمل به آن ، امر شایسته ای است .

لقد كان لكم في رسول الله أسوه حسنه

از آن جایی که خطاب آیه، عام است و شامل دوران حیات و وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شود و نیز آنچه پس از ارتحال آن حضرت مانده، سنت او است، آیه شامل سنت هم می شود.

ص: 424

47- عوامل سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 5

5 - استدراج نتیجه فراموش کردن خداوند، پس از توجه به او در سختیها و شداید

أغیر الله تدعون .. فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبوب كل شيء

48- عوامل سنت گرایي مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 15

15 - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا .. و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که «لا يعلمون» مفعول به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

49- غفلت از سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 7

7 - خدافراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبوب كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا

50- مبارزه با سنت گرایي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 8

8 - مخالفت با سنن قومی ، در پندار قوم عاد ، سفاهت و نابخردی بود .

إننا لنرى في سفاهة .. و نذر ما كان يعبد آباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 76 - 1

1 - اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت سنت گرای و تقلید بی چون و چرا از نیاکان

أفرئیتم .. أنتم وءاباؤکم الأقدمون

ص: 425

51- محافظت از سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 34 - 2

2 - همسران پیامبر ، به توجه کامل و به یاد سپردن کلمات و گفتار های پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف بودند .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکّن من ءایت اللّٰه و الحکمہ

مراد از «آیات اللّٰه» به قرینه «یُتلی» آیات قرآن است و «الحکمہ» - چنان که مفسران نیز گفته اند - کلمات و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

52- ملاک سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 17 - 9

9 - ایمان ، دارای ارزش واقعی و شایان امتنان و نه صرف تسلیم در برابر قدرت دین *

یمنّون علیکم أن أسلموا . . . بل اللّٰه یمنّ علیکم أن هدیکم للإیمان

از این که خداوند در مورد هدایت به ایمان، امتنان فرموده است - و نه اسلام - می توان به مطلب بالا ره برد.

53- منشأ سنت گرای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 21 - 15

15 - سنّت گرای بی منطق و تقلید کور ، تلقینی شیطانی است .

أولو کان الشیطن یدعوهم إلی عذاب

همزه «أولو» استفهامی انکاری و تعجّبی است. آوردن چنین استفهامی، در پی کلام مجادله گران درباره خداوند (بل تتبع...) حکایت از آن دارد که چنین تبعیّتی، شیطانی و از القانات شیطان است.

54- نقش سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) (سنت) ، زمینه ای کامل برای پاسداری از ایمان و عقیده

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات الله و فیکم رسوله

3- قرآن و سنت ، وسیله هدایت انسانها

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات الله و فیکم رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 426

3 - تمسک به ریسمان الهی (کتاب و سنت) ، وسیله و عامل وحدت صفوف اهل ایمان

و من یعتصم باللّه .. و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا

«حبل اللّه» به قرینه آیه صد و یکم، کتاب و سنت است.

5 - وحدت بر مبنای دین الهی (کتاب و سنت) و اعتقاد به آن ، نجات دهنده انسان ها از آتش اختلاف

و اعتصموا بحبل اللّه جمیعاً و لا تفرّقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 59 - 33،19،18،17،16،12،10

10 - لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنت) ، برای حلّ اختلافات

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

12 - لزوم مراجعه به خدا و رسول (کتاب و سنت) ، در تعیین اولوالامر و اختلافات مربوط به آن *

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

با توجّه به اینکه «اولی الامر» در آیه، مرجع حل اختلافات قرار نگرفته است به نظر می رسد از مصادیق مهم و مورد نظر از «تنازع»، اختلافات مربوط به مسأله اولوالامر باشد.

16 - قرآن و سنت ، حاوی قانون برای حلّ و فصل کلیه اختلافات و کشمکشها

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول

لازمه مرجعیت قرآن و سنت در تمام امور مورد نزاع، که از کلمه «فی شیء» به دست می آید، این است که نسبت به همه چیز، راه حل و فصل و قانون مناسب داشته باشد.

17 - ارجاع اختلافات و کشمکش ها به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) (قرآن و سنت) ، از نشانه های ایمان به خدا و قیامت

فان تنازعتم .. ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخر

18 - ارجاع نمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ، حاکی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله و الرسول ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الاخ

19 - عدم صلاحيت دادگاههايي كه در آن بر اساس قانوني غير از قوانين اسلام (قرآن و سنت) حكم مي شود .

فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله و الرسول ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الاخ

33 - محكمات آيات قرآن و سنت رسول خدا (صلي الله عليه و آله) ، مرجع اصلي حل اختلافات

فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله و الرسول

علي (ع) در عهدنامه مالك اشتر، در توضيح آيه فوق فرمود: فالرد الى الله الاخذ بمحكم كتابه و الرد الى الرسول الاخذ بسنته الجامعه غير المفرقه.

نهج البلاغه، نامه 53 (عهدنامه مالك اشتر)؛ نورالثقلين، ج 1، ص 506، ح 355؛ بحارالانوار، ج 2، ص 244، ح 48؛ نهج البلاغه، خطبه 125.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 105 - 13، 19

13 - فراگيري قران و سنت ، شرط تصدى سمت قضاوت

إنا انزلنا إليك الكتب بالحق لتحكم بين الناس بما اريك الله

ص: 427

ظاهراً مراد از «ما اریک»، احکامی است که در قرآن به آنها تصریح نشده و خداوند آنها را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) آموخته است. در برداشت فوق از آنها به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعبیر شده است.

19 - قضاوت و داوری های به دور از معیار های تبیین شده در قرآن و سنت ، تحکیم بخش اغراض و منافع خیانتکاران

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ .. بَمَا أُرِيكَ اللَّهُ وَلَا تُكِنُّ لِلْخَائِنِينَ خَصِيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 101 - 10

10 - اهل ایمان نسبت به احکامی که پاسخ آنها در قرآن و سنت نیامده ، تکلیفی ندارند

لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ .. عَفَا اللَّهُ عَنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 104 - 3

3 - هدایت انسان ها ، در گرو حضور قرآن با سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در میان آنها

تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ

چنانچه مراد از «تعالوا .. الی الرسول» پذیرش معارفی باشد که به آن حضرت وحی می شد ضمیمه ساختن «الی الرسول» لزومی نداشت بنابراین آیه اشاره به این دارد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علاوه بر مسائل وحی شده به وی، دارای دستورات و معارفی است که از آنها به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 11

11 - سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، همگام و همتراز قرآن ، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

لِيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 54 - 12

12 - کلام و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) رسا و قابل فهم برای همگان

و أطيعوا الرسول . . . و ما على الرسول إلاّ البليغ المبين

56- هدايتگری سنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 428

13- سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همگام و همتراز قرآن در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور *

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

فرمان خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر خارج ساختن مردم از ظلمتها، امری دایمی است و از طرف دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچون سایر انسانها، محکوم به ارتحال است. بنابراین برای تحقق مأموریت واگذار شده، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که همواره چنین نقشی را عهده دار می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 11 - 11

11 - سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همگام و همتراز قرآن، در نجات مردم از ظلمت ها و هدایت آنان به سوی نور

ليخرج الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من الظلمت إلى النور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خارج ساختن مردم از ظلمت کفر و هدایت آنان به نور ایمان، هدفی دائمی است. از سوی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله) همچون سایر انسان ها، از دنیا خواهد رفت. بنابراین تنها سنت آن حضرت، می تواند همواره چنین نقشی را ایفا کند.

سنت گرایی

57- آثار سنت گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 74 - 5

5 - پایبندی مطلق و بی دلیل به سنت های ملی و قومی، مایه تخدیر جامعه و سدّ راه خردورزی و مانع شناخت

قالوا بل وجدنا ءاباءنا كذلك يفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 137 - 7

7 - سنت گرایی از موانع پذیرش حق

سواء علينا أوعظت .. إن هذا إلا خلق الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 21 - 12، 5

5- تعصّب خویشاوندی و سنت گرایى ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

12 - تعصّب و وفاداری به آرای پیشینیان ، مانع بروز و رشد اندیشه های نو است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

ص: 429

58- آثار سنت گرای قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 137 - 6

6 - تکیه و پافشاری قوم عاد بر سنت های نیاکانشان، عامل رویارویی آنان با هود (ع) ورد کردن نصایح وی

إن هذا إلا خلق الأولین

59- سنت گرای قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 7

7 - تقلید از نیاکان و حفظ سنت های پیشینیان، از انگیزه های قوم عاد برای پرستش معبودان دروغین و رویارویی با دعوت هود

قالوا... و نذر ما كان یعبداً اباًونا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 137 - 4,5

4 - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی، کاخ نشینی و...) را، سنتی برجای مانده از پیشینیان خود اعلام کردند.

إن هذا إلا خلق الأولین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه «هذا» اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از «خلق الأولین»، شیوه نیاکان خود آنان است.

5 - تقدس و ارزش مندی سنت های کهن در نظر قوم عاد

سواء علینا أوعظت... إن هذا إلا خلق الأولین

60- سنت گرای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 43 - 4,6

4- مشرکان ، به بهانه حفظ سنت های دینی به یادگار مانده از پدرانشان ، در مقابل آیات روشن الهی موضع گیری کردند .

إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قالوا ما هذا إلا رجل یرید أن یصدکم عما کان یعب

6- مشرکان ، سنت های دیرپای دینی باقی مانده از پدرانشان را ، بسی ارزشمند می دانستند .

رجل یرید أن یصدکم عما کان یعبد ءاباؤکم

61- سنت گرایی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 430

6- مشرکان در عصر بعثت ، مردمی سنت گرا و کهنه پرست بودند .

ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث

مخالفت مشرکان با پیام های جدید الهی، نشانگر سنت پرستی و کهنه گرایی آنان است.

62- عوامل سنت گرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 15

15 - جهل و بی خبری مشرکان ، باعث قبول نکردن دین الهی و روی آوردن آنان به آیین و سنت های بی پایه پدران خود است .

و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه ءاباءنا . . . و

برداشت بالا، براساس این احتمال است که «لایعلمون» مفعول به و متعلق نداشته باشد و درصدد نفی علم از مشرکان باشد.

63- مبارزه با سنت گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 70 - 8

8 - مخالفت با سنن قومی ، در پندار قوم عاد ، سفاهت و نابخردی بود .

إننا لنریک فی سفاهه . . . و نذر ما کان یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 76 - 1

1 - اقدام ابراهیم (ع) به شکستن بت سنت گرایی و تقلید بی چون و چرا از نیاکان

أفرءیتم . . . أنتم و ءاباؤکم الأقدمون

64- منشأ سنت گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سنت گرایِ بی منطق و تقلید کور، تلقینی شیطانی است .

أولوکان الشیطن یدعوهم إلی عذاب

همزه «أولو» استفهامی انکاری و تعجّبی است. آوردن چنین استفهامی، در پی کلام مجادله گران درباره خداوند (بل تتبع...) حکایت از آن دارد که چنین تبعیتی، شیطانی و از القائنات شیطان است.

ص: 431

65- {سنت مهلت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 129 - 9

9- سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص ، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربک لکان لزامًا و أجل مسمی

«أجل» به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و «أجل مسمی» عطف بر «کلمه» است؛ یعنی، لولا کلمه و أجل مسمی. ... در این که مراد از «کلمه» و «أجل» دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته هایی مطرح کرده اند: یکی از احتمالات این است که مراد از «کلمه»، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: «لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین» (بقره/36). مراد از «أجل» در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 8

8- مهلت دادن به کافران حق ستیز و سپس هلاک ساختن آنها ، سنت الهی در طول تاریخ

فقد کذبت قبلهم .. فأملیت للکفرین ثم أخذتهم

66- تبیین سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 3

3- بیان سنت «استدراج» و «امهال» خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

قل من کان فی الضلله

فعل «کان» - که برای دلالت بر استمرار است - حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

67- سنت مهلت

1 - سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و اُملی لهم ان کیدی متین

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

ص: 432

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 7

7 - مهلت دادن به منافقان، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مدّه فی غیه یعنی، امهله (او را مهلت داد).»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 4

1 - امهال کفر مداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل الله للناس الشر .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

4 - سنت خدا در رساندن خیر به مردم « تسریع » و در مجازات کردن آنان « امهال » است .

و لو یعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخیر

برداشت فوق بر این اساس است که «هم» مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به «الله» و به تقدیر «مثل استعجاله لهم بالخیر» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 6

6 - امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: «و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین ; شما - خطاب به عموم انسانها و از جمله آدم و حواست - تا مدتی معین در زمین خواهید ماند و از نعمتهای آن بهره خواهید گرفت» (بقره / 36) ; یعنی، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله «و لو لا کلمه سبقت من ربک» اشاره به این قانون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- مهلت دادن به متخلفان از حق ، از سنت های خداوند است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لقصی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 5

5- مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتی إذا استئیس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتهای و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده - زیرا «رسل» جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است - استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای

ص: 433

مستمر و از سنتهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 32 - 6

6- تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسلك من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن «سنت الهی بودن» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 42 - 5

5- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

و لا تحسبنّ الله غفلاً عمّا يعمل الظلمون إنما يؤخّره لهم لیوم تشخص فیہ الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 2

2- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من کان فی الضلله فلیمدد له الرحمن مدّاً

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 5

5 - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قليلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد «قلیلاً» صفت برای مفعول به «نمتّع» باشد که «زماناً» است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: «به آنان، مدت کوتاهی مهلت

می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 3

3 - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنت های او است .

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أّج

مقصود از «أجل مسّی»، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 8،13

8 - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

ص: 434

13 - سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 14 - 14، 13، 11

11 - مهلت خداوند ، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی ، سنت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربک .. . لقضی بینهم

13 - سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین ، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربک إلى أجل مسمى لقضی بینهم

14 - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 7

7 - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 45 - 4

4 - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 1

1 - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم . . . واملی لهم

سنت ها

68- سنت های حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 7

7- مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر مزار مؤمنان و دعا و استغفار برای آنان

و لاتصل . . . و لاتقم علی قبره

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است.

ص: 435

69- سنت های صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 5

5- وجود سنت نماز و دعا برای میت مسلمان و رفتن بر سر قبر وی در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

و لاتصل . . . و لاتقم علی قبره

سنت های باطل

70- آثار سنت های باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 43 - 3

3- عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أُوتینا العلم من قبلها. . . و صدّها ما کانت تعبد من دون الله

عبارت «کانت تعبد» ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است؛ یعنی، خو کردن بلقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت، به آن بازگردد.

سنت های خدا

71- {سنت های خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 44 - 8

72- تبیین سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 3

3- بیان سنت «استدراج» و «امهال» خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

فعل «كان» - که برای دلالت بر استمرار است - حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

73- تبیین سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 3

3- بیان سنت « استدراج » و « امهال » خداوند در باره فرورفتگان در ورطه گمراهی ، وظیفه ای که بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) است .

قل من كان فى الضلله

فعل «کان» - که برای دلالت بر استمرار است - حکایت از عمق ضلالت و دیرینه بودن آن دارد.

74- سنت آموزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 14 - 8

8 - سنت اصیل و ازلی خداوند ، غفران و رحمتی گسترده و فراگیر

و كان الله غفوراً رحيمًا

75- سنت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 59 - 2

2- اتمام حجت با مردمان ، سنت الهی در طول تاریخ بشر

و ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث فى أمها رسولاً

76- سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 13، 10، 4

4- گشوده شدن درهای نعمت به روی کسانی که حتی در سختیها تضرع نمی کنند، جریان یافتن سنت استدراج الهی است.

فأخذنهم بالبأساء و الضراء . . . فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء

سنت استدراج اصطلاحی است برگرفته از آیه «سنستدرجهم من حیث لا يعلمون» (اعراف / 182). از مصادیق جریان استدراج همین آیه مورد بحث است که درهای نعمت الهی به سوی تکذیب کنندگان آیات گشوده می شود (فتحنا علیهم) تا آن زمان که عذاب الهی آنان را در بر گیرد.

10 - جریان یافتن سنت استدراج پس از اتمام حجت الهی

فلما نسوا ما ذكروا به . . . أخذنهم بغتة

«ما ذكروا» شامل همه مواردی می شود که می بایست موجب تنبه و بیداری می شد و تعبیر دیگر آن «اتمام حجت» است.

13 - إن النبي (صلى الله عليه و آله) قال: إذا رأيت الله يعطى العباد ما يسألون على معاصيهم إياه فإنما ذلك استدراج منه لهم ثم تلا:
«فلما

ص: 437

نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل شيء».

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: هر گاه دیدی خداوند علی رغم معاصی بندگان، آنچه را از او بخواهند به آنان می دهد، این استدراج (نزدیک شدن تدریجی عذاب) خداست بر آنان، سپس آن حضرت آیه «فلما نسوا . . .» را تلاوت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 10، 9

9 - اعطای امکانات دنیوی فراوان به منافقان از جانب خداوند، تنها به منظور عذاب و گرفتاری آنان در این دنیاست .

إنما يريد الله ليعذبهم بها في الحيوه الدنيا

10 - تحقق اراده الهی به عذاب دنیوی، از طریق اعطای نعمت های ظاهری و اسباب طبیعی

إنما يريد الله ليعذبهم بها في الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 14

14- ثروت، مکنت، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران، استدراج است .

هم أحسن أثثاً ورءياً . . . فليمدد له الرحمن مداً حتّى إذا رآوا ما يوعدون

«استدراج»؛ یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه «مداً» - که مفعول مطلق است - بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به قرینه «حتّى إذا . . .»، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 182 - 1، 2

1 - خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته دوزخ شوند .

و الذين كذبوا بآيتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون

«استدرجه إلى كذا» یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق «سنستدرجهم»، به دلیل آیه 179، جهنم است؛ یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

2 - خداوند با عواملی خام کننده و خالی از هشدار (رفاه ها و آسایش ها . . .) تکذیب کنندگان آیات را به سیر در راه سقوط وامی دارد .

سنستدر جهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 4

4 - تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده ، مکر خدا با ایشان است .

سنستدر جهم ... و املی لهم إن کیدی متین

مراد از «کید» همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

ص: 438

77- سنت اضلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 34 - 14

14 - گمراه شدن بر اثر پافشاری بر ضدیت با دین و نپذیرفتن آن - با وجود مشاهده دلایل روشن - سنت الهی است .

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

برداشت یاد شده از تعبیر «كذلك» (این گونه) به دست می آید.

78- سنت امتحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 155 - 1

1 - آزمودن مؤمنان از سنت های حتمی خداوند است .

ولنبلونکم

«بلاء» به معنای آزمودن است. فعل «لنبلون» به همراه لام قسم و نون تأکید، گویای استمرار و حتمیت آزمون الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 16 - 2

2 - آزمون اهل ایمان از سنت های قطعی خداوند

أم حسبتم أن تتركوا و لما يعلم الله الذين جهدوا منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 126 - 2

2 - سنت الهی بر ابتلا و آزمایش منافقان ، یک یا دو مرتبه در هر سال

أولا يرون أنهم يفتنون في كل عام مره أو مرتين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - آزمایش آدمیان ، سنت الهی است .

وإن کتّا لمبتلین

«إبتلاء» (مصدر «مبتلین») به معنای امتحان و آزمایش است. تکیه بر اسم فاعل - که بیانگر ثبوت صفت در موصوف - و ذکر آن بعد از «کتّا» - که مفید استمرار است - بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 2 - 7

7 - آزمودن مؤمنان ، سنتی الهی است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

ص: 439

از این که خداوند، با استفهام انکاری، پندار عدم آزمون مؤمنان را رد می کند، استفاده می شود که امتحان مؤمنان، امری قطعی است. از چنین تعبیری، به «سنت» یاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 3 - 3

3 - آزمودن مدعیان ایمان ، سنت دیرین الهی است .

أحسب الناس أن يتركوا أن يقولوا آمنا وهم لا يفتنون. ولقد فتنا الذين من قبلهم

رد پندار آزمون نشدن مؤمنان، در آیه پیش، و تأکید بر این نکته که پیشینیان نیز آزمون شدند، دلالت بر حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 17 - 1

1- آزمون الهی از انسان ها ، سنتی مستمر و دارای پیشینه دور در تاریخ امت ها

و لقد فتنا قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 31 - 3

3- آزمایش انسان ها در صحنه عمل ، از سنت های الهی است .

ولنبلونكم حتى نعلم المجهدين منكم و الصبرين

فعل مضارع، افاده استمرار می کند و تأکید آن سنتی تخلف ناپذیر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 5

5 - آزمون انسان ها ، سنت اجتناب ناپذیر خداوند

إنا خلقنا الإنسان .. نبتليه

جمله «نبتليه» حال برای فاعل «خلقنا» است؛ یعنی، ما انسان را آفریدیم، در حالی که اراده امتحان او را داشتیم. بنابراین امتحان انسان از

آغاز خلقتش، مورد نظر خداوند حکیم بوده و برای همیشه خواهد بود.

79- سنت امداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 67 - 2

2- ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

چنان که گفته شد «آیه» به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

ص: 440

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 121 - 2

2- ماجرای میان نوح (ع) و قومش، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 139 - 6

6- فرجام هلاکت بار عادیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت قوم عاد، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 158 - 4

4- نزول عذاب مرگبار بر ثمودیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فَأَخَذْنَاهُمُ الْعَذَابَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت ثمودیان، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام دیگر، در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 174 - 2

2- هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش - به جز همسر وی - نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةٍ

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 171 - 1

1 - یاری شدن پیامبران ، سنت آغازین خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

«کلمه» به سخن و گفتار گفته می شود و مقصود از «کلمتنا» - به قرینه آیه بعد (إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ) - پیروزی پیامبران می باشد و مقصود از سبقت این کلمه (سبقت کلمتنا) آغازین بودن آن است؛ یعنی، خداوند یاری شدن انبیا را از پیش مقرر فرموده بود.

ص: 441

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 172 - 1

1 - پیروزی پیامبران ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

آمدن موضوع نصرت انبیا با دو حرف تأکید «إِنَّ» و لام در «لَهُمْ»، می رساند که این نصرت، حتمی و به صورت یک سنت و قضای تغییر ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 173 - 1,2

1 - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقتم كلمتنا لعبادنا المرسلين . . . و إن جندنا لهم الغلبون

2 - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إن جندنا لهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 24 - 3

3 - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنة الله . . . و هو الذي كفّ أيديهم عنكم و أيديكم عنهم ببطن مكة

80- سنت امداد به مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 33 - 15

15- سنت الهی بر حمایت ، نصرت و طرفداری از مظلوم است .

و من قتل مظلومًا . . . إنه كان منصورًا

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «إنه» به مقتول مظلوم برگردد و اسمیه بودن جمله «إنه..» و نیز آمدن فعل «کان» در آن جمله - که برای استمرار و دیرینه بودن است - می تواند بیانگر این نکته باشد که حمایت از مقتول مظلوم، کار همیشگی و دیرینه خداوند است.

81- سنت امهال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 61 - 1

1- خداوند، به انسان های ظالم مهلت می دهد و آنها را در قبال کار خلافشان بلافاصله به هلاکت نمی رساند.

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك عليها من دابة و لكن يؤخرهم إلى أجل مسمى

مراد از «ظلم» با توجه به معنای آن - که قرار دادن اشیاء در غیر جایگاه مناسب خود است - هر عمل خطا و ناشایستی می

ص: 442

باشد.

82- سنت انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 7

7 - انتقام از مشرکان و کافران ، سنت تخلف ناپذیر الهی است .

فإنّا منهم منتقمون

83- سنت انذار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 208 - 2

2 - سنت الهی ، بر انذار و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلكنا من قرية إلاّ لها منذرون

84- سنت بقای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 24 - 10

10 - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع «یمح» و «یحقّ» - که دلالت بر استمرار دارد - سنت الهی استفاده می شود.

85- سنت بقای نسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 6

6- ازدواج و همسر داری و برخوردار شدن از فرزند ، از سنت های الهی و نهفته در سرشت انسان

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجاً و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفده

برداشت فوق با توجه به این نکته است که ماده «جعل» بیانگر سنت خداست و آنچه به عنوان سنت معرفی شود، روند طبیعی خواهد داشت.

ص: 443

86- سنت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 12

12- اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع «نجزی» در عبارت «کذلک نجزی المحسنین» حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 80 - 1

1 - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 105 - 4

4 - تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 110 - 1

1 - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 121 - 1

1 - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 131 - 1

1 - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خدا است .

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 4

4 - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

ص: 444

87- سنت پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 23 - 1, 3

1 - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

سنت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

3 - سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

88- سنت شکست دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 23 - 1

1 - پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِ

سنت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

89- سنت عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 59 - 4

4- نابود ساختن جوامع ، در نتیجه گناه و ستم شان ، سنت دیرینه الهی در کیفر ظالمان است .

و تلك القرى أهلكنهم لما ظلموا

90- سنت عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - عذاب استیصال برای مردمی که رسول الهی خود را نپذیرند و با او مخالفت کنند، از سنت های الهی است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از «بینهم» اختلاف موجود بین جمعی از امت و پیامبر و به تقدیر «بینهم و بینه» باشد. در این صورت مراد از «قضی بینهم» می تواند سرکوبی مخالفان پیامبر و نابود کردن آنان به عذاب استیصال باشد، نه داوری میان آنان.

ص: 445

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 102 - 3

3 - عذاب استیصال ، سنتی است الهی که انتظار وقوع آن در هر زمان و مکانی ، بر مردمی که زمینه ایمان را از دست داده اند ، می رود .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذین خلوا من

91- سنت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 22 - 12

12- اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع «نجزی» در عبارت «کذلک نجزی المحسنین» حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 45 - 17

17- کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . . . نجب دعوتک و تتبع الرسل ... کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 8 - 9

9- مجازات و کیفر فسادانگیزان ، از سنت های تخلف ناپذیر الهی است .

وإن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للكفرین حصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 55 - 15

15- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. إلا أن تأتيهم سنّة الأولين

اضافه «سنه» به «الأولين» اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 6 - 1

1 - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و كذلك حَقَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ عَلَی الذِّینِ کَفَرُوا

«حق»؛ یعنی، «ثَبَّتَ» و «وَجَبَ» (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در «کلمه ربّک» وعده فرمان عذاب است.

ص: 446

92- سنت کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 59 - 4

4 - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

93- سنت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 59 - 4

4 - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است؛ بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 51 - 5

5 - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلكنا أشياعكم فهل من مّذكر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

94- سنت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 25 - 8

8- هلاکت قوم عاد ، نمودی از سنت الهی در مجازات جوامع جرم پیشه

كذلك نجزي القوم المجرمين

از تعبیر «كذلك نجزي» - با توجه به فعل مضارع که مفید استمرار است - سنت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 447

5- مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد اهلکنا اشیاعکم فهل من مدکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد؛ بلکه سنتی فراگیر است.

95- سنت کیفر مکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 43 - 7

7 - کیفر شدن مکاران تاریخ ، سنت الهی است .

فهل ينظرون إلاّ سنّت الاّوّلین

96- سنت مهلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 15 - 7

7- مهلت دادن به منافقان ، گمراهان و طغیانگران از سنت های الهی است .

و یمدّهم فی طغینهم یعمهون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: «مدّ» (مصدر یمدّ) به معنای مهلت دادن باشد. در لسان العرب آمده است: «مدّه فی غیبه یعنی، امهله (او را مهلت داد).»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 4، 1

1 - امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل الله للناس الشر .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

4 - سنت خدا در رساندن خیر به مردم « تسریع » و در مجازات کردن آنان « امهال » است .

و لو يعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

برداشت فوق بر این اساس است که «هم» مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به «الله» و به تقدیر «مثل استعجاله لهم بالخير» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 19 - 6

6 - امهال جوامع شرک پیشه و تأخیر افتادن کیفر آنان به جهان آخرت ، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا

و لو لا کلمه سبقت من ربک لقضى بينهم

خداوند هنگام هبوط آدم و حوا به زمین، فرمود: «و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین ; شما - خطاب به عموم انسانها و

ص: 448

از جمله آدم و حواست - تا مدتی معین در زمین خواهید ماند و از نعمتهای آن بهره خواهید گرفت» (بقره / 36) ; یعنی، قانون الهی حاکم بر نشئه دنیا این است که هر جامعه ای دارای مدت و زمانی معین است و پیش از فرارسیدن اجل، از میان نمی رود. جمله «و لولا کلمه سبقت من ربک» اشاره به این قانون دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 110 - 11

11- مهلت دادن به متخلفان از حق ، از سنت های خداوند است .

و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 110 - 5

5- مهلت دادن به امت های کفرپیشه و تکذیب گر و تأخیر در نزول عذاب بر ایشان ، از سنت های خداوند است .

حتی إذا استیئس الرسل و ظنوا أنهم قد کذبوا

از آن جا که تأخیر عذاب برای همه امتهای و تکذیب کنندگان تمامی پیامبران بوده - زیرا «رسل» جمع و دارای الف و لام می باشد و شامل همه رسولان است - استفاده می شود که: مهلت دادن به تکذیب گران و تعجیل نکردن در عذاب آنان، شیوه ای مستمر و از سنتهای خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 32 - 6

6- تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسول من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن «سنت الهی بودن» استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 42 - 5

5- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

ولا تحسبن الله غفلاً عما يعمل الظالمون إنما يؤخّره لهم ليوم تشخص فيه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 2

2- مهلت به گمراهان و کافران، سنت خداوند است.

من كان في الضللة فليمدد له الرحمن مديداً

به کارگیری فعل امر (فليمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند؛ چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 24 - 5

ص: 449

5 - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ

احتمال دارد «قلیلاً» صفت برای مفعول به «نمَّتَّعَ» باشد که «زماناً» است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: «به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 3

3 - مهلت خداوند به بندگان گنه کار و تأخیر مجازات آنان تا قیامت ، از سنت های او است .

و لو یؤاخذ الله الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أّج

مقصود از «أجل مسّی»، زمان مرگ انسان ها و آغاز عالم پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 45 - 8،13

8 - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

13 - سنت امهال الهی ، موجب دچار نشدن قوم موسی به عذاب دنیوی

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 14 - 11،13،14

11 - مهلت خداوند ، به عوامل اختلاف و دسته بندی های دینی ، سنت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک .. لقضی بینهم

13 - سنت مهلت دادن خداوند به تفرقه افکنان در دین ، فلسفه تأخیر عذاب آنان

و لولا کلمه سبقت من ربّک إلی أجل مسّی لقضی بینهم

14 - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 21 - 7

7 - داوری درباره مشرکان و عذاب آنان ، براساس سنت امهال تا قیامت به تأخیر افتاده است .

و لولا کلمه الفصل لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 45 - 4

4 - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

ص: 450

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 45 - 1

1 - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدر جهم . . . و اُملی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 183 - 1

1 - سنت خداوند بر امهال کفرپیشگان تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و اُملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

97- سنت نابودی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 24 - 14، 10

10 - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع «یمح» و «یحقّ» - که دلالت بر استمرار دارد - سنت الهی استفاده می شود.

14 - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أم یقولون افتری علی الله . . . و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

98- سنت نجات بخشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 103 - 2

2- نجات مؤمنان و آسیب ندیدن از عذاب استیصال ، سنتی است الهی و تخلف ناپذیر .

ثم ننجی رسلنا و الذین ءامنوا کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 88 - 6,8

6- نجات و رهایی بخشیدن مؤمنان از غم و اندوه ، سنت خداوند است .

فاستجینا له و نجینه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین

جمله «کذلک ننجی المؤمنین» پس از ذکر نجات یونس(ع) - می تواند بیانگر یک قانون و سنت الهی باشد.

8- رهایی یونس (ع) از غم و اندوه ، جلوه ای از سنت الهی در نجات مؤمنان

ص: 451

و نَجِّينَهُ مِنَ الْغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

اسم اشاره «کذک»، اشاره به نجات یونس (ع) از غم و اندوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 35 - 4

4 - سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذک نجزی من شکر

99- سنت هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 115 - 2

2 - سنت الهی ، بر استمرار هدایت و ادامه فیض و نعمت های خویش بر جوامع انسانی قرار گرفته است .

ما کان الله لیضل قوماً بعد إذ هدینهم

واژه «قوماً» ممکن است اشاره به این مطلب باشد که سنت یاد شده، مربوط به جامعه بشری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 7 - 9

9- بهره مند ساختن امت ها از هدایت گر از سنت های خداوند است .

و لکل قوم هاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 66 - 5

5 - مشیت و سنت خداوند در هدایت انسان ها ، بر بهره جستن آنان از ابزار های متعارف شناخت (مانند بینایی و . . .) استوار است ؛ نه بر اعجاز و ارائه کار های خارج از توان بشر .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصراط فأتی یبصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که اگر خداوند چشم و بینایی مردم کافر را از بین می برد، آنان به قدرت خدا پی برده و به او ایمان می آورند؛ ولی خدا چنین نکرده بلکه خواسته است که آنان از راه دیدن حقایق الهی و شنیدن آنها (راه متعارف راهنمایی بشر) هدایت گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 6 - 3

3 - هدایت بشر ، سنت همیشگی و تغییرناپذیر خداوند

أَفَنضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ . . . وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ

ص: 452

100- سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 8 - 7

7 - نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما یأتیهم من نبیّ . . . فأهلکنا أشدّ منهم بطشاً

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت بودن این جریان داشته باشد.

101- عوامل سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 5

5 - استدراج نتیجه فراموش کردن خداوند، پس از توجه به او در سختیها و شداید

أغیر الله تدعون . . . فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء

102- غفلت از سنت استدراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 44 - 7

7 - خدا فراموشان، شادمان از فراوانی نعمت و رفاه و آسایش خویش و غافل از سنت استدراج

فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم أبوب کل شیء حتی إذا فرحوا بما أوتوا

ص: 453

1- اهمیت سند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 7

7 - کسانی که توان نویسندگی دارند ، هرگز نباید از نوشتن اسناد دین امتناع کنند .

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب

جمله «فلیکتب» تأکید امری است که از «و لا یأب . . .» استفاده می شود. بنابراین لزوم نوشتن بر توانای به نویسندگی، امری مؤکد است.

2- تنظیم سند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 -

2,4,5,6,7,8,11,12,13,16,21,33,34,36,43

2 - وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایّها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمّی فاکتبه

جمله «تداینتم بدین» شامل هر نوع طلبی می شود؛ چه در فروش کالایی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد (سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

4 - وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه «بالعدل» متعلق به جمله «ولیکتب» باشد.

5 - عدالت در نویسندگی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه «بالعدل» قیدی برای نویسنده سند باشد.

6- تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید در حضور طرفین قرارداد باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

کلمه «بینکم» بیانگر مطلب فوق است. چون مراد از مخاطب، خریدار و فروشنده و وام دهنده و گیرنده آن است.

7- کسانی که توان نویسندگی دارند ، هرگز نباید از نوشتن اسناد دین امتناع کنند .

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه الله فلیکتب

ص: 454

جمله «فلیکتب» تأکید امری است که از «و لا یأب . . .» استفاده می شود. بنابراین لزوم نوشتن بر توانای به نویسندگی، امری مؤکد است.

8 - تنظیم و ثبت اسناد دیون، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است. (طبق موازین شرع)

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علمه الله

بنابراینکه «کما علمه الله» متعلق به «آن یکتب» باشد.

11 - تنظیم و ثبت اسناد دین، باید به املائی مدیون باشد.

و لیممل الذی علیه الحق

12 - وجوب رعایت تقوای الهی از سوی مدیون و کم و کاست نکردن چیزی در تنظیم اسناد مبادلاتی

و لیممل الذی . . . و لیتق الله ربّه و لا ینخس منه شیئاً

13 - وجوب رعایت تقوای الهی و کم و زیاد نکردن چیزی در تنظیم اسناد

و لیتق الله ربّه و لا ینخس منه شیئاً

16 - وجوب املائی اسناد دین و مبادلات نسبیّه ای با رعایت عدالت، از سوی ولی مدیون سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املائی اسناد

فان کان الذی علیه الحق سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیممل ولیّه ب

21 - وجوب شاهد گرفتن دو مرد مسلمان و در صورت نبودن آنان، یک مرد و دوزن مسلمان در ثبت و تنظیم اسناد دیون و مبادلات

و استشهدوا شهیدین من رجالکم فان لم یكونا رجلین فرجل و امراتان

33 - کمی و زیادی بده بستان های طرفین، نباید موجب ملول شدن از وظیفه نوشتن و ثبت دیون و حقوق و مدت آن گردد.

و لا تسموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً الی اجله

34 - اهمیّت خاصّ ثبت و تنظیم اسناد مبادلاتی

و لا تسموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً الی اجله

نهی از ملالت در نوشتن دیون - هر چند معامله ای کوچک باشد - حاکی از اهمیّت ثبت دیون و اسناد معاملاتی است.

36 - رعایت و اجرای احکام الهی در ثبت اسناد، موجب تأمین عادلانه حقوق افراد

ذلکم اقسط عند الله

43 - حسن تنظیم سند و ثبت مبادلاتی که میان طرفین دست به دست گردد . *

فلیس علیکم جناح الّا تکتبوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 283 - 1

1 - در صورت نیافتن کاتب ، رهن (وثیقه) ، جایگزین تنظیم سند برای مطالبات و دیون

و ان کنتم علی سفر و لم تجدوا کاتباً فرهان مقبوضه

ظاهراً جمله «و لم تجدوا کاتباً» بیان «علی سفر» است. یعنی مسافر بودن، خصوصیت و شرطیت ندارد؛ چون سفر بیان مورد غالب برای یافتن کاتب است. بنابراین آنچه موضوعیت دارد، همان نیافتن کاتب است، چه در سفر و چه در حضر.

ص: 455

3- سند در بدهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 -

2,4,5,6,7,8,16,33,52

2 - وجوب تنظیم سند برای دین مدت دار بر طرفین

یا ایها الذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبه

جمله «تداینتم بدین» شامل هر نوع طلبی می شود؛ چه در فروش کالایی به نسیه و یا خرید کالایی تحویل نشده به نقد (سلف) و یا قرض دادن به شخصی.

4 - وجوب مراعات عدالت در تنظیم اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه «بالعدل» متعلق به جمله «ولیکتب» باشد.

5 - عدالت در نویسندگی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه «بالعدل» قیدی برای نویسنده سند باشد.

6 - تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید در حضور طرفین قرارداد باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

کلمه «بینکم» بیانگر مطلب فوق است. چون مراد از مخاطب، خریدار و فروشنده و وام دهنده و گیرنده آن است.

7 - کسانی که توان نویسندگی دارند ، هرگز نباید از نوشتن اسناد دین امتناع کنند .

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب

جمله «فلیکتب» تأکید امری است که از «و لا یأب . . .» استفاده می شود. بنابراین لزوم نوشتن بر توانای به نویسندگی، امری مؤکد است.

8 - تنظیم و ثبت اسناد دیون ، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است . (طبق موازین شرع)

و لا یأب کاتب ان ینکتب کما علّمه اللّٰه

بنابراینکه «کما علّمه اللّٰه» متعلّق به «ان ینکتب» باشد.

16 - وجوب املاى اسناد دین و مبادلات نسبه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املاى اسناد

فان کان الذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

33 - کمی و زیادی بده بستان های طرفین ، نباید موجب ملول شدن از وظیفه نوشتن و ثبت دیون و حقوق و مدّت آن گردد .

و لا تسموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً الی اجله

52 - نویسنده قرارداد دین ، باید شخص ثالثی غیر از متعاملین باشد . *

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل . . . و لا یأب کاتب . . . و لا یضارّ کاتب

4- سند معترض به عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 4 - 9

ص: 456

9 - رفتار مسلمانی که از حضور ابن ام مکتوم در مجلس پیامبر (صلی الله علیه و آله) ناخشنود بود - به دلیل ناآگاهی او از روحيات نیک و بد وی - رفتاری ناروا و توجیه ناپذیر بود .

عبس . . . و ما یدریک لعلّه یزگی . . . أو یدگر

5- سند وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 111 - 21

21 - تورات ، انجیل و قرآن ، سند وعده های خدا به مجاهدان و شهیدان و مایه اطمینان آنان

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرآن

6- شرایط سند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 282 - 11، 8

8 - تنظیم و ثبت اسناد دیون ، باید به گونه ای باشد که خداوند تعلیم داده است . (طبق موازین شرع)

و لا یأب کاتب ان یکتب کما علّمه الله

بنابراینکه «کما علّمه الله» متعلّق به «آن یکتب» باشد.

11 - تنظیم و ثبت اسناد دین ، باید به املائی مدیون باشد .

و لیملل الذی علیه الحقّ

ص: 457

1- تاریخ سنگسار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 8

8- مجازات روی گردانی از بت پرستی در عصر آزر سنگسار کردن بود .

لئن لم تنته لأرجمَنَّک

آزر به دو صورت ابراهیم(ع) را تحت فشار قرار داد 1- تهدید به سنگسار کردن 2- راندن و طرد او از خانمان؛ از این دو، آنچه که جنبه اجتماعی دارد همان سنگسار کردن است، زیرا چنین کاری با تصمیم فردی و بدون پایگاه و پشتوانه قانونی، قاعدتاً قابل اجرا نیست، برخلاف طرد از خانواده که امری فردی و داخلی است. بنابراین می توان گفت که مجازات رجم برای کسانی که علیه بت ها اقدامی انجام دهند در آن زمان وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 116 - 3

3 - سنگسار کردن مخالفان ، شیوه ای رایج در جامعه عصر نوح

لتکوننَّ من المرجمین

تعبیر «من المرجمین» به جای «لنرجنَّک» می رساند که قبل از نوح(ع) اشخاص دیگری نیز سنگسار شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 18 - 7

7- وجود مجازات سنگسار و شکنجه ، در عصر مردم انطاکیه

لنرجمنَّکم و لیمسنَّکم منّا عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 20 - 7

7- شیوه فرعونیان ، سنگسار کردن مخالفان عقیدتی و سیاسی خود بوده است . *

از جمله معانی «رجم»، سنگسار کردن است. این که موسی (ع) مسأله «رجم» را به میان کشیده، یا از آن جهت است که زمزمه آن میان فرعونیان آغاز شده بود و یا این که در قوانین عمومی آنان، چنین رایج بوده است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

2- تهدید به سنگسار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 18 - 6

6- مردم انطاکیه ، پیامبران شان را در صورت دنبال کردن رسالت خود ، به سنگسار شدن و شکنجه دردناک تهدید کردند .

لئن لم تنتهوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَ لِمَسَّتْكُمْ مَتًّا عَذَابٍ أَلِيمٍ

3- زمینه سنگسار موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 20 - 6

6- فرعونیان ، در صدد سنگسار کردن موسی (ع) پس از شنیدن پیام های او

و اِنِّي عَذْتُ .. اَنْ تَرْجُمُونِ

برداشت بالا بنابراین نکته است که مراد از «ترجمون» سنگسار کردن باشد؛ نه تهمت زدن.

4- سنگسار ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 3,4

3- آزر ، ابراهیم (ع) را - در صورت دست نکشیدن از بت ستیزی - به سنگسار کردن تهدید کرد .

لئن لم تنته لأَرْجِمَنَّكَ

«رجم» که در اصل به معنای کشتن به وسیله سنگسار بوده است، به هریک از انواع کشتن نیز اطلاق می گردد. این لغت، به معنای ناسزا گفتن نیز آمده است (لسان العرب). در آیه، همه این معانی محتمل است و برداشت یادشده براساس اصل معنای آن است.

4- آزر ، با سوگند بر سنگسار کردن ابراهیم (ع) ، در صورت ادامه مبارزه با بت پرستی ، او را برای مدتی طولانی از خانه اش بیرون کرد .

واهجرنی ملیاً

«ملیاً» به معنای مدت طولانی است (لسان العرب).

5- سنگسار در اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 18 - 7

ص: 459

7- وجود مجازات سنگسار و شکنجه ، در عصر مردم انطاکیه

لترجمتکم و لیمستکم متاعذاب الیم

6- سنگسار در دوران ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 46 - 8

8- مجازات روی گردانی از بت پرستی در عصر آزر سنگسار کردن بود .

لئن لم تنته لأرجمتک

آزر به دو صورت ابراهیم(ع) را تحت فشار قرار داد 1- تهدید به سنگسار کردن 2- راندن و طرد او از خانمان؛ از این دو، آنچه که جنبه اجتماعی دارد همان سنگسار کردن است، زیرا چنین کاری با تصمیم فردی و بدون پایگاه و پشتوانه قانونی، قاعدتاً قابل اجرا نیست، برخلاف طرد از خانواده که امری فردی و داخلی است. بنابراین می توان گفت که مجازات رجم برای کسانی که علیه بت ها اقدامی انجام دهند در آن زمان وجود داشته است.

7- سنگسار در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 20 - 2

2- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إنهم إن یظہروا علیکم یرجموکم

از جمله معانی ذکر شده برای «رجم» سنگ سار کردن است.

8- سنگسار در دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 20 - 7

7- شیوه فرعونیان ، سنگسار کردن مخالفان عقیدتی و سیاسی خود بوده است . *

وإنی عدت برئی و ربکم أن ترجمون

از جمله معانی «رجم»، سنگسار کردن است. این که موسی (ع) مسأله «رجم» را به میان کشیده، یا از آن جهت است که زمزمه آن میان فرعونیان آغاز شده بود و یا این که در قوانین عمومی آنان، چنین رایج بوده است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

ص: 460

9- سنگسار در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 116 - 3

3 - سنگسار کردن مخالفان ، شیوه ای رایج در جامعه عصر نوح

لتكوننّ من المرجومين

تعبیر «من المرجومين» به جای «لنرجنک» می رساند که قبل از نوح(ع) اشخاص دیگری نیز سنگسار شده اند.

10- سنگسار زناکار محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 43 - 12

12 - سنگسار کردن ، مجازات زناى محصنه در تورات

وعندهم التوریه فیها حکم اللّٰه

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زناى محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و از «ابن صوریاء»، که داناترین مردم به تورات بود، بر وجود این حکم در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

11- سنگسار مخالفان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 20 - 7

7 - شیوه فرعونیان ، سنگسار کردن مخالفان عقیدتی و سیاسی خود بوده است . *

وإني عدت برّی و ربکم أن ترجمون

از جمله معانی «رجم»، سنگسار کردن است. این که موسی(ع) مسأله «رجم» را به میان کشیده، یا از آن جهت است که زمزمه آن میان فرعونیان آغاز شده بود و یا این که در قوانین عمومی آنان، چنین رایج بوده است. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

12- سنگسار نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - تهدید جدی نوح (ع) از سوی اشراف و رفاه طلبان قومش ، مبنی بر سنگسار شدن در صورت دست برداشتن از تبلیغ

قالوا لئن لم تنته ینوح لتکونن من المرجومین

ص: 461

13- شعيب (ع) و سنگسار شدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 91 - 6

6- شعيب (ع)، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود.

و لولا رهطک لرجمنک

14- موانع سنگسار شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 91 - 10

10- عزت و احترام قبیله شعيب در نزد مردم مدین، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطک لرجمنک

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعيب (ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از «لولا رهطک» این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند؛ بلکه - به قرینه «ما أنت علینا بعزیز» و «أرهطی أعز. ..» در آیه بعد - مراد از «لولا رهطک»، «لولا عزه قومک و کرامتهم عندنا ...» است.

ص: 462

1- استسقای موسی (ع) از سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 160 - 9، 10، 11، 12

9 - موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

وَأوحینا إلی موسی . . . أن اضرب بعصاک الحجر

«ال» در «الحجر» هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از «الحجر»، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند «ال» برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از «الحجر» سنگی مخصوص بوده است.

10 - موسی (ع) در پی فرمان الهی بدون هیچ تأخیر عصای خویش را برای به دست آوردن آب بر سنگ زد .

أن اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا

حرف «فاء» در «فانجست» فاء فصیحه است؛ یعنی بیانگر معطوف علیه مقدر می باشد. آن معطوف علیه مقدر به قرینه فراز قبل، «فضرب بعصاه الحجر» است. گویا حذف این جمله برای رساندن این معناست که فرمان الهی (اضرب) همان و زدن همان.

11 - فرمان خدا به موسی (زدن عصا بر سنگ برای تهیه آب) فرمانی اعلام شده به او از طریق وحی

وَأوحینا إلی موسی . . . أن اضرب بعصاک الحجر

12 - جوشش دوازده چشمه آب از سنگ در پی فرود آمدن عصای موسی بر آن

أن اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا

«انجاست» مصدر «انجست» به معنای جوشیدن و فوران زدن است.

2- بارش باران سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 84 - 1

1 - خداوند با فرو ریختن بارانی بی نظیر (بارشی از سنگ) بر سر قوم لوط، آنان را به هلاکت رساند .

وَأمطرنا علیهم مطراً

«مَطَر» مفعول به برای «أَمْطَرْنَا» است و نکره آمدنش حکایت از آن دارد که بارشی عجیب و بی نظیر بوده است و با توجه به آیه 82 از سوره هود (وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً...) معلوم می شود که عذاب قوم لوط سنگباران بوده است.

ص: 463

3- بارش سنگ بر سرزمین قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 40 - 3

3 - شهر قوم لوط ، به وسیله بارانی از سنگ گل ، به ویرانه ای تبدیل شد .

و لقد أتوا على القرية التي أمطرت مطر السوء

آنچه به صورت باران بر قوم لوط بارید - به قرینه آیات دیگر از جمله آیه 82 سوره «هود» (و أمطرنا عليها حجارة من سجيل منضود) - سنگ گل و کلوخ بود.

4- بارش سنگ بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 83 - 7

7- جوامع ستمگر ، در معرض گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و در خطر هدف قرار گرفتن سنگ های عذاب

و ما هي من الظلمين ببعيد

«هی» می تواند به قریه یا قریه هایی که از سیاق کلام برمی آید، باز گردد و می تواند به «حجاره» در آیه قبل ارجاع شود. معنای جمله «و ما هی ...» بنابر احتمال دوم چنین است: آن سنگهای کذایی دور از ستمگران نیست؛ یعنی، ستمگران در معرض عذابهایی اند و آن گونه سنگها برای آنان مهیاست.

5- بارش سنگ بر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 82 - 6

6- زیر و زبر کردن دیار قوم لوط و بارش سنگ بر آنان ، عذابی برخاسته از امر خداوند

فلما جاء أمرنا جعلنا عليها سافلها و أمطرنا عليها حجارة

مراد از «أمرنا» عذاب الهی است. تعبیر کردن از «عذاب» به «أمر» برای رساندن این معناست که: عذاب نازل شده ، برخاسته از امر و فرمان خداوند بوده است.

2- قوم لوط، هم زمان با زیر و رو شدن شهرشان، دچار بارش کلوخهایی از سنگ و گِل (سجّیل) شدند.

فجعلنا علیها سافلها و أمطرنا علیهم حجارة من سجّیل

«سجّیل» در لغت به معنای شیئی است که از سنگ و گِل مخلوط باشد و برخی از اهل لغت آن را «لفظی فارسی» و معرب «سنگ گِل» دانسته اند.

4- یکایک افراد قوم لوط، هدف کلوخهایی از سنگ و گِل شدند.

و أمطرنا عليهم حجاره من سجّيل

برداشت فوق از تعبیر «أمطرنا» استفاده گردیده است؛ یعنی، همان گونه که قطره های باران از آسمان به صورت پیاپی و با فاصله کوتاه در نقاط مختلف فرو می ریزد، فرود «سجّیل» هم به همین ترتیب فراگیر تمامی نقاط شهر شده و همه افراد را دربرگرفت.

6- تاریخ سنگ تراشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 82 - 3

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ینحتون من الجبال بیوتاً ءامنین

7- تبدیل بدن به سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 4,5

4- خداوند، قادر بر زنده ساختن مجدد انسان ها، حتی اگر به سنگ و آهن مبدل شوند.

قل کونوا حجاره أو حدیداً

5- امکان تبدیل شدن جسم انسان پس از مرگ به سنگ و آهن یا جسم سخت تر از آن *

قل کونوا حجاره أو حدیداً

با این احتمال که «کونوا حجاره ..» تحدی نباشد؛ بلکه بیانگر فرض محتمل و ممکن باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 1

1- تبدیل انسان به سخت ترین اجسام و ماده بسیار دور از حیات، پس از مرگ، مانع رستاخیز و حیات دوباره او نیست.

قل کونوا حجاره أو حدیداً. أو خلقاً ممّا یکبر فی صدورکم

8- تهدید به بارش سنگ

6- خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هی من الظلمین ببعید

واقع شدن جمله «و ما هی . . .» پس از مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) (عند ربک) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای «الظالمین» مشرکان و کافران عصر بعثت است.

ص: 465

9- جوشش آب از سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 6,8,15

6 - در پی فرود آمدن عصای موسی بر سنگ ، دوازده چشمه آب از آن جوشش کرد .

فانفجرت منه اثنتا عشرة عيناً

8 - هر یک از دوازده چشمه جوشیده از سنگ ، مخصوص طایفه ای از طوایف بنی اسرائیل بود .

قد علم كل أناس مشربهم

«مشرب» به آب آشامیدنی و نیز به جایگاهی که از آن آب بر می دارند گفته می شود و مقصود از آن در آیه، چشمه های جوشیده از سنگ است.

15 - داستان استسقای موسی (ع) و جوشیدن چشمه های آب از سنگ ، داستانی آموزنده و خاطره ای شایسته و بایسته به یاد داشتن

و إذ استسقى موسى لقومه . . . قد علم كل أناس مشربهم

عبارت «إذ استسقى» عطف بر «نعمتی» در آیه 47 است؛ یعنی: «أذكروا إذ استسقى موسى لقومه».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 5,6

5 - بیرون زدن و جاری شدن نهر های آب از برخی صخره ها ، شاهدی بر سختی قلب های سخت تر از سنگ بنی اسرائیل

أو أشد قسوه وإن من الحجارة لما يتفجر منه الأنهر

«تفجّر» (مصدر يتفجر) به معنای بیرون آمدن و جاری شدن است (اقتباس از مجمع البیان). جمله «إن من الحجارة» به منزله دلیل برای «أشد قسوه» می باشد. «لما» مرکب از لام تأکید و «ما» ی موصوله است و مراد از آن، سنگ می باشد. بنابراین «إن من الحجارة لما...»؛ یعنی، برخی از سنگها همانا سنگی است که ...

6 - شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

وإن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

«تَشَقَّق» (مصدر يشقق = يتشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که «شق» به شکاف ریز که به روشنی معلوم

نباشد، گفته می شود.

10- سقوط سنگ از آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 44 - 1

1 - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

وإن یروا کسفاً .. یقولوا سحاب مرکوم

ص: 466

11- سقوط سنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 7

7 - سقوط سنگ ها بر اثر هراس و خشیت از خدا ، نشانه افزونتر بودن سختی دل های بنی اسرائیل از پاره سنگهاست .

وإن منها لما يهبط من خشية الله

«من» در «من خشية الله» تعلیلیه است. «هبوط» (مصدر یهبط) به معنای افتادن و سقوط کردن است. بنابراین جمله «إن منها...»؛ یعنی، برخی سنگها همانا سنگی است که به علت ترس از خدا سقوط می کند.

12- سقوط شهاب سنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 1 - 53 - 4

4 - سوگند خداوند به شهاب سنگ ها ، هنگامی که سقوط می کنند . *

والنجم إذا هوی

برخی از مفسران «نجم» را - به قرینه «إذا هوی» (آن گاه که سقوط کند) - به معنای شهاب گرفته اند.

13- سنگ تراشی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 82 - 3

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 149 - 1

1 - ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تتحتون من الجبال بيوتاً فرهين

«نَحْت» (مصدر «تحتون») به معنای تراشیدن و «فراهه» (مصدر «فارهين») به معنای مهارت و استادی است؛ یعنی، و با مهارت برای خود خانه‌هایی از کوه‌ها می‌تراشید؟

14- سنگ‌های نازله از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 60 - 23

23 - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: «نزلت ثلاثه احجار من الجنة . . . و حجر بنی اسرائیل . . .»؛

ص: 467

سه سنگ از بهشت نازل گشته . . . یکی از آنها سنگی بود که در میان بنی اسرائیل بود [و به هنگام نیاز از آن آب بر می گرفتند] . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 125 - 27

27 - از امام باقر (ع) روایت شده: «نزلت ثلاثة أحجار من الجنة . . . و مقام إبراهيم . . .»

سه سنگ از بهشت فرود آمده . . . و از جمله آنها مقام ابراهیم است . . .».

15- شکافتن سنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 74 - 6

6 - شکاف برداشتن برخی سنگ ها و بیرون آمدن آب از آن ، نشانه سخت تر بودن قلب های بنی اسرائیل از سنگها

و این منها لما یشقق فیخرج منه الماء

«تَشَقَّقُ» (مصدر یشقق = یشقق) به معنای شکاف برداشتن است. برخی از اهل لغت برآنند که «شق» به شکاف ریز که به روشنی معلوم نباشد، گفته می شود.

16- نقش شهاب سنگ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 8 - 72 - 4

4 - نگهبانان و شهاب ها ، از هنگام نزول آیات قرآن ، مانع استراق سمع جن از آسمان شدند .

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مَلْتَ حَرَسًا شَدِيدًا وَشَهَابًا

آیه بعد (فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصداً)، قرینه است بر این که جنیان از استراق سمع از آسمان، از وقت نزول قرآن و استماع آن، منع شده بودند.

سنگ تراشی

17- تاریخ سنگ تراشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمين

ص: 468

18- سنگ تراشی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 82 - 3

3- وجود صنعت خانه سازی و سنگ تراشی در میان مردم حجر (قوم ثمود)

و كانوا ينحتون من الجبال بيوتاً آمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 149 - 1

1 - ثمودیان ، استاد در ساختن خانه در دل کوه با تراشیدن ماهرانه سنگ ها

و تنحتون من الجبال بيوتاً فرهين

«نَحَتْ» (مصدر «تنحتون») به معنای تراشیدن و «فراهه» (مصدر «فارهين») به معنای مهارت و استادی است؛ یعنی، و با مهارت برای

خود خانه هایی از کوه ها می تراشید؟

سنگباران

19- درخواست سنگباران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 32 - 1

1 - کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان

فروفرستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

سنگدلان

20- سرنوشت شوم سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 12

12 - سنگدلان غافل از خدا، دچار سرنوشتی دردآور

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر الله

واژه «ویل» برای تفجیع و تحسّر است و در جایی به کار می رود که حادثه دردآوری پیش آمده و یا در شرف وقوع باشد.

21- غفلت سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 12

ص: 469

12 - سنگدلان غافل از خدا، دچار سرنوشتی دردآور

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّٰه

واژه «ویل» برای تفجیع و تحسّر است و در جایی به کار می رود که حادثه دردآوری پیش آمده و یا در شرف وقوع باشد.

22- گمراهی سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 22 - 16

16 - کسانی که قلبشان دچار قساوت بوده و دلشان سخت می باشد، در گمراهی شدید و آشکاری به سر می برند .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّٰه أولئك فی ضلل مبین

آشکار بودن ضلالت سنگدلان، می تواند به خاطر شدید و بسیار بودن آن باشد؛ به گونه ای که این حقیقت برای همگان محرز و انکارناپذیر است.

23- محرومیت سنگدلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 23 - 19

19 - سنگدلان غافل از خدا، محروم از هدایت اند .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّٰه . . . و من یضلل اللّٰه فما له من هاد

مقصود از «من یضلل اللّٰه. . .» همان سنگدلان از خدا غافل هستند که در آیه قبل، از آن سخن به میان آمد (فویل للقاسیه قلوبهم من ذکر اللّٰه...).

ص: 470

30- سوء استفاده

1- آثار سوء استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 40

40 - کسانی که علم سحر را برای سوء استفاده و ضرر رسانی فراگیرند ، از مواهب آخرت محروم خواهند شد .

و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الآخره من خلق

ضمیر مفعولی در «اشتره» به «ما یضرهم و لاینفعهم» - که مراد آن سحرهای زیان آور است - بر می گردد.

2- زمینه سوء استفاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 1 - 9

9 - انفال و غنایم جنگی ، زمینه لغزش و ابتلای مردم به سوء استفاده و بی تقوایی است .

قل الأنفال لله و الرسول فاتقوا الله

هشدار خداوند با امر به تقوا پس از بیان حکم انفال، حاکی از برداشت فوق است.

3- زمینه سوء استفاده دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 25 - 10، 11

10 - کسانی که قرآن را اسطوره می خواندند ، با استفاده از جهل مردم ، آنان را به قرآن بدبین کرده و گمراهشان می ساختند .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا ... و من أوزار الذین یضللونهم بغير علم

این برداشت بر این اساس است که «بغیر علم» حال برای ضمیر مفعولی «یضللونهم» باشد.

11 - جهل و نادانی ، زمینه و بستری مناسب برای سوء استفاده دیگران

یضللونهم بغير علم

4- سوء استفاده از ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 62 - 3

3 - سوء استفاده منافقان از باور ها و اعتقادات مؤمنان و ارزش های مکتب اسلام

يحلِفون بالله لکم ليرضوکم

سوگند منافقان به خدا (يحلِفون بالله) - که در نزد مؤمنان دارای ارزش ویژه ای است - مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 2

2 - سوء استفاده منافقان از ارزش های مکتبی و باور های جامعه اسلامی

يحلِفون بالله ما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 95 - 3

3 - سوء استفاده منافقان از ارزش های معنوی ، به منظور پنهان کردن کردار زشت خویش

سِيحلِفون بالله لکم إذا انقلبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 12

12 - سوء استفاده منافقان از ارزش ها و مقدسات مؤمنان در جهت اهداف خائنانه خویش

اتخذوا مسجداً .. و ليحلِفن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 94 - 3

3- وسیله قرار دادن ارزش ها در راه دستیابی به اهداف ناشایست ، ممنوع است .

و لاتتخذوا أيمانكم دخلاً بينكم

برداشت فوق، با الغای خصوصیت از «ایمان» و تعمیم آن به همه ارزشها و مقدسات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 95 - 5

5- انسان، در معرض خطر دستاویز قرار دادن ارزش های معنوی برای دستیابی به مادیات

و لاتشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً

ص: 472

5- سوء استفاده از تقیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 29 - 5

5 - توجه به علم الهی نسبت به آشکار و نهان و قدرت مطلق او ، مانع سوء استفاده از تقیه

الآن تتقوا منهم تقیه ... قل ... والله علی کل شیء قدیر

6- سوء استفاده از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 44

44 - ممنوعیت سوء استفاده از تسهیلات حالت اضطرار

فمن اضطر فی محمصه غیر متجانف لائم فإنّ الله غفور رحیم

7- سوء استفاده از جادو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 19,20

19 - هاروت و ماروت ، پیش از تعلیم سحر به مردم ، ایشان را از به کارگیری نا به جای آن و سوء استفاده از آن ، بر حذر می داشتند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه فلا تکفر

20 - به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می کشاند .

إنما نحن فتنه فلا تکفر

8- سوء استفاده از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 231 - 11

11 - سوء استفاده از مقررات دین ، استهزای دین و آیات الهی است .

و لا تمسكوهنّ ضراراً .. و لا تتخذوا آيات الله هُزُواً

تمسک به قانون حق رجوع - که به مصلحت انسانها وضع شده -، برای اضرار به همسران، استهزای آیات و مقررات الهی قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 7 - 39، 11، 9

9 - امکان دستاویز قرار دادن حق در جهت باطل

ص: 473

فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ

11 - افراد منحرف (کج اندیش) ، دنبال کننده آیات متشابه ، به منظور ایجاد فتنه

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ

39 - گسترش کفر ، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ

امام صادق(ع): المراد بالفتنة هاهنا الكفر.

مجمع البيان، ج 2، ص 700؛ نورالثقلین، ج 1، ص 313، ح 17.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 78 - 6، 8، 2

2 - به کار بستن فرهنگ و زبان دین ، ابزاری برای تحریف آن

و انّ منهم لفریقاً یلون السننهم بالکتاب

6 - برخی از اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای فریب مردم ، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند .

و انّ منهم لفریقاً یلون السننهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب

8 - برخی اهل کتاب (عالمان آنان) نوشته های خود را به عنوان کتاب خدا به مردم ارائه می دادند .

و یقولون هو من عند الله و ما هو من عند الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 79 - 8، 17

8 - پیامبران ، هیچگاه از مقام خود و دین خدا ، سوء استفاده نکردند .

ما کان لبشر .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون الله

17 - ممنوعیت سوء استفاده از مقام و مناصب دینی ، برای دعوت مردم به خود

ما كان لبشر ان يؤتیه الله الكتاب . . ثم يقول للناس كونوا عباداً لی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 119 - 14

14 - سوء استفاده دشمنان دین از شعائر دینی ، برای اغفال مؤمنان

ها اتم اولاء تحبونکم و لا یحبونکم . . و اذا لقوکم قالوا امنا

بنابر اینکه محبت مؤمنان به کافران، معلول تظاهر آنان به ایمان (امنا) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 183 - 5

5 - مبارزات یهود علیه اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به نام دین و دینداری

انّ الله عهد الینا الا نؤمن لرسول حتّی یاتینا بقربان

چون یهود مدعی بودند با ایمان نیاوردن به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، به عهد الهی وفادار بوده و از دستورات خداوند پیروی کرده اند.

ص: 474

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 2

2 - سوء استفاده منافقان از ارزش های مکتبی و باور های جامعه اسلامی

يحلِفون بالله ما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 96 - 4

4 - سوء استفاده از دین و تعالیم آسمانی ، برای گمراه ساختن بنی اسرائیل و ترویج گوساله پرستی در بین آنان ، از جمله اعترافات سامری در نزد موسی (ع)

فبذتها

«بذ» در «بذتها»، ممکن است در معنای حقیقی آن؛ یعنی، دورافکندن آثار رسالت به کار رفته باشد و نیز ممکن است مجاز و به معنای سوء استفاده از تعالیم رسولان الهی باشد. براساس معنای دوم، سامری اعتراف می کند که با استفاده نابه جا از آموخته های خویش، آن را ضایع ساخته و نابود کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 14 - 7

7 - استفاده ابزاری از دین علیه دیانت حق ، از ترفند های منافقان است .

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

برقراری روابط دوستانه با پیروان دین یهود از سوی منافقان، بی تردید برای ضربه زدن به دین اسلام و پیروان آن بوده است. بنابراین منافقان با اظهار علاقه به دین یهود، درصدد نفی دین حق و اصل دینداری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 16 - 2

2 - استفاده ابزاری از ارزش های دینی علیه دین ، از شیوه های منافقان

اتّخذوا أيمنهم جنّه

برداشت یاد شده به این خاطر است که منافقان از سوگند - که در میان همه پیروان ادیان از ارزش ها به شمار می رود - در جهت سد کردن پیشرفت اسلام، بهره می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 4

4 - دفاع از عقاید مذهبی و شرک آمیز مردم، از حيله ها و نيرنگ های صاحبان زر و زور، برای مبارزه با دعوت توحيدى نوح (ع)

وقالوا لاتذرنا الهتكم ولاتذرنا ودا... و نسرًا

ص: 475

9- سوء استفاده از رحمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 75 - 6

6 - سوء استفاده کافران، از لطف و رحمت الهی در برطرف کردن گرفتاری های ایشان

و لو رحمناهم... للجوافی طغینهم یعمهون

10- سوء استفاده از ضعف مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 76 - 16

16 - سوء استفاده عالمان یهود، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح الله علیکم لیحاجوكم به عند ربکم

11- سوء استفاده از عقیده قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 3

3 - سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح (ع)

وقالوا لاتذرنا الهتکم و لاتذرنا ودا... و نسرًا

توصیه مؤکد صاحبان زر و زور به مردم عادی، درباره حفظ عقاید مذهبی خود - با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند - بیانگر حقیقت یاد شده است.

12- سوء استفاده از علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 44 - 11

11 - سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الى الذين . . ان تضلوا السبيل

13- سوء استفاده از علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 113 - 4,5

4 - فرعون در تلاش برای بهره گیری از عالمان عصر خویش در مبارزه با موسی (ع)

ص: 476

و جاء السحرة فرعون

5- بهره گیری حکومت های باطل از عالمان ، برای مقابله با حق

و جاء السحرة فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- اعراف - 7 - 114 - 3

3- تجلیل حاکمان ستمگر از عالمان ستیزه جو با حق تا حد مقرب ساختن آنان به درگاه خویش

قال نعم وإنکم لمن المقربین

14- سوء استفاده از علوم غریبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بقره - 2 - 102 - 21

21- تعلیم دهندگان علوم غریبه ، باید ضرر های آن علوم را به متعلمان گوشزد کرده و آنان را از سوء استفاده بر حذر دارند .

و ما یعلمان من أحد حتی یقولوا إنما نحن فتنه فلا تکفر

15- سوء استفاده از عهد با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 95 - 1

1- سوداگری با عهد و پیمان الهی و زیر پا نهادن آن در برابر بهای ناچیز دنیوی ، ممنوع و گناهی نابخشودنی است .

و لاتتخذوا أیمانکم دخلاً... و لکم عذاب عظیم . و لاتتثروا بعهد الله ثمناً قليلاً

ممنوعیت سوداگری با عهد و پیمان الهی ، از نهی «لاتتثروا» و بزرگ بودن گناه آن ، از ذیل آیه قبل (و لکم عذاب عظیم) - که به عذاب بزرگ تهدید شدند - استفاده می شود.

16- سوء استفاده از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - سوء استفاده منحرفین از قرآن ، در جهت ایجاد فتنه

فأما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

ص: 477

17- سوء استفاده از کمبود ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 47 - 5

5 - سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللكم بیغونکم الفتنة

18- سوء استفاده از مقدسات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 204 - 9،10

9 - قَسَم و شاهد گرفتن خداوند ، دستاویز منافقان برای اثبات اظهاراتِ خود

و يُشَهِدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ

10 - بهره گیری منافقان از باور ها و مقدّسات مؤمنان ، برای رسیدن به اغراض خویش

و يُشَهِدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ

قسم به خداوند که از مقدّسات مسلمین است، دستاویز برخی از مردم برای قبولاندن عقاید بی پایه خویش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 62 - 8

8 - سوء استفاده منافقان از مقدّسات

يُحْلِفُونَ بِاللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 148 - 15

15 - توجه به علم و آگاهی خداوند ، مانع سوء استفاده انسان ، از خصلت های الهی به مظلومان در بدگویی ظالمان

لايحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم و كان الله سمياً عليماً

جمله «كان الله...»، می تواند هشدارى به مظلومان باشد که مبدا از حکم الهی سوء استفاده کنند و در بدگویی و غیبت ظالم از حد تجاوز نمایند و یا هشدار به کسانی باشد که مظلوم نیستند و به بهانه این که مظلومند، علیه بی گناهی افشاگری کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 3

3 - سوگند دروغ، شیوه ای شیطانی در فریب دادن دیگران

وقاسمهما إني لكما لمن الناصحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 169 - 8

ص: 478

8 - یهودیان دنیاگرا به بهانه مغفرتی تضمین شده از جانب خدا ، از فرمان های وی سرپیچی می کردند و مرتکب گناه می شدند .

يَاخِذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 12

12 - سوء استفاده منافقان از ارزش ها و مقدسات مؤمنان در جهت اهداف خائنانه خویش

اتَّخِذُوا مَسْجِدًا... و لِيَحْلِفْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 2 - 2

2 - استفاده ابزاری از ارزش ها و مقدسات ، شیوه منافقان است .

اتَّخِذُوا أَيْمَنَهُمْ جُنَّةً

19- سوء استفاده از موقعیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 44 - 11

11 - سوء استفاده علمای یهود و دانشمندان اهل کتاب از علم و مقام خویش برای گمراهی مسلمانان

الم تر الى الذين... ان تضلوا السبيل

20- سوء استفاده از مهربانی محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 4

4 - سوء استفاده منافقان از عطوفت و سعه صدر پیامبر (صلی الله علیه و آله) (گوش فرادادن آن حضرت به سخنان مردم)

الذين يؤذون النبي و يقولون هو أذن

21- سوء استفاده از هنر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 14

14 - شیاطین انس و جن از هنر و تبلیغات فریبنده برای فریب دادن مردم و مبارزه با انبیا بهره می برند.

یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غرورا

«زخرف القول» به کلام آراسته شده می گویند که از مصادیق هنر است و می توان گفت که این مورد به عنوان نمونه ذکر

ص: 479

شده است. گفتنی است «غرورا» در برداشت فوق مفعول له واقع شده است.

22- سوء استفاده اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 5

5- فرعون و اطرافیانش، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم، استفاده می کردند.

إنك ءاتيت فرعون و ملأه زينه و أموالا فی الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك

23- سوء استفاده اغواگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 33 - 19,20

19 - رحمانیت خدا، مورد سوء استفاده اغواکنندگان، در غافل ساختن انسان از قیامت و کیفر اعمال است.

و لا یغرتکم بالله الغرور

«باء» در «بالله» سببی است و مراد از آن، این است که شیطان و یا هر موجود فریبنده ای، به وسیله ذکر خدا و برخی از اوصاف او، همانند رحمانیت و یا غفاریت، چه بسا انسان را مغرور کند.

20 - ممکن است که عوامل و سوسه کننده، از ارزش های معنوی، برای رسیدن به اهداف خویش، استفاده کنند.

و لا یغرتکم بالله الغرور

24- سوء استفاده ثروتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 23 - 3

3 - سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح (ع)

وقالوا لاتدرنّ ءالہتکم و لاتدرنّ وداً . . . و نسرّاً

توصیه مؤکد صاحبان زر و زور به مردم عادی، درباره حفظ عقاید مذهبی خود - با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند - بیانگر حقیقت یاد شده است.

25- سوء استفادہ دشمنان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 104 - 4

ص: 480

4- ضرورت پرهیز از گفتار و اعمالی که سوء استفاده دشمنان را در پی داشته باشد .

لا تقولوا رعنا و قولوا انظرنا

26- سوء استفاده شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 21 - 4

4- سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إني لكما لمن الناصحين

27- سوء استفاده علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- بقره - 2 - 76 - 16

16- سوء استفاده عالمان یهود ، از ضعف بینش های دینی و اعتقادی مردم خویش

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم

28- سوء استفاده فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 88 - 5

5- فرعون و اطرافیانش ، از ثروت و امکانات عظیم اقتصادی خود در جهت مبارزه با دین خدا و گمراه کردن مردم ، استفاده می کردند .

إنك آتيت فرعون و ملاء زينه و أمولا في الحيوه الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك

29- سوء استفاده قدرتمندان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19- نوح - 71 - 23 - 3

3- سوء استفاده صاحبان زر و زور و تزویر ، از عقاید مذهبی مردم در عصر حضرت نوح (ع)

وقالوا لاتذرنّ ءالهتكم و لاتذرنّ وداً . . . و نسرّاً

توصیه مؤکد صاحبان زر و زور به مردم عادی، درباره عقاید مذهبی خود - با آن که خود آنان جز به مال و منال خویش نمی اندیشند - بیانگر حقیقت یاد شده است.

ص: 481

30- سوء استفاده منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 47 - 5

5- سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللکم بیغونکم الفتنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 61 - 4

4- سوء استفاده منافقان از عطوفت و سعه صدر پیامبر (صلی الله علیه و آله) (گوش فرادادن آن حضرت به سخنان مردم)

الذین یؤذون النبی و یقولون هو أذن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 62 - 3

3- سوء استفاده منافقان از باور ها و اعتقادات مؤمنان و ارزش های مکتب اسلام

یحلفون بالله لکم لیرضوکم

سوگند منافقان به خدا (یحلفون بالله) - که در نزد مؤمنان دارای ارزش ویژه ای است - مفید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 74 - 2

2- سوء استفاده منافقان از ارزش های مکتبی و باور های جامعه اسلامی

یحلفون بالله ما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 95 - 3

3- سوء استفاده منافقان از ارزش های معنوی ، به منظور پنهان کردن کردار زشت خویش

سيحلفون بالله لكم إذا انقلبتم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 107 - 12

12 - سوء استفاده منافقان از ارزش ها و مقدسات مؤمنان در جهت اهداف خائنانه خویش

اتخذوا مسجداً .. وليحلفن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - مجادله - 58 - 14 - 7

7 - استفاده ابزاری از دین علیه دیانت حق ، از ترفند های منافقان است .

ص: 482

ألم تر إلى الذين تولّوا قوماً غضب الله عليهم

برقراری روابط دوستانه با پیروان دین یهود از سوی منافقان، بی تردید برای ضربه زدن به دین اسلام و پیروان آن بوده است. بنابراین منافقان با اظهار علاقه به دین یهود، درصدد نفی دین حق و اصل دینداری بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 16 - 2

2 - استفاده ابزاری از ارزش های دینی علیه دین ، از شیوه های منافقان

اتخذوا أيمانهم جنة

برداشت یاد شده به این خاطر است که منافقان از سوگند - که در میان همه پیروان ادیان از ارزش ها به شمار می رود - در جهت سد کردن پیشرفت اسلام، بهره می گرفتند.

سوء الحساب

31- مراد از سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 18 - 13

13- « فی مجمع البیان فی قوله : « أولئك لهم سوء الحساب » . . . هو أن لا يقبل لهم حسنه ولا يغفر لهم سيئه . . . روی ذلك عن أبي عبدالله (ع) ;

در مجمع البیان درباره سخن خدا: «أولئك لهم سوء الحساب» .. از امام صادق(ع) روایت شده: مراد از «سوء الحساب» این است که هیچ حسنه ای از آنان پذیرفته نمی شود و هیچ گناهی از آنان آمرزیده نمی گردد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 21 - 13

13- « عن أبي عبدالله (ع) فی قوله : « و يخافون سوء الحساب » قال : الإستقصاء والمداqqه وقال : يحسب عليهم السيئات و لا يحسب لهم الحسنات ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: «و يخافون سوء الحساب» روایت شده است که فرمود: [سوء الحساب] حسابرسی دقیق و دقت در بررسی اعمال است و [همچنین] فرمود: کارهای بد آنان علیه ایشان محاسبه می شود و کارهای نیکشان به سود آنان به حساب نمی آید».

32- آثار سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 77 - 6

6- تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه ، زمینه های نزول عذاب الهی و هلاکت

الذین کذبوا بآیاتنا إنهم كانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

ص: 483

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 6

6- سوء سابقه افراد ، کافی در لزوم احتیاط و باور نکردن به قول و قرار ایشان

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی آخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 73 - 8

8- سوء پیشینه افراد ، مجوز بازداشت و بازجویی آنان به مجرد سوء ظن به ایشان

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 112 - 2

2 - گذشته نادرست افراد ، مانع از گرایش آنان به صلاح و پذیرش ایمان نیست .

واتبعک الأذلون . قال و ما علمی بما کانوا یعملون

مراد از «ما کانوا یعملون» - به قرینه «الأذلون» و نیز آیه بعد - کردار ناصواب است؛ نه صرفاً مشاغل پایین اجتماعی؛ زیرا اگر مراد صرف مشاغل بود، گناهی متوجه آنان نبود که محاسبه آن برعهده خدا باشد.

33- سوء پیشینه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 74 - 10

10- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف ، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و نپذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تعمل الخبیث إنهم کانوا قوم سوء فسقین

جمله «إنهم کانوا..» به منزله تعلیل برای جمله «تعمل الخبیث» می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبیث و ناپاکی ها گردید. گفتنی است فعل «کانوا» - که مفید استقرار وصف است - بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

34- سوء پیشینه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 77 - 4,5

4- سابقه زشت کاری قوم نوح ، زمینه ساز تکذیب آیات الهی از سوی آنان بود .

الذین کذبوا بآیتنا إثمهم کانوا قوم سوء

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «إثمهم کانوا..» در مقام تعلیل برای جمله پیشین باشد. گفتنی است فعل

ص: 484

«کانوا» - که مفید استقرار وصف است - بیانگر دوام وصف سوء در میان قوم نوح است و از آن جایی که فعل ماضی است، از آن به سوء سابقه تعبیر شده است.

5- خداوند، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب آیات الهی، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد.

الذین کذبوا بآئتنا إناهم كانوا قوم سوء فأغرقناهم أجمعين

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله «إناهم كانوا..» ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله «فأغرقناهم...» نیز باشد.

35- عفو از سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 12 - 19

19 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به پذیرش بیعت متعهدان به شرایط ایمان، با وجود پیشینه ناشایست آنان

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ... فَبَايَعَهُنَّ وَاسْتَغْفَرَ لَهُنَّ اللَّهُ

از سیاق آیه و شرایط تاریخ نزول آن، استفاده می شود که برخی از زنان بیعت کننده، خطاهایی در گذشته داشته اند که چه بسا پذیرش بیعت آنان دشوار می نموده است؛ ولی خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمان داده تا بیعت ایشان را بپذیرد و برای آنان طلب آمرزش کند.

سوء ظن

36- آثار سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 14، 11، 9

9- رواج بدگمانی در جامعه مؤمنان، تهدیدی برای اخوت ایمانی آنان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ

با توجه به ارتباط این آیه با آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

11- بدگمانی به مؤمنان، زمینه کشیده شدن انسان به تجسس و کنجکاوی های ممنوع

اجتنبوا كثيراً من الظنّ . . . ولا تجسسوا

14 - بدگمانی و تجسس، زمینه کشیده شدن انسان به غیبت

اجتنبوا كثيراً من الظنّ . . . ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضاً

بنابراین که ترتیب لفظی بخش های آیه، بیانگر ترتیب حقیقی و رتبی آنها باشد، برداشت بالا به دست می آید.

37- اجتناب از سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 7، 2

ص: 485

2- لزوم حاکمیت روح خوشبینی، در زندگی اجتماعی مؤمنان و پرهیز از بدگمانی و شک

اجتنبوا کثیراً من الظنّ

7- مرتب شدن گناه بر بعضی از گمان ها، مقتضی اجتناب هر چه بیشتر انسان از بدگمانی به مؤمنان

اجتنبوا کثیراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ اثم

با توجه به این که «إنّ بعض الظنّ...» در مقام تعلیل برای «اجتنبوا...» است، برداشت بالا به دست می آید.

38- توبه از سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 24، 21

21- بدگمانی، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان، بی تقوایی، گناه و نیازمند توبه است.

اجتنبوا کثیراً من الظنّ... و لاتجسسوا و لایعتب بعضکم بعضاً... و اتقوا الله

24- بدگمانی، تجسّس و غیبت نسبت به مؤمنان، قابل جبران با توبه به درگاه خداوند *

اجتنبوا کثیراً من الظنّ... و لاتجسسوا و لایعتب بعضکم بعضاً... إنّ الله توّا

با توجه به این که در آیه شریفه، از مؤمنان خواسته شده تا به جبران خطاها اقدام کنند و به توبه رو آورند. (إنّ الله توّاب رحیم)، برداشت بالا استفاده می شود.

39- سوء ظن به همسر محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 12 - 1

1 - خداوند، مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و موضع گیری تردیدآمیز نسبت به شایعه «افک» و رد نکردن صریح آن، مورد سرزنش قرار داد.

إنّ الذین جاءو بالإفک... لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خیراً

40- سوء ظن قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18- تردید قوم نوح، عاد و ثمود به دعوت انبیای خویش، توأم با بدبینی بود.

إنا لفي شكّ ممّا تدعوننا إليه مريب

ذکر «مریب» پس از «شکّ» اگر چه برای تأکید آن است، اما بین آن دو تفاوتی وجود دارد و آن این است که: در «ریب» شک توأم با بدبینی است (فروق اللغویه).

ص: 486

41- سوء ظن منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 6 - 9

9- رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنْفِقِينَ وَ ... الظَّالِمِينَ بِاللَّ

چنانچه «و یعذب..» عطف بر «لیغفر لک...» باشد؛ آیه شریفه می تواند بیانگر این مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

42- گناه سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 21، 5

5- بعضی از گمان ها ، حتی در صورت منتهی نشدن به عمل ، گناه به شمار می آید . *

إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

حصول گمان در ذهن انسان، معمولاً در اختیار وی نیست. بر این اساس مفسران نهی از ظن را، نهی از عمل بر طبق ظن دانسته اند که امری اختیاری است. با این حال احتمال می رود که در آیه شریفه چیزی مقدر نباشد و واقعاً بعضی از گمان های بد - حتی با منتهی نشدن به عمل - گناه به شمار آید.

21- بدگمانی ، تجسس و غیبت نسبت به مؤمنان ، بی تقوایی ، گناه و نیازمند توبه است .

اجتنبوا كثيراً من الظنّ . . . و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً ... و اتقوا الله

43- موانع سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 20

20- تقوای الهی ، مستلزم پرهیز از بدگمانی و تجسس و غیبت نسبت به مؤمنان

اجتنبوا كثيراً من الظنّ . . . و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً ... و اتقوا الله

44- نهی از سوء ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 12 - 1

1 - بسیاری از بدگمانی های مؤمنان نسبت به یکدیگر ، نادرست و مورد نهی الهی است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ

واژه «الظنّ» مطلق گمان های نیک و بد را شامل می شود؛ اما نهی «اجتنبوا» می رساند که مراد از آن بدگمانی نسبت به مؤمنان است؛ زیرا این بدگمانی ها در بیشتر مواقع نادرست می باشد.

ص: 487

31- سوارکاری

1- آداب سوارکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 33 - 5

5- نوازش اسب های نجیب و تیزرو، پس از استفاده از آنها، کاری پسندیده و شایسته است.

رَدَّوْهَا عَلَيَّ فَطْفِقْ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

2- سوارکاری حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 138 - 4،7

4- مشرکان عصر جاهلیت سوار شدن بر برخی از چهارپایان را حرام می دانستند.

وَأَنْعَمَ حَرَمْتَ ظُهُورَهَا

7- وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ

ص: 488

1- اهمیت تشخیص سود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 103 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور توجه دادن مردم به ضرورت شناخت سود و زیان واقعی شان بود .

قل هل ننبئکم بالأخسرین أعملاً

2- سود تجارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 20

20 - روزی و سود در تجارت ، به دست خداوند است . *

یبتغون فضلاً من ربهم

«من» نشویه در «من ربهم» بیانگر آن است که روزیها از جانب خداوند است.

3- عالم به سود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 103 - 3

3- خداوند به دلیل حاکمیت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ ... هل ننبئکم بالأخسرین أعملاً

خداوند پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است؛ چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 11، 13، 8، 6، 5، 4

4 - کسی جز خداوند قادر بر نفع و زیان رسانی نیست .

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

5 - مسیح (ع) و مادرش مریم ، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند .

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

6 - تنها کسی شایسته پرستش است که زمام زیان و نفع مردم به دست اوست .

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

8 - شرک و پرستش غیر خدا ، برخاسته از ناآگاهی به مالک حقیقی سود و زیان و سرچشمه قدرت در هستی

اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

11 - تنها خداوند ، شنوای درخواست ها و آگاه به سود و زیان انسانهاست .

ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً والله هو السميع العليم

13 - شنوایی و دانایی مطلق ، شرط توانایی بر سود و زیان رسانی به مردم

ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً والله هو السميع العليم

به نظر می رسد جمله «والله...» برهانی است بر دو حقیقتی که در فراز قبل بیان شد، یکی توان خداوند به ضرر و نفع رسانی و دیگر، ناتوانی غیر خدا بر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 66 - 3

3- نفع و ضرر آدمی ، در انحصار خداوند است .

أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئاً ولا يضركم

بیان این حقیقت که معبودها هیچ سود و زینانی به حال انسان‌ها ندارند، می‌تواند اشاره و تعریضی به این نکته باشد که سود و زیان تنها در دست خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 12 - 2

2 - سود و زیان آدمیان، تنها در دست خداوند است.

یدعوا من دون الله ما لا یضره و ما لا ینفعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 10، 7

7 - قدرت گسترده و اراده مطلق خداوند، در رساندن سود و زیان و رحمت و نعمت به انسان‌ها

قل أفرء یتم . . . إن أرادنی الله بضرّ هل هنّ کشفّت ضرّه أو أرادنی برحمه هل هنّ م

10 - تنها حقیقتی که نفع و زیان انسان‌ها به دست او است، شایسته حاجت‌خواهی و یاری‌جستن از او است.

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنّ الله . . . أو أرادنی برحمه هل هنّ مم

ذکر خالقیت خدا، پیش از طرح مسأله ناتوانی معبودها از سود رسانی و یا بر طرف کردن گزند از انسان‌ها، می‌تواند گویای

ص: 490

این حقیقت باشد که توانایی بر انجام چنین کاری، تنها از عهده خدا برمی آید و هر کس چنین باشد، شایسته حاجت بردن به درگاه او است؛ نه معبودهای ناتوان مشرکان.

سود و زیان

5- {سود و زیان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 219 - 5، 10، 12

5 - شراب و قمار، دارای زیانی بزرگ و منافی اندک

قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس

کلمه «اِثم»، به قرینه مقابل آن (منافع)، می تواند به معنای زیان باشد.

10 - سود و زیان واقعی مردم، از ملاک های تشریح احکام

فیهما اثم کبیر و منافع للناس

12 - امکان وجود نفع، در محرّمات الهی

عن الخمر و المیسر... و منافع للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 221 - 20

20 - اولویّت دفع مفسده بر جلب منفعت *

اولئک یدعون الی النار و اللّٰه یدعوا الی الجنّه و المغفره

در ازدواج مؤمن با مشرک اگر چه احتمال ایمان آوردن مشرک و به دست آوردن ثواب عظیم ارشاد و هدایت کافر هست (منفعت)؛ اما خطر ارتداد مؤمن نیز هست (مفسده). و خداوند با نهی از ازدواج با مشرک، دفع مفسده را بر جلب منفعت اولویّت داده است.

سودجویی

6- آثار سودجویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 154 - 8

8- دنیاطلبی و خودگزینی آدمی ، موجب محرومیت وی از موهبت آرامش روحی

ثم انزل ... یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهتمتہم انفسہم

7- سوجوبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 491

6 - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در راه خداوند و کار های خیر

من ذا الذی یقرض اللّٰه .. فیضاعفه له اضعافاً کثیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 32

32 - بهره برداری از سرشت سودجویی انسان ، از روش های قرآن برای ترغیب به انجام تکالیف

قل متاع الدنیا قلیل و الاخره خیر لمن اتقى

8- سودجویی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 113 - 8

8 - سودجویی ، از انگیزه های ساحران برای مبارزه با موسی (ع)

قالوا ان لنا لأجراً ان كنا نحن الغلبین

9- سودجویی در مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 11، 9

9 - مسلمانان در پیکار احد متشکل از دو جناح ، خداجویان آخرت طلب و خودگزینان دنیاخواه بودند .

یغشی طائفه منکم و طائفه قد اهتمتهم انفسهم

11 - بینش جاهلی مسلمانان احد نسبت به خداوند ، برانگیزنده حس خودگزینی و دنیاطلبی در وجود ایشان

و طائفه قد اهتمتهم .. یظنون باللّٰه غیر الحقّ ظنّ الجاهلیّه

به نظر می رسد جمله «یظنون باللّٰه ..» ، به منزله علّتی باشد برای جمله «و طائفه قد اهتمتهم انفسهم».

10- سودجویی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 58 - 9

9 - منافقان ، انسانهایی سودجو ، خودبین و بی انصاف

و منهم من يلمزك في الصدقات .. . وإن لم يعطوا منها إذا هم يسخطون

ص: 492

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

